

با شهر و منطقه در ایران

اسماعیل شیعه

عضو هیأت علمی دانشکده معماری و شهرسازی



بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

با شهر و منطقه در ایران

تالیف: دکتر اسماعیل شیعه

سرشناسه	: شیعه، اسماعیل، ۱۳۲۸-
عنوان و پدیدآور	: با شهر و منطقه در ایران/ نوشته اسماعیل شیعه.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: و، ۲۷۹ ص.: مصور، نقشه، جدول، نمودار.
فروست	: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران؛ شماره ۲۶۱
شابک	:۱۴۰۰۰ ریال ۷-۰۸۶-۴۵۴-۹۶۴-۹۷۸؛ ۲۳۰۰۰ ریال؛ چاپ سوم
یادداشت	: پشت جلد به انگلیسی: **Esmaeil shieh. City and region in Iran.**
یادداشت	: چاپ پنجم: ۱۳۸۷.
یادداشت	: چاپ ششم ۱۳۸۸. (فیپا).
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۶۹-۲۷۹.
موضوع	: شهرسازی- ایران- طرح و برنامه ریزی.
موضوع	: عمران شهری- ایران.
موضوع	: شهرها و شهرستانها- ایران- تاریخ.
شناسه افزوده	: دانشگاه علم و صنعت ایران. مرکز انتشارات.
رده بندی کنگره	: ۹ ش ۱ آ/ NA ۹۲۴۷
رده بندی دیویی	: ۷۱۱/۴۰۹۵۵
شماره کتابخانه ملی	: ۱۵۹۹-۷۸ م



- مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران-تهران-نارمک صندوق پستی ۱۶۳-۱۶۷۶۵
  تلفن: ۷۷۲۴۰۴۲۵- دورنویس: ۷۷۲۴۰۴۲۵
- فروشگاه شمارهٔ ۱: میدان انقلاب- خیابان شهید منیری جاوید (اردیبهشت)- پلاک ۱۸۲
  تلفن: ۶۶۴۶۶۹۰۰
- فروشگاه شمارهٔ۲: روبروی دانشگاه تهران ، برج فروزنده طبقه دوم شماره ۴۰۱
  تلفن: ۵۰-۶۶۹۵۳۳۴۹

وب سایت: Publication.iust.ac.ir

نام کتاب: با شهر و منطقه در ایران

تألیف: دکتر اسماعیل شیعه

چاپ ششم: ۱۳۸۸

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۹۰۰۰ ریال

شمارهٔ انتشارات: ۲۶۱

حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران

شابک: ۷-۰۸۶-۴۵۴-۹۶۴-۹۷۸ **ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۴۵۴-۰۸۶-۷**

به پدرم «ابراهیم»:

دنیا همه پند و عبرت و تعلیم است
خوش آنکه در این سرا به حق تسلیم است
این نامه که از بهر وطن شد مکتوب
تقدیم به روح شاد «ابراهیم» است

ای ز ازل تا به ابد ماندگار
ای زتو افلاك شـده بر قرار
نام تو را زینت دفتر کنم
شکر تو را نیز هزاران هزار
(ا. ش)

مقدمه :

در طول تاریخ تمدن بشری، ایران نقش بس مهمی در عرصه های اجتماعی و فرهنگی ، علمی و فلسفی، تاریخی و حماسی، فنی و هنری و ادبی ایفا نموده است. این کشور در عمران شهری و منطقه ای با توجه به عملکرد مفید آن به منظور بهبود شرایط زیست دارای سابقه طولانی می باشد. ایجاد قنات ، حفرمجاری آب و آبیاری ، ایجاد بازار، بسط شبکه های ارتباطی، ایجاد بندو سد بر رودخانه ها ، ایجاد شهرها و روستاها، از آنجمله است. ازدیدگاه دیگر، ایرانیان نوع معیشت و نحوهٔ زندگی خود رابرشرایط محیط استوار ساخته اند. ساختار کالبدی شهر و روستا و وجود سازمانهای شهری و روستایی و ایلی گواه بر این مدعاست. آثار باقیمانده از زندگی شهری نسلهای گذشته، به نسبت شرایط زمان، با مفاهیم علمی شهری ومحله ای در دنیای امروز قابل مقایسه است.

هدف از بیان این مقدمه بیان تاریخ نیست. ولی به مصداق گفتهٔ « گذشته چراغ راه آینده است » و همچنین بیان شیوای پیامبر گرامی اسلام(ص) که " هرکس خود را شناخت به یقین خدای خود را شناخت [1]" این مختصر دربارهٔ شناخت خود و سرزمین خود لازم می آید[2].

شهرسازی امروز ،دامنهٔ بسیار گسترده ای دارد. فنون و روشهای این دانش ، به طور روزمره و توأم با پیشرفت های علمی و فنی، در تغییر و تکامل است. دراین رهگذر ، کشور ما نیز به عنوان یک کشور درحال توسعه (ولی همراه با پیشینهٔ غنی فرهنگی و علمی و تاریخی که جدا کنندهٔ این

۱ـ مَن عَرَفَ نَفسَه فَقَد عَرَفَ رَبّه • بحار الانوار – ج ۲– ص ۳۲ (این جمله در غررالحکم از امام علی (ع) نیز روایت شده است).

۲ـبرای اطلاع بیشتر به مراجع زیر مراجعه شود:
- مهدی فرشاد - تاریخ علم در ایران - امیرکبیر - تهران -۱۳۶۵ .
-مهدی فرشاد - تاریخ مهندسی در ایران - بنیاد نیشابور- ۱۳۶۲ .
- مرتضی مطهری - خدمات متقابل اسلام و ایران - صدرا - ۱۳۵۷ .
-مارگیولیوث - مقام ایران در تاریخ اسلام - ترجمه رشید یاسمی - ابن سینا -تهران - ۱۳۲۱ .

کشور از بسیاری از کشورهای در حال توسعه است)، درمرحله انتقال دانش فنی و به کارگیری روشهایی درجهت بهبود شرایط زیست شهری و منطقه ای است. دراین زمینه گامهای مهمی در قالب انواع طرحها و برنامه ها برداشته شده و با صرف هزینه زیاد، برنامه ریزی های مستمر، تالیف کتب، انجام پژوهش و تشکیل گردهمایی ها، در جهت بهبود روش اجرایی طرحها و برنامه ها نیز تلاش فراوانی صورت گرفته است. شک نیست که دراین زمینه ها مهمترین گام شناخت آن مواردی است که عرصه را در جهت ارائه طرحها و برنامه ها آماده می سازد. مرحله شناخت به معنای آشنایی بیشتر علمی و فنی و ارتقاء سطح آگاهی متخصصان و دست اندرکاران از شرایط محیط، امکانات و محدودیتهای توسعه و بالاخره آگاهی از تجربه دیگران است.

کتاب حاضر، تلاشی مختصر در تبیین مرحلهٔ شناخت است. دراینکه با نگارش مطالب مطرح شده، این وظیفه به انجام رسیده، ادعایی نیست. تلاش آن بوده که گامهایی در راه آن برداشته شود.

ممکن است برای مطالعه کنندگان، در تفاوت موضوعی بین فصول و بخشهای مختلف کتاب، این پرسش مطرح شود که از چه روی مطالب ارائه شده که هریک مجال جداگانه ای را می طلبد، در قالب یک مجموعه عرضه شده است. برای این موارد دلایلی وجود داشته است. اگر معنای «تالیف» فراهم آوردن، انس و الفت دادن ومتصل کردن کلمات وجملات با یکدیگر باشد، این مهم در دمساز کردن و مرتبط ساختن فصلها و بخشهای مختلف کتاب نیز ملحوظ شده است. شهرسازی وشهرنشینی در کشور، در طول چند دهه گذشته با تحولاتی روبه رو بوده که بر وفق وجوه مشترك خود با مقیاس جهانی، شهرها ومناطق کشور را با چند مشکل اساسی رودر رو ساخته است. بروز مسایل زیست محیطی، درمعرض تهدید قرارگرفتن بافتهای کهن ونظام سنتی سکونت شهری و منطقه ای و گسسته بودن غالب بافتهای جدید با شالوده های محیطی، همراه با افزایش جمعیت، مشکلات پیش روی شهرسازی کشور می باشد. بنابراین حلقه پیوندی بین شناخت مسایل محیطی وزیست محیطی، سنت شهرنشینی وشهرسازی وارزیابی مختصر اقدامات انجام شده و درحال انجام لازم می آید، که در این کتاب به طور عمومی نکاتی از آنها مطرح شده است. عنوان کتاب «با شهر ومنطقه در ایران» از آن جهت انتخاب شده که در پیوند با مسایل، طراحی و برنامه ریزی شهری را با تعمق بیشتری در شناخت زمینه ها و ویژگیهای محیطی همراه سازد. مسایل موجود شهرسازی کشور، درچهارچوب زمینه های مطرح شده دارای وجوه مشترك است. این وجوه مشترك، آشنایی بیشتر با شهر ومنطقه در ایران را مورد تاکید قرارمی دهد. آنچه که در شرایط محیطی ایران و تمدن تاریخی آن جلوه گر می باشد، در مقابل آنچه که در ساختار شهری و منطقه ای کشور در طول یک سده گذشته و بویژه چند دهه اخیر اتفاق افتاده

است، وجه مشترك مطالب کتاب را به وجود می آورد. در همین جهت، ارتباط تمام موارد فوق با شرایط وامکانات محیطی (به مفهوم عام) به عنوان تکمله ای برآنچه که باید همگام با پیشرفت علم و دانش در شهرها ومناطق ایران صورت پذیرد، درحد توان نویسنده، نقطه تمرکز این کتاب قرار می گیرد. باید از دستاوردهای علم و فن آوری استفاده کرد و در همان راه از اتکای به خودنیز غافل نبود. درجهت استفاده از فن آوری، به گونه ای دانشمدارانه باید همه چیز را به نحوی منطقی در ارتباط باهم قرار داد. باید محیط طبیعی و سرشت انسانی و آنچه که در عالم آفرینش خداوندی رابطه انسان و محیط را به نحو مطلوب تری برقرار کند، مبنا و محور کار باشد.

جز حکم حقی که حکم را شاید نیست — حکمی که زحکم حق فزون آید، نیست
هرچیز که هست، آنچنان می باید — آن چیز که آنچنان نمی باید، نیست
(خواجه نصیرالدّین طوسی ۵۹۷-۶۷۲ هجری)

بنابراین، درمقوله شهرسازی باید با محیط بر مبنای آنچه هست به کار پرداخت وبافتهای شهری را درارتباط با آن قرار داد. دراین رهگذر است که به هویت ها و شناسه های شهری کشور بهای بیشتری داده خواهد شد. دانش فنی زمان و فرآورده های روبه گسترش جدید نیز باید درهمین راه مورد استفاده قرار گیرد. باید ازیک سوی به دانش فنی روز مجهز بود واز سوی دیگر ازهویت خویش غافل نشد.

در پاره ای از مطالب کتاب بنابر ماهیت میان رشته ای انضباط شهرسازی ، به درج مطالبی که توضیح دربارهٔ آنها بر عهدهٔ صاحبان حرفه های تخصصی است، پرداخته شده است. ضمن کسب اجازه از متخصصان وارج نهادن به حوزهٔ تخصصی آنان ، این کار ناگزیر به خاطر تاثیر حوزه مطالعاتی این تخصصها در حوزه های عملی شهرسازی صورت گرفته ومنظور دیگری مطرح نبوده است.

کتاب حاضر، درشش فصل مجزا ارائه شده است و به طور عمده مسایل برنامه ریزی شهری و منطقه ای درایران را مورد مطالعه قرارمی دهد. بخشهای داخلی هر فصل، حاصل تلاش نویسنده درارتباط با تجزیه وتحلیل وضع موجود وتوجه به کیفیت طراحی ها و برنامه ریزی ها است که برخی ازمطالب آن در بعضی از کنفرانس ها وسمینارهای مرتبط با شهرسازی نیز ارائه گردیده است. کتاب به نحوی ارائه شده که مطالب جنبی دروس گرایشهای کارشناسی ارشد شهرسازی را دربرگیرد. مطالب ارائه شده، ورای دانشجویان شهرسازی، نکاتی را برای دانشجویان رشته های مرتبط با شهرسازی مانند معماری،

جغرافیا و برنامه ریزی شهری، عمران، جغرافیای شهری و ناحیه ای و برنامه ریزی اجتماعی نیز مطرح نماید.

در خاتمه جای دارد که از کوششها و مساعدتهای شورای محترم آموزشی و پژوهشی دانشکده معماری و شهرسازی ، شورای محترم کتاب دانشگاه، ریاست محترم و کارکنان اداره انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، بویژه سرکارخانم مریم پاکزاد در ویرایش، سرکار خانم محبوبه خادم در تحریر رایانه ای و جناب آقای ناطق گلی در صفحه آرایی کتاب قدردانی شود.

از خداوند کریم آرزو دارد که نویسنده برحسب بضاعت و توان، قسمتی کوچک از سهم خود را درخدمت به شهرسازی کشور، ادا کرده باشد. این امید و آرزو زمانی برآورده خواهد شد که استادان ارجمند و پیشکسوتان شهرسازی، با ارائه رهنمودهای خود نویسنده را از اهمال و خطای خود آگاه فرمایند.

اسماعیل شیعه

فروردین ماه ۱۳۷۸

فهرست مطالب

فصل اول: محیط ایران و برنامه ریزی شهری و منطقه ای: ۱
بخش اول: شهرسازی سنتی ایران ۳
بخش دوم: برنامه ریزی استقرار جمعیت برحسب شرایط محیط طبیعی ۱۱
بخش سوم: شرایط محیط و سیمای مراکز زیستی ۱۷
بخش چهارم: مراکز زیستی و سوانح طبیعی ۲۱

فصل دوم: برنامه ریزی مراکز زیستی ایران بر مبنای بوم ساخت های طبیعی و انسانی: ۲۷
بخش اول: ملاحظات زیست محیطی در شهرها ۲۹
بخش دوم: عوارض زیست محیطی در ساختمانهای مرتفع مسکونی ۳۹
بخش سوم: آموزش همگانی، گامی مهم در حل مشکلات شهری ۴۹

فصل سوم: درآمدی بر ضوابط برنامه ریزی مسکن در شهرها و مناطق ایران ۵۷
بخش اول: بحثی در برنامه ریزی مسکن ۵۹
بخش دوم: تراکم و نظام سکونت ۶۷
بخش سوم: سرانه های کاربری زمین در شهرها ۷۷
بخش چهارم: نقش واحدهای مسکونی با زیر بنای محدود در بروز مشکلات شهری ۸۵
بخش پنجم: اجتناب از تخریب ساختمانهای قابل نگهداری ۹۵
بخش ششم: در جستجوی سنت های فرهنگی در محلات مسکونی جدید ۱۰۷

فصل چهارم: تاملی در برنامه ریزیهای شهری و منطقه ای در ایران: ۱۱۷
بخش اول: بهسازی محیط و برنامه های جامع منطقه ای ۱۱۹
بخش دوم: تحول در نظام سکونت در طول برنامه گذاریهای توسعه ۱۲۷
بخش سوم: تاثیر تحولات اجتماعی و اقتصادی بر حیات شهری و روستایی شهرستان اراک ۱۵۳
بخش چهارم: ایجاد روستاهای جدید ۱۶۱
بخش پنجم: اهداف و سیاستهای شهری و منطقه ای در بازسازی مناطق جنگ زده ۱۶۹

فصل پنجم: مروری بر سوابق تاریخی شهرسازی و عمران منطقه ای در ایران: ۱۸۱
بخش اول: سازمان فضایی شهری و منطقه ای ایران در دوران قبل و بعد از اسلام ۱۸۳
بخش دوم: روند برنامه ریزی تاسیسات عمومی در شهرهای قدیم ایران ۲۰۹
بخش سوم: نقش راه در شهرسازی سنتی ایران ۲۱۳
بخش چهارم: بازسازی و احیاء آبراهه های خوزستان ۲۳۹

فصل ششم: بحث هایی در مسایل شهرسازی: ۲۴۹
بخش اول: تمرکز زدایی از بافت مرکزی تهران ۲۵۱
بخش دوم: شهرسازی و برنامه های راه و ساختمان ۲۵۹

مراجع: ۲۶۹

فصل اول

محیط ایران و برنامه ریزی شهری ومنطقه ای

در این فصل، که بخش اول آن به مقدمه ای بر شهرسازی سنتی ایران اختصاص یافته، عمده توجه به ساخت شهرهای ایران در ارتباط با محیط معطوف شده و در بخش های بعدی این فصل، به جستاری چند دربارهٔ تاثیر عوامل محیط طبیعی ایران برشرایط سکونت پرداخته شده است.

بخش اول

فَکاین مِن قَریة أهلَکنها و هیَ ظالمة فهِیِ خاویةٌ علی عُروشِها وبِئرٍ مُعَطَلَةٍ و قَصرٍ مَشید.

« چه بسا شهر و دیاری که ما اهلش را در آن حال که به ظلم و ستم مشغول بودند، به خاک هلاک نشاندیم. اینک آن شهرها از بنیاد ویران است. چه چاه و قناتهای آب که معطل بماند و چه قصرهای عالی بی صاحب گشت. »

قرآن کریم – حج ۴۵

شهرسازی سنتی ایران

همانطور که هنوز هم قسمتهایی از آثار تمدن و سکونت در ایران، زیر خاك این سرزمین پهناور مدفون است، بخش عظیمی از دستاوردهای تمدن سکونت در این مملکت از نظرها پنهان مانده است. اگر چه تاریخ سکونت در ایران به بیش از ده هزار سال می رسد[1]، ولی پیشینه های تمدن شهری آن معرفی نشده است. خصوصیات شهرنشینی و شهرسازی ایران، علی رغم غنای خود، همانند خلاقان، طراحان و برنامه ریزان آنها، به صورتی گمنام باقی مانده است.

موقعیت ایران، آنرا ازنظر ارتباطی و دسترسی به دریا، شرایط طبیعی، استقرار در فاصلهٔ حدودی سه قارهٔ بزرگ (خاورمیانه) ممتاز می کند. آثار باقیمانده در ایران به سیر تحول سکونت برحسب شرایط مختلف طبیعی واجتماعی وتاریخی اشارت دارد.

همانطور که معمولاً در ایجاد شهر ها، عوامل مختلفی دخالت دارد، بر پیدایش و گسترش شهرهای ایران نیزشرایط جغرافیایی، اجتماعی،آئین و مذهب، دفاع و امنیت، بازرگانی، نوع حکومت و مانند آنها تاثیر داشته است. کندوکاو در زمینه پیدایش شهرها و تاریخ سکونت شهری کشور در مجال

۱– شهرسازی وشهرنشینی در ایران – پرویز ورجاوند– شهرهای ایران – به کوشش محمد یوسف کیانی – جلد چهارم– جهاد دانشگاهی تهران – تهران– ۱۳۷۰

این نوشته نیست. مراد آن است تا اهمیت مطالعه در جهت شناخت شهرسازی گمنام این سرزمین پهناور را یادآور شده و لزوم پژوهش بیشتر را مورد تاکید قرار دهد.

شهرها برای استمرار حیات خود، علاوه برموقعیت مناسب، به شرایط مساعد طبیعی، ارتباط فرهنگی و اجتماعی وحیات اقتصادی نیاز دارند. این موارد با توجه به شرایط گوناگون محیطی در ایران (اقلیم ومعیشت، فرهنگ و سنت) به نحو شایسته ای به هم تنیده شده است.

در ارتباط با عوامل طبیعی، شهرهای سنتی ایران، خود را به نحوی بامحیط مطابقت داده است که گویی خودمحیط می باشد. یک شهرکوهستانی ایران، همان خصوصیاتی را داراست که شرایط کوهستانی آن محیط ایجاب می کند. درمناطق کویری، شهرها به نحوی شکل گرفته است که تابعی از شرایط محیط باشد. در شهرهای ایران برای پدیده های طبیعی ، اعم ازمساعدتها یا نامساعدتهای آن، برنامه ریزی شده است. ازمساعدتها درجهت بهبود شرایط سکونت استفاده شده و نامساعدتها با روشها و ترفندهای ویژه ای محدود شده است. اگر چه دانش فنی به نسبت زمان، شرایط ویژه خود را داشته، ولی شهرسازی گذشته، فنونی بس شگرف را در استفاده مطلوب از طبیعت ارائه کرده است. کافی است به فنون آبیاری درنقاط مختلف ایران، بویژه دشتهای خوزستان و اصفهان نظری افکنده وحفر قنات درمناطق کم آب مورد توجه قرار گیرد. از آب به منظور شرب یا توسعهٔ فضای سبز وایجاد آب نماها، حوضها، استخرها و پادیاوها[1] در فضاهای مختلف خصوصی و عمومی شهرها استفاده شده است. استفاده ازآب و فضای سبز به منظور لطافت هوا و کاهش گرما و زیباسازی محوطه ها، خود جای بررسی فراوانی دارد. دراین مورد کافی است به شهرهای مناطق کوهستانی و کویری ایران از خوی و اصفهان وخوانسار گرفته تا کاشان وهمدان و یزد نظری افکنده شود. باغهای تاریخی ایران مانند باغ گلشن در طبس یا باغ هشت بهشت و چهار باغ در اصفهان و یا باغ فین در کاشان نمونه های این موارد است.

از نظر اجتماعی و فرهنگی ،موضوع از اهمیت برخوردار است. در شهرسازی سنتی، مردم دارای یک زندگی فردی (خانواده) و یک زندگی جمعی (اجتماع) اند. ارتباط اجتماعی در یک فضای همسایگی (محله) از لازم و ملزومات زندگی در شهر است. ارتباط خانواده ها با یکدیگر، بازی کودکان باهم، روابط مردم محله ها، محل اجتماع وانجام مراسم مختلف در شهرهای ایران به لازمه

۱- پادیاو- کلمه ای فارسی است که در اصل به جایگاهی برای شستشو و پاکیزگی اطلاق می شده وکم کم به درون خانه ها راه یافته و تبدیل به حیاطهای گرد بسته به پادیاو وگودال باغچه شده و به منظور لطافت هوا با گیاه و آبنما وحوض ترکیب گشته است. پادیاو که به تلفظ فارسی کهن پاتیاو و پاتسیو است، به زبانهای اسپانیایی وایتالیایی وارد شده و درفرانسه وانگلیسی، پاتیو، پیشیو پاسیو گفته می شود. (محمد کریم پیرنیا - مقاله ارمغانهای ایران به جهان معماری - هنر ومردم - شماره ۱۳۹ تهران - ۱۳۵۳).

برقراری رابطه صمیمی و اجتماعی مردم با یکدیگر اشاره دارد. این مورد در طرح محله ها و نواحی شهری در ایران به خوبی نمایان است.

در شهرسازی ایرانی و در دوران قبل از اسلام شهر به سه فضای مشخص کهندژ (فضای حکومتی و اداری شهر)شارستان (فضای پیرامون کهندژ) و ربض(فضای بیرونی گرداگرد شهر) تقسیم می شده است. در دوران اسلامی فضای حکومتی که در میان شهر قرار داشت، جای خود را به فضای اجتماعی (مسجد و تاسیسات مذهبی) داد. فضای حکومتی نیز از فضای اجتماعی و مرکزی شهر فاصله گرفته و درکناره ای از شهر قرار گرفت.

شالوده شهر ایرانی درچهار عامل اصلی قابل تشخیص بوده و عبارت از: فضای مسکونی (محله)، فضای اقتصادی (بازار و بازارچه)، فضای تاسیساتی (آب انبار، گرمابه، مسیرهای آب، فضاهای باز. . .) و فضای مربوط به شبکه راهها می باشد. در شهرهای ایران، مهمترین عامل در برقراری حیات شهری، فضای اجتماعی و فرهنگی (مسجد) است که ارتباط مردم را در شهر ومحلات برقرار می کند.

در دنیای امروز به تبعیت از نیاز به ایجاد یک شهر سالم و به دور از همهمه و هیاهوی رفت و آمد و جریان زندگی ناشی ازماشین و ایجاد یک فضای اجتماعی در ارتباط با طبیعت، نظریات مختلفی ابراز شده، اساس این نظریات برمبنای تقویت فضای اجتماعی و محله ای شهر و استفاده از طبیعت در گونه ها و طرحهای مختلف شهرسازی است. نظریهٔ ایجاد باغ شهر ابنزر هاورد(Ebenzer Howard)، طرح واحدهای همسایگی کلرنس پری(CLarence Perry)، طرح واحدهای خود یار کلرنس اشتاین (Clarence Stien)، طرح رادبرن کلرنس اشتاین و هنری رایت(Henry Right)، طرح فرانک لوید رایت(F.L. Right) ،طرح وحدت شهر و محیط طبیعی پتریک گدس (Patrick Geddes) و نظر کامیلو زیته(Camillo Sitte)، تونی گارنیه (T. Garnier) و دیدگاههای آندره گوتن (A. Gutton) در ارتباط با شهرسازی درخدمت انسان[1] و لوئیس مامفورد (L. Mumford) درارتباط با فضاهای شهری و بسیاری دیگر به نوعی بازگشت به طبیعت و یا به سرشت انسانی و خصوصیات انسجام یافته اجتماعی را در ایجاد یک فضای سالم و آرام توصیه می کنند. وجود باغ شهرهای باقیمانده اصفهان و خوی و خوانسار و بسیاری دیگر (نظریه هاورد) و محله های سنتی یزد، کرمان، نائین، زواره، کاشان، نظنز، تبریز، زنجان، شوشتر، دزفول (نظریه کلرنس پری و کلرنس اشتاین در طرح واحدهای همسایگی و واحدهای

۱- گوتن، آندره- شهرسازی درخدمت انسان - ترجمه هوشنگ ناقی - دانشگاه شهید بهشتی - تهران - ۱۳۵۸.

خودیار) وجود بازار درشهرهای مختلف گذشته و موجود ایران (نظریه های مربوط به فضای اقتصادی شهر) به نسبت زمان، بسیاری از مفاهیم این نظرات را در خود دارد. نکات اصلی نظریه های ارائه شده قبل از طرح و پردازش آنها قبلاً در شهرهای ایرانی رعایت شده است. وجود و تار وپود شهرهای ایرانی، باتحقیق و تفحص بیشتر می تواند گوشه های تاریک و سابقه درخشان شهرسازی ایرانی را معرفی نماید. این به معنای آن است که آنچه در طرحها و نظریه ها ی معاصر با عصر صنعت در نقاط مختلف دنیا عنوان شده، شکل کاملتر و روشن تر آنرا می توان به نسبت شرایط زمان در سطح شهرهای ایران نظاره کرد.

در دوران اسلامی، بویژه از قرون سوم تا پنجم هجری که زمینهٔ عمران و آبادی و درخشندگی تلفیق یافته از تمدن اسلامی - ایرانی در کشور پدیدار گشت، همپای توسعهٔ راهها و مراودات اقتصادی و ارتباطی که زمینهٔ آن را وجود سرزمینهای گستردهٔ اسلامی، از ایران گرفته تا شمال افریقا و اندلس(اسپانیا) فراهم آورد، تمدن شهرسازی ایران نیز به مانند سایر علوم گسترش یافت. حتی بسیاری از این طرحها در ایجاد یا توسعه شهرهای غربی مؤثر واقع شد. از آن جمله به آثارنه چندان دور ایجاد چهار باغ اصفهان و تاثیر آن در شهرسازی وین، تاثیر شهرسازی و معماری ایران برمعماری و شهرسازی دوران باروك اروپا(اطریش) اشاره می شود. [1]

شهر اصفهان عصر صفوی را می توان نتیجه ای از تمدن و فنون شهرسازی دوران قبل از آن در ایران دانست. آنجا که میدان نقش جهان در ارتباط ویژهٔ خود با مسجد جامع، بازار را با کلیه انشعابات و تقسیم بندی های خود در میان گرفته و محلات مسکونی را درمحیط اطراف خود پذیرا می شود. در همین شهر است که حدود چهار صد سال قبل تاسیسات شهری به جای شکل گیری عمده خود در مرکز شهر، درمیان محلات مسکونی گسترده شد. خیابان چهار باغ اصفهان، خود پدیدار کنندهٔ یک باغ شهر بزرگ است که ضمن جدا سازی رفت و آمد سواره و پیاده و محوطه سازی زیبای خود و با پیوند با زاینده رود و انواع جوییاره های جاری در محلات مسکونی (مادی ها) زمینهٔ ایجاد باغ شهر بزرگ اصفهان را فراهم می آورد. طرح شهر نه تنها دست کمی ازاهداف ارائه شده در نظریه باغ شهر ابنزر هاورد ندارد، بلکه کاملتر از آن است. پیرلوتی که قرنها بعد بر سر آثار باقیمانده چهار باغ آن روزگار رفت، در خاطراتش می نویسد:

« این چهار باغ که اکنون چنین در مقابل من است، روزی دومین نمونه اش در دنیا وجود نداشت، چهار باغ آن روز اصفهان، چون شانزلیزه امروز در پاریس است. »[2]

۱و۲- برای مطالعه بیشتر به نشریات شماره ۱۸۲ و ۱۸۶ مجله هنر و مردم (سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۶) و نشریه شماره ۳ علم و صنعت از انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران- ۱۳۵۶ مراجعه شود.

هنگامی که ابنزر هاورد طرح باغ شهر را عنوان نمود(۱۸۹۸ میلادی) مدتهای مدیدی از ایجاد باغ شهرهای اصفهان، شیراز، خوانسار، سمرقند، بخارا، بلخ، هرات، مشهد و زنجان گذشته بود. زمانی که نظریه پردازان قرن بیستم در بازگشت انسان به فضای اجتماعی، طرح فضاهای اجتماعی و اعتبار به روابط انسانی را سرلوحه طرح خود دانسته و زمینه را برای اجرای این نظریات در نوشهرهای امریکا و انگلستان و فرانسه و آلمان فراهم آوردند، با آثار باقیماندهٔ شهرسازی کهن ایران و تا آنجا که به یزد و کرمان، زواره و بوشهر، نائین و تبریز، ری و قم، شیراز و کاشان و دزفول و شوشتر مربوط می شود، آشنایی چندانی نداشتند. شاید زمانی که در قرن دوازدهم میلادی، صحبت از ۵۰۰۰ حمام در بغداد می شد و در منطقهٔ ایران و بین النهرین برای روشنایی معابر در شب از چراغهای نفتی استفاده می کردند و چراغهای مسی را گاهی به دیوارخانه ها و زمانی به تیرچوبی می آویختند و در ری حتی به هنگام روز بازارهای تاریک را با همین چراغها روشن نگاه می داشتند[1]، هنوز از تمدن سکونت به سبک پیشرفته ای که در ایران مرسوم بود، در جماعات شهری بسیاری ازنقاط دنیای غرب خبری نبود. زمانی که به منظور برنامهٔ استقرار مراکز درمانی(بیمارستان) ابوریحان بیرونی درمنطقهٔ خراسان بزرگ و سمرقند و بخارا با استفاده از وسایل ساده آن روزگار محل بیمارستان را تعیین کرد، در مغرب زمین برای تعیین موقعیت مناسب بیمارستان برنامه ای تدوین نشده بود[2]. در بخارا کتابخانه ای وجود داشت که درکنار آن علاوه بر انبوهی کتاب اقامتگاه(پانسیون) وجود داشت. مهمانخانه ای که از سراسر دنیا مردم برای مطالعه و تحقیق در آنجا اقامت می کردند[3]. مسؤولان کتابخانه، کاغذ و مرکب و وسایل زندگی و حتی پول برای گذران زندگی روزانه مطالعه کنندگان را در اختیار قرار می دادند[4].

روشهای آبیاری سنتی برای مراکز سکونتی و کشاورزی و تقسیم آب در سطح شهر و منطقه که نمونهٔ متاخر آن در طومار تقسیم آب شیخ بهایی در منطقهٔ اصفهان است، از جمله اقدامات شهر سازانه ایرانیان و مهندسان آبرسان ایرانی می باشد. جاری کردن آبها و جویباره ها در مسیر راهها و معابر، ایجاد فضاهای سبز و باغچه های کوچک، ایجاد میدان (در عین عملکرد اصلی خود که ایجاد

۱-حسین شکویی - جغرافیای شهری - دانشگاه تبریز - تبریز - ۱۳۴۸.

۲- گویند ابوریحان بیرونی برای تعیین موقعیت بیمارستان دستور داد چند قطعه گوشت تازه را درچند نقطهٔ شهر بگذارند، هرکجا که گوشت دیرتر فاسد شد آنجا بیمارستان شود.

۳- عطاالله مهاجرانی - متن سخنرانی - نشریه توسعه استان مرکزی سال اول - شماره ۱ - اراك - ۱۳۷۲ .

۴- در شهرهای نیشابور، ری، رامهرمز و بخارا کتابخانه های بزرگی وجود داشت. این شهرها دارای بزرگترین مدارس نیز بودند (ذبیح اله صفا - تاریخ ادبیات در ایران - جلد دوم - امیرکبیر - تهران - ۱۳۵۶).

یک مرکزیت است) با حوض و آبنما و گل و گیاه، نیز از جمله اقداماتی است که در شهرسازی ایران مسبوق به سابقه است.

شهرسازی سنتی ایران، درمقام مقایسه با شهرسازی عصر حاضر، از نظر محتوایی نه تنها چیزی کم نداشته و ندارد، بلکه نکاتی عمیق تر و افزون تر را بر شهرسازی پیشرفته دنیا در بر می گیرد. مهمترین عامل در شهرسازی ایران بسط و انسجام محیط اجتماعی و فرهنگی و روابط محله ای است. عناصر شهر ایرانی با شهرسازی نوین قابل مقایسه است[1]. تنها عامل افتراق در دانش فنی ونیاز زمان و تحول آن است؛ این مورد نتیجه ای از انسجام اجتماعی، کالبدی و اقتصادی محیط است که شهر ایرانی نیز آنها را دارا می باشد.

در شهرسازی سنتی، بازار به عنوان یک عامل اقتصادی، ستون فقرات و هسته شهرها را تشکیل می دهد. بازار دارای سلسله مراتب و محل دسته بندی شده و عرضه کالاست و در عین حال می توان نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی را در چهره و سیمای آن مشاهده کرد. در مقابل این پدیده در شهرهای امروزی دنیا پدیده هایی مانند سوپرمارکتها و فروشگاههای زنجیره ای و سلسله مراتب پخش آنها در سطح نواحی و محلات شهر شکل گرفته وجنبه ای تجاری و اقتصادی داشته و فضای اجتماعی در آن قابل ملاحظه نیست. این پدیده ها نمی تواند جای بازار را با تمام ویژگی های آن پر کند.

ازنظر شرایط و عوامل حوزه های نفوذ شهری، در شهرهای سنتی ایران، ارتباط اجتماعی و اقتصادی و طبیعی شهر با شرایط منطقه ای خود مطرح است. درحالیکه در شهرهای کنونی غالباً ارتباط اقتصادی شهر و منطقه و تاثیرات متقابل آنها مدنظر قرار دارد.

در ارتباط بامحله های مسکونی در شهرسازی سنتی ایران، ترکیب سلولی و سلسله مراتبی فضای فردی(خانه) و فضای جمعی(محله و شهر) را می توان ملاحظه کرد. این مورد با نظریات کریستفر آلکساندر (Christopher Alexander) و سرج چرمایف (Serge chermayeff) ازنظر عرصه های زندگی فردی و زندگی جمعی قابل مقایسه است[2]. نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی، وجود مسجد به عنوان یک مرکز اجتماعی و وجود بازارچه ها و دیگر تاسیسات عمومی در مسیر راههای اصلی، درجه بندی راهها به منظور تفکیک مسیرهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی، وجود جزء به جزء واحدهای خودیار و همسایگی و زمینه های ارتباط نزدیکتر مردم با یکدیگر و پخش سلسله مراتبی تاسیسات عمومی در سطح شهر و محله های شهری ازجمله ویژگیهای شهرهای سنتی ایران است. این

۱- فیروز ادب - اقتصاد شهری - دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران - تهران - ۱۳۵۳.

۲- چرمایف، سرج والکساندر، کریستفر - عرصه های زندگی خصوصی و زندگی جمعی - ترجمه منوچهر مزینی - دانشگاه تهران - تهران - ۱۳۵۳.

مورد، درنیمهٔ اول قرن بیستم در طرح محلات شهری مطرح شده است. حاصل این نظریات انسجام اجتماعی محلات شهری، ایجاد یک فضای آموزشی توام با فضاهای سبز و باز در مرکز محله، ممنوعیت ورود خودرو به داخل محلات، جلوگیری از عبور راههای اصلی از مرکز محلات، ایجاد فضاهای تجاری درحاشیه محلات و درکنار راههای اصلی و بخشهای جداگانه مسکونی و غیرمسکونی است. موردی که چهارچوب آنها در محلات شهری سنتی ایران نیز دیده می شود.

ازنظر عملکرد اجتماعی در شهرهای ایرانی مسجد و تکیه و حسینیه، به صورت سلسله مراتبی درمیان محلات و مرکز شهر(مسجد جامع) وجود دارد. در طرح محلات مسکونی جدید جای آن درمحلات تعبیه شده است. فضای اجتماعی محلات شهر سنتی را مسجد، گرمابه، بازارچه، زورخانه، قهوه خانه، مظهرآب قنات و آب انبار تشکیل می دهد. درحالیکه در فضای اجتماعی شهرهای امروزی تئاترها، آمفی تئاترها، سینماها و فضاهای بازی و تفریحی کودکان جلب نظر می کند. تفریح و گذران وقت، در شهر ایرانی به فضاهای سبز و محیطهای باز و سبز خارج شهر، چایخانه، کناره رودخانه، زورخانه و امثال آنها منتهی می شود. درحالیکه در شهرهای کنونی، این پدیده ها به فضاهای ورزشی، استادیومها، پارکها، کافه ها، رستورانها و تریاها تبدیل شده است. در طرح شهرهای کنونی فضای اداری اصلی شهر از فضاهای مسکونی جداست، درحالیکه در شهرهای دوره اسلامی ایران نیز تاسیسات اداری و حکومتی(کهندژ) در کنار فضای اصلی شهر قرار گرفته است.

در شهرسازی سنتی، وجود مکتب خانه ها و حوزه های علمیه و مساجد و کتابخانه ها، نقش آموزشی شهرها و محلات شهری را برعهده دارد. درشهرهای امروزی مراکز آموزشی شامل کودکستان و دبستان و رده های بالاتر آن می گردد. فضاهای سبز و تفریحی در شهرسازی سنتی ایران به چند دسته تقسیم می شود که شامل فضاهای سبز در واحدهای مسکونی (خصوصی)، باغهای خصوصی، باغچه ها، فضاهای سبز درون محلات و فضاها و تفرجگاههای محیط پیرامون شهر است. درحالیکه این نقش در شهرهای کنونی برعهده پارکها و پارکهای جنگلی و حاشیه ای گذارده شده است. ازنظر شبکه های ارتباطی در شهرسازی سنتی ایران، راهها دارای سلسله مراتب بوده و فقط نقشی ارتباطی را بر عهده ندارند. نقش آنها در ارتباط باعوامل طبیعی مانند تابش آفتاب، جریان باد وتوام با همراهی ساختمانها و نشانه های بارز شهری است. در محوطه سازی و چشم انداز به فضاهای عمومی و انگیزه حرکت در مسیر خود نیز دارای عملکرد می باشند. راهها به مانند برگ درخت از تنه (مرکز شهر) شروع شده و تا برگها (واحدهای مسکونی)امتداد می یابد. شاخه هاحکم کوچه های بن بست امروزی را دارد. درحالیکه در شهرسازی امروز راههای اصلی و درجه بندی آنها به نسبت محلات و نواحی شهری، تسریع درعبور و مرور، آمد و شد و جریان حمل و نقل کالا و انسان به صورتی سریع و ارزان

را موردتوجه قرار داده و نسبت به دیگر نقشهای شبکه های ارتباطی توجه چندانی مبذول نمی شود.

چنانچه همه عناصر و عوامل شهری و تاثیر جزئیات هریک در ارتباط با شهرهای سنتی ایران و شهرهای امروزی دنیا مورد مقایسه قرار گیرد، بحث به درازا می کشد. این موارد باید با تحقیق و تفحصّ پژوهشگران، محققان و دست اندرکاران در قالب کتابها و مقالات و پژوهشها عرضه شود.

پیشینه شهرسازی و شهرنشینی در ایران به زمینه ای برای مطالعه و تعمّق بیشتر نیاز دارد. شهرسازی سنتی ایران می تواند مشابه یک نظام شهرسازی ویژه در جهان معرفی شود. این مورد بر عهده متخصصان و پژوهشگران است. این طریق، هویت شهرسازی ایران را برای دیگر پژوهندگان دانش شهرسازی به نحو بهتری معرفی خواهد کرد[1].

۱- برای اطلاع بیشتر، مراجع زیر مطالعه شود:

- محمود توسلی - معماری اقلیم گرم و خشک - نویسنده - چاپ اول - تهران - ۱۳۵۳.
- محمود توسلی - اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی - جلد اول - مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری - وزارت مسکن و شهرسازی - چاپ دوم - تهران - ۱۳۶۹.
- محمود توسلی - قواعد و معیارهای طراحی فضای شهری - مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری- وزارت مسکن و شهر سازی - تهران - بی تا.
- محمد منصور فلامکی - سیری در تجارب مرمت شهری «از ونیز تا شیراز»- وزارت مسکن و شهر سازی- تهران - ۱۳۵۷.
- محمد کریم پیرنیا - آشنایی با معماری اسلامی ایران - به کوشش غلامحسین معماریان - دانشگاه علم و صنعت ایران- تهران - ۱۳۷۱
- غلامحسین معماریان - آشنایی با معماری مسکونی ایرانی «گونه شناسی برون گرا» - دانشگاه علم و صنعت ایران - تهران- ۱۳۷۱.

بخش دوم

دوش بـا آسمـان هـمـی گفتم
بـر سبیل سئوال مطلب ای
کـه مـدار حیـات عـالـم کیست
روی سـوی تـو کـرد و گفتا وی
گـفتـم ایـن را دلیـل بـایـد گفت
هیچ دانـی که مـی چه گویی هی
میر «آب» است وحق همی گوید
«ومـن الماء کـل شیئی حـی»
(انوری ابیوردی – وفات ۵۸۳هجری)

برنامه ریزی استقرار جمعیت برحسب شرایط محیط طبیعی

عوامل طبیعی و اقلیمی ایران نقش مهمی در اسکان جمعیت داشته است. این عوامل بر اساس شرایط محیط، ضمن آنکه در تعدد و پراکندگی مراکز زیستی مهم افتاده، اساس و شرایط اقتصادی – اجتماعی جمعیت را نیز دامن زده است. چهرهٔ شهرها و روستاهای ایران متاثر از محیط است. این عامل را می توان دربافت این نواحی و وابستگی آنها به محیط جستجو کرد. اعتدال در کیفیت استقرار جمعیت نیز (صرفنظر از بعضی عوامل غیر جغرافیایی) متاثر ازاین شرایط است.

منابع آب، شرایط آب و هوایی، پستی و بلندی زمین، کیفیت خاك، زلزله و مانند آنها تائیر خود را بر عوامل جنبی متائر از خود مانند معیشت، تراکم جمعیت، نحوه استقرار ساختمانها، کیفیت مصالح ساختمانی نهاده است. در چند دهه اخیر مهاجرتهای بی رویه، توسعه شتابان صنعتی کشور، افزایش طبیعی جمعیت، انجام برنامه های عمرانی موضعی، بازار کار و مانند آنها نه تنها نظام اسکان جمعیت را دگرگون کرده، بلکه بسیاری از مراکز زیستی را با تقابل ناشی از شرایط جغرافیایی، مانند کمبود آب، بروز سیل و سیلاب، مهاجرتهای بی رویه، رشد نااندیشیدهٔ شهرها، خالی شدن روستاها، بحران مسکن و مانند آنها مواجه ساخته است.

روستاها و شهرهای ایران بر اساس شرایط جغرافیایی محیط خود پای گرفته است. تعدد و موقعیت آنها نیز بیشتر در این ارتباط است. در قسمتهایی از کشور روستاها و شهرها به هم نزدیک

است. درحالیکه در بعضی نقاط مانند مناطق خشک و کویری، مراکز زیستی با یکدیگر فاصله زیادی دارد. به طور کلی روند سکونت در سطح کشور، از گذشته دور در ارتباط با شرایط محیطی و داده های محیطی بوده است. جمعیت نیز منابع معیشتی و گذران زندگی خود را بر آن اساس قرار داده است. در طول چند دهۀ اخیر، این روال توام با افزایش طبیعی جمعیت و افزوده شدن خیل عظیمی از مهاجرتها بر هم ریخته است. آمار زیر می تواند بیانگر واقعیتی باشد که سکونت گزینی کشور در روال تاریخی خود در طول یک قرن اخیر داشته است [1]:

روند افزایش جمعیت کشور به نسبت نقاط شهرنشین و روستانشین[2]

سال (خورشیدی)	تعدادجمعیت (میلیون)	درصد جمعیت روستانشین	درصد جمعیت شهرنشین	تعدادجمعیت شهرنشین (میلیون نفر)
۱۲۶۰	۷/۶	۷۴/۳	۲۵/۷	۱/۹
۱۳۰۰	۹/۷	آمار موجود نیست		-
۱۳۳۵	۱۹/۰	۶۸/۶	۳۱/۴	۵/۹
۱۳۴۵	۲۶/۰	۶۲/۱	۳۷/۹	۹/۷
۱۳۵۵	۳۴/۰	۵۳/۱	۴۶/۹	۱۵/۷
۱۳۶۵	۴۹/۴	۴۵/۷	۵۴/۳	۲۶/۸
۱۳۷۵	۶۰/۰۵	۳۸/۷	۶۱/۳	۳۶/۸

استقرار جمعیت در شهرهای متمرکز و کاهش نسبی آن در روستاها از یک طرف و عدم پاسخگویی بسیاری از منابع محیطی از طرف دیگر برحیات شهرها و روستاها تاثیر گذارده است. محدودیتهای طبیعی باعث بروز یک سلسله مشکلات ثانویه شده است. کمبود آب، پایین رفتن سطح آبهای زیر زمینی (در اثر افزایش مصرف) به زیر سیطره رفتن فضاهای سبز و باغی شهرها از آن جمله است.

طبق آمار، مجموع جمعیت کشور درحدود ۶۱۲شهر کوچک و بزرگ[3]، ۶۵هزار آبادی و چند ایل و عشیره گردآمده است. این جمعیت همانطور که بیان شد، بیشتر در نقاط شهری سکونت دارد (بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور). از طرف دیگر بیشتر جمعیت شهری در چند نقطۀ مانند

۱و۲- ماخذ : مرکز آمار ایران.

۳- آمار سال ۱۳۷۵ .

تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، قم، کرج و اهواز استقرار یافته است. به روایت دیگر حدود یک سوم از کل جمعیت کشور تنها در ۵ تا ۶ شهر بزرگ جمع شده است. این در حالی است که مساحت گسترده کشور و ویژگیهای طبیعی و محیطی آن، تمرکز جمعیت را تائید نمی نماید.

در طول چند دههٔ اخیر، در اثر افزایش مهاجرتها، بسیاری از روستاها خالی از سکنه شده و بسیاری دیگر قسمت عمده ای از جمعیت خود را از دست داده است. در طول همین سالها مهاجرت جمعیت به نقاط شهری، رشد خود رو و بی برنامهٔ شهرها و توسعهٔ بی رویه شهری، پیدایش شهرها و شهرکها را در نقاطی نه چندان مستعد باعث شده است. اعتدال جمعیت بین شهرهای بزرگ و کوچک کشور برهم ریخته وبین تعدادجمعیت نواحی شهری و روستائی فاصله افتاده است. بعضی ازمناطق کشور با برخی دیگر تفاوت پیدا کرده است. دراین زمینه نه تنها اعتدال بین نواحی مختلف شهری و روستایی برهم ریخته، بلکه منابع محیطی نیز در پاسخگویی به نیاز جمعیت، از دیدگاه اجتماعی، اقتصادی و طبیعی کارآمد نبوده است.

آثاری که بر روند اسکان جمعیت، توأم با توان محیطی مناطق وارد آمده، بسی مهم و شایان توجه است. خالی شدن روستاها و افزایش مهاجرتها، به افزایش جمعیت در نقاط متمرکز منجر شده و شهرها را با کمبود مسکن و منابع آب و نیرو (Energy) روبرو ساخته است. بحران سوخت و آب و برق بویژه درنقاط شهری، پدیده ای عادی شده است. این مشکل را باید در عدم توانایی و برابری داده های محیطی در ارتباط با نیاز جمعیت دانست. در ادوار گذشته، همانطور که تعداد جمعیت کمتر بود، امکانات طبیعی نیاز اهالی را در حد توان هر محیط بر آورده می کرد. ولی امروز منابع محیطی در نقاطی که عاری از جمعیت شده وجود داشته، ولی در نقاط متمرکز این توان در همان حد قبلی باقی مانده است. از نظر اجتماعی بویژه در سطح نواحی شهری بزرگ، اختلالات فراوانی در روندزندگی اجتماعی و فرهنگی و قومی پدید آمده است. مردم هر قسمت از کشور با هر نوع فرهنگ و سنت و عادتهای اجتماعی و با ذوق و سلیقه های متفاوت، در مجتمع هایی به نام شهر گردآمده اند. دراین مورد محلات شهری به صورتی نامتجانس، محل سکونت افرادی با خصوصیات و فرهنگهای متفاوت گردیده است. توسعهٔ روز افزون شهرها، باعث به زیر سیطره رفتن نامتناسب اراضی شده و کاربری ناهماهنگ اراضی، بسیاری از باغها و مزارع و جوانب داخلی و خارجی شهرها را به تغییر عملکرد واداشته است. آذربایجانی یا همدانی که با آب و هوای معتدل و سرد خو گرفته، درمحیطی به کار جدید می پردازد که خوزستانی و هرمزگانی مهاجرت کرده از نواحی گرمسیر نیز به آنجا آمده است.

شهرها با انباشتگی جمعیت خود، باعث افزایش سریع آلودگی های محیطی شده است. به طور کلی نظام بوم ساختی در مناطق و بویژه نواحی شهری برهم ریخته است. کاهش تعداد درختان و یا

تغییر استفاده از منابع آب، خود گویای این واقعیت است. برای تامین آب مصرفی تهران و مراکز جدید جمعیتی اطراف آن سه رودخانه لار، کرج و جاجرود به کار گرفته شده است. در آینده نزدیک رودخانه طالقان منبع تامین آب تهران خواهد شد. همین یک مورد اخیر باعث می شود که آندسته از اراضی که به مدد این رودخانه آبیاری و قابل کشت می شود، تبدیل به اراضی بایر گردد تا جمعیت ساکن در تهران آب قابل شرب و شستشو داشته باشد. چنین موردی، برای رودخانه های دیگر نیز پیش آمده، و قسمتی از آب آنها به جای اراضی کشاورزی به مصارف دیگر رسیده است[1].

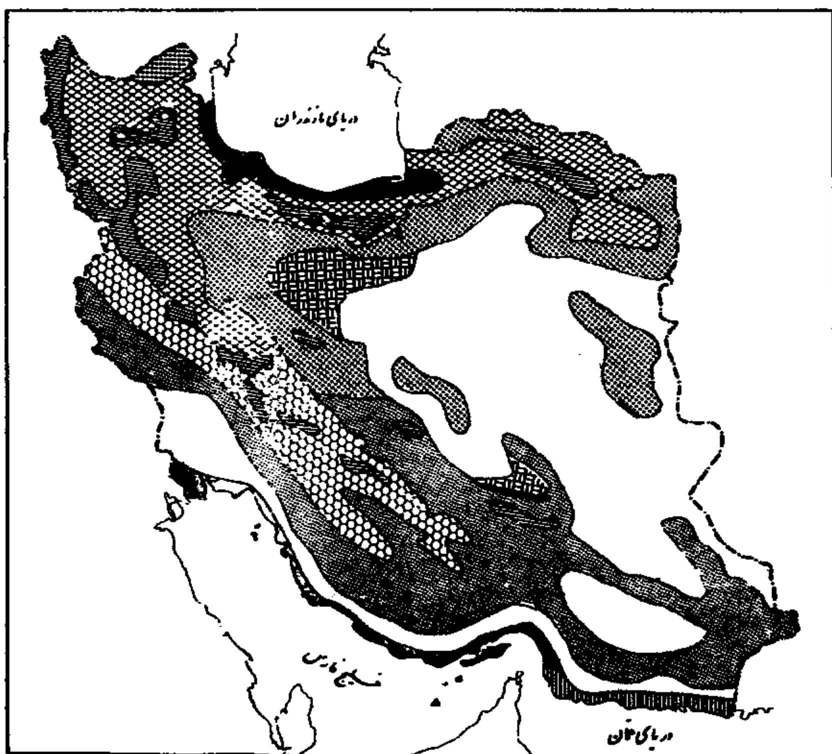
علاوه بر غریبگی و ناآشنایی جمعیت، ایجاد ساختمانهای متراکم در شهرها و تداخل درنظام زیستی انسان از نظر طبیعی و اقتصادی و اجتماعی مشکلات بسیاری را به وجود آورده است. علت آنرا باید درتمرکز جمعیت جستجو کرد. استقرار بیش از حد انتظار جمعیت در نقاط متمرکز، تحت تاثیر عوامل نامساعد طبیعی بیشترین ضررها را در پی داشته و دارد. کافی است که به احتمال وقوع سیل در نقاط پرجمعیت ویا بروز زلزله اشاره شود. در زلزلهٔ رودبار بیشترین جمعیتی که در اثر زلزله تلف شد، ساکن در نقاط پر تراکم شهری رودبار و منجیل بود. آثار تراکم جمعیت درنقاط متمرکز بسیار است. بر جمع عوامل فوق می توان عوامل دیگری مانند بحران رفت و آمد (Traffic) و عدم دستیابی قشر عمده ای از جمعیت به مسکن را نام برد.

درارتباط با خیل مشکلات فوق، بهترین چاره برنامه ریزی به منظور اسکان متعادل جمعیت در سطح کشور می باشد. می توان ضمن اجرای برنامه های عمرانی و برنامه ریزیهای اقتصادی به نکات اساسی دیگری هم اشاره نمود. مسلماً یکی از مهمترین گامها، اجرای برنامه های آمایشی است. باید در چهارچوب این برنامه ها و متناسب با امکانات و استعدادهای هر محیط، عدم تمرکز جمعیت در سطح کشور را تحت برنامه ریزی قرار داد. رده بندی مراکز زیستی به نسبت شرایط جغرافیایی و نقش دهی به مناطق مختلف کشور از جمله مهمترین اقدامات می باشد. استقرار مراکز فعالیتی و کاهش عوامل مهاجر برانگیز درنقاط غیر متراکم ولی مربوط به هم می تواند زمینه ای در جهت رشد هماهنگ منطقه ای باشد. اهمیت دادن به مکان یابی شهرهای جدید به نسبت قابلیتهای طبیعی، مسلماً آنها را با موفقیت بیشتری همراه خواهد ساخت. مشروط بر آنکه قبل از ایجاد شهرهای جدید مسائل اولیهٔ روستاها تحت برنامه ریزی قرار گرفته باشد. در ارتباط باراه حلها، موارد بسیاری را می توان برشمرد. تقویت بنیهٔ اقتصادی و بهره وری روستائیان از دانش فنی جدید کشاورزی از جمله هدفهای نخستین

۱- با وجودی که استان تهران ۲ درصد از منابع آبی کشور را دارا می باشد، شهروندان تهرانی نزدیک به ۲۰ درصد از آب توزیعی کشور را مصرف می کنند. تهران، به اندازه ۱۶ استان کشور، آب مصرف می کند. (سازمان آب تهران - روزنامه همشهری - شماره ۱۷۰۷ - ۱۳۷۷/۹/۱۱ - ص۳.

است.

تقسیمات اقلیمی ایران



ماخذ : مرکز آمار ایران

چنانچه طبق ضوابط و بر مبنای شناخت کامل توانهای منطقه ای، نظام استقرار جمعیت و برنامه ریزی توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی برحسب مناطق مختلف جغرافیایی با موفقیت به مرحله اجرا برسد، نتایج مناسبی برای رشد و تعالی آینده به دست خواهد آمد. یکی از این نتایج به نظارت بر منابع محیطی و بهره جویی متناسب دراستفاده ازآنها باز می گردد. از همین طریق است که کاهش بحران مسکن میسر خواهد بود. کاهش آثار نامساعد طبیعی مانند سیل و زلزله و پیشروی کویر نیز ازاین طریق قابل برنامه ریزی است. در مناطق کویری، درروستاهایی که عاری از جمعیت شده، به دلیل عدم حضور کسانی برای آبیاری درختان و زراعت روی زمین، پیشروی کویر بیشتر بوده است[1].

در صورت برنامه ریزی برای مناطق مختلف کشور، حفظ آداب و رسوم و سنتها، ترویج صنایع سنتی و ویژگیهای فرهنگی و قومی نیز امکان پذیر خواهد بود. مسلماً، ارتباط بین منابع طبیعی و نیازهای معیشتی و روش برخورد با آنها از ملزومات برنامه ریزی است. بنابراین در سطح کشور ما توجه به فرهنگ سکونت و نوع معیشت بسیار مهم است. اعتبار به زندگی ایلی و عشیره ای واحیاء سنتهای آنها و برنامه ریزی به منظور بهبود شرایط ایل نشینان نیز از آن جمله است. برخلاف بعضی از نظرات، اسکان عشایر ازنظر ملی و معیشتی به نفع کشور نخواهد بود. زیرا خود به تمرکز جمعیت خواهد انجامید و مشکلات را افزون خواهد ساخت.

استقرار جمعیت درنقاط مناسب، از بروز بحران زیست جلوگیری خواهد نمود. ایجاد شهرهای جدید، انجام طرحهای آماده سازی زمین، طرحهای جامع و حوزهٔ نفوذ شهری، طرحهای هادی روستایی، طرحهای جامع شهرستان و طرحهای مشابه دیگر، هنگامی می توانند با موفقیت به مرحله انجام برسد که سیاستهای کلی آن در اهداف کلان اقتصادی - اجتماعی کشور و اسکان و استقرار صحیح جمعیت تعیین شده باشد. این امر، گامی اساسی در جهت خودکفایی اقتصادی و اولویت دادن به نقاط کم جمعیت به نسبت نواحی متمرکز محسوب می شود.

---

۱ - تحقیقات جهاد سازندگی استان یزد - ۱۳۶۹ .

بخش سوم

باری که آسمان و زمین سرکشید از آن
مشکل توان به یاوری جسم و جان کشید
همت قوی کن از مدد رهروان عشق
کان بار را به قوت همت توان کشید
(عبدالرحمن جامی - ۸۱۷ - ۸۹۸ هجری)

شرایط محیط و سیمای مراکز زیستی

همانطور که در بخش قبل بیان شد، اقلیم و طبیعت در شکل گیری فضاهای زیستی و عوامل منبعث از آن نقش مهمی ایفا می نماید. این عامل در طراحی محیط کالبدی نقاط شهری و روستایی سنتی ایران با توجه به تنوع شرایط محیطی به کار گرفته شده است. این ویژگی ها را می توان در چهره و سیمای محله ها نیز مشاهده کرد. با ارائه تصویری از یک محیط، اگر به محل برداشت تصویرپی برده نشود، حداقل می توان حدس زد که این تصویر متعلق به کدامیک از مناطق متنوع ایران است. بنابراین نواحی زیستی درنقاط مختلف کشور با توجه به ویژگیهای محیطی خود ایجادشده است. در شهرسازی نیز چنین عواملی است که با بهره گیری ازآنها به طراحی محیط پرداخته شده وبا استفاده از فنون، آمیزه ای ازاین عوامل درنظام زیستی بشری تشکل می یابد. ساخت و بافت کالبدی مراکز زیستی انعکاسی از شرایط منطقه ای آنها بوده و در ابعاد مختلف طبیعی، اجتماعی و معیشتی متجلی است. این بهره گیری ها را می توان در تدوین اهداف اجتماعی و اقتصادی و برنامه ریزی به منظور تعیین موقعیت مکانی و دستاوردهای محیطی مورد توجه قرار داد.

در شهرها و روستاهای ایران نقش عوامل فوق درترکیب فضاها و سیمای محیطی آنها، استقرار و تنوع راهها، خصوصیات محله ای و مرکز محله ای، موقعیت عناصر کالبدی و درمفهومی بازتر دررنگ، ترکیب، شکل و پیکر، سیما، جنس مصالح ساختمانی قابل ملاحظه است. همانطور که بیان شد، در چند دهه اخیر درنقاط شهری و روستایی کشور که با خصوصیات متنوعی به صورت

متراکم یا پراکنده و براساس شرایط محیط استقرار یافته، نظام کالبدی محیط بر اساس آنچه که قبلاً در چهره و بافت آنهانمایان بود، دگرگون گشته است. شکل گیری فضاها و عناصر کالبدی غالباً بدون ارتباط با محیط منطقه ای میل به تنوع، انسجام، ارتباط، هویت و وجوه مشخصهٔ دیگر خود را از دست داده است. بافتهای شهری و روستائی کشور علی رغم تنوع محیط اجتماعی و معیشتی و طبیعی، به نحوی یکسان و یکدست و عاری ازوجوه مشخصهٔ ویژه در حال شکل گیری است. همین امر نه تنها برچهره و نقش و وظیفه مراکز زیستی تاثیر نامطلوب داشته، بلکه نیاز واقعی جمعیت ساکن در آنها را نیز برآورده نساخته است[۱]. دراین مورد کافی است که انتظار یک خانوار (اعم از شهری یا روستائی) از یک مسکن مطلوب که با خواسته های فرهنگی و اجتماعی و معیشتی در محیطهای متنوع کشور منطبق باشد، مورد بررسی قرار گیرد.

در طرح سیاستهای ملی و منطقه ای علاوه برنیاز به برنامه کاربری اراضی منطقه ای و برنامه ریزی شهری و روستایی، در قالب برنامه های توسعه اجتماعی و اقتصادی، توجه به اجزای شکل دهندهٔ فضاهای شهری و روستایی نیز فوق العاده مهم است.

گذشتگان ما، عناصر شهری و روستایی را با محیط مرتبط ساخته و معیشت و کار و روند زندگی خود را بر اساس آن قرار می دادند. در حالیکه سیمای جدید شهرها و روستاهای کشور نه با طبیعت هماهنگ است و نه با فرهنگ و معیشت. در بسیاری از آنها اقتصاد عامل تعیین کننده شده است. در بسیاری از بافتهای مسکونی، به جای داشتن محیطی برای زندگی و رشد و نمو فرزندان و صمیمت های منبعث از خانواده، انتظار فقط داشتن یک سرپناه است. عرض راهها، حجم ساختمانها، طرح بناها، بدون توجه به تراکم جمعیت و خصوصیات محیط شکل گرفته است. جنبه های کیفی مسکن کمتر مطرح می باشد. ساختمانها نه تنها با خود غریبه اند بلکه با محیط اطراف خود نیز نامانوس می باشند. زندگی دریک مجموعه زیستی یعنی تداوم بخشیدن به روند حیات و رشد و تعالی جامعه، مسلماً دراین مورد امکانات و محدودیتها را باید در نظر گرفت. باید با محیط و برای محیط ساخت. نیاز زمان اگر چه تعیین کننده است ، ولی باید این نیاز را با نیازهای عاطفی و روانی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصاد و معیشت، طبیعت و بوم و بالاخره هویت ملی در ارتباط قرار داد. مجموعه های زیستی باید درکلیهٔ ابعاد خود پاسخگوی این نیازها و درعین حال شرایط محیطی باشد. تعیین تراکمهای ساختمانی باید با برنامه ریزی و مکان یابی و ظرفیت پذیری انواع کاربریهای اراضی توام شود. افزایش تراکم ساختمان که در بعضی از شهرهای کشور مورد توجه است، غالباً با ظرفیت عناصر وابسته به خود مانند راه، مدرسه، فضای درمانی، فضای فرهنگی، فضاهای باز و سبز و

۱- توضیح بیشتر در فصول بعد خواهد آمد.

تفریحی ارتباطی ندارد. غالباً کمتر مطالعه ای درباره تاثیر منفی تراکم ساختمان برجنبه های اجتماعی، طبیعی، زیست محیطی و ظرفیت تسهیلات شهری صورت گرفته است.

در ارتباط با موضوع مورد بحث، ساختمانها درحال حاضر فقط پاسخگوی فضایی برای استقرار ساکنان شده است. ارتباطی بین تعداد اعضای خانوار و فضای مورد نیاز و سطح زیربنای آنها وجود ندارد. روند شهرسازی تهران، الگویی برای تقلید غالب بافتهای جدید شهری و روستایی شده است. این امر شهرسازی را با مشکلات عدیده ای مواجه می سازد.

ازجمله اهداف برنامه ریزی مسکن، ضمن در برداشتن بازدهٔ مطلوب اقتصادی و ارتباط با طبیعت ومعیشت، اصلاح محیط اجتماعی در قالب اصلاح محیط کالبدی است. نسل آینده نیز باید با نگرشها و هویت فرهنگی شهری ومنطقه ای خود آشنا باشد. ازاین روی باید استعداد محیط را در طراحی کالبدی به عنوان زمینه ای در پرورش روحی و جسمی و توانهای مادی و معنوی ساکنان مورد توجه قرار داد. بنابراین شرایط محیطی توانبخش برنامه ریزی و برنامه ریزی زمینه ساز طراحی کالبدی است. این روند با استفاده از شرایط مطلوب محیط، طراحی کالبدی را به سوی نظامی قانونمند سوق خواهد داد. در قالب موارد بیان شده، نکات زیرمطرح می باشد:

- سیمای محیطی مراکز زیستی کشور، باید بر اساس الگوها و شرایط مساعد منطقه ای و باتوجه به خصوصیات محیط اجتماعی و اقتصادی و طبیعی شکل گیرد.
- در کیفیت های بصری، به بررسی اشکال مختلف طراحی با محیط پرداخته شود.
- هدف و سیاست طرح ریزی برای مناطق، شهرها و روستاهای کشور تعریف شود.
- درسیاست طرح ریزی، به نقش عناصر مختلف کالبدی درهر مجموعه، با استعانت از شرایط و استعدادهای محیط بها داده شود.
- نکات آشکار و نهان محیط که در تشکل فضاهای زیستی سنتی کشور مؤثر بوده، باتوجه به شرایط زمان، درایجاد فضاهای باز و متراکم، سیمای محیط، چشم اندازها وشکل و بافت آنها مورد توجه قرار گیرد.
- در طراحی محیط کالبدی به تاثیر، روانی، طبیعی و انسانی آن توجه کافی معطوف گردد.
- فضاهای زیستی بر اساس شرایط محیط، باید ارتباط بین مسکن با دیگر محیطهای شهری را فراهم آورد.
- از ایجاد فضاهایی که از نظر ترکیب و زیبایی، عملکرد، هماهنگی در شکل و نما و ویژگیهای دیگر بصری با محیط نامربوط است، خودداری شده واز انهدام بافتهای با ارزش تاریخی ممانعت به عمل آید.

ـ در طرح ریزی محیط کالبدی به خصوصیات سلسله مراتبی فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی محلات و به جنبه های طبیعی و فرهنگی مترتب بر آنها توجه کافی معطوف شود.

ـ درچهرهٔ زیستگاههای شهری و روستایی کشور، باید چهره اقلیم و طبیعت، اقتصاد و معیشت و جامعه و فرهنگ هویدا باشد.

ـ ساختارهای شهری و روستایی ایران باید بر اساس نظم درمحیط زیست و شرایط و سلسله مراتب منبعث از آن شکل گرفته و طرح فضا بر اساس شناخت محیط باشد.

شرایط کشور، با توجه به گوناگونی محیط، طراحی ویژه ای را می طلبد. توجه حداقل به آنچه که در طراحی گذشتگان ملحوظ است، همگام با پیشرفت دانش شهرسازی رهگشای طراحی برای آینده ای مطلوب خواهد بود.

بخش چهارم

بسا سرای که بامش همی بسود فلک
بسا درخت که شاخش همی بسود هلال
کز آن درخت نمانده کنون مگر آثار
وز آن سرای نمانده کنون مگر اطلال
گذشت خواری لیک این از آن بود بدتر
که هر زمان به زمین اندر اوفتد زلزال
(قطران تبریزی - وفات ۴۶۵ هجری)

مراکز زیستی و سوانح طبیعی

همانطور که در بخش های قبل بیان شد کشور ما در قسمتی از فلات ایران قرار گرفته که شرایط طبیعی و منطقه ای آن از نظر پستی و بلندی، زمین ساختی، اقلیم و موقعیت مکانی شرایط ویژه‌ای دارد. همین امر بر پراکندگی جمعیت، نوع معیشت و نحوهٔ استقرار شهرها و روستاها اثری غیرقابل انکار داشته است. آنجا که شرایط محیط مساعدت داشته، تعداد انبوهی از مراکز شهری و روستایی به وجود آمده و در ناحیه ای دیگر روستاها و شهرها پراکنده است. دراین مورد کافی است که به پراکندگی نواحی زیستی در نیمه های شرقی و جنوبی کشور یا نیمه های غربی و شمالی آن نظری افکنده شود. خصوصیات ویژهٔ طبیعت و ساختار زمین علاوه بر آنکه کشور ما را در شمار کانونهای فعال زلزله قرار داده، بسیاری از مراکز زیستی را با خطرات مختلف طبیعی مانند سیل، رگبارهای سیل آسا و ناگهانی، طوفان شن و عواملی مانند آنها روبرو ساخته است.

اغلب شهرها و روستاهای کشور ما، از دیدگاه طبیعی در کنار رودخانه هایی با آبهای دائمی یا فصلی قرار گرفته است. عمده بارندگیها دراین نقاط همراه با بارشهای تند و ناگهانی است. آمار سالهای قبل نشان می دهد که ۸ درصد از شهرها در کنار دریا و ۶۱ درصد در کنار رودخانه های فصلی و

یا دائمی قرار داشته است[1]. غالب مراکز سکونتی و جمعیتی شهری و درصد عمده ای از روستاها در کمر بند زلزله قرار گرفته و بیشتر تاسیسات عمرانی مانند راه آهن، سدها، و کارخانجات دراین نقاط است. دامنه های پست ساحلی دریاهای شمالی و جنوبی کشور، استقرار بسیاری از مراکز سکونتی را با انبوهی از جمعیت پذیرا گشته است. قسمت قابل توجهی از مراکز زیستی بویژه درمناطق کویری در معرض وزش طوفانهای شن قرار دارد. خوشبختانه تا زمان حاضر اثری از بروز آتش فشانی کوهها و طوفانهای مهیب مشاهده نشده و شیوع بیماریهای مسری علی رغم سابقه تاریخی آن به دلایل مختلف و از جمله پیشرفت علم پزشکی محدود گردیده است. در سال های اخیر عمده ترین آثار نامساعد ناشی از طبیعت در سطح کشور به صورت سیل و سیلاب و یا زلزله، مراکز انبوه جمعیتی کشور را در معرض تهدید قرار داده و متاسفانه به لطمات جانی و مالی گسترده ای نیز منجر شده است.

از جمله مهمترین اقدام در هر برنامه ریزی شهری و منطقه ای، نظارت (Control) بر اثرات عوامل نامساعد طبیعی بر پیکرهٔ مراکز زیستی و تاسیسات مختلف اجتماعی و اقتصادی است. طبیعت براساس شرایط بوم ساختی خود، آن طور که هست واقع شده و کوچکترین دخل و تصرف بی رویه، بنابر همان شرایط، آثار دیگری را هویدا می سازد. تمام اتفاقات طبیعی را نمی توان با دید انتقادی نگریست. چه بسا بسیاری از این اتفاقات دارای جنبه های مثبت و فواید مختلف باشد. بنابراین آنچه که از عهده بشر بر می آید، کاهش آثار نامساعد آن است. این نظارتها ضمن استفاده از نقش طبیعت در رشد اجتماعی و اقتصادی، برنامه ریزی شهری و منطقه ای را با استفاده از روشهای فنی ازانسجام لازم برخوردار می سازد. با اعمال سیاستهای فضایی و روشهای طراحی و برنامه ریزی، می توان تغییر مثبت در روشهای زندگی را با قانونمندی حفظ حریمهای طبیعی و ترویج ضوابط و قوانین متاثر از آن همراه نمود.

تمرکز جمعیت در چند نقطه با ویژگیهای جغرافیایی ایران سازگار نمی باشد. بنابر این مهمترین گام، برنامه ریزی پراکندگی جمعیت در کشور است. آمار سال ۱۳۶۵ نشان می دهد که ۵۴/۵ درصد از جمعیت کشور در نقاط شهری و ۴۵/۵ درصد در نقاط روستایی استقرار داشته است. در اثر اتفاقات مختلف در نظام اسکان جمعیت، مراکز استانها و چند شهرانگشت شمار، آماج بزرگترین مهاجرتها شده است. چنین اتفاقاتی آثار زیانبار خود را بر پیکره های شهری و روستایی وارد ساخته است.

در ارتباط با حوادث طبیعی، مهمترین راه مقابله با این حوادث، پراکندگی جمعیت و مکان یابی علمی مراکز زیستی است. از مجموع ساختمانهای مسکونی کشور که در سال ۱۳۶۵ بالغ بر

۱- یداله فرید - مقدمه بر روش تحقیق شهرهای ایران - دانشگاه تبریز - تبریز -۱۳۴۹.

۸,۲۱۷,۳۷۵ واحد بوده، تا ۳۰ درصد از خشت و گل و یا خشت و چوب و ۱۵/۷ درصد از آجر و چوب یا سنگ و چوب بوده است. این سهم برای نقاط روستایی با ۳۵۴۷۶۵۳ واحد به ترتیب ۵۳ درصد و ۱۹ درصد و برای نقاط شهری با ۴۶۶/۹۷۲/۲ واحد ۱۱ و ۱۳ درصد بوده است[۱]. درنقاط روستایی کشور ۴۱/۲ درصد از واحدهای مسکونی دارای یک تا دو اطاق بوده و در ۹۹/۵ درصد از آنها یک تا دو خانوار سکونت داشته است. برای نقاط شهری ۲۴/۵ درصد از مساکن دارای ۱ تا ۲اطاق بوده و در ۹۹/۳ درصد از آنها یک تا دوخانوار زندگی می کرده اند. به طور کلی ۴۸/۴ درصد از خانوارهای شهری و روستایی کشور دارای یک تا ۲ اطاق برای سکونت بوده و ۴۰/۶ درصد از ساختمانها دارای قدمتی بیش از ۱۵ سال می باشد. طبق آمار سال ۱۳۶۵ حدود ۶۷ درصد از خانوارهای روستایی و ۳۰ درصد از خانوارهای شهری در ساختمانهایی از خشت و گل یا خشت و چوب زندگی می کرده اند. باتوجه به آنکه عمدهٔ جمعیت کشور در نقاط زلزله خیز و یا در معرض بروز سیل و سیلاب و پیشروی آب دریا (در سواحل شمالی) استقرار یافته، به سه عدد آماری دیگر نیزاشاره میشود.طبق آمار سال۱۳۶۵ حدود ۴۵۳۰۹۰ نفر از جمعیت کشور (حدود یک درصد) معلول بوده، ۳ درصد از جمعیت کشور در سنین بالای ۶۵ سال و ۳۳ درصد کمتر از ۹ سال سن داشته اند[۲]. این سه گروه در بروز اتفاقات طبیعی به دلیل معلولیت، کهولت سن و ناتوانی جسمی بیش ازدیگران درمعرض صدمات جبران ناپذیرند. این سه گروه درصد قابل توجهی از جمعیت می باشند.

درنقاط روستایی برحسب شرایط اقتصادی خانوار، توجهی به استحکام مصالح ساختمانی، اسلوب بنا و موقعیت آنها در اراضی پست و یا سیل گیر نمی شود. در این مورد برای اکثریت قریب به اتفّاق آنها ضابطه ای وجود ندارد. درنقاط شهری نیز عامل تعیین کنندهٔ احداث ساختمانها، غالباً سودجویی زمین خواران، بساز و بفروشی و مانند آنها بوده است. در این رهگذر، شهرداری ها بیشترین تلاش خود را در صدور پروانه های ساختمانی نسبت به ضوابط تراکم ساختمان، سطح زیر بنای مجاز و گاهی پرداخت جریمه برای عدول از مقررات ساختمانی به کار گرفته و به مصونیت ساختمان ها درمقابل زلزله و یا ایجاد بنا در حریم انهار و رودخانه ها و اراضی پست و سیل گیر توجه کافی نشده است. عمدهٔ ساختمانهای مستقر در نقاط مملو ازجمعیت، فضای بازکافی به منظور گریز جمعیت، در مواقع بحرانی را ندارد. عرض کوچه ها و معابر با حجم ساختمانها و تعداد جمعیت ساکن در آنها تناسبی ندارد. فضاهای باز و سبز شهری به جای آنکه درمواقع بروز زلزله مفری برای

۱ - مرکز آمار ایران - سرشماری عمومی نفوس و مسکن - مهرماه ۱۳۶۵ - نتایج تفصیلی کل کشور - تهران - ۱۳۶۷ .

۲- همان ماخذ.

جمعیت بوده و در هنگام بروز سیل و سیلاب عاملی در کاهش سرعت آن باشد، جای خود را به ساختمانهای چند طبقهٔ متراکم داده است. بر مشکلات فوق باید ضعف توان اقتصادی جمعیت در بهسازی محیط مسکونی خود و کمبود سطح تخصص دست اندرکاران واقعی ساختمان مانند بنّاها و کارگران ساختمانی را افزود.

اصولاً برنامه ریزی و طراحی مراکز زیستی، ضوابط ویژه ای را ازدیدگاه اهداف خود برای استقرار ساختمانها و تجهیزات و تاسیسات مربوطه می طلبد. این مورد، علاوه بر استحکام ساختمان و اسلوب و قواعد مربوط به آن به جنبه های مختلفی مانند تراکم، فضای باز، اقتصاد و درآمد و خصوصیات زمین مربوط بوده و بهبود کیفیت مصالح ساختمانی و افزایش تخصص دست اندرکاران اجرایی آنها را مطرح می سازد. باتوجه به خصوصیات طبیعی کشور و روند افزایش جمعیت آن، برنامه ریزی مراکز زیستی به منظور ایمنی در برابر ناملایمات طبیعی از سه دیدگاه قابل توجه است:

- تعیین و تعریف سیاستهایی برای شرایط موجود و ایمنی بیشتر ساختمان. به معنای آنکه چگونه می توان نسبت به واقعیتهای ساختمانی موجودو جمعیت ساکن در آنها در برابر ناملایمات طبیعی به چاره جویی پرداخت.

- اعمال ضوابط برنامه ریزی و طرح ریزی برای بافتهای شهری و روستایی که درآینده ایجادخواهد شد. این امر دامنه وسیعی دارد که به روند افزایش جمعیت و خانوار و بهبود شرایط اقتصادی مسکن باز می گردد. یاد آور می شود که حدود ۶۰ درصد از ساختمانهای مسکونی کشور در طول ۱۵ سالهٔ اخیر ایجاد شده است. درحالیکه دراین فاصله جمعیت کشور ۴۲ درصد افزایش یافته است. بنابراین با احتمال قریب به یقین و باتوجه به روند افزایش جمعیت کشور درصد بالایی از ساختمانهای مسکونی سال ۱۴۰۰ در فاصله دو دهه آینده ساخته خواهد شد. براین جمع باید تجدید بنای ساختمانهای قدیمی را افزود[1].

- تدوین سیاستهای دفاعی مشخص از نظر برنامه ریزی فضایی کشور در ارتباط با اسکان جمعیت، احداث تاسیسات زیر بنایی و اقتصادی. این قسمت جز با هماهنگی سازمانهای ذیربط وتدوین مقررات رسمی و آیین نامه های مربوط به آن عملی نخواهد شد.

در چهار چوب برنامه ریزی دفاعی مراکز زیستی در برابر ناملایمات طبیعی با رعایت ضوابط زیر، صدمات جانی و زیانهای مالی و اقتصادی به حداقل کاهش خواهد یافت:

- عدم تمرکزجمعیت درنقاط بحران زا، این امر مسلماً جز با اجرای برنامهٔ های ملی و به کارگیری قابلیت های اجتماعی و اقتصادی و محیطی امکان پذیر نیست.

۱- مقایسه نتایج آماری نفوس و مسکن درمقاطع مختلف آماری - مرکز آمار ایران.

ـ افزایش سطوح زیر بنا و تشویق جمعیت به زندگی در زیر سقف های متعدد. این مورد در درجه اول به افزایش سطح درآمد خانوارها، و سپس اعمال روشهایی در تغییر مثبت روند زندگی و بالاخره افزایش توان تولید مصالح ساختمانی بستگی خواهد داشت. لازمهٔ این امر پخش متعادل جمعیت و نظارت بر قیمت زمین است. مراکز مسکونی به خاطر گرانی زمین به صورت ناموزون گسترش می یابند. دراین مورد باید به برنامه ریزی اقتصادی مسکن و هماهنگی توان اقتصادی خانوارها با هزینه مسکن و از جمله اعطای وامهای بلند مدت و کم بهره اشاره کرد.

ـ بازنگری دقیق ساختمانها از نظر نوع مصالح، اسلوب ساختمان، طبقات، مقاومت و ایستایی آنها، دراین مورد ضوابط زیر مطرح می باشد:

ـ بهبود کیفیت مصالح و نظارت بر کارگاههای تولید مصالح ساختمانی.

ـ افزایش سطح تخصص کارکنان ساختمانی.

ـ محاسبهٔ ایستایی ساختمانها در برابر اتفاقات طبیعی.

ـ اعمال روشهای فنی ساختمان.

ـ نظارت بر طبقات با اسلوب ساختمان و جنس مصالح ساختمانی.

ـ حفظ ضوابط محیط طبیعی مانند حریم رودخانه ها و دریاها و جلوگیری از استقرار ساختمانها در حریم آنها. در این مورد از دیدگاه زیست محیطی و مصونیت ساختمانها در برابر اتفاقات ناگهانی، حفظ حریم رودخانه ها، نهرها، قناتها، دریاهاو دریاچه ها ضروری است. باید از احداث ساختمان و تاسیسات عمرانی مانند راه، تاسیسات برق و آب و تلفن و گاز در مسیر این حریمها خودداری کرد. همچنین از احداث این تاسیسات در اراضی پست و سیل گیرو یا در معرض ریزش کوه پرهیز نمود.

ـ توسعه وایجاد فضاهای باز و تناسب عرض معابر با حجم ساختمانها و تعداد ساکنان اطراف آنها به منظور ایجاد زمینه ای برای دور شدن سریع جمعیت. از جمله مشکلات، آن است که جمعیت در مواقع بروز بحرانهای طبیعی فضای کافی برای تردد سریع وانتقال به فضاهای بی خطر را ندارد. راهرو و پاگرد ساختمانهای مجتمع باید متناسب با فضای بیرون آن باشد. کوچه ها و معابر علاوه بر تردد سریع جمعیت باید عرض و گنجایش کافی داشته باشد تا ریزش ساختمانهای اطراف به داخل کوچه ها به جمعیت در حال حرکت صدمه وارد نیاورد. ساختمانها حتی الامکان باید دورتر از معابر ایجاد گردند. فضای حائل بین کوچه و ساختمان باید به تناسب ارتفاع بنا باز باشد. جمعیتی که موفق به فرار از بروز سیل یا زلزله شده، باید جایی برای ایستادن داشته باشد. بنابراین ایجاد فضاهای باز، میدانچه های متعدد و تناسب عرض معابر با ارتفاع ساختمانها بسیار مهم است. احداث چند

ساختمان نیازمند معبر و فضای بازکافی است تا ضمن بسط روابط همسایگی و ایجاد فضای سبز ، در مواقع اضطراری نیز جنبه ای دفاعی پیدا کند.

ـ ایجادشبکه های دفع سریع سیل وسیلاب در سکونتگاهها در ارتباط با شرایط محیط طبیعی. در این مورد شیب و عرض معابر و احداث آبروها باید با دقت کافی صورت گیرد. از جمله مشکلات این است که برای ایجاد نظم در گذرگاهها و خیابانها، آبروها بدون توجه به حجم آب ساخته می شود، تجدید آسفالت خیابانها نیز بر روی همان سطح پوششی قبلی انجام گرفته وباعث اختلاف سطح کمترمعابر و اماکن مسکونی می شود. در پوشش سطح راهها، بسته به شرایط محیط، باید از مصالحی استفاده شود که تا اندازه ای امکان نفوذ آب را در همان قسمت فراهم آورد. در این مورد باید معابر سواره پایین تر از سطح پیاده روها و پیاده روها پایین تر از سطح حیاط شکل گیرد.

ـ حفاظت تاسیسات حیاتی بویژه شبکه های آب، برق، گاز، تلفن، راه آهن زیرزمینی و خدمات امداد رسان در بروز بحرانهای سیل و زلزله. به تجربه ثابت شده است که از جمله قربانیان اتفّاقات طبیعی، امداد رسانانی می باشند. که ساختمان محل استقرار آنها به دلیل عدم استحکام زودتر فرو می ریزد. این مورد در ارتباط با عرض راهها نیز قابل توجه است. تعبیه شبکه های برق، گاز، آب، فاضلاب و تلفن در جایگاهی مناسب و ایجاد حریم برای هریک از آنها آسیب های پی در پی را به حداقل خواهد رسانید.

ـ ضوابط ویژه و تنظیم آیین نامه های ساختمانی برای ساختمانها. این آیین نامه ها باید به نحوی تنظیم شود که راهنمای صدور پروانه های ساختمانی در ارتباط با اتفاقات طبیعی باشد.

ـ پخش متعادل تراکم جمعیت در سطح محلات و نواحی شهری و روستایی ضمن داشتن جنبه های مثبت اجتماعی و اقتصادی و تاسیساتی، به مثابه اعتدال در کاهش آثار ناملایمات طبیعی است.

ـ شکل گیری ساختمانها وآموزشهای همگانی. ایجاد سازمانهای دفاعی و استفاده از تجربه سایر کشورها در کاهش اثرات ناشی از اتفّاقات طبیعی.

ـ در اختیار داشتن یک مجموعه (Bank) اطلاعاتی که شامل آمار و اطلاعات و نقشه های دقیق از محل روستاها و شهرها، تعداد جمعیت وخصوصیات ساختمانها، خصوصیات کالبدی اماکن، راههای دسترسی و نظایرآنها باشد. هنگام بروز اتفّاقات طبیعی اولین مشکل، اطلاع از شرایط محیط به منظور نجات آسیب دیدگان است. این مورد وقت زیادی را به خود اختصاص داده و امدادرسانان را با نوعی سردرگمی مواجه می سازد. این امر از جمله مهمترین اصول برنامه ریزی دفاعی در برابر ناملایمات طبیعی است.

فصل دوم

برنامه ریزی مراکز زیستی ایران بر مبنای بوم ساختهای طبیعی وانسانی

توجه به مسایل زیست محیطی، در عمران و آبادی شهرها و مناطق ایران، یکی از نکات عمده در طرحها و برنامه ریزیهای شهری و منطقه ای است. آنچه که در شهرها و مناطق مختلف دنیا روی داده و توجه به توسعهٔ پایدار را بیش از هر زمان دیگری مطرح ساخته است، می تواند هشداری در جلوگیری از بروز مشکلات زیست محیطی در کشور ما باشد. بنابراین، اگر چه فصل حاضر به طور مستقیم به ایران مربوط نیست، ولی شواهدی از آن در بعضی از نقاط کشور قابل مشاهده است. در بخش اول مشکلات زیست محیطی در شهرهای مختلف دنیا مورد بررسی قرار گرفته و در بخش دوم به بررسی عوارض ناشی از سکونت در مجتمع های مسکونی مرتفع پرداخته شده است. اگر چه در ایجاد ساختمانهای مرتفع به عنوان راه حلی مناسب در تامین مسکن و جلوگیری از هرز روی اراضی شهری تردیدی نیست، ولی در کنار حل مسایل کمّی، توجه به مسایل کیفی نیز بسیار ضروری می باشد. در بخش سوم، عمده توجه به آشنایی بیشتر جمعیت با مسایل محیط زیست و سکونت در شهرها معطوف گردیده است. تاکید بر این موارد می تواند بر پیدایش مسایل زیستی عاملی بازدارنده باشد.

بخش اول

چهار چیز مرآزاده را ز غـم بـــخرد
تن درست وخوی نیک و نام نیک و خرد
هر آنکه ایزدش این چارچیز روزی کرد
شود کـه شاد زیـدجاودان وغم نـخورد
(رودکی – وفات سال ۳۲۹ هجری)

ملاحظات زیست محیطی در شهرها

انقلاب صنعتی با کشف نیروی بخار و اختراع ماشین چاپ آغاز و تحولات شگرفی را که قبل از آن درحیات بشر معنا و مفهومی نداشت ،باعث شد. تحول در سرعت، تحول درتولید، تحول در شغل ودر آمد، و تحول در بهره برداری از طبیعت. با پیشرفت روز به روز اختراعات و اکتشافات و توسعهٔ بهداشت و دانش پزشکی، جمعیت دنیا افزایش یافته و مردم به یکدیگر نزدیکتر شدند. گسترش راهها و وسایل ارتباط جمعی، توسعه کالبدی شهرها، پیدایش تخصص و تقسیم کار، افزایش مهاجرتها ازنتایج چنین تحولاتی بود. این عوامل به رفاه بشر، بویژه کسانی که در رویارویی با آنها بودند، منجر شد.

مسائلی که قبل از انقلاب صنعتی برای بشر خواب و خیال می نمود، به واقعیت پیوست؛ پروازو رسیدن به کره ماه، آگاهی به حقایق محیط پیرامون، کشف عامل بیماری ها، از آن جمله است. بشر در مدتی کوتاه به امکاناتی دست یافت که در طول قرن ها و هزاره ها بدان دست نیافته بود. با استفاده از فن، منابع محیطی اطراف را به خدمت گرفت، روند زندگی خود را تغییر داد و گروههای انسانی را در نقاط مختلف دنیا درروابط اقتصادی و اجتماعی به یکدیگر نزدیکتر ساخت. این نزدیکی و ارتباط در واقع روستاها، شهرها و کشورها را به هم مرتبط ساخت و جامعه دیگری شکل گرفت. با بروز پدیده های جدید، مسائل جدیدی نیز رخ نمود. بشر برای حل این مسائل، محیط و طبیعت را

بیشتر به انحصار خود در آورد. از طبیعت غذای بیشتر، بهره بیشتر و کمک بیشتری خواست. دشتها، کوهها، دریاها، و درمجموع خشکی و دریا و هوا را به تصرف خود در آورد. باز هم به رفاه بیشتری رسید، ولی با مشکلات تازه ای نیز روبرو شد. مشکلات در نقاطی زودتر اثر گذارد که با فرآورده ها و محصولات ناشی از صنعت زودتر آشنا شده بود. نخست نقاطی که اختراعات و اکتشافات در آنها انجام می گرفت، و دوم مراکز متمرکز جمعیتی دنیا، یعنی شهرها.

برای توجیه مطالب، تعریف و تشریح چند مورد بدیهی ضروری می باشد، تا ارزیابی بهتری از آثار دخل و تصرف بی رویهٔ انسان در پهنهٔ محیط طبیعی را به دست دهد. اول تعریف «محیط» است. «محیط» در فارسی به معنای «احاطه کننده» و «دربرگیرنده» و «دنیا» است[۱]. معادل انگلیسی آن Environment (محیط متغیرو ناپایدار) و برابر فرانسه آن Milieu (محیط ثابت)[۲] است. محیط کلیه شرایط و اموری است که موجب تکامل هر موجود زنده و بویژه تحول شخصیت انسانی می شود. محیط، هر چه باشد، هنگامی قابل بررسی است که در آن ارتباطات مورد توجه قرار گیرد. بنابراین ازنظر بوم شناسی (Ecology)، «محیط» بدون توجه به روابط بین عناصر و اجزا معنا و مفهومی ندارد. بوم شناسی نیز رابطهٔ بین موجودات زنده را با یکدیگر و با محیط زیست خود در بر می گیرد. در جهان هستی حیوانات مقهور محیط اند و به صورت بسیاربطیء در آن دخل و تصرف می کنند. ولی انسان برمحیط تاثیرمتقابل دارد. او از محیط تاثیر می گیرد و برمحیط تاثیرمی گذارد. در بیانی مختصر در عالم آفرینش هر چیز بر جای خود قرار دارد. لازمهٔ این عرصه، نظمی است که بر آن مترتب است. همه چیز برنامه ریزی شده است؛ بین کلیهٔ مجموعه های آن ارتباط منطقی وجود دارد؛ منظومهٔ شمسی، تابش آفتاب، پیدایش شب و روز و فصول، اندامها و ساختمان بدن موجود زنده، همه دارای نظم است. بر مبنای این نظم است که روابط معنا و مفهوم پیدا می کند. اگر به صورت طبیعی یا غیر طبیعی اختلال یا انقطاعی دراین نظام حاصل شود، رابطه ها بر هم ریخته و همه چیز دگرگون می شود. بنابراین آلودگی محیط، دخل و تصرف بی رویه در طبیعت، توسعه ناپایدار و برهم ریختگی نظم در محیط است.

رابطه انسان با محیط به دو وجه است. یکی رابطهٔ جبری او با طبیعت مانند خوابیدن، نفس کشیدن، رشد کردن، غذاخوردن؛ و دیگری رابطهٔ اختیاری او مانند راه رفتن و انجام کار و انتخاب شغل و مانند آنها. ازاین رو بشر در بسیاری اززمینه های اساسی زندگی، وابسته به محیط است. اگر

۱- محمد معین فرهنگ فارسی - چاپ پنجم. انتشارات امیرکبیر- تهران ۱۳۶۲.

۲- مهدی کی نیا - مقاله محیط - محیط انسانی - شماره دوم - کمیته تحقیقات گروه آموزشی شهرسازی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران - ۱۳۴۹.

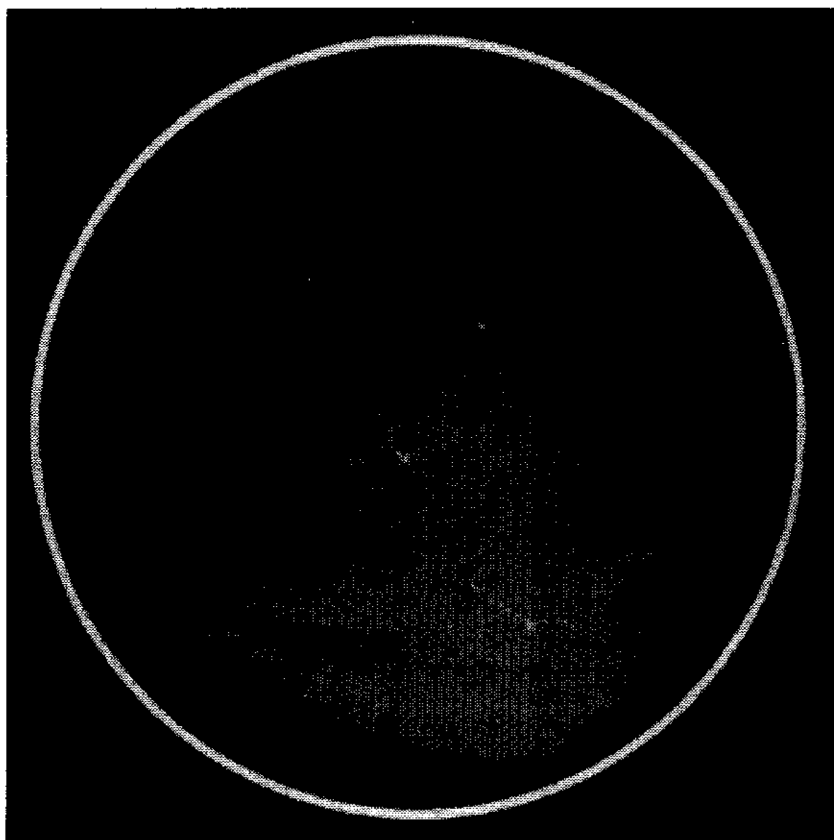
عاملی این رابطه و وابستگی را بر هم بزند، زندگی بشر با خطرات و صدمات جبران ناپذیری مواجه می شود. درمحیط زیست علاوه بر عامل طبیعی، عوامل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و معیشتی نیز در رابطهٔ انسان با محیط مؤثر می باشد. انسان به مدد محیط طبیعی و با استعانت از یافته های خود، زندگی را ساخته و شهر و روستاو ایل و عشیره را به وجود آورده و رابطهٔ اجتماعی و فرهنگی و معیشت و اقتصادش را با آن هماهنگ ساخته است.

تحولات عصر صنعت اگر چه بسیاری از معضلات بشر را حل کرده، امّا رابطهٔ منطقی او با محیط را برهم ریخته است. این اختلال را می توان به دوگونه تعبیر کرد، یکی آنکه آیا اصولاً کاربرد فنون باعث این انسداد می شود، یا آنکه بشر نتوانسته است به نحو صحیحی از فنون استفاده کرده و آنرا در رفع نیازهای خود به کار گیرد. قدر مسلم آن است که زندگی بشر و سایر موجودات زنده و رابطهٔ آنها با محیط زیست با بهره برداری نادرست از طبیعت، آلودگی ها و به هم خوردن رابطه های عمیق اجتماعی دگرگون شده است. مهمترین آثار آنرا باید درشهرها، بویژه شهرهای پرجمعیت و بزرگ مشاهده کرد.

اختلال در نظام زیستی انسان

ازنظر طبیعی، انسان بنا به طبیعت خود ونظمی که درخلقت او وجود دارد، نیاز به هوای پاك و محیط سالم، تابش کافی آفتاب، تامین غذای سالم، آرامش و آسایش، درجه حرارت و رطوبت و فشار هوای متعادل، وزش باد مطلوب، تحرك و فعالیت طبیعی، و بالاخره استفاده طبیعی از وسایل مختلف دارد. در اثر تمرکز جمعیت در شهرها و استفادهٔ لجام گسیخته از انواع فرآورده های ماشینی و شیمیایی، و به سبب بروز پدیده هایی چون بحران مسکن، رفت و آمد، اقتصاد و درآمد، این ارتباط را خطری جدی تهدید می کند. مانند یک نظام (System) که «مجموعه ای از عناصر و اجزایی است که بر یکدیگر تاثیر می گذارند و با یکدیگر درارتباط و تداخلند ولی درجمع حکم واحد می یابند[۱].»، مشکلات نخستین باعث بروز اتفاقات بعدی شده است. استفاده از سوختهای فسیلی با کاربردهای گوناگون، موجب بروز آلودگی هوا، کمبود اکسیژن و وجود گازهای سمی معلق در هوا شده و هاله های آن مانع از تابش آفتاب بر سطح زمین (محیط رشد و نمو) شده است. آلودگی هوا چهرهٔ ساختمان های شهری را زشت کرده و ارزش اقتصادی آنها را کاهش داده است. سرو صدا بر ساختار جسمی انسان تاثیر گذارده و آلودگی هواو صدا باعث افزایش بیماری های مختلف شده است. از این رو آسایش و آرامش بشر در شهرها به مخاطره افتاده است.

۱- همان ماخذ



دراثر بحران مسکن و استفاده از فرآورده های ساختمانی جدید، بشر از بین ساختمان های شهری غالباً گونه هایی را برگزیده که به پیدایش مشکلات جدید انجامیده است. استفادهٔ بیش از حد از خودرو و کم شدن فعالیتهای طبیعی مانند راه رفتن، باعث اختلال در سوخت و ساز بدن و افزایش بیماریهای جسمی شده است.

استفاده از مصالح ساختمانی نامتناسب با محیط، علی رغم بهره گیری از فنون پیشرفته، مسبب انتقال سریع حرارت یابرودت به ساختمان شده و نیاز به نور مصنوعی در داخل آنها را شدت داده است. این مورد بر میزان استفاده از سوخت و هزینه های مربوط به آن افزوده است. فضاهای باز و سبز پیرامون شهرها را هجوم زمین خواران و نیاز به توسعه کالبدی مکرر شهرها به نابودی کشانده است. مکان یافتن نامطلوب تاسیسات آلودگی زا درموقعیت نامتناسب با وزش باد، باعث انتقال آلاینده ها به داخل شهرها شده است.

آبهای زیرزمینی و سطحی توسط انواع فاضلابهای صنعتی و غیر صنعتی آلوده شده

است. تولیدات نامرغوب جدید صنعتی و شیمیایی، مانند ظروف و البسهٔ نامناسب، به بروز حساسیت ها و اختلالاتی از این نوع انجامیده و طبیعت شهرها و شهرنشیان را دست خوش آسیب کرده است. رابطهٔ انسان و محیط در شهرهای صنعتی برهم ریخته است. مردم شهرها از طبیعت فاصله گرفته و اصولاً حضور طبیعت را احساس نمی کنند؛ شبکه های برق فشار قوی درمسیرهای اصلی ارتباطی و اماکن مسکونی شهرها، مردم را درمعرض عوارض خود قرار داده است.

ازنظر اجتماعی و فرهنگی و روانی، در شهرهایی که از ماشین استفاده می شود، آرامش و آسایش از بین می رود. ارتباط طبیعی، منطقی وصمیمی انسانها نیز در شهرهای صنعتی گسسته و سست شده است.

بزه کاری، کج روی، سرقت و جنایت غالباً در شهرهای پر جمعیت و متراکم دیده می شود[1]. بنابراین نظم اجتماعی و روانی شهرها به هم ریخته است. درصد خودکشی در شهرها، بویژه شهرهایی که بدون برنامه ریزی ایجاد شده، بالاتر است. مردم شهرها با هم غریبه اند و یکدیگر را نمی شناسند. عمده آنها رابطه ای غیر صمیمانه و غیر دوستانه دارند. سکونتگاههای شهری فقط محل خوابیدن و استراحت جمعیت شده است. به طور عمده گروه هایی از جمعیت که از نظر اجتماعی و روانی با یکدیگر تفاوت دارند، به طور تصادفی به گردهم آمده اند.

در محلات جدید شهری برخلاف محلات قدیمی، حیات اجتماعی به مفهوم ویژه کلمه وجود ندارد. مرکز محلات به طور عمده محل رفع نیازهای مادی شده است. ماشین گرایی قوام و اساس خانواده ها را برهم زده و دید و بازدید به نامه نگاری یا ارتباط تلفنی و تلفن همراه محدود شده است. خویشان و آشنایان یا فرزندان و والدین یک خانواده به جای آن که گرمی حضور یکدیگر را حس کنند، ارتباطی غیر حضوری یافته اند. زمان برای ملاقات حضوری اعضای خانواده با یکدیگر روز به روز کاهش یافته است. این مورد خصوصاً برای مادران که درجامعه صنعتی باید کار کنند، بیشتر مطرح است. فرزند مجبور است که به جای مادر به مهد کودك پناه جسته و ازاوان زندگی تزلزل عاطفی خود را در فقدان دسترسی به مادر (به عنوان مظهر محبت) تجربه کند.

روستائیانی که راهی شهرها می شوند، عموماً به دلیل ناآشنایی با روش زندگی در شهر و تضادهای عمیق فرهنگی، مسخ شهرها می شوند. ریشه های فرهنگی در شهرها سست شده و میزان طلاق افزایش یافته است. روحیهٔ مردمان در شهرسراسر دود، صدا، ماشین و ساختمان و به دور از طبیعت، افسرده است.

ساختمانها به جای آن که در فضاهای باز و سبز شهری ساخته شوندو در عین تنوع، بامحیط

۱- اگ برن و نیم کف - زمینه جامعه شناسی - ترجمه امیر حسین آریانپور - دهخدا - تهران - ۱۳۵۰.

هماهنگ باشند، غرق در دود و آهن شده اند. به قول آن شعر ، کلاغها نیز دیگر نه بر شاخه درختان، که بر آنتنهای تلویزیون و انواع تابلوهای رنگارنگ تجاری شهرها آواز می خوانند. محبت، دوستی، مودت، شرکت درغم و شادی دیگران و ریش سفیدی در مسائل مختلف که معمول شهرهای پیشینه دار بود، در شهرهای صنعتی روبه فراموشی می گراید. انسان، علی رغم وابستگی به عالم آفرینش و محیط طبیعی و ارتباط با فضای سبز و باز، برای آرامش و تسلی روانی خود با انواع فشارهای عصبی و ناراحتیهای روانی دست به گریبان است.

ازنظر معیشتی واقتصادی نیز نگرانی هایی مطرح است. استفاده از فن، حتی نظام بهره برداری سالم انسان از طبیعت را برهم ریخته است. استفادهٔ انسان از مواد طبیعی و منابع اولیه چنان شدتی یافته که طبیعت را یارای جبران آنها نیست. چرا که منابع و ذخایر طبیعی محدوداند. استفاده بی رویه از آنها همه چیز را بر هم خواهد ریخت. درختان و انواع گونه های گیاهی که علاوه بر زیبایی، خود جزئی از طبیعت زنده محسوب می شود، به سرعت به یغما می رود. منابع خدادادهٔ طبیعی، از معادن گرفته تا منابع دریایی وخاکی، به شدت درمعرض نابودی است. خطربه حدی است که نسل آینده به طور جدی با بحران زیست روبرو خواهد بود. نسل بسیاری از آبزیان و دیگر حیوانات رو به انهدام رفته و فضاهای سبز جنگلی وطبیعی و حتی کوهستانها در معرض تهدید قرار گرفته است.

راههای درون شهری و برون شهری، بسیاری از اراضی کشاورزی و مراتع طبیعی را که منبع تولید اقتصادی محسوب می شود، فدای توسعهٔ خود کرده است. شهرنشینان هزینه های فراوانی بابت دفع انواع موش و سوسک و پشه یا شستشوی لباس و مانند آنها می پردازند. در اثر حفر چاههای عمیق که فن آوری آنرا میسر ساخته، منابع آب زیرزمینی به شدت رو به نقصان رفته و استفادهٔ بی برنامه از منابع آب باعث خشکی بسیاری از اراضی، بویژه اراضی کشاورزی شده است. لاجرم جمعیت کشاورز با از دست دادن منابع اولیهٔ تولیدی خود راه شهرها رادر پیش گرفته است.

استفاده ازانواع کودهای نامطمئن شیمیایی، کار ناگزیر کشاورزان شده است. کویر رو به پیشروی نهاده است. درعرصه های زندگی شهری، به جای کاربری صحیح زمین که نظم و قاعده ای به بهره برداری از آن می دهد، سود سرشار اقتصادی چیره گشته است. برجمع عوامل فوق باید تاثیر روشهای غلط استفاده از دانش فنی را در رویارویی با اقتصاد شهری و منطقه ای افزود.

چه باید کرد؟

بشر به چند دلیل نیازمند به حفظ محیط زیست است: زیبایی دوستی انسان، حفظ طبیعت زنده، بهره برداری سالم ازمحیط و حفظ محیط برای نسل های آینده (نسلهایی که نیامده و حقی

دارند). بشر امروز چه زمینه مساعدی را برای نسل های آینده به وجود آورده است؟ اگرزندگی طبیعی، اجتماعی، روانی، و اقتصادی نسل های آینده بر شالودهٔ مشکلاتی باشد که دراین نوع نوشته ها آمده و می آید، باور گفتهٔ جامعه شناسانی که بر کلان شهرها Megalopolis و شهرهای جهانی (Ecumenopolis) انتقاد می کنند، حق خواهد بود[۱]. شهرهایی که توسعهٔ آنها کوهها، دشتها، رودخانه ها، و دریاچه ها را احاطه خواهد کرد و جز ماشین و خدمت انسان به ماشین موردی برای آن مطرح نیست. شهرهایی که در نهایت سقوط ارزشهای انسانی را در پی دارد.

توصیه هایی در حفاظت محیط سالم و کنترل اختلالات محیطی

دربرنامه های توسعهٔ شهری کشور ما، در چند دههٔ اخیر، به محیط زیست و حفظ آن توجه کافی مبذول نشده و رشدلجام گسیختهٔ شهرهای بزرگ، بویژه تهران، و استفادهٔ نامناسب ازفن آوری حیات شهرنشینان را ناخواسته با خطرات جدی مواجه ساخته است.

در برنامه های توسعهٔ شهری ایران، حل مشکلات زیر می تواند ضمن حفظ ارتباط منطقی انسان با محیط و تامین رفاه، او را از خطر برهاند. مطلوب آن خواهد بود که در برنامه های توسعهٔ شهری عوامل زیر در عمل مورد توجه قرار گیرد:

- با محیط و برای محیط ساخته شود. این نکته کاربرد مصالح محیطی براساس نیاز آنرا توجیه می کند.
- در طرحها و برنامه های توسعهٔ شهری توجه به انسان و ارزشهای او مقدم بر رسوخ بی قاعدهٔ صنعت قرار گیرد.
- فضاهای سبز و باز شهری نه تنها باید حفظ شود، بلکه توسعه یابد و حفظ فضاهای سبز از اجزای لاینفک طرحهای توسعهٔ شهری باشد.
- ساختمانها باتوجه به مسائل نظام طبیعی و انسانی پای گیرد.
- بر فاضلابها، پس آب ها، انواع گازهای شیمیایی به نحو صحیح نظارت شود؛ تا آلودگی طبیعت را در پی نداشته باشد.
- در استفادهٔ بشر ازانواع فرآورده های صنعتی، ازساختمان سازی گرفته تاتولید یک لباس یا یک دارو، توجه بیشتری معطوف گردد.
- به کشاورزی به عنوان یکی ازعوامل اصلی بقای انسانی بهای بیشتری داده شود. این موردضمن تولید محصولات غذایی سالم، باعث دلبندی کشاورزان به محیط خود می شود. لازمهٔ این امر استفادهٔ صحیح ازمنابع آب و حل مسائل اقتصادی و رفاهی روستاییان است.

۱- حسین ادیبی - مقدمه بر جامعه شناسی شهری - شبگیر - تهران - ۱۳۵۵.

ـ تراکم شهری و تمرکز جمعیت درشهرها و روستاها متناسب با وسعت خاك کشور و پراکندگی منابع طبیعی باشد.

ـ استفاده از وسایل رفت وآمد با سوختهای غیرفسیلی و غیر آلاینده (مانند برق یا نیروی خورشیدی) موردتوجه بیشتر باشد.

ـ دربرنامه ریزی شهری، تداخل نظامها(System)ی طبیعی وهماهنگی آنها با یکدیگر مورد توجه قرار گیرد.

ـ شهرداری ها علاوه بر آنکه بر درصد تراکم ها و زیربنای ساختمانها برای صدور مجوز ساختمانی نظارت می کنند، باید در صدور مجوز ساختمانی از عوامل اجتماعی، طبیعی و اقتصادی ساختمانها نیز غافل نباشند.

ـ از ساخته شدن بزرگراهها و راههای اصلی درون شهری و برون شهری درمسیر محلات و مراکز مسکونی پرهیز شود.

ـ در برنامه ریزیها وطرح های توسعهٔ شهری به عوامل انسانی و طبیعی بهای بیشتری داده شود و رابطهٔ شهر با انسان و طبیعت ملحوظ گردد.

ـ برنامه ریزی کاربری زمین در داخل شهرها باید به نحوی انجام گیرد که موجب تداخل فعالیتهای نامربوط به هم نشده و برای اماکن مسکونی بحران ایجاد نکند (مانند ایجاد یک بیمارستان در میان یک محلهٔ مسکونی یا احداث چند واحد مسکونی در جوار گورستان یا کارگاه صنعتی).

ـ در واردات محصولات خارجی، به آثار زیست محیطی آنها نیز توجه شود.

ـ تاسیسات آموزشی و فرهنگی در میان محلات شهری جایگزین شده و توسعهٔ بیشتری یابد.

ـ با برنامه ریزی صحیح اقتصادی، منافع عموم جمعیت بر منافع خصوصی سود جویان زمین در داخل شهرها رجحان یابد.

ـ طبیعت رابایدآن طور که هست حفظ کرد و رابطهٔ انسان با طبیعت را قوام بخشید.

ـ اماکن مسکونی باید در بهترین اراضی شهر و دور از سرو صدا ایجاد شود.

ـ از ایجاد کارگاه های صنعتی پر سر و صدا، دود زا و آلوده کنندهٔ محیط در میان اماکن مسکونی پرهیز شود.

ـ باتوجه به معیارها و سرانه ها وضوابط صحیح شهرسازی و عملکردهای ناحیه ای، محله ای و زیر محله ای در شهرها ،امکان جایگزینی صحیح انواع تاسیسات مورد نیاز جمعیت فراهم شده و دسترسی جمعیت به مراکز مختلف شهری با کاربرد صحیح اراضی بهبود می یابد.

ـ از تجربیات، دست آوردها، و چاره جویی دیگر کشورها بهره گیری شده و نتایج مثبت آنها مورد نظر

باشد.

ـ طرح استفاده از وسایط حمل و نقل همگانی و طرح شبکه های ارتباطی عمومی، مقدم بر شبکه های حمل و نقل و وسایل نقلیهٔ خصوصی قرار گیرد.

ـ فضاها و مراکز ورزشی در داخل محلات شهری توسعه یابد.

ـ مرکز محلات شهری درحقیقت مرکز اجتماعی و فرهنگی شهرها باشد.

– حفظ سنن، فرهنگها و آداب و رسوم در قالب طراحی و برنامه ریزی شهری مورد توجه اساسی قرار داشته باشد.

بخش دوم

راستی کن همه که در دو جهان
بجز از راستیت نرهاند
سخت بیدار باش درهمه کار
پیش از آن که ات قضا بجنباند
نیک رو، بد مرو که نیک و بد است
که زما یادگار می ماند
(مسعود سعدسلمان- نیمه دوم قرن پنجم
و اوایل قرن ششم هجری)

عوارض زیست محیطی در ساختمانهای مرتفع مسکونی

اگر چه ازنظر طبیعی و به نسبت داده های طبیعت ، یکی ازمهمترین روشها عدم تمرکز در شرایط زیست و بهره وری متعادل از فرآورده های طبیعی و زندگی صلح جویانه درکنار طبیعت است، ولی به همراه بسیاری از نابسامانی هایی که در عرصه محیط زیست رابطه بین انسان و محیط را برهم زده است، زندگی در ساختمانهای چند طبقه نیز جایگاه ویژه ای دارد.

علل احداث مجتمع های مرتفع

یکی از هدف های زندگی در ساختمانهای مرتفع، اجتماع چند خانوار در یک مجموعه مسکونی به جای سکونت در قطعات مسکونی کوچک است، تا فضای باز بیشتری را برای محوطه سازی و تامین نیازمندیهایی مانند باغچه و فضای سبز و زمین بازی به وجود آورد. در عرصه های اجرایی، این مورد به دلایلی مانند گرانی قیمت زمین و مصالح ساختمانی، افزایش تقاضای مسکن، افزایش مهاجرت و تمرکز جمعیت، پیشرفت فنون ایجاد ساختمانهای مرتفع، صرفه جویی اقتصادی، کمی درآمد متقاضیان مسکن وسود جویی بساز و بفروش ها اتفاق افتاده است. این عوامل به محدود شدن سطح زمین مسکونی، احداث ساختمانهای بلند، تراکم جمعیت در نقاط متمرکز، کوچک سازی واحدهای مسکونی و مسائل مشابه آنها منجر شده و ازنظر زیست محیطی عوارض روانی و اجتماعی و

طبیعی فراوانی را به دنبال داشته است. از آن نظر که ایجاد واحدهای مسکونی مرتفع در طول چند ساله اخیر در ایران و بویژه در تهران رو به گسترش نهاده است، مواردی چند را در ارتباط با واحدهای مسکونی مرتفع مطرح می سازد.

۱ . موقعیت و قطعه بندی زمین:

ساختمانهای بلند، به طور عمده، برخلاف آئین نامه ها و مقررات نحوه استفاده از زمین (land use) منظرسازی (Land Scape) و طراحی شهری (Urban Design) در نقاطی شکل می گیرد که ازنظر شبکه ارتباطی، کاربری زمین و سیمای شهری، مناسبت چندانی ندارد. ذیلاً عوارض ناشی از آنها برشمرده می شود:

موقعیت ساختمان ها:

–جلوگیری ازچشم اندازمناسب به فضاهای باز، عمومی و طبیعی اطراف.

– اشراف به محیط های خصوصی که ازنظر فرهنگی اجتماعی و روانی قابل تامل می باشد.

– آلودگی صدا و هوای ناشی از عبور ومرور وسائط نقلیه در طبقات بالای ساختمانها بیش از طبقات پایین اثر می گذارد.

– هزینه های مقابله با آلودگی صدا (با ایجاد دیوارهای عایق صدا در کنار راهها و بزرگراهها و چند جداره ساخته شدن پنجره ها) و هوا و بو و بسته شدن پنجره ها و پرده ها و درنتیجه استفاده از مصرف بیشترسوخت برای روشنایی مصنوعی در روز وعدم دسترسی به هوای سالم بیشتر می باشد.

– تاثیر بر شبکه های رفت و آمدی شهر به دلیل تراکم بیشتر جمعیت در ساختمان.

– تداخل بین انواع فعالیتهای شهری معمولاً ساختمان های مرتفع درموقعیتی از اراضی شهری قرار می گیرد که ازنظر شبکه های آمد و شد(Traffic) درنقطه نامناسبی قرار دارد. همین عامل تداخل بین واحدهای مختلف تجاری و اداری را با واحدهای مسکونی دامن می زند و فضا را ازحالتی مسکونی به سوی یک فضای نا آرام زیستی سوق می دهد.

– بعضی از ساختمانها به دلایلی چون کمبود زمین یاگرانی آن، در اراضی کم ارتفاع توسعه یافته و درهنگام بروز سیل جمعیت بیشتری راتحت مخاطره قرارمی دهد.

قطعه بندی زمین:

– نزدیک ساخته شدن قطعات ساختمانی درکنارهم و درنتیجه اشراف بیشتر بریکدیگر و بروز مشکلات

اجتماعی وروانی.
– جلوگیری ازتابش مستقیم نور آفتاب به طبقات ساختمانها دراثروجودساختمانهای همجوار یا روبروی هم.
– فقدان فضای باز و سبز کافی درمجموعه ها دراثر کوچک بودن قطعات مسکونی.
– تاثیر بر روی شبکه های مختلف تاسیسات شهری مانند شبکه های آب، برق، گاز، فاضلاب، تلفن و نیازمندیهای عمومی ونیاز به تغییر ظرفیت مداوم آنها.
– فقدان فضاهای بازی وحرکت کافی برای کودکان ونوجوانان.
– مزاحمت برای همسایگان وتاثیر بر روی شبکه های ارتباطی دراثر تراکم ساختمانها از نظر حجم، طبقات و رفت و آمد.
– بروزعوارض اجتماعی دراثر نزدیک تر شدن زندگی درکنار هم و در جریان مسایل خصوصی دیگران بودن درداخل مجموعه های ساختمانی.

۲- عوارض طبیعی:

یکی از مهمترین عارضه های ناشی از زندگی درساختمانهای مرتفع، با بروز ناهنجاری های طبیعی جلوه می کند. این مورد تنها بر روی ساکنان مجموعه ها تاثیر نداشته، بلکه دامنه آن معمولاً جامعه شهری و شرایط زیست طبیعی در شهرها را تحت تاثیر قرارمی دهد:

عوامل مربوط به خاك و زمین :

– افزایش وزن ساختمان برخاك، موجب افزایش هزینه ایستایی آن می شود.
– بسیاری از ساختمانهای بلند درهنگام وقوع زلزله بسیار آسیب پذیرتراز دیگر ساختمانها می باشد. درمناطق زلزله خیز، نزدیکی ساختمان با گسل ها خطرات ناشی از فرو ریزی آنها را چند برابرمی کند.
– فشارناشی از وزن ساختمان ها، باعث شکسته شدن لایه های خاك شده و شبکه های فاضلاب را بامنابع آب زیرزمینی متداخل می سازد. این مورد درشهرهایی که آب آشامیدنی آنها از آب زیرزمینی تامین می شود، قابل توجه است.
– ساختمانهای با نمای شیشه ای در هنگام وقوع زلزله تلفات بیشتری دارد.

هوا :

– نحوه استقرار ساختمانها و آمد و شد وسائط نقلیه به تمرکز آلودگی هوا درفضا ی مجاور با آنها می انجامد.

- موقعیت ساختمانهای مرتفع وهمجواری متصل آنها باهم، بویژه درطرفین خیابانهای اصلی مانع ازعبور وجابجایی راحت هوا شده و ضمن جلوگیری از دفع هوای آلوده دستیابی به هوای پاك رامشکل می سازد.
- باتوجه به وزن مخصوص هوای آلوده، قسمتی از سموم به طبقات بالاترهوا (ودرنتیجه طبقات بالاتر ساختمانها) منتقل شده و سموم با وزن مخصوص سنگین به دلیل متراکم بودن در طبقات پایین ساختمان باقی می ماند.
- ساختمان های مرتفع بر جریان طبیعی باد که درکاهش آلودگی هوا وتعدیل رطوبت و حرارت مؤثر است، مانع ایجاد می کند.
- نمای ساختمانها دراثر آلودگی هوا وگردو غبار و ریزشهای جوی به مرور زمان چهرهٔ آلوده ای به خود گرفته ومناظر شهری را زشت می کند.

صدا:

- تردد وسائط نقلیه در راههای اصلی و بزرگراهها، بر میزان آلودگی صوتی در طبقات ساختمان می افزاید.
- تراکم رفت و آمدی خودروها درتوقفگاههای درونی ساختمان، حجم آلودگی صدا و هوا را بالا می برد.
- نورگیر ساختمانها، بویژه درجهتی که درمسیر راههای اصلی است، معمولاً یا با پنجره های چند جداره و یا باموانعی عایق بندی شده و فضای داخل ساختمانها را در استفاده ازنور یاهوای تازه محروم می کند.
- صدای ناشی ازعبور ومرور آمبولانس و وسائط آتش نشانی، قطار و هواپیما بر ساختمانهای مرتفع اثر بیشتری دارد.
- وجود دیوارهای کاذب در ساختمان، سروصدای همسایگان و رفت وآمد کنندگان را به یکدیگر منتقل می نماید. دیگران به طور ناخواسته درجریان اتفاقات درونی زندگی واحدهای مسکونی قرار گیرند.
- آلودگی های صوتی بر ارزش اقتصادی ساختمانها و اجاره بهای واحدهای ساختمانی مرتفع اثر می گذارد.

نور:

- همجواری ساختمانها، مانع ازتابش نور آفتاب و استفاده از روشنایی روز در داخل آنها می شود.

کاهش نور بر ساختمانهای با طبقات کم که درجوار ساختمانهای بلند قرار دارد، قابل توجه است.
- حجم ساختمانها، استفاده ازروشنایی مصنوعی در طول روز را بالا برده و برمصرف برق می افزاید.
- اگر ساختمان به صورت تک بنا ساخته شود، در بعضی از نواحی جغرافیایی که تابش نور و روزهای غیرابری زیاداست، مشکلات ناشی از شدت نور را چند برابر می کند.

حرارت و برودت:

- ساختمان مرتفع در فصول گرم هزینه های ناشی ازتنظیم حرارت دراثر تابش آفتاب را بالا می برد.
- در فصول سرد نیز در ساختمانهای مرتفع هزینه های ناشی از دفع برودت به داخل ساختمانها بالااست.
- ارتفاع ساختمان معمولاً برمصرف سوخت اثر می گذاره؛ مصرف برق، آب و هزینه های جنبی دیگر را بالا می برد. این خود ضمن صدمه به منابع سوخت شهری و منطقه ای برمنابع اقتصادی تولید آب و برق صدمه واردمی سازد.

۳. عوارض انسانی:

عوارض انسانی ناشی از زندگی در ساختمانهای مرتفع گسترده است. ساختمان مرتفع خانوارهایی را که ازنظر اندازه، طبقه اجتماعی، سنت و فرهنگ و شرایط سنی متفاوت اند، در یک مکان گرد می آورد. این مورد برعرصه های زندگی جمعی و اجتماعی شهراثر بسیار فزاینده ای دارد. مهمترین تاثیرات آن به شرح زیر است:

خصوصیات خانوار:

- سطح زیربنای هر واحد مسکونی درمجتمع های مرتفع به نسبت سطح درآمد خانوار است. از این رو نیازهای اولیه زندگی بویژه در ارتباط باخانوارهای گسترده و میزان درآمد آنها با اشکال مواجه می شود.
- کمی سطوح زیربنا به نسبت درآمد خانوار، مجتمع های مسکونی را با تراکم بیش ازحد مواجه ساخته و آرامش درساختمان را برهم می زند.
- گروههای خانوار باتوجه به شرایط اجتماعی متفاوت خود(مهاجرت - شغل - علائق و . . .) با یکدیگر درتفاهم نبوده وحالتی غریبه دارند.
- توجه به مسائل اخلاقی درمجتمع های متراکم و مرتفع شدید بوده و می توان بحث جداگانه ای را در ارتباط با آن دنبال نمود.

سنت ها و فرهنگ ها :

- بسیاری از سنت ها مانند معاشرت و دید و بازدید و مجالس جشن وعزا درعرصه برخورد اهالی با یکدیگر دستخوش تضاد شدید می شود.
- بسیاری از سنت های دیگر که جزیی ازاعتقادات گروههای مختلف اجتماعی است، در مجتمع های مرتفع اجازه عرض اندام نمی یابد.
- درمجتمع های مرتفع ومحیط اطراف آنها امکان وجود زندگی پوشیده ازچشم دیگران وجود ندارد. ساکنان نمی توانند به نحوکاملی یک فضای خصوصی را درعرصه برخورد با فضاهای ناظر برخود به وجود آورند.
- طراحی و ساخت بناهای مرتفع به دور از جنبه های فرهنگی و اجتماعی خانوارها، روند زندگی را در ورای یک ساختار طبیعی و درحالتی جبری مطرح می سازد.
- فضای مسکونی درمجتمع های مرتفع معمولاً به دلیل کمی فضا، قابلیت انجام فعالیتهای سنتی مانند تهیه ونگهداری ترشی، مربا، صنایع دستی، انبار آذوقه و امثال آنها را ندارد.
- ساکنان مجتمع های مرتفع همواره به دلایل مختلف، درآستانه سکونت توام با اضطراب در مجموعه های مسکونی خود می باشند.

مسائل جنبی اجتماعی :

- در پرداخت مخارج وهزینه های مشترك ساختمان ، درمجتمع های ساختمانی اختلاف نظر وجود دارد.
- سکونت سالمندان و کودکان در طبقات بالای ساختمان و عدم اشتغال زن خانواده و نگهداری کودکان باعث استقرار آنها در ساختمان بدون ارتباط با اهالی و مردم محله می شود.
- وجود سروصدا در مجموعه ها توسط میهمانها یا کودکان و مشاجرات اتفاقی خانوارها آرامش در محیط را برهم می زند.
- می توان به این نکته اذعان داشت که آپارتمان نشینی اگرچه ازنظر مکانی، جمعیت را با یکدیگرنزدیک ترکرده، ولی ازنظر روانی باعث دورترشدن آنها از یکدیگر شده است.
- امکان بروز اعتیاد وکجروی های اجتماعی در مجموعه های مسکونی مرتفع بیش از دیگر مجموعه هاست.
- زندگی درساختمان های مرتفع، به روند زندگی، حالتی مصنوعی وماشین زده می دهد.
- مشارکت وتعاون که بازگو کننده تماس وارتباط صمیمی بین اهالی محلات است، در مجتمع های

مرتفع، رنگ می بازد. امکان وجود صمیمیت در بین ساکنان بسیار ضعیف شده و در پاره ای از موارد لجام گسیخته است.

– در ساختمان های مرتفع، برخورد ناخوشایند با همسایگان، برخورد با پلیس، جدایی از همسر، شکست در شغل وترس و اضطراب درازدست دادن شغل بیشتر است.

– وسعت یابی ساختمانهای مسکونی مرتفع با افزایش تنهایی انسان در شهرهای بزرگ در ارتباط می باشد.

– معمولاً در ساختمانهای مرتفع، روح آزادی و آزادگی و زمینه های پرورش فکر ونبوغ که در پرورش انسان دانشمند، مخترع، مکتشف، نظریه پرداز، موسیقی دان، شاعر و نویسنده ومانند آنها دخالت دارد ،زمینه مناسب کمتری می یابد.

ایمنی در برابر حوادث :

– بالاترین صدمات در هنگام بروز زلزله و طوفان به مجتمع های مرتفع وارد می شود.

– مجتمع مرتفع درهنگام بروز حوادث طبیعی به دلیل کوچک بودن قطعات زمین به مجتمع های اطراف آسیب می رساند.

–در هنگام وقوع حوادثی مانند آتش سوزی ،کل مجموعه تحت تاثیر قرار می گیرد و ساختمان را با خسارات مالی و جانی گسترده ای به نسبت دیگر ساختمانها، دست به گریبان می کند. اضافه آنکه قابلیت دسترسی تاسیسات آتش نشانی رانیز محدود می نماید.

– در هنگام بروز اتفاقاتی مانند ترکیدگی لوله های آب و یا فاضلاب و قطع برق، مجتمع با مشکل روبرو می شود.

– اتفاقات ناشی از زندگی درمجتمع ها به معنای قبول حوادثی مانند سقوط بالابر (آسانسور)، بوی زباله و سوخت خودرو ومانند آنها می باشد.

– در ساختمانهای مرتفع معمولاً بروز حوادث طبیعی مانند طوفان، زلزله، رگبار، رعد و برق با اضطراب توام باوحشت ساکنان روبرو می باشد.

بهداشت محیط :

– گسترش بیماریهای مسری درمجموعه های فشرده بیش از دیگر ساختمانهاست.

– وجود حیوانات خانگی مانند سوسک وموش دراثر تداخل شبکه ها و دفع فاضلاب و زباله در مجموعه های متراکم بیشتراست.

– اضطراب وتشویش ونگرانی وترس اززندگی در ارتفاع ازمشکلات رودر روی ساکنان مجتمع های

مرتفع بوده و احتمال خودکشی در آنها بیشتر است.

– افزایش ارتفاع و طبقات ساختمان به کاهش ناشی از فشار هوامنجر شده و اثر آن بر جریان گردش خون و سلولهای مغزی انسان تاثیر می گذارد. بهره هوشی کودکان نسبت به افزایش طبقات رو به کاهش می گذارد.

– علم امروز ثابت می کند که ساختمانهای بتونی به تولید الکتریسیته ساکن پرداخته واین مورد برجریان گردش خون تاثیر می گذارد. تا جایی که به ساکنان توصیه می شود که در طول شبانه روز، چند ساعتی راخارج از فضای مسکونی خود سپری کنند[1].

– کاهش سطح زیربنای لازم درمجموعه های مرتفع و به هم فشرده در پیدایش فشارهای عصبی و روانی ونگرانی مؤثر است.

– عدم تحرك درمجموعه های مرتفع ومتراکم باعث بروز بیماریهای جسمی و روانی مانند سکته و افسردگی می شود.

– غریبه بودن ساکنان آپارتمانها، آنان را بیش از پیش به جدایی و تنهایی سوق می دهد.

– ساختمانهای بلند مرتبه برای خانواده های کم درآمدمناسب نیست. پرداخت هزینه های نگهداری، بهداشت جسمی و روانی ناشی ازاین سکونت برای آنها قابل تحمل نبوده و آنان با اضطراب بیشتری روبرو می شوند.

– نگاه های ساکت وکنجکاو ساکنان در بالابر می تواند فشارهای روانی را افزایش دهد.

– تشویش ونگرانی ساکنان در طبقات بالای ساختمان ها به نسبت طبقات پائین بیشتر است. شاید انتظار فراوان برای بالابر یاگریز ازحوادث اتفاقی منشاء این امر باشد. به همین خاطر افراد، به جای گردش در فضاهای باز و سبز ترجیح می دهند در واحدهای خود باقی بمانند.

– کمبود فضاهای مورد نیاز و از جمله اطاق (بویژه برای طبقات کم درآمد) در مجتمع های به هم فشرده باعث اختلال در شرایط جسمی و فکری کودکان می شود.

– تحرك کودکان که در رشد جسمی و فکری آنان مؤثر است، در ساختمانهای مرتفع محدود می شود. در حالیکه سوق دادن آنها به فضاهای جمعی ومعابر عمومی دور از خانواده نیزمشکلات مخصوص به خود را دارد.

– در مجموعه های مرتفع برای نظافت، ازانواع مواد شیمیائی استفاده می شود. همین مورد به افزایش انواع بیماریها و حساسیت ها منجرمی شود.

۱– دورته عزیزی– بتن – ترجمه سعید شفیعی – نشریه داخلی وزارت مسکن و شهرسازی – شماره۴۶– تهران – ۱۳۶۸.

تاسیسات وتجهیزات عمومی و زیربنایی :

- ساختمان مرتفع بر ظرفیت شبکه های آب و فاضلاب و قابلیت آنها مؤثر می باشد.
- کاهش فشار آب در طبقات ساختمان نیازمند تعبیه تاسیسات جدیدی درساختمان است که خود هزینه و مصرف سوخت بیشتری را به دنبال دارد.
- ساختمان مرتفع فشار بیشتری را برکارآیی شبکه برق و تلفن وارد می آورد.
- ساختمان مرتفع در صورت عدم پاسخگویی برنامه کاربری زمین ازنظر نیازمندیهای عمومی مانند مراکز خرید ،آموزش، بهداشت و درمان، تفریح و تاسیسات فرهنگی با مشکلاتی به ظاهر ناپیدا و در باطن اساسی رودرو می شود.
- سطح راههای منتهی به ساختمانهای مرتفع و متراکم درهنگام آغاز فعالیت صبح و اختتام آن در پایان روز، معمولاً باتراکم رفت و آمدی بیشتری روبرو می شود.
- درعرصه اقتصادی ،هزینه نگهداری ساختمانهای مرتفع به مراتب گرانتراز دیگر ساختمانها است. ازاین رو نتایج ناشی از این عوارض بردرآمد خانوارها مؤثر است. هزینه های خدماتی، هزینه نگهداری تاسیسات در این گونه ساختمانها بالااست.

عوارض زیباشناسانه :

- دوری از فضاهای سبز طبیعی بویژه درطبقات بالای ساختمان (به جز چشم اندازهای دور به نواحی اطراف) بیشتراست. در این مورد ساکنان آپارتمان ها به جای داشتن حیاط و فضای کوچک مسکونی به گلهای آپارتمانی و یا مصنوعی پناه می برند.
- ساختمانهای مرتفع در محل استقرارخود، امکان دیدن افق و طبیعت(کوهها - جنگل ها - دشت ها و فضاهای باز) رامحدود می سازد. حجم متراکمی ازآجر و آهن و سیمان به جای چشم اندازهای طبیعی در معرض دید قرارمی گیرد.
- ساختمانهای کوتاه و بلند ازنظر تقارن و ارتفاع وحجم بایکدیگر درتضاد قرار می گیرد.
-مجموعه های متراکم و به هم فشرده و به دوراز فضای باز، طراحی ومحوطه سازی و منظر سازی را با اشکال مواجه می سازد.
- عمده ساختمانهای مرتفع بنابرمسائل فنی، ازوجوه مشترك برخوردارند. این ساختمانها نمی توانند مظهر معماری و بافت سنتی وبومی محیط باشند.
- شکل ونمای ساختمانها درعین تداوم و پیوستگی ،حالتی تکراری داشته وساکنان را به مرور زمان خسته می کند. نمای غالب ساختمانها به جای یک مسکن انسانی، بیشتر به لانه های زنبور عسل شبیه است.

۴ . نتیجه گیری :

زندگی درساختمانهای مرتفع مسکونی، اگرچه مسائل کمّی مسکن را تسهیل می نماید، و از این نظر دارای جنبه های مثبت فراوان است. ولی از نظر کیفی مورد توجه می باشد. ازنظر روانی آثار تراکم بیش از حدّ و گوناگونی اجتماعی دریک سطح محدود بر بروز نارسائی درمسائل آموزشی و تربیتی دخالت دارد.

اصولاً برای احداث یک مجموعه ساختمانی، بایدتغییرات تراکم جمعیت و ساختمان و اثر آنها برمحیط، موردتوجه قرارگیرد. هنگامی که یک ساختمان مسکونی برپا می شود، به طور مستقیم برشبکه راههای درجه سوم، دوم و اول محیط اطراف خود اثر می گذارد. نیاز به توقفگاه خودرو دارد، مرکز خرید و مراکز خدماتی بیشتری را می طلبد، برنظام محله ای واجتماعی بافت های شهری مؤثر واقع می شود. یک مجموعه ساختمانی برجمع نفرات حاضر در مدارس محله نیزاثر دارد. شبکه هایی مانند: تلفن، برق، آب، دفع زباله، آتش نشانی، فاضلاب، پست و تاسیسات درمانی نیاز به ظرفیت بیشتری پیدا می کند. برای احداث مجموعه های مرتفع ومتراکم مسکونی باید علاوه بر ضوابط شهرداری، امکانات سازمانهای دیگرنیز در پاسخگویی به نیازمندیهایی که بلافاصله پس از احداث ساختمان مطرح می شود، مورد توجه قرارگیرد. عرض راهها، ظرفیت توقفگاهها ومراکز کاری و ساعات شروع کار دربرخورد با این مجموعه ها باید درمد نظر قرار داشته باشد.

یک بررسی علمی نشان می دهد که ۷۶ درصدازعمر انسان درخانه و ۲۴ درصد به بیرون ازخانه اختصاص دارد[1]. نتیجه آن است که انسان تا چه اندازه تحت تاثیر ضوابط و شرایط نامساعد زندگی در مجموعه های مرتفع است. مهمترین اوقات زندگی انسان در ساختمانهایی که ازنظر محیط زیست طبیعی وانسانی، مناسبتی ندارند، سپری می گردد.

اگر چه مسائل اقتصادی، تراکم جمعیتی وتمرکز فعالیت درمحیط های شهری، آدمیزادگان را به احداث ساختمانهای مرتفع وا می دارد، ولی با تمهیداتی می توان از بروز آنها جلوگیری کرد. شرایط زیست طبیعی وانسانی باید ازمطلوبیت مناسبی برخوردار باشد، تا انسانها را ازقیودی که برعرصه محیط طبیعی و انسانی آنها افکنده می شود، رها سازد. حمایت از سلامت انسان، تغییرالگوی مصرف، تامین مسکن مناسب، تلفیق امورتوسعه بامحیط زیست ورهایی از قیودی که انسان شهری قرن بیستم را باخود دست به گریبان ساخته است در آستانه شروع قرن بیست و یکم (هزاره سوم میلادی)، تلاش همه جانبه ای را می طلبد. درغیراینصورت این مشکلات نتیجه ای از روند زندگی هزاره دوم است که به سوی هزاره سوم رهسپار می شود.

۱- حسین شکویی - محیط زیست شهری - دانشگاه تبریز - تبریز - ۱۳۵۸ .

بخش سوم

گفتا تو از کجایی کآشفته می نمایی
گفتم منم غریبی از شهر آشنایی
گفتا کدام مرغی کز این مقام خوانی
گفتم که خوش نوایی از باغ بینوایی
گفتا به دلربایی ما را چگونه دیدی
گفتم چو خرمنی گل در بزم دلربایی
(خواجوی کرمانی ۶۸۹ – ۷۵۳ هجری)

آموزش همگانی، گامی مهم در حل مشکلات شهری

مطالعات مربوط به شهر و شهرسازی در بسیاری از نقاط دنیا، از سطوح بالای آموزشی آغاز می شود. در دوران ابتدایی و دبیرستانی، در اندازه ای محدود راجع به شهر و مسائل شهر و عوامل ناشی از برخورد انسان با آن صحبت می شود. این مورد بیشتر تعاریف و اصطلاحات را در می گیرد. بنابراین باتوجه به ظرفیت کم مراکز علمی و دانشگاهی که انواع تخصصهای شهرسازی و مطالعات مختلف شهری را آموزش می دهد، قسمت عظیمی از جمعیت ازشناخت علمی شهر و روال زندگی در آن غافل می ماند.

هنوز قسمت کمتری از جمعیت دنیا درنواحی شهری ساکن است. در دوران اخیر شهرنشینی تحت تاثیر آثار مختلف زندگی صنعتی با بحرانهای مختلفی رو در روگشته است. توسعه شهرنشینی و افزایش مهاجرتها بر پهنهٔ کالبدی شهرها اثر گذارده و شهرها را در سطح گسترده ای به سوی نواحی اطراف خود کشانیده است. اراضی مساعد و نامساعد شهرها عرصهٔ هجوم لجام گسیختهٔ توسعه شهری شده است. خیل عظیمی از جمعیت در شهرها سکونت گزیده است. چنین تحولی ، شهرها و مردم آنرا بامسائلی دست به گریبان ساخته است. مردم شهرها به دلیل عدم شناخت از بسیاری ازشرایط علمی و

عملی زندگی در شهر، بحرانهای بزرگی را شاهد بوده اند. شهرنشینی موجب رفتار فرهنگی و کنش ویژه ای شده است. می توان آن را به نظامی تشبیه کرد که مرام و اساس جدیدی را در زندگی بشری مطرح ساخته است. استفادهٔ شتابزده از صنعت بدون توجه به آثارجنبی را می توان علت بروز نارسایی های زندگی شهری امروز دانست. اگر چه بر این بحران می توان عوامل مهم دیگری را برشمرد.

انسان برای گذران زندگی خود و سلامت روانی و جسمی وکرداری و رفتاریش نیازمند به ایجاد فضایی است که ضمن ارتزاق سالم وسکونت راحت، ارتباط جبری و اختیاری او را درعرصهٔ محیط طبیعی، اجتماعی و اقتصادی ازیک نوع نظام و قاعده برخوردار سازد. هیات مادی انسان به صورت ویژه ای شکل گرفته و حالت معنوی او نیز به تبعیت از شرایط روانی و هیات مادی، خصوصیتی ویژه دارد. انسان به تبعیت ازنظام محیطی و خلقتی، یک نظام(System) است. کوچکترین خللی بر پهنه حیات طبیعی و اجتماعی انسان تاثیر می گذارد. هرکنش واکنشی و هر تاب بازتابی دارد. انسان در عین حال که نیازمند ایجاد یک زندگی خصوصی برای خود و اطرافیانش (خانواده) می باشد، موجودی اجتماعی است. از این رو انسان باید برای خود شرایطی را دست و پاکند که ارتباط و تداخل و نظم در زندگی او حفظ شود. در غیراینصورت این نظام برهم خواهد ریخت.

گذشتگان اگر چه در شهرها و روستاها می زیستند، ولی به نحو مطلوبی این ارتباطات را به صورت آگاه و ناخودآگاه حفظ می کردند. زیرا نه جمعیت به اندازه جمعیت امروز و نه دانش فنی به نحو امروزی توسعه یافته بود. انسان در گوشه و کنار دنیا به صورت پراکنده و یا متراکم در ارتباط با طبیعت و محیط زیست در فراغ بال به سکونت و بسط روابط اجتماعی و معیشتی می پرداخت. بزرگترین مشکل انسان ما قبل صنعت در بروزجنگها، فقر و قحطی ها و ناملایمات طبیعی مانند سیل و زلزله و بیماری (و به صورتی محدود) خلاصه می شد.

نسل شهری امروز، درعرصهٔ رویا رویی و برخورد با فرآورده های دست خود، ریسمانی را برگردن خود احساس می کند که روز به روز گلویش رابیشتر می فشارد. انسان وابسته به طبیعت است. انسان زیبایی را دوست دارد، اونیازمند سکوت و آرامش، غوغا وهیاهو، برقراری ارتباط، تعالی فکری و روانی و داشتن امکانات مادی و معنوی درکنار هم است. از این رو در برنامهٔ سکونت و زندگی او، ایجاد یک مسکن مناسب، برای رشد و نمو و گذران سالم زندگی، توام با معیشتی سالم وارتباطی منطقی با محیط اجتماعی واقتصادی و طبیعی، ازمهمترین شقوق است. مردمان گذشته به دلخواه خود مسکن مناسبی به وجود آورده و بر اساس شرایط طبیعی و فرهنگی و اقتصادی، آنرا آماده برای زیست

می کردند. خانه ها در جوار هم، ارتباط منطقی داشت. فضاهای محله ای و ناحیه ای و شهری توام بانیاز زمان و متشکل ازانواع تاسیسات شهری و مراکز اقتصادی و اجتماعی بود. امروزه بحران ناشی از ازدحام جمعیت و استفادهٔ از فن اثر خود را به صورت پیدا و نهان برهمه گونه شرایط زیست انسان گذارده است.

خانه های پر آرامش و بی التهاب گذشته که سالم ترین فضای رشد و تعالی فرزندان خانواده بود، جای خود را به فضاهای تنگ و تاریک و محدود و پر غبارو پر سر و صدا داده است. شبکه راههای شهری که روزگاری فضایی ارتباطی با اجزای محله ای، چشم اندازهای طبیعی و معیشت و فرهنگ بود، فقط به محلی برای رفت و آمد با خودرو تبدیل شده است. نقش خودرو در بروز بسیاری از مشکلات قابل تامل است. این نقش در بروز سرو صدا، آلودگی هوا، تضاد طبقاتی، برخورد ناموزون مردم در تصادف دو وسیله با یکدیگر، جدایی گزینی جمعیت، بروز بیماریهای مختلف و بسیاری دیگر مؤثر بوده است.

در ارتباط با عوامل فوق، عمده ساکنان شهرها به دلیل فراهم نبودن امکانات آموزشی، پژوهشی ومنابع اطلاعاتی گسترده ومستمر علمی، از خصوصیات و ظاهر و باطن زندگی در عرصه های جدید شهری اطلاع کمی دارند. آنها علاقمندند که در عرصه های اجتماعی و اقتصادی و محیطی جدید شهرها و کم و کیف زندگی در شهرهای ماشین زده اطلاع بیشتری داشته و بر اساس آن یک زندگی سالم و بی دغدغه خاطر را بنا گذارند.

در قرن اخیر و بویژه در چند دهه گذشته، نابهنجاریهای ناشی از سکونت در شهرها به گونه ای هویدا شده که برای اقشار عمده ای از جمعیت شهری علت و عامل آنها معرفی نشده است. در جامعه شهری و با استفاده از امکانات و دستاوردهای جدید در شهرها، که هر یک امکانات و محدودیتهای مخصوص به خود را دارد، نظام بوم ساختی انسانی و طبیعی در حال دگرگونی است. انسان شهرنشین درزندگی ماشین زدهٔ شهری، تحت تاثیر عوامل مختلفی که امکان زندگی او را فراهم آورد، در زندگی پرزرق و برق جدید، خود را گم کرده است. نیاز به کار و سکونت و تامین مایحتاج مورد نیاز و تنوعی که از نظر ایجاد امکانات رفاهی بیشتر برای او فراهم آمده، اختلالات و نارسایی هایی را مطرح ساخته است. به دلیل عدم اطلاع کافی عمده مردم از مضرات و معایب بسیاری از کنشها و کردارهای شهری، بحرانها رو به افزایش است. بسیاری از خانه های قوطی مانند شهری، به جای خانه بیشتر حالت یک خوابگاه را می نمایاند. این خوابگاهها به دلیل عدم برابری امکانات درآمد و قیمت مسکن، ضمن آنکه در مساحتی محدود ایجاد می شود، عرصهٔ برخورد ناخوشایند اجتماعی انسانها نیز گردیده است.

رابطهٔ بین انسانها که به تبعیت ازروابط فرهنگی و محله ای و سینه به سینه توام با آشنایی های

دیرین بود، به رابطه ای خشک و مصنوعی و موقتی تبدیل شده است. راهها و بزرگراههای شهری بدون توجه به ابعاد روانی و مادی انسان، پهنه های شهری را به منظور ارتباط رسانی سریع درنوردیده و آرامش و آسایش اماکن مسکونی را بر هم ریخته است. بسیاری از بزرگراهها، بافت های محله ای را به دو نیم تقسیم کرده است.

برای تامین مایحتاج زندگی، زن و مرد به کار مشغولند. عرصهٔ خانواده به عنوان محیط پرورش جسمی و فکری و روانی کودکان، دستخوش تحول اساسی شده و عملکرد اصلی بسیاری از آنها دگرگون گشته است. شاغلان به خاطر دستیابی به درآمد بیشتر برای تامین مخارج زندگی در شهرها، حتی اوقات فراغت خود راکه برای لذت بردن ازیک زندگی سالم است، به کارمشغول اند. فرزندان، اتکای خود را به خانه و خانواده ازدست می دهند. استفاده از طبیعت درچشم اندازهای شهری به دلیل ازدحام بیش از حد جمعیت و ساختمان محدود شده است. فضاهایی شلوغ و متراکم، مردم را غرق در خود کرده است. فرآورده های صنعتی ازتولید یک مادهٔ غذایی گرفته تا فراهم ساختن وسایل ارتباطی، در حال گسستن ساختار ارتباط اجتماعی انسان است. تامین مسکن و مایحتاج زندگی، باتوجه به حس تنوع طلبی انسان، گسیختگی اجتماعی و تضاد روانی را موجب گشته و بر ارتباطات عاطفی، روانی و طبیعی او تاثیرگذارده است. شاید بروز تصادفات و تصادمات و آثار ناشی از زندگی درمحیطهای متراکم شهری در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی و طبیعی به مراتب و در مقاطع زمانی ویژه بیش از بروز یک جنگ یایک زلزله حادثه آفرین بوده است.

ارزشها و فلسفه زندگی در بسیاری از جوامع شهری دنیا به تبعیت ازنوع استفاده های فنی و تراکمهای مسکونی تغییر یافته است. استفادهٔ نامناسب از فضاهای شهری و نحوهٔ برخورد مادی بااین زندگی، زاغه نشینی [1] وفقر، تضاد اجتماعی و آلودگیهای رفتاری و کنشی انسان را درابعاد جدید مطرح ساخته است.

همانطور که بیان شد عوامل فوق منبعث ازاختلال در نظام بوم ساخت طبیعی و انسانی است. درمقابل این کوله بارهای پراز مشکلات، شهرسازی چه کرده و چه باید بکند. مسائلی به این مهمی گریبانگیرشهرنشینان شده است. دشمنی که از مرزها وارد نشده ولی دامنهٔ تجاوز خود را به عرصه های سالم زندگی بشری تا اعماق خانواده ها رسانیده است. درمقابل حل این بحرانها، دانش شهرسازی به دلیل جوان بودن، سرعت در تحولات شهری و عدم شناخت آن توسط قشر عمده ای از مردم کارآیی عملی نداشته است. در سراسر دنیا با توجه به ابعاد وسیعی که سکونت در شهر به عنوان

۱ـ طبق آمار مرداد ماه سال ۱۳۷۱ تنها در شهر تهران که هنوز آثار ناموزون صنعت به طور کامل بر آن متجلی نشده، جمعاً ۲۵۰۵ آلونک با ۱۲۹۳۷ نفر ساکن وجود داشته است. روزنامه اطلاعات ـ شماره ۱۹۷۳۹ ـ ۱۳۷۱/۷/۲۱.

زمینه ساز تمام فعالیتهای دیگر داشته است، این دانش بسیار محدود عمل کرده است. نیازبه پژوهشها و تحقیقات اگر چه همیشه لازم بوده، ولی به دلایل مختلف، نمودی اجرایی نداشته است.

تعداد متخصصان شهرسازی و تخصص های اصلی مرتبط با آن دردنیا به طور اعم و درایران به طور اخص بسیار محدود است. درعرصهٔ رویارویی بامشکلات و حل معضلاتی که دانش شهرسازی به دلیل ارتباط مطالعاتی اش با سایر تخصصها دارد، این محدودیت بیشتر می شود. نتایج عملی بسیاری ازتخصصها درشهر نمایان می شود و شهرها زمینه ساز بستری مناسب برای کاربرد عملی این تخصصهاست.

دانش شهرسازی درعین تخصصی بودن پلی بین علوم محیطی نیز به شمار می رود. متاسفانه این مهم هنوز بسط نیافته است. اگر چه اقدامات چشمگیری در این زمینه به مرحله عمل رسیده، ولی به طور عمده از سطوح دانشگاهی تجاوز نکرده است. اگر چه مطالعات، نتایج مطلوبی را در شناخت معضلات و مشکلات به همراه داشته و به چاره جویی پرداخته، ولی به دلیل عدم شناخت کافی مردم، عدم برنامه ریزی کافی، وجود عوامل بازاری، عدم نظارت بر مهاجرتها، عدم کاربرد معیارها، مسائل مادی و اقتصادی وکاربرد آزاد همه گونه وسایل صنعتی، این چاره جویی ها کمتر به مرحله انجام رسیده است.

همانطور که درمقدمه بیان شد، به شهرسازی باتوجه به اهمیتی که بر آن مترتب است، به صورت یکی ازرشته های تحصیلی دانشگاهی نگریسته می شود. درحالیکه جنبه های نظری و عملی آن از بدو تولد تامرگ به همراه همه انسانهاست. مردم از تاثیر بسیاری از مسائل کم اطلاع باقی مانده اند. ازاین رو شهرسازی کار خود را می کند و مردم نیز به زندگی خود باتمام مشتقاتی که در شهرها با آن دست به گریبانند، ادامه می دهند. این مسایل برای آنها به صورت عادتی در می آید.

باید مشکلات و معضلات زندگی در شهرهارا به حداقل رساند. ارتباط صحیح بین انسان و طبیعت و انسان و جامعه را برقرار ساخت. اگر چه سرمایه گذاری و صرف وقت زیادی برای حل این مشکلات لازم است، ولی مهمترین گام، افزایش سطح اطلاع مردم و آموزش عمومی آنان است. همانطور که دردانش پزشکی پیشگیری قبل از درمان است، درشهرسازی نیزاین پیشگیری باید با شناخت بیشتر مردم از مسکنی که در آن ماوا دارند، وسایلی که باید به طور صحیح استفاده کنند و فرهنگی که باید حفظ کنند، توام گردد. همانگونه که برای هر راننده درجهت راندن اتومبیل نیاز به آموزش عملی و نظری و گواهینامه است، شهرنشینان نیز باید از آیین نامه های زندگی و سکونت در شهرآگاه باشند.

همانطور که بیان شد، علم شهرسازی علی رغم قدمت تاریخی خود به نسبت سایر علوم

هنوز بسیار جوان بوده و شناسانیدن آن لازم و ضروری به نظر می رسد. آموزش عمومی مسائل شهرسازی و آشنایی عامهٔ مردم دربرخورد با شهر و زندگی شهری، می تواند نتایج بسیار مثبتی را به همراه داشته باشد. تنها از این طریق است که می توان مشکلات و معضلات شهری را کاهش داد و پژوهشگران، طراحان، برنامه ریزان شهری رابه عنوان متخصص، درحل معضلات وبرقراری یک ارتباط منطقی بین انسان و محیط یاری نمود.

روستایی مهاجر اگر بداند که در مقابل درآمد بالا و سکونت در شهر چه امکاناتی را از دست می دهد، دیگر به شهر نخواهد آمد. اگر جمعیت بداند که در ایجاد مسکن باید چه ضوابطی را درنظر گرفت و سکونتگاه او باید دارای چه شرایطی باشد، هرگز به الگوهای تصادفی مسکن و خانه هایی که فقط سرپناهند، روی نخواهد آورد. درشرایط اجتماعی ،در بسط روابط محله ای و ویژگیهای قومی و سنتی و آداب و رسومی تلاش بیشتری خواهد کرد. بسیاری ازاین عوامل جنبه ای عمومی دارد. بسیاری دیگرنیز از دیدگاه فنی و تخصصی قابل بررسی می باشد. به طور یقین راه حل اصلی حل مشکلات در جوامع شهری، آگاهی جمعیت دربرخورد با آن است. این مهم به ویژه در ارتباط با کشور ماکه در طول چند دههٔ اخیر بحران زندگی در شهرها را در اثر بی قاعدگی رشد کالبدی شهرها و بحرانهای اجتماعی و اقتصادی و طبیعی (بویژه در شهرهای بزرگ) لمس کرده است ،بسی مهم و قابل توجه است. هنوز بسیاری از شهرهای ما با مشکلات عدیده ای که جوامع شهری بزرگ دنیا با آن دست به گریبانند رو در رو نشده است. امّا مقدمه و شروع آن را می توان در بسیاری ازشهرهای بزرگ کشور ملاحظه کرد. افزایش تراکمهای جمعیتی و ساختمانی، فقدان فضاهای باز شهری، آلودگیهای محیط، افزایش ناراحتیهای روانی و جسمی، نارسائی های آموزشی و تفریحی، به زیر سیطره رفتن بسیاری از اراضی مناسب و مساعد شهری، افزایش سرسام آور قیمت مسکن و اجاره بها و موارد متعدد دیگر طلیعه دار بروز مشکلات عدیده و عمیق تری می باشد. باتوجه به آنکه باید علاج واقعه را قبل از وقوع کرد، استفاده از تجارب دیگران و دیگرشهرها می تواند به طور عملی برای شهرهای ما کاربرد داشته باشد. همانطور که بیان شد هنوز شهرهای ما بحران زده نشده اند. آموزش عمومی مستمر می تواند راهگشای حل بسیاری از معضلات باشد.

مسلماً علاوه بر آموزش عمومی نیاز به برنامه ریزی ،سرمایه گذاری و صرف بودجه های هنگفت وجود دارد. همزمان با آموزش عمومی و مستمر، اقدامات اساسی دیگری نیز باید به مرحلهٔ انجام برسد. بنابراین لازم و ملزومات باید در کنار هم باشد. این روند نیز خود یک نظام است که دارای اجزاء و عناصری است که با یکدیگر در ارتباطند. آموزش عمومی مسایل شهرسازی و تعمیق مطالعات آن ، همگام با برنامه ریزی هایی که روستا را نیز فراموش نساخته و به آن اهمیت دهد، می تواند

شهرهای ما را از بحرانهایی که در شهرهای دنیا مسبوق به سابقه است، برهاند. آموزش عمومی باید نسبت به محیط و محل زیست ساکنان، اعم از شهری و روستایی و بسته به شرایط هر محیط و در مقاطع مختلف آموزشی صورت گیرد. با طرح ساده مطالب مربوط به مسائل شهر در مطالب درسی و از طریق انتشار کتابها، نشریات، ویژه نامه ها و وسایل ارتباط جمعی می توان طراحی و برنامه ریزی شهری و مشارکت درامور سکونت را تعمیم داده و آثار نامتجانس زندگی صنعتی در شهر را بر شمرد. با برقراری جلسات و نمایشگاههای محله ای می توان مردم را در ادارهٔ امور محله خود تشویق کرد. نظارت بر مهاجرتها، ضمن نیاز به برنامه ریزی اقتصادی و فضایی در سطح کشور، ازطریق آموزش عمومی نیز امکان پذیر است.

یکی از مهمترین عوامل ناظر بر مهاجرتها، حفظ شخصیت روستاییان به عنوان یکی از مهمترین سرمایه های اقتصادی و فرهنگی جامعه است. ازطریق آموزش عمومی می توان زندگی روستایی و شخصیت قومی و ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی و معیشتی روستایی را حفظ و احیا کرده و از انجام اقدامات مایوس کننده دوری جست.

آموزش عمومی از جنبه های دیگری نیز قابل اهمیت است. در این زمینه می توان علم شهرسازی را توضیح بیشتری داد و جنبه های مختلف آن را در برخورد با مردم به نحو ساده ای بیان کرد. در اجرای برنامه های عمرانی، به کارگیری ضوابط شهرسازی مانند حریمهای آب و برق و گاز و رودخانه و راه، سلسله مراتبی کردن ارائه خدمات رفاهی، برنامه های آمایشی، رفت و آمد، مجوزهای ساختمانی، تفکیک زمین، کاربرد صحیح استفاده از اراضی، جایگزینی انواع فعالیتهای شهری، بهداشت و اقتصاد شهری، ارتقاء سطح فرهنگ شهری، جمع آوری آمار و اطلاعات شهرسازی، آموزش عمومی مهمترین نقش را دارا است.

سکونت سالم در شهر، بدون اضطراب، دلهره و دغدغه خاطر، حفظ خصوصیات ملی و هویت های بوم ساختی طبیعی وانسانی و برنامه ریزی های اجتماعی و اقتصادی، از طریق آموزش عمومی نسبت به تنظیم برنامه ها و اقداماتی که غالباً جمعیت از آنها کم اطلاع است، قابلیت اجرایی مطلوب تری می یابد.

یکی از مهمترین گامهایی که در جهت آموزش عمومی لازم است، معرفی شهرسازی در خلال مطالب و کتب درسی است. ایجاد دانشکده ها و رشته های مستقل مربوط به امور شهری و شهرسازی وافزایش تعداد متخصصان شهرسازی در سطوح مختلف آموزشی بسیار ضروری و مهم است. طبق آمار سال ۱۳۷۶ تعداد متخصصان شهرساز کشور حدود ۵۰۰ نفر بوده است. در حالیکه

تعداد شهرهای کشور بالای ۶۰۰ واحد است[۱]. این به معنای آن است که نسبت شهرسازان کشور به هر شهر (از جمله تهران و دیگر شهرهای بزرگ) کمتر از یک نفر است. تعداد شهرسازان شاغل در شهرداری بزرگترین شهر کشور از تعداد معدودی تجاوز نمی کند. در حالیکه کوچکترین شهر کشور نیازمند چند متخصص شهرسازی می باشد.

باتوجه به شرایطی که در شهرها از دیدگاه محیط زیست و عوامل اجتماعی و ارتباطی و اقتصادی به وقوع پیوسته است، آموزش عمومی درجنبه های مختلف محیط زیست شهری عاملی مهم در کاهش مسایل اجتماعی، اقتصادی و طبیعی است. در چنین صورتی بسیاری از وقایع با آشنایی عمدهٔ جمعیت قبل از وقوع پیشگیری خواهد شد. ازاین طریق شرایط زیست در یک محیط سالم شهری فراهم می آید. در این رهگذر، می توان شهر را از یک نوع قانونمندی برخوردار و ترویج ضوابط شهرسازی را انتظار داشت.

---

۱ - جامعه مهندسان شهرساز-۱۳۷۶.

فصل سوم

درآمدی بر ضوابط برنامه ریزی مسکن در شهرها ومناطق ایران

در این فصل، ضمن طرح مباحثی درباره شرایط موجود مسکن در ایران، در چند بخش به اهمیت سرانه های کاربری زمین و تعیین تراکم های جمعیتی در طرحها و برنامه ریزیهای شهری پرداخته شده و به نسبت آن کیفیت ساختمانها و محلات مسکونی جدید ایران مورد بررسی قرار گرفته است. مشکلات کمّی و کیفی ناشی از سکونت در مجتمع های مسکونی در نقاط متمرکز کشور و مقایسه آن با فرهنگ بومی مسکن در ایران در نقطه تمرکز این فصل قرار دارد. آنچه که شهرسازی در ایران را به عنوان یک پدیده هویت بخش و در عین حال هنری جلوه می دهد، به توجه بیشتر به جنبه های کیفی مجموعه های مسکونی در کنار جنبه های کمّی آن باز می گردد.

بخش اول

چنین قفس نه سزای چو من خوش الحا نیست
روم بـه گـلشن رضـوان کـه مـرغ آن چمنم
مـرا کـه منـظـر حـور است مسکن و مأوا
چـرا بـه کـوی خـرابـاتیان بـود وطـنم
(خواجه شمس الدّین محمد حافظ ۷۲۷ - ۷۹۲ هجری)

بحثی در برنامه ریزی مسکن

در چند دهٔ اخیر احداث مسکن و گسترش بافتهای شهری که به تبعیت ازافزایش مهاجرت به سوی شهرها و تقاضای جمعیت در عرصهٔ تصاحب مسکن انجام گرفته است، نظام شهرسازی و شهرنشینی درکشور را دگرگون ساخته است. این مورد نتیجهٔ چند عامل اساسی از جمله عوامل زیر می باشد:

ـ آغاز صنعتی شدن کشور که اثر مستقیم آن بر شهرها پدیدار شده است.
ـ مساعدت بازار کار و دیگر عوامل جاذب جمعیت در شهرها.
ـ واگذاری بدون برنامهٔ زمین در شهرها.
ـ فقدان امکانات اقتصادی و اجتماعی در نواحی مهاجر فرست (بویژه روستاها) و وجود آنها در شهرهای بزرگ.
ـ مشکلات مدیریتی و وجود مشکل دراجرای برنامه های اقتصادی و اجتماعی در مناطق.

چنین عواملی، علاوه بر آنکه بر روند تمرکز و عدم تعادل در استقرار جمعیت در نقاط شهری و روستایی در استانهای مختلف کشور اثر گذارده، جمعیت تولید کنندهٔ محصولات کشاورزی را به صورت مصرف کنندهٔ این محصولات درشهرها به در آورده و مشکلات زیر را سبب شده است:

ـ نارسایی در پخش و تامین نیازمندیهای عمومی (درمان، آموزش، تفریح، آب، برق، . . .) و کاربری زمین.

- زیر سیطره رفتن اراضی اطراف شهرها و گسترش بی رویه بافتهای شهری .
- احداث ساختمانهای مسکونی نامرغوب و بدون ارتباط با شرایط اجتماعی ، اقتصادی و طبیعی محیط .
- افزایش آلودگی های محیطی اعم از آلودگی های هوا ، آب، صدا ، و بروز مشکلات اجتماعی ناشی از بالا بودن تراکم جمعیت .
- ناهماهنگی درتوسعهٔ شبکه راهها وافزایش بحران آمد و شد وسایط نقلیه .
- متلاشی شدن فضاهای سبز ، باغها و مزارع اطراف شهرها دراثر نیاز به توسعه کالبدی .
- تاثیر پذیری بافتهای اصیل شهری و توسعهٔ آپارتمان نشینی .

تحقیق و پژوهش در ارتباط با شهرسازی، می تواند احداث مسکن را از کیفیت مطلوبی برخوردار ساخته و مشکلات به وجود آمده راکاهش دهد. تحقیق در این زمینه می تواند سر فصل مطالعه بعضی از موضوعات به شرح زیر می باشد :

- تحقیق درزمینهٔ ویژگیهای شهرسازی و مسکن بومی کشور از بعد اجتماعی - اقتصادی و محیطی در ابعاد مختلف (یعنی چه بوده ایم) .
- تحقیق درزمینهٔ مسکن وبافتهای ساخته شده شهری در چند دههٔ اخیر در ابعاد مختلف (یعنی چه کرده ایم) .
- بررسی نیاز اجتماعی و اقتصادی خانوارها از داشتن مسکن درنواحی مختلف کشور .
- تحقیق در زمینه روشهای مناسب ساخت مسکن به نسبت شرایط مختلف محیطی و متقاضیان آینده مسکن (یعنی چه باید انجام دهیم) .
- بررسی محیط شهری در ارتباط بانیاز کالبدی ، ساختاری و زیست محیطی مسکن .
- تحقیق در زمینهٔ استفاده از فنون و الگوهای پیشرفتهٔ مربوط به ساخت مسکن و قواعد توسعه شهری .

پژوهش در زمینهٔ عوامل مربوط به مسکن و تعمق در موارد اجرایی برنامه های احداث آن ، نیاز ساکنان را به نحو شایسته ای مطرح نموده و راه حلی درجهت رفع مشکلات دنیای شهری امروز ارائه می دهد. این تحقیقات راهگشای حل بسیاری از مسائل و ازجمله موارد زیر می باشد :

- حل مشکلات اجتماعی و بسط روابط صمیمی بین شهرنشینان و کاهش آثار نامناسب زندگی شهری .
- حل مسائل مربوط به کمبود تسهیلات ونیازمندی ساکنان و برنامه ریزی در جهت رفع نارسایی آنها .

ـ انجام برنامه های احداث مسکن بر مبنای ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی خانوار .
ـ ساخت شهرو مساکن شهری در ارتباط با شرایط محیطی در سطوح مختلف .
ـ کاهش وابستگی مربوط به الگوهای تقلیدی مسکن .
ـ صرفه جویی اقتصادی به منظور تامین مسکن در ارتباط با اقتصاد شهر و خانوار .
ـ استفادهٔ مناسب از زمین و کاربرد درست اراضی شهری .

برنامه ریزی مسکن از دیدگاه کمّی :

در چند دههٔ اخیر مسائل و مشکلات مسکن تحت تاثیر عواملی مانند رشد سریع جمعیت در کشور و توسعهٔ شهرنشینی روندی روبه تزاید داشته است . هرچند که دست اندرکاران برنامه مسکن تسهیلاتی را درجهت بهبود شرایط آن به عمل آورده اند ، ولی به دلیل تقاضای روز افزون مسکن، این امر به طور کاملی جامهٔ عمل نپوشیده است .

به طور کلی عواملی که عرضهٔ واحدهای مسکونی در سطح کشور بویژه در شهرهای بزرگ را محدود ساخته به قرار زیر است[۱] :

ـ گرانی قیمت زمین .
ـ اعتبارات ناکافی در برنامه های اجرایی واحدهای مسکونی .
ـ عدم تناسب درتوزیع اعتبارات برحسب نواحی مختلف شهری و روستایی .
ـ نارسایی مدیریت احداث مسکن .
ـ کمبود کارگر ماهر .
ـ عدم تکافوی سرمایه گذاری عمومی و خصوصی برای احداث تأسیسات وابسته به محیطهای مسکونی .
ـ مرغوب نبودن نسبی نوع و کیفیت مصالح ساختمانی .
ـ عدم تکافوی تولید مصالح ساختمانی محلی که باعث گرانی مصالح می شود .
ـ گرانی مصالح ساختمانی که در اثر عوامل مختلف و ازجمله نوع عرضه آن در بازار به وجود می آید .
ـ فقدان تأسیسات و خدمات شهری در محلات قدیمی شهرها .
ـ پایین بودن سطح کارآیی پیمانکاران به طور عمومی .
ـ کمی سطح در آمد متقاضیان درارتباط باعرضهٔ واحدهای مسکونی و مخارج تمام شدهٔ آنها .

۱ – ایرج اعتصام – خصوصیات و مسایل مسکن در ایران – دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران – ۱۳۵۳ .

ـ محدودیت پرداخت اجاره بهای واحدهای مسکونی توسط طبقات کم در آمد.

عوامل فوق دربرگیرندهٔ تمام محدودیت های عرضهٔ واحدهای مسکونی و تأمین مسکن نبوده، بلکه مهمترین عوامل می باشد. برجمع فوق باید مسائل مربوط به عرضه و تقاضای مسکن ناشی ازافزایش سریع جمعیت، بویژه در سطح شهرهای بزرگ و پر جمعیت را افزود. از جمله مهمترین عوامل درعرضه مسکن، حد انتظار بالای سرمایه گذاران بخش خصوصی درمیزان سود ناشی ازاین سرمایه گذاری است. انتظار آنان بازده گسترده سرمایه گذاری بر روی زمین است. این امر در طول چند دهه اخیر برای این سرمایه گذاران به صورت نوعی اشتغال درآمده است. ترس از تورم اقتصادی و کاهش ارزش اندوخته های بانکی، چنین سرمایه گذارانی را درزمینهٔ سرمایه گذاری بر روی زمین تشویق کرده است. نتیجه این عامل به بالا رفتن هزینه ساختمان سازی و تشدید بحران مسکن انجامیده است. از طرف دیگر به واسطهٔ گرانی هزینه مسکن، اجاره نشینی نیزاز بهای بالایی برخوردار شده، به نحوی که مبنای تعیین اجاره بها قیمت متر مربع زمین است. مطالعات نشان می دهد که اجاره نشینی در نقاطی ارزان تر است که قیمت زمین آن پایین تر است. دراین مورد قیمت ساختمان چندان تاثیری برروی اجاره بها ندارد. در نقاطی که قیمت زمین گران است، میزان اجاره بها نیز خط سیر صعودی دارد. بالا بودن قیمت زمین و جستجوی مسکن ارزان تر، اجاره نشینان کم درآمد و کسانی را که می خواهند با اندوخته های محدود خود صاحب خانه شوند، وادار به سکونت درنقاط دور افتاده کرده و در نتیجه باعث رشد بی رویه و توسعهٔ غیر اصولی شهرها شده است. ازدیدگاه دیگر، در پاره ای از موارد افزایش روبه رشد قیمت زمین و بازدهی بالای سرمایه گذاری، بسیاری را تشویق به خرید زمین در قطعات بزرگ می کند که سود سرشارتری را برای آنها در برداشته باشد.

اعمال سیاستهایی که باید درزمینهٔ مسکن خانواده های کم درآمد و متوسط در آمد فاقد مسکن را صاحب خانه کند، متعدد است. بسیاری از آنها در تأمین واحد مسکونی نقشی کلیدی دارند. از جمله این عوامل می توان به نظارت براحداث مسکن توسط افراد سودجو و جلوگیری از سوداگری زمین اشاره کرد. در این روند، سودجویان زمین باید به جای آنکه زمین را کالایی پردرآمد بنگرند، به بهسازی امر خانه سازی توسط مشارکتهای مردمی و تشکیل تعاونی های مسکن سوق داده شوند.

از طرف دیگر، وجود نیازمندیهای وابسته به مسکن درنواحی مسکونی، در قیمت مسکن مؤثر است. خانواده ها، معمولاً درنقاطی علاقمند به سکونت می باشند که نیازهای روزمره، مانند خرید و تحصیل و درمان را در نزدیکی خود داشته باشند. همین مورد باعث افزایش قیمت مسکن در نواحی واجد این قبیل تأسیسات شده و ازقیمت زمین درنواحی فاقد آنها می کاهد. این امر بر حدود

تراکم و سکونت درنواحی مختلف نیز دخالت دارد.

یکی ازاقدامات مهمی که می تواند بر کاهش بحران مسکن مؤثر افتد، آن است که دولت زمین و اراضی وسیع پیرامون شهرها راخریداری نماید[۱]، تا ضمن نظارت بر سودجویی زمین، توسعهٔ شهری در جایگاهی برنامه ریزی شده و مناسب اتفاق افتد. خوشبختانه این امر در چند سالهٔ اخیر در قسمتهایی از شهرهای بزرگ جامه عمل پوشیده و با ارائه طرحهای آماده سازی زمین که بر مبنای اصول بهسازی وعمران شهری قرار دارد، این مشکل تا حد زیادی حل شده است. از دیگر عوامل مربوط به کاهش بحران مسکن اجرای سیاستهای اجتماعی و سیاستهای مربوط به طبقات کم درآمد است. در این زمینه توديع وامهای کم بهره و بلند مدت از جمله این سیاستها می باشد.

از بعد اقتصادی، هربرنامهٔ خانه سازی به مفهوم وسیع خود باید پاسخگوی مسائل مختلفی باشد. این برنامه ها باید درارتباط باتولید ناخالص ملی، تشکیل سرمایهٔ ثابت و ناخالص، بحرانی بودن مسکن(کمبودخانه)، اولویت بخشهای مختلف اجتماعی و اقتصادی وبالاخره ظرفیت صنایع ساختمانی باشد. دراینکه چگونه باید ازاعتبارات استفاده کرد و آن را به مصرف رسانید، جای بحث فراوان است. مهمترین آن مدیریت اقتصادی مسکن است. باید سهم هریک ازاعتبارات دربرنامهٔ مسکن مانند خرید زمین و ساختمان مشخص بوده و اعتبارات بخش ساختمان به نحوی صحیح، بین واحدهای مسکونی، تاسیسات عمومی وتسهیلات شهری تقسیم گردد. شیوهٔ خانه سازی نیز در این امر مؤثر است. توزیع واحدهای مسکونی در بخشهای مختلف شهری و روستایی می تواند عامل مؤثری در کاهش بحران مسکن باشد. درارتباط با متخصصان ساختمانی نیز به منظور حل مسائل جنبی مسکن، آموزش حرفه ای کارکنان، آموزش در کارگاههای ساختمانی، بالابردن سطح حرفه ها و استفاده از کارگران متخصص می تواند نتایج ارزنده ای را به دنبال داشته باشد.

برنامه ریزی مسکن ازدیدگاه کیفی

ازنظر کیفی که بیشتر به جنبه های کالبدی مسکن باز می گردد، رعایت اصول زیر تا حد زیادی راهگشای بهبود درکیفیت ساخت واحدهای مسکونی می باشد:

ازنظر نیازمندیهای وابسته به بخشهای مسکونی

دراین مورد باید در هر برنامه خانه سازی به تامین نیازمندیهایی چون مراکز آموزشی، فرهنگی، تفریحی، درمان، خرید، تاسیسات زیربنایی و راه توجه کافی مبذول داشت.

۱- همان ماخذ.

ازنظر اخلاقی و اجتماعی

در این زمینه تلاش بر این است که حتی الامکان واحدی مجزا و مستقل برای هر خانواده در نظر گرفته شود، این واحدها باید به نسبت اندازهٔ خانوار، دارای فضا و اطاق کافی باشد، آرامش و آسایش در آن مهیا بوده و امکان زندگی پوشیده ازچشم دیگران فراهم آید.

ازنظر بهداشتی

بهداشت ازجمله ارکان اصلی احداث واحدهای مسکونی است. ایجاد در و پنجره های مناسب با شرایط اقلیمی و آب و هوا، تامین و تنظیم روشنایی طبیعی در روز و روشنایی مصنوعی در شب، امکان استفاده ازهوای پاك و سالم، داشتن آشپزخانه، دستشویی و گرمابه بهداشتی در نقاط مناسب از جملهٔ این عوامل است. مسکن باید دربهترین و سالم ترین اراضی ایجاد شود.

ازنظر آسایش و راحتی و آرامش

از جمله نیات هر برنامه ریزی مسکن ایجاد آسایش و آرامش برای واحدهای مسکونی است. دور بودن ازجریان رفت و آمد سواره و سرو صدای آن، داشتن فضای باز و سبز، منظر مناسب به اماکن طبیعی و عمومی، ایجاد فعالیتهای فرعی برای میهمانیها (بدون ایجاد مزاحمت برای همسایگان)، داشتن فضای کافی برای قفسه و انبار، ارتباط مطمئن وساده و بدون خطر رفت و آمد به مراکز آموزشی، تراکم متعادل جمعیت، پیش بینی بالا بربرای ساختمانها، مجزا نگهداشتن زندگی خصوصی افراد خانوار از زندگی عمومی آنها، فاصلهٔ کوتاه تا محل کار، نزدیکی به خدمات عمومی بدون ازدحام و شلوغی، ازآن جمله است.

ازنظر اطمینان و احتیاط

در بنای هر واحد مسکونی باید پیش بینی لازم در ارتباط با ایستایی ساختمان در هنگام بروز اتفاقات ناگهانی به عمل آید. از این رو ساختمانهای مسکونی باید از ساخت ساده و در عین حال حساب شده و محکمی برخوردار باشند. هرساختمان باید در مقابل حریق، زلزله و سیل کاملاً مطالعه و محاسبه شده باشد (بسته به موقعیت مکانی محل) و در مجموع پیش بینی لازم در مقابل قطع نشدن رفت و آمد دانش آموزان توسط شبکه های اصلی رفت و آمد صورت پذیرد.

ازنظر زیبائی

هرساختمان مسکونی باید دارای زیبایی باشد. این زیبایی باید از جهات مختلف شهرسازی با

ساختمانهای دیگر، ترکیب مناسبی را به دست دهد. مهمترین بخش برنامه ریزی کیفی مسکن، طبقه بندی مناسب ساختمان در مورد ضروریات مختلف است. به نحوی که خانواری که از مجموعه های مسکونی عرضه شده، یکی را بر می گزیند، بتواند با ذوق و سلیقهٔ خود ساختمان انتخابی خود را تکمیل کند، بدون آنکه به ضوابط ساختمانی مجموعه مسکونی خللی وارد آورده باشد.

ضوابط طرح و برنامه ریزی مجموعه های مسکونی:

در طرح و برنامه ریزی مجموعه های مسکونی چند نکته اساسی دیگر قابل توجه است. باید برمبنای نیاز خانوار و توان اقتصادی آن سطح مورد نیاز مسکن را به دست آورد. بعداز تعیین مسکن و جایگاه آن، باید بقیهٔ اراضی را برای مصارف عمومی مصروف داشت. اصولاً باید از احداث واحدهای مسکونی در اراضی پست و سیل گیر احتراز کرد. همچنین با توجه به توان اقتصادی متفاوت خانوارها، تسهیلات رفاهی را در اختیار آنها قرار داد. در طراحی و برنامه ریزی واحدهای مسکونی باید به حفظ آثار تاریخی که درمحدوده طرح قرار می گیرند، توجه کافی مبذول داشت. بایدترتیبی اتخاذ شود که قیمت زمین تعیین کننده نبوده، بلکه رفاه عمومی و هنر شهرسازی، عامل اصلی ناظر بر طراحی و برنامه ریزی مجموعه ها باشد. قطعه بندی اراضی، تاثیر زیادی بر روی طرحهای اصلاحی آینده دارد. تفکیک زمین، خیابانی را ایجاد می کند که سالها باقی خواهد ماند.

درمورد ضوابط واحدهای مسکونی، تعیین طول و عرض مناسب قطعات مسکونی در نواحی مختلف ضروری به نظر می رسد. در قطعات تفکیکی باید احداث شبکه های آب، بهداشت، فاضلاب، دفع آبهای سطحی، تأسیسات تلفن، گاز و برق، برنامه ریزی شده باشد، پس ازاین مراحل است که مقررات ساختمانی، نظارتهای معماری و نظارتهای محیطی دیگر آغاز می شود.

بخش دوم

عدل چبود؟ وضع انـدر موضعش .
ظلم چبود؟ وضع درناموضعش .
عدل چبود؟ آب ده اشجار را .
ظلم چبود؟ آب دادن خار را .
موضع رخ ، شه نهی ویرانی است .
موضع شه، پیل هم نادانی است .
(جلال الدّین مولوی بلخی ۶۰۴-۶۷۲ هجری)

تراکم و نظام سکونت

در شهرسازی دومفهوم از تراکم قابل توجه است: یکی تراکم و پراکندگی جمعیت در واحد سطح و دیگری تراکم ساختمانی . تراکم جمعیت ، معمولاً در کشورهای مختلف دنیا با مقیاس و اندازه های مختلفی مورد سنجش قرار می گیرد. چنانچه در مقیاس منطقه ای، ناحیه ای یا کشوری سنجیده شود به طور عمومی مقیاس آن مایل مربع یا کیلومتر مربع و اگر در سطح مجتمعهای شهری یا روستایی باشد، معمول ترین مقیاس آن ایکر(Acre) یاهکتار(Hectar) است. به هر ترتیب تراکم ،عبارت از پراکندگی متوسط تعداد جمعیت در واحد سطح است. این واحد در کشور ما در مقیاس منطقه ای ،ناحیه‌ای و کشوری ، کیلومتر مربع (یک میلیون مترمربع) و در سطح نواحی زیستی (شهری ـ روستایی) هکتار (ده هزار متر مربع) است.

برای تعیین حدود پراکندگی جمعیت، در شرایط ویژه ،معمولاً دونوع تراکم بررسی می شود، یکی تراکم خالص و دیگری تراکم ناخالص است. تراکم خالص در مباحث برنامه ریزی شهری و روستایی بسیارمهم می باشد. درحالیکه تراکم ناخالص نیز دارای اهمیت ویژه ای است .بدان دلیل که عامل مهمی دربرنامه ریزی واحدهای مسکونی و نیازمندیهای وابسته به آن مانند آموزش و درمان و فضاهای باز و سبز و تجاری و راه می باشد.

دنیای امروز، همانگونه که به طور روزمره سیر تکاملی خود را در عرصه های مختلف دانش بشری طی می کند، در ارتباط باتراکم نیز در سطح گسترده ای متخصصان مختلف را به مطالعه واداشته است. دراین مورد روانشناسان وجامعه شناسان مقدم بر همه اند. اگر چه اقتصاد دانان، جغرافی دانان، متخصصان تعلیم و تربیت وحقوق، تاسیسات و رفت و آمد نیز نظرات متفاوتی را در مضرات و معایب و یا فواید آن مطرح ساخته اند. بنابراین تاثیر مثبت یامنفی تراکم در ابعاد مختلف جامعه شهری مطرح است. به همین علت تعیین حدود تراکم بر بسیاری از عوامل شهری تاثیر مستقیم دارد.

در اینکه منظور از تراکم خالص و تراکم ناخالص چیست، دیدگاههای متفاوتی مطرح است. قدر مسلم آن است که درتراکم خالص، مقصود سنجش جمعیت به نسبت زمینهایی است که مورد استفاده واحدهای مسکونی قرار گرفته است. درتراکم ناخالص نیز، منظور سنجش جمعیت به کل سطح زمینهایی است که برای جمعیت، تحت کاربری واقع شده است. مانند سطوح مسکونی، اداری، تجاری، تفریحی، درمانی، راه، و مانند آنها. در تعریف دوم نسبت جمعیت به کل سطوح مسکونی و تاسیسات وابسته به آنها موردنظر می باشد.

به هر ترتیب، همانطور که بیان شد، دیدگاههای مختلفی در مورد تراکم وجود دارد که معمول ترین تعریف آن در تراکم خالص نسبت جمعیت به سطوح مسکونی (برحسب هکتار) و در تراکم ناخالص (شهری) نسبت جمعیت به کل سطوح ساخته شده اعم از مسکونی یا غیرمسکونی (برحسب هکتار) است.

مضرات تراکم بالای مسکونی، که برخی از آنها در بخشهای قبل آمد به شرح زیر آورده می شود:

- نارسایی درزمینه های تربیتی در اثر شلوغی و تمرکز جمعیت.
- نارسایی و کمبود تاسیسات آموزشی و درمانی و تفریحی به نسبت جمعیت استفاده کننده.
- افزایش بحران زیست محیطی مانند آلودگی صدا، هوا و محیط.
- فقدان آسایش و آرامش.
- بروز اختلافات و تضادهای اجتماعی.
- فقدان زندگی پوشیده ازچشم دیگران.
- متراکم شدن رفت وآمد در راهها.
- کمبود شبکهٔ راهها و بحران رفت و آمدی.
- کاهش تابش آفتاب به ویژه درساختمانهای مرتفع همجوار باهم.

ـ امکان بروز کجروی های اجتماعی مانند سرقت و جنایت.

ـ اختلال درارتباط منطقی میان انسان و طبیعت.

ـ ناهماهنگی در سیمای محیط.

ـ فقدان فضاهای باز و مناسب به منظور توقف جمعیت درهنگام بروز حوادث غیر مترقبه مانند زلزله و آتش سوزی.

ـ افزایش مصرف سوخت به منظور روشنایی ساختمانها و استفاده از انواع وسایل برقی مانند بالابرها، هواکش ها، سردکننده (کولر) ها و گرم کننده ها.

ـ امکان بروز برخورد ناخوشایند اجتماعی بین ساکنان مجتمع های همجوار و مشترك مسکونی.

ـ بروز بحران در جریان و روال زندگی روزمره در سطح محلات مسکونی.

علاوه بر عوامل فوق، موارد دیگری را نیز می توان برشمرد. بعضی از متخصصان فوایدی را برای افزایش تراکم مطرح ساخته، دلایلی در مزیت ایجاد تراکم بالای مسکونی آورده و آن را زمینه ای مناسب برا ی اجرای برنامه های عمرانی و صرفه جویی در مخارج اقتصادی می دانند. آنها معتقدند که تراکم بالا، هزینهٔ احداث راه و شبکه های برق و آب و مانند آنهاراتقلیل خواهد داد. هر اقدام عمرانی، جمعیت بیشتری راتحت پوشش قرار می دهد، ملاقات وتماس اجتماعی را درعرصه یک زندگی رویاروی شهری افزون ساخته و روابط بین اهالی را درحل مسائل اجتماعی ازاستحکام بیشتری برخوردار می کند. در معایب تراکمهای کم نیز مسائلی مطرح است که بیشتر به فرد گرایی جمعیت و دور شدن از زندگی اجتماعی محله ای یا بالا بودن هزینه ایجاد و نگهداری تاسیسات زیربنایی با پوشش جمعیتی کم مربوط می شود.

به هرترتیب چه در قبول و چه دررد سطح تراکم بالا، آنچه اهمیت دارد، اعتدال درکاربری زمین و انتخاب تراکمی متعادل تا حد حفظ سلامت اجتماعی درمجموعه های زیستی ازیک سو و امکان اجرایی برنامه های اقتصادی از دیگر سو می باشد. اگر تراکم در حدی پایین انتخاب شود، علاوه بر گسترش وسیع سطوح کالبدی، هرز روی در مصرف زمین رانیز در بردارد. بر طول زمان سفرهای بین محله ای و بین ناحیه ای، هزینهٔ راه و افزایش سوخت وسایط نقلیه خواهد افزود. همچنین اگر تراکم زیاد انتخاب شود، مشکلاتی را که در بالا به آنها اشاره شد، در برخواهد داشت.

تعیین تراکم مسکونی، انتخاب تراکم ساختمانی رانیز به همراه دارد. درحقیقت انتخاب حدود تراکم جمعیتی، انتخاب تراکم ساختمانی را در کنار طراحی برای آن باعث می شود. وقتی که حدود تراکم جمعیتی تعیین گردید، مفهوم آن است که بنابر شرایط مختلف و دلایل متفاوت، باید

تعداد مشخصی از جمعیت درهر هکتار زندگی کند . بنابراین درمرحلهٔ طراحی نیز باید بر اساس همان تراکم انتخاب شده که پراکندگی جمعیت را مشخص می کند، به کار پرداخت. دراین مورد باید حدود قطعات اراضی مشخص و تعداد جمعیت نیزمعلوم باشد، تا بتوان بر مبنای تعیین تراکم جمعیتی با توجه به شرایط محیط (اعم از کالبدی یا غیرکالبدی)به انتخاب وتعیین تراکم ساختمانی نیزاقدام کرد. لازم به یادآوری است که در تعیین تراکم ساختمانی عوامل چندی دخالت دارد که مهمترین آنها تراکم جمعیتی است.

در هرقطعه زمین به نسبت مساحت زمین و حدود تراکم آن ، باید جمعیت مشخصی زندگی کند. این جمعیت یا باید درساختمانهای یک طبقه و یا برمبنای اصول ویژه ای که بر مبانی برنامه ریزی و طراحی (مانند دید و منظر، فضای باز، فضای سبز. . .) استوار است ، در چند طبقهٔ ساختمانی زندگی کند. درصد زیر بنای ساختمان را درمجموع طبقات آن به نسبت سطح کل قطعه زمین، تراکم ساختمانی آن *قطعه* زمین گویند. فرض شود که حدود ۲۰ قطعه زمین ۲۰۰ متر مربعی برای سکونت ۲۰ خانوار (هر واحد مسکونی برای یک خانوار) در نظر گرفته شده است وفرضاً که این قطعات باید در یک طبقه و با ۱۰۰ مترمربع زیر بنا برای خانوارساخته شود. دراین مورد تراکم ساختمانی انتخاب شده در کل هرقطعه زمین ۵۰ درصد سطح زمین خواهد بود. برای هر ۲۰ واحد مسکونی نیز ۵۰درصد از سطح زمین به زیربنا رفته است. حال اگر ۲۰ خانواری که برای ۲۰ قطعه زمین مسکونی ۲۰۰ مترمربعی در نظر گرفته شده اند، به منظور حسن تفاهم و اشتراك در نیازمندیهای جنبی مانند فضای سبز و باز، درچند طبقهٔ ساختمان سکونت یابند و هر طبقه فرضاً ۴۰۰ مترمربع زیر بنا داشته باشد، باید کل قطعات زمین ۲۰۰ مترمربعی با مساحت ۴۰۰۰ مترمربع ، به صورت یک قطعهٔ تفکیک شود. بنابراین باید یک ساختمان پنج طبقه (هر طبقهٔ با ۴۰۰ مترمربع زیر بنا) وجود آید، تا نیاز زیربنای مسکونی ۲۰ خانوار را جوابگو باشد (هرچهار خانوار در یک طبقه ساختمان و بامساحت ۱۰۰ مترمربع برای هر یک) . دراین مورد اگر چه تعداد طبقات ساختمان پنج و سطح زیر بنا به نسبت هر خانوار صد مترمربع است، مجموعاً به ۲۰۰۰ مترمربع زیربنا احتیاج خواهد بودولی تغییر در تراکم به نسبت سرانهٔ زمین و قطعه بندی ها به وجود نخواهد آمد . تراکم ساختمانی نیز برابر همان ۵۰ درصد سطح زمین خواهد بود. با این تفاوت که حداکثر طبقات باید به جای یک طبقه در قطعات ۲۰۰ مترمربعی به پنج طبقه دریک قطعه زمین۴۰۰۰ مترمربعی تبدیل شود. دراین صورت ۲۰ خانوار مورد نظر فقط ۴۰۰ مترمربع از زمین۴۰۰۰ مترمربعی خود را (سطح کف ساختمان) به زیر بنا برده اند. بنابراین۳۶۰۰ مترمربع برای محوطه سازی و فضاهای بازو استفاده های عمومی این ۲۰ خانوار باقی خواهد ماند. درحالیکه در حالت اول هر قطعه ۲۰۰ مترمربعی ۱۰۰ مترمربع فضای باز دراختیار داشت. حال اگر بنابر شرایط

مختلف مانند کمبود زمین یا گرانی آن ویاتمرکز فعالیتها، تصمیم به اسکان جمعیت در هر قطعه زمین گرفته شود، باید به افزایش تراکم ساختمان ازیک طرف و تعیین سرانه زمین از طرف دیگر پرداخت.

اگر ۲۰ خانوار (با سطح زیر بنای ۱۰۰ مترمربع برای هریک)، بخواهند در قطعه زمینی به مساحت ۱۰۰۰ مترمربع زندگی کنند، دراینصورت مجموع سطح زیر بنا همان ۲۰۰۰ مترمربع ولی مساحت زمین ۱۰۰۰ مترمربع خواهد بود. تراکم ساختمانی نیز از ۵۰ درصد درحالت اول به ۲۰۰ درصد در حالت دوم می رسد، بر اساس اصول طراحی نیز می توان آن را در چند طبقه (برحسب مورد) به وجود آورد. مانندًا اگر سطح زیر بنای کف ۴۰۰ مترمربع درنظر گرفته شودساختمان در پنج طبقه ساخته خواهد شد. دراین صورت، سطح فضای بازبه ۶۰۰ مترمربع تقلیل خواهد یافت و چنانچه اندازهٔ خانوار به طور متوسط پنج نفر درنظر گرفته شود، درحالت اول (یعنی ۴۰۰۰مترمربع زمین برای ۲۰ خانوار یا ۱۰۰ نفر) تراکم مسکونی ۲۵۰ نفر در هکتار و در حالت دوم (یعنی ۱۰۰۰ مترمربع زمین برای ۲۰ خانوار یا ۱۰۰ نفر) تراکم مسکونی ۱۰۰۰ نفر در هکتار خواهد بود. مسلم است که فضای اول با فضای دوم قابل مقایسه نیست، اگر چه سطوح زیر بنا در هر دو حالت ثابت است. حدود قطعه بندی زمین، طبقات ساختمانی و جمعیت ساکن در آن و سرانهٔ زمین، حدی مشخص از تراکم جمعیتی و ساختمانی را مطرح ساخته و سطح زیر بنا رانیز تعیین خواهد نمود. انتخاب تراکم جمعیتی به شرایط زیادی بستگی داشته و حدود تراکم با انتخاب میزان سرانه رابطه معکوس دارد. هراندازه تراکم بیشتر باشد، سرانه کمتر است و هرچه سرانه بیشتر باشد تراکم کمتر خواهد بود. در مثال فوق و در حالت اول تراکم ۲۵۰ نفر درهکتار و سرانه زمین ۴۰ مترمربع است، درحالیکه در حالت دوم تراکم جمعیت ۱۰۰۰ نفر در هکتار و سرانهٔ زمین ۱۰ مترمربع می باشد. تعیین تراکم به منزلهٔ آن است که به نسبت شرایط محیط، اعم از اجتماعی یا اقتصادی و طبیعی چه خصوصیتی از فضا موردنظر می باشد و چه حدودی از جمعیت درمرکز زیستی سکونت خواهد گزید. ازاین رو تعیین حد مطلوبی از تراکم، در برنامه ریزی و طراحی مجموعه مسکونی به معنای تعیین حد مطلوبی از رفاه و آسایش عمومی و در ارتباط قرار دادن انسان با پدیده های طبیعی یا مصنوعی محیط پیرامونش می باشد. تعیین حدی مطلوب از رفاه عمومی و زندگی سالم درمجموعه های زیستی، تابعی ازمیزان ژرف نگری درتعیین حدود تراکم است. میزان موفقیت برنامه ریزی مسکن و نیازمندیهای آن نیز بستگی به تعیین این حدود دارد.

هنگامی که برای اسکان جمعیت در سطح یک مجموعهٔ زیستی برنامه ریزی می شود، تراکم جمعیت از دو دیدگاه مورد توجه است. یکی در ارتباط با سطوح مسکونی و دیگری با سطوح مربوط به نیازمندیهای مسکونی (شامل مسکن و تأسیسات وابسته به آن) است.

۱ـ در مورد سطوح مسکونی، سطوح زیر بنا و فضاهای بازمسکونی به نسبت جمعیت استفاده

کننده مورد توجه قرار دارد. این عامل به تعیین میزان سرانهٔ زمین مسکونی و درصد سطوح باز و زیر بنا بستگی خواهد داشت. بنابراین در ارتباط باتعیین منطقی تراکم، تعیین منطقی سرانه مسکونی نیز اهمیت دارد.

معمولاً برای مجموعه های مسکونی در سطح محلات و نواحی زیستی، با توجه به تنوع اندازهٔ خانوار، تنوع گروههای درآمدی، تنوع ذوق و سلیقه ها، تنوع در شرایط طبیعی زمین و بالاخره تنوع در طراحی محیط، چند نوع تراکم و به معنای دیگر چند نوع سرانهٔ مسکونی انتخاب می شود. نسبت هر سرانه در هر تراکم نیزمعمولاً حدود سطوح زیر بنا، فضای باز وحدود قطعه بندی زمین را تعیین می کند. در طراحی محله ها ی مسکونی، حدود قطعه بندیها و طول و عرض و مکان استقرار بناها باتوجه به تراکمهای ساختمانی نیز تعیین می گردد. حتی به تبعیت از آن، تعداد جمعیت و خانوار استفاده کننده در هرتراکم معین می شود. بر این مبناست که تراکم جدیدی در محلات و نواحی زیستی نیز به دست می آید. بنابراین، تعیین حدود تراکم کلی مسکونی در یک محله، حاصلی از پیشنهاد تراکمهای متنوع و جزیی تری در انواع تراکمها و سرانه های مسکونی، توام با تعداد جمعیت استفاده کننده از هریک از آنها می باشد.

۲ـ درارتباط با سطوح خدمات وابسته به مسکن، این گونه نیازمندیها معمولاً به صورت سلسله مراتبی و به نسبت میزان احتیاج جمعیت و جایگاه مناسب این تاسیسات در سطح محله و ناحیه تعیین می گردد. در این مورد می توان احتیاج روزمره جمعیت و احتیاجات هفتگی، ماهیانه و سالیانه آنها از نظر نیاز به خدمات عمومی را مبنا قرار داد. راهها نیز به صورت سلسله مراتبی بر اساس همین الگو جایگزین می شود. در چنین صورتی، این نیازمندیها در سطوح محله ای، ناحیه ای یا شهری (مانند مراکز خرید، اداری، آموزشی، درمانی، مذهبی و مانند آنها) تعیین شده است.

تعیین نیازمندیهای وابسته به واحدهای مسکونی و نقش اقتصادی محلات و نواحی شهری از یک سلسله مبانی و الگوهای دقیق پیروی می کند. در تعیین حدود تراکم ناخالص که درحقیقت نیازمندیهای غیر مسکونی مرتبط بامسکن را به همراه واحدهای مسکونی مطرح می سازد، تعیین سرانه های غیرمسکونی اهمیت دارد. در تعیین این سرانه ها حدود قطعه بندی زمین، مساحت، تعداد خدمات عمومی و نوع و موقعیت آنها به نسبت واحدهای مسکونی از یک سو و نوع تراکمهای مسکونی(خالص)ازسوی دیگر دخالت تام دارد. نوع تراکم، طبقات ساختمانی، قطعه بندی زمین مسکونی، مساحت، تعداد و نوع خدمات عمومی مانند مدرسه، مسجد، مرکز خرید و درمان و دیگر نیازمندیها به نسبت دوری یا نزدیکی آنها به مراکز جمعیتی و برحسب شعاع عملکرد و جمعیت تحت پوشش و بهره و نصیبی که ازراهها و شبکه های ارتباطی می برند، تعیین خواهد شد. در این زمینه

حدود، مساحات و عرض راهها و کارآیی دسترسی ها مورد توجه می باشد.

معمولاً در تعیین حدود مساحتهای مسکونی وغیر مسکونی به طور منطقی و به صورتی حدودی و بینابین ، در نظر گرفتن نیمی از سطح زمین تحت پوشش طرح برای واحدهای مسکونی و نیمی برای تأسیسات وابسته به آن مانند مراکز خرید ، راه ، آموزش و فضاهای باز و سبز ضروری است. اگر چه به نسبت اهداف طراحی و برنامه ریزی شهری ،لزوم تغییراتی در کاربرد اراضی مسکونی و غیرمسکونی وجود دارد.

هنگامی که سرانه ها و تراکمهای مسکونی و غیر مسکونی تعیین شد ،برمبنای ضوابط و معیارها، به جایگزینی انواع تاسیسات و برآورد نیازمندیها (کاربری زمین) اقدام می شود. وقتی تراکمهای جمعیتی تعیین شد ، تراکمهای ساختمانی منتج از نوع طراحی و برنامه ریزی نیز جایگاه ویژهٔ خود را می یابد . اینکه درکدام محله چه تراکمی از جمعیت مورد نظراست، معنای گسترده ای دارد. یعنی آنکه برای این جمعیت (در تراکم خالص) چه مقدار زمین، چند نوع و چه تعداد مدرسه مورد احتیاج است. چه مقدار فضای تجاری و در چه تعداد و انواعی و درچه سلسله مراتبی از احتیاجات موردتوجه است. شبکه های آب باید دارای چه حجم و چه مشخصاتی ، و فشار آب به نسبت تراکم جمعیت (و ساختمان) درچه اندازه ای باشد. شبکه فاضلاب باید باتوجه به این نوع تراکمها با چه ظرفیتی تعبیه شود. شبکهٔ تلفن از چه خصوصیاتی از نظر ظرفیتی و شبکه ای برخوردار باشد. فضاهای سبز و ورزشی ، کتابخانه ها ، مراکز فرهنگی باید به نسبت جمعیت (تعیین شده درهر تراکم) دارای چه قابلیت هایی باشد . بالاخره راهها باید دربالاترین ساعتهای رفت و آمد به نسبت انواع وسایل نقلیه و تولید سفر چه حجمی ازرفت و آمد پیاده و سواره راتحمل نماید. بنابراین تعیین سرانه های غیرمسکونی، که با جمع سرانه های مسکونی، به تراکم ناخالص می انجامد، اهمیت بسیار دارد. از این روی کارآیی تاسیسات و تجهیزات وابسته به مسکن در یک برنامهٔ موفق، بستگی به نوع تراکم مسکونی و میزان جمعیت استفاده کننده از آن دارد. همانطور که در ابتدا بیان شد، اعتدال دراین تراکم و ژرف نگری درتعیین آن، کاهش آسیب های اجتماعی و ممانعت از طبقاتی شدن سکونت ،جلوگیری از بحران رفت و آمدی و حتی آلودگیهای محیطی را به همراه خواهد داشت. امروزه تعیین منطقی حدود تراکم (اعم از خالص و ناخالص) حتی در کاهش بزه کاری های اجتماعی و جرم خیزی برخی از محلات ، رفع اعتیاد و انواع بیماریهای روانی یا جسمی ساکنان و در کاهش دامنه های فقر و زاغه نشینی اثر بسیار فزاینده ای دارد. اگر چه اعتقادات و زمینه های فرهنگی به عنوان عامل کاهش بسیاری از مسائل به عنوان یک اصل مطرح است، با برنامه ریزی صحیح پخش تراکم نیز می توان بسیاری از نابسامانی های مراکز مسکونی را کاهش داد. هنگامی که تاسیسات عمومی به نسبت جمعیت ساکن

اطراف پاسخگو باشد، حتی نظارت بر قیمت زمین و مسکن هم امکان پذیر خواهد بود. زیرا یکی از عوامل تغییر قیمت زمین و ساختمان، میزان استفاده از رفاه عمومی و میزان دسترسی به انواع تاسیسات مورد نیاز جمعیت است. محله ای که کران تا کران اراضی آن به دوراز هرگونه امکانات رفاهی، صرفاً زیر سیطرهٔ واحدهای مسکونی رفته باشد؛ یا ساختمانهایی که ناگهان چند برابر ظرفیت تراکمی و تاسیساتی خود افزایش تراکم می دهد، مدارس شان با تعدد دانش آموز و کمبود فضاهای آموزشی روبه رو می شود. به دلیل کمبود فضاهای تفریحی محله ای، خیابانها و معابرشان عرصه بازی های کودکان و نوجوانان می شود. چنانچه مخاطره ای هم برای آنان از نظر تصادفات خیابانی روی دهد، مقصر کودك یا نوجوانی نیست که دراین گذرگاهها بازی می کند. زیرا فضای دیگری برای او تعبیه نشده است.

هنگامی که فضای سبز، کتابخانه و دیگر مراکز فرهنگی در سطح محلات جای خود را صرفاً به ساختمانهای مسکونی (وآنهم در طبقات متعدد) داده و تجهیزات عمومی و خدمات وابسته به مسکن وجود نداشته باشد، محله دارای تراکم ناخالص بالا و خالص بالاتر خواهد بود. بر آنها همان می رود که در مضرات تراکم بالابیان شد. چنین است که اهالی محلات برای تامین مایحتاج خود مجبور به سفر به نقاط دیگر می شوند، بحران رفت و آمد را به وجود می آورند؛ و به دلیل فقدان تاسیسات تفریحی سالم در محله و دراثر فقدان تاسیسات اجتماعی و کافی تربیتی، زمینه مشکلات اجتماعی فراهم می آید.

هنگامی که حدود تراکم در سطح یک مجتمع مسکونی (شهری بزرگ یا شهری کوچک و حتی یک روستا) مشخص شد، افزایش بیش ازحد و خارج از قاعده تراکم ساختمانی معنایی نخواهد داشت. زیرا با تعیین حدود حداقل قطعه بندی زمین و حداکثر درصد زیربنا می توان تخلفات را مهار کرد. مراکز مسکونی نیز به سوی بی نظمی و ناهماهنگی درنظام سکونت رهسپار نخواهد گردید. افزایش تراکم ساختمانی که در دنبالهٔ خود تراکم بالای جمعیتی را به همراه خواهد داشت، مختل کنندهٔ ارائه خدمات اجتماعی و تاسیساتی و تسهیلاتی است. وقتی که در قسمتهایی از یک شهر به افزایش طبقات ساختمانی و مهیا کردن فضا، اعم ازمسکونی یا تجاری به اندازه ای بیش از حدود قابل قبول اقدام شد، معنایش آن است که شبکه های تلفن، آب، برق، فاضلاب، دفع آبهای سطحی باید به نسبت این افزایش تراکم تغییر کرده و افزایش ظرفیت دهد. خیابانهای اطراف آنها باید گنجایش بیشتری یابد. توقفگاه وسائط نقلیه بیشتر شود و مراکز خرید افزایش یابد. وقتی فقط طبقات ساختمانی افزایش یافت و دیگر تاسیسات ازنظر ظرفیتی تغییری نکرد، بحران آغاز می شود. نارسایی در آب و دفع فاضلاب، نارسایی در معیار دانش آموز به کلاس و مدرسه و ناهمخوانی فضای ارتباطی (راه) با

جمعیت استفاده کننده به وجود می‌آید. این مورد به ویژه درارتباط باویژگیهای طبیعی محیط نیز قابل توجه است. زلزله خیزی منطقه یااستفاده از چشم اندازهای طبیعی باید درتراکمهای ساختمانی درنظر گرفته شود. افزایش تراکم ساختمانی، خود مانعی در استفاده از چشم اندازهای طبیعی و عمومی است. اشراف و فقدان زندگی پوشیده ازچشم دیگران از جمله عوارض افزایش تراکم ساختمانی است. تراکم بیش از حد جمعیت که با افزایش تراکم ساختمانی ارتباط دارد، علاوه بر تاثیر منفی برتاسیسات و تجهیزات همگانی، بر عوامل اجتماعی نیز مؤثر است. چهره محیط را زشت کرده و برنحوه سکونت جمعیت و تفاوتهای فاحش در ارزش ساختمانها، ارزش سرقفلی ها و اجاره بها موثر واقع می شود.

نظام سکونت در مراکز زیستی، باید از نوعی اعتدال و وزن متناسب برخوردار باشد. تراکمهای خالص و ناخالص مسکونی، بایدجایگاه ویژهٔ خود را پیدا کند. محلات مسکونی باید برمبنای ضوابط و معیارهای معینی شکل گیرد، تاهمه چیز برجای خود قرار داشته باشد. درسایه این تمهیدات، کاهش بسیاری ازمعضلات زندگی، از آلودگی محیط گرفته تا کمبود فضاهای عمومی و کاهش مشکلات روانی و اجتماعی امکان پذیر می باشد. ایفای نقش مناسب خدمات جمعی و کارآیی تجهیزات زیر بنایی نیز ممکن خواهد شد.

بخش سوم

ما آزموده ایم در این شهر بخت خویش
بیرون کشید باید از این ورطه رخت خویش
از بس که دست می گزم و آه می کشم
آتش زدم چو گل به تن لخت لخت خویش
(خواجه شمس الدّین محمد حافظ ۷۲۷-۷۹۲ هجری)

سرانه های کاربری زمین در شهرها

هر برنامه شهری، باید بر اساس خصوصیات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی مردم و هماهنگ باخواسته ها و علایق آنان به انجام رسد. از جمله مهمترین اقداماتی که باید در ارتباط با عوامل فوق انجام گیرد، تعیین سرانه (percapita) های شهری است. سرانه های شهری در دنیای امروز به ظاهر مبنایی برای تقسیم فضا محسوب شده، و طراحی شهری را آهنگی ویژه می دهد. تعیین حدود منطقی آنها ، راهگشای حل بسیاری ازمشکلات و معضلات در سطوح مختلف شهری و منطقه ای و کشوری می باشد. استفاده یا عدم استفادهٔ مناسب از سوخت ، تعیین حدود تراکمهای خالص و ناخالص ، اقتصاد خانوارها ، اقتصاد شهری، رفع نیازمندیهای شهری از نظر نحوه پخش و جایگزینی عناصر مختلف، بهره جویی از طبیعت و دید ومنظر به تعیین سرانه ها بستگی دارد.

به طور کلی درتعیین حدود سرانه ها باید عوامل زیر را مد نظر قرار داد [1]:

- اقلیم و شرایط آب و هوایی.
- دانش فنی(Technology)
- مصالح ساختمانی محیط و میزان عرضه آن.
- میزان عرضه زمین.
- ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی جمعیت و آداب و سنن.

۱- اسماعیل شیعه -مفاهیمی از برنامه ریزی مجتمع های زیستی - دانشگاه علم و صنعت ایران - تهران -۱۳۷۳.

ـ درآمد خانوارها و معیشت آنها .
ـ اقتصاد خانوار .
ـ شاخص(Indicator) های موجود در نواحی شهری اطراف .
ـ اهداف طراحی .
ـ اندازهٔ خانوارها .
ـ تعداد کل جمعیت در کل طرح .
ـ استفاده از سوخت .
ـ بهداشت روانی جمعیت .
ـ عوامل و مشکلات طبیعی (مانند سیل ، زلزله ، طوفان) .
ـ عملکرد ساختمانها .
ـ شعاع خدمت رسانی مناسب انواع کاربری های زمین برحسب محلات، نواحی و مناطق شهری .
ـ آینده نگری ها .
ـ حدود تراکمها .
ـ اقتصاد شهر و منطقه و کشور .
– اهداف و سیاستهای کشوری .

عوامل دیگری نیز درتعیین حدود سرانه ها تاثیر دارد که موارد بالا مهمترین آنهاست .

همانطور که قبلاً بیان شد ، سرانه در برنامه ریزی شهری یعنی « متوسط زمینی که از هریک از کاربری های زمین به هر یک از ساکنان می رسد» .

اقلیم و آب و هوا :

درتعیین سرانه ها ، قش اقلیم و شرایط آب و هوایی بس مهم است . در یک نقطه، ساختمانها احتیاج به تبادل حرارتی دارد . درنقطه ای دیگر ذخیره حرارتی مطرح است . انتخاب سرانه ها درتفکیک زمین و تعیین سطوح زیر بنا برای ذخیره سازی یا تبادل حرارت مؤثر است . به همین ترتیب استفاده از بادهای مطلوب یا کاهش بادهای مزاحم، استفاده از سایه و یا آفتاب ، عاملی در تعیین سرانه ها محسوب می شود . اگر سرانه ها کم انتخاب شود، حد بالایی از تراکم و کوچکی قطعات ساختمانی را به همراه خواهد داشت . اگر هم سرانه ها زیاد درنظر گرفته شود، بر خلاف آن خواهد بود . بنابراین ، محیط عامل تعیین کننده است و تعیین سرانه ها باید به نسبت آن باشد .

مصالح ساختمانی :

مصالح ساختمانی ومیزان عرضهٔ آن نیز از جمله عوامل دیگر است . تعیین سرانه های منطقی می تواند از اتلاف فضای ساختمانی و استفادهٔ بیش ازحد و نامعقول از مصالح ساختمانی جلوگیری نماید. یکی ازنتایجی که تعیین سرانه مطلوب درارتباط با مصالح ساختمانی دارد، کاهش نیاز به مصالح ساختمانی وارداتی است . انتخاب میزان سرانه ها باید در ارتباط با نوع ومیزان تولید مصالح ساختمانی شهر و منطقه نیز قرار داشته باشد. این مورد نقش خود را بویژه در برنامه های خانه سازی و فنون احداث ساختمان نشان خواهد داد.

عرضه زمین :

در تعیین سرانه، عرضهٔ زمین ، نقش عمده ای دارد. ممکن است یک محله یا یک شهر دارای مساحتی محدود و یا گسترده ، و میزان جمعیت آن نیز از حدود ویژه ای برخوردار باشد. بنابر این برای جایگزینی و اسکان جمعیت ، باید سرانه ای درنظر گرفته شود که هماهنگ با امکانات عرضه زمین باشد. ممکن است که دریک محله یا یک شهر محدودیتهایی نیز ازنظر مساحتی وجود داشته باشد. اگر در یک برنامه نیاز به اسکان جمعیت بیشتری باشد، باید سرانه های کمتر را انتخاب کرد. ولی به هرترتیب این سرانه ها نباید از اصول منطقی، شرایط محیطی و معیارهای علمی عدول نموده و مشکلات عدیدهٔ دیگری را مطرح سازد.

ویژگیهای اجتماعی :

توجه به ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی جمعیت بسیار مهم است. سنتها و آداب و رسوم ، نوع سلیقه ها ، زیبایی شناسی و مانند آنها درانتخاب سرانه ها دخالت دارد. دربعضی ازموارد ممکن است که بنابر شرایط مختلف و از جمله عوامل اقتصادی، انتخاب سرانه با محدودیت روبرو باشد. اگر آثار روانی زندگی درساختمانهای کوچک، تنگ و تاریک ، بدون فضای باز و بدون آرامش و آسایش مورد توجه قرار گیرد، این نتیجه به دست می آید که سرانه های معقول تا چه اندازه می تواند در سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد اثر گذارد.

اقتصاد شهر :

به تجربه ثابت شده است که ساکنان ساختمانهای مسکونی وغیرمسکونی پس از اتمام بنا، هزینه مستمری برای روشنائی ساختمانها و گرم کردن یا سرد کردن آنها می پردازند. درتعیین سرانه ها

می توان به این نکته توجه نمود. خانوارها در هنگام خرید فقط هزینهٔ تمام شدهٔ ساختمان را در نظر می گیرند. غافل از آنکه فضاهای در نظر گرفته شده به تبعیت ازسرانه ها و اسلوب ساختمانها، به طورمستمر، هزینه هایی را بر استفاده کنندگان تحمیل می کند. همین مورد در ارتباط با مصرف سوخت قابل توجه است. درحقیقت انتخاب سرانه ها و اسلوب ساختمانها می تواند برمیزان مصرف سوخت موثر باشد.

شاخص های موجود محلی :

شاخص های موجود شهر، راهگشای تعیین سرانه پیشنهادی طرحها است. در اینکه ساکنان شهر به نسبت شرایط طبیعی، فرهنگ، سنت، معیشت واقتصادشان چه ساختمانهایی را به وجود آورده و چه سرانه ای را به کار گرفته اند، می تواند محکی برای پیشنهاد سرانه ها باشد. دراین مورد دانش فنی ساختمان و نوع مصالح ساختمانی، عامل دیگری است که بعداً راجع به آن بحث خواهد شد.

اندازه خانوار :

اندازهٔ خانوارها، عاملی تعیین کننده درانتخاب سرانه های مسکونی است. در کشور ما بعضی از خانوارها، گذشته از زن و شوهر و فرزندانشان دارای اعضای دیگری مانند پدر و مادرو یا خواهر و برادر و وابستگان خانوار می باشند. هریک ازاین افراد در واحد مسکونی به فضایی برای خواب، استراحت، زندگی و دو فضای عمومی و خصوصی نیاز دارند. به طور ساده حتی بر اساس سنتهای ما، باید فضایی مجزا برای میهمان درنظر گرفته شود. تمام این عوامل باید مورد مطالعه قرار گیرد. نوع خانوارهایی که می خواهند در شهرزندگی کنند و درصد آنها در اندازه های مختلف و بالاخره سنتهای زندگی فردی و جمعی باید مورد توجه قرار داشته باشند. این مطالعات، زمینه بهتری برای انتخاب سرانه های مسکونی و تعیین قطعه بندی زمین وسطح زیربنای واحدهای مسکونی فراهم می آورد.

تعداد جمعیت شهر :

تعداد جمعیت، با میزان عرضه زمین و انواع کاربریهای مورد نیاز در رابطه است. ممکن است در شهری محدودیت عرضه زمین وجود داشته باشد. اما برآورد جمعیت آینده بر مبنای برنامه های پیش بینی شده به سطحی از زمین نیازمند باشد که شهر از توان عرضه آن بر نیاید. بنابراین ایجاد رابطهٔ منطقی بین عرضه زمین و ظرفیت جمعیت پذیری شهر ضروری است. از این روی انتخاب سرانه زمین

و قابلیت شهر در تامین زمین مورد نیاز با حدی مشخص از جمعیت اهمیت دارد . تعیین مناسب حدود و تعداد انواع کاربریها مانند فضاهای آموزشی ، درمانی، تاسیسات عمومی و زیر بنایی، اداری و تجاری باید در مقام مقایسه با ظرفیت عرضه زمین و تعداد جمعیت و حدود منطقی سرانه ها قرار داشته باشد.

طراحی:

یکی از عوامل اجازه دهنده در طراحی فضاهای شهری، غور و بررسی در انتخاب مطلوب سرانه زمین است. این مورد برای طراحی انواع فضاهای شهری و ترکیب، پیوستگی ، تنوع و پیوند آنها با یکدیگر و با استعانت از دیگر عوامل مؤثر بر طراحی زمینه لازم را فراهم می سازد. طراحی فضاهای باز وبسته، محوطه سازیها، تعیین تراکمهای ساختمانی، ساخت و بافت شهری و تعریف فضا به عنوان یک عامل هویت بخش، بستگی به وجود عرصه هایی دارد که یکی از آنها به سرانه زمین باز می گردد. توجه به سرانه ها برای نیل به اهداف طراحی بستر لازم را آماده می نماید.

حوادث طبیعی:

بروز اتفاقات و حوادث طبیعی مانند سیل ،زلزله و طوفان در بسیاری از نقاط قابل انتظار است. هر از چندگاه یکبار تعدادی از جمعیت کشور ما در اثر بروز این حوادث از بین رفته و صدمات اقتصادی هنگفتی به وجود می آید. شاید چنین تصور شود که انتخاب سرانه ها واین حوادث با هم ارتباطی ندارد. با اندکی تعمق می توان به این نتیجه رسید که سرانه زمین می تواند عاملی در کاهش آثار مخرب این قبیل حوادث باشد. به عنوان مثال علاوه برنیاز به محاسبهٔ ساختمان در برابر زلزله و تعیین حدود طبقات آن، سرانه ها نیز دخالت دارد. مثلاً اندازهٔ بیشتر سرانه، فضای زمین و زیر بنای بیشتری را برای تفکیک ممکن می سازد. این فضا می تواند تعدادبیشتری ازاتاقها را به وجود آورد. بنابراین به جای آن که اعضای یک خانوار زیر سقف های محدود زندگی کنند، تعدد اتاقها ، تراکم جمعیت در اتاق را کاهش می دهد و در هنگام بروز زلزله احتمال تلفات به دلیل احتمال تخریب نشدن بعضی از اطاقها کاهش می یابد. توجه به تعبیه مناسب شبکه های آب و برق و گاز وتاسیسات آنها نیز بسیارمهم است. بنابراین اگر سرانه مناسبی برای تعبیه شبکه های مختلف تاسیسات شهری در نظر گرفته شود، آثار حوادث غیرمترقبه طبیعی به حداقل می رسد. بروز طوفانها و سیلابها و جایگزینی جمعیت در اراضی سالم شهری ،ممکن است محدودیت زمین را مطرح سازد که در تعیین سرانه و تعداد آینده جمعیت شهرموثر باشد.

عملکرد ساختمانها :

در این مورد نیز نمی توان ازاهمیت موضوع غافل شد. بعضی از ساختمانها مسکونی بوده و برخی دیگر تجاری و اداری و یا ورزشی و آموزشی است. هر کدام از آنها دارای عملکردی مخصوص به خود بوده و سرانه ای را می طلبد. بنابراین، باید این امکان را به وجود آورد که در سطح کلی و جزیی هر عملکرد بتواند معیارهای خود را قابل قبول سازد. برای مدرسه، ابعاد کلاس مطرح است. فضای سبز و آزمایشگاه و کارگاه لازم دارد. درحالیکه واحد مسکونی به فضای مناسب پذیرایی و آشپزخانه و انباری نیازمند است. هر کدام از این عناصر، فضایی لازم دارد. ملاك صحیحی از سرانه ها، می تواند تمام این موارد را از کارآیی لازم برخوردار سازد.

سلسله مراتب شهری :

این موضوع مطرح است که محله بندیها، ناحیه بندیها، و منطقه بندیهای شهر چگونه طراحی شده و هر کدام باید چه جمعیت و مساحتی داشته باشد. بنابراین برای رفع نیازمندیهای وابسته به مسکن، هرکدام از این محله ها و ناحیه ها به تاسیساتی نیاز دارد. اینگونه تاسیسات از دو دیدگاه قابل ملاحظه است. یکی نیاز به آنها ازنظر عددی، (مانند تعداد مدرسه یا مراکز خرید یا تعداد مساجد و درمانگاهها) و دیگری نیاز به آنها از نظر شعاع عملکرد مناسب. این موارد به سرانه های کافی نیاز دارد.
در یک محله اگر جمعیت به صورت متراکم پیشنهاد شده باشد، شعاع عملکرد خدمات محله ای اگر چه محدود ترخواهد بود ولی در نیاز به سرانه آنها تاثیری نخواهد داشت. اگر محله ای به صورت گسترده مطرح شده و تراکم جمعیت نیز پایین باشد، تعداد این فضاها در ارتباط با شعاع عملکردشان، سرانه های بیشتری را لازم دارد.

آینده نگری :

آینده نگری در مورد توسعه بعد از مدت زمان اجرای طرح و ظرفیت ساختمان ها و فضاهای شهری، معمولاً باید درهر طرح شهری رعایت شود. این مورد باید درارتباط با طول و عرض راهها، فضاهای باز، تراکم ساختمانها و فعالیتهای مراکز اصلی و فرعی باشد، تاآینده شهر را از نظر فعالیتی و تراکمی در حدی متعادل و قابل قبول نگهدارد.

محیط منطقه ای و اهداف و سیاستهای کشوری :

در مورد اقتصاد شهر و منطقه و کشور نیز سرانه ها باید به نسبت امکانات و استعدادهای محیط

تعیین شود. این محیط فقط محیط طبیعی نیست ،بلکه شامل محیط اجتماعی و اقتصادی نیز می شود. اهداف و برنامه های دولت، نقش اقتصادی شهر و منطقه ، میزان جمعیت ، اقتصاد کشور در دوران اجرای برنامه های عمرانی و اطلاع از اینکه شهر آینده برای چه جمعیتی وبا چه خصوصیاتی و در چه مکانی و با چه بودجه و امکاناتی به وجود خواهد آمد، از جمله مهمترین شقوق برنامه ریزی به منظور تعیین و پیشنهاد سرانه هاست.

دانش فنی:

استفاده از آخرین دانشها در زمینهٔ فنون ساختمان و تعبیه راهها، موقعیت انواع کاربری ها و جایگزینی آنها هریک دانش فنی ویژه ای را می طلبد. دانش فنی درجنبه های مختلف مادی و معنوی زندگی انسان تاثیر می گذارد. استفاده مناسب از آن می تواند درجهٔ مطلوبیت و قابلیت زندگی در شهرها را تعیین کند. درتعیین سرانه ،مهم آن است که برای شهر آینده چه فن آوری هایی به کار گرفته خواهد شد. اگر قرار باشد برای بنای یک ساختمان از مصالحی چون آجر و آهن استفاده شود؛ با اینکه همان ساختمان با خشت و گل و یا چوب به وجود آید، نوع فن آوری ساختمان متفاوت خواهد بود. بر فرض در ساختمان خشتی و گلی ضخامت دیوارها بیشتر می باشد. لذا به سرانه بیشتری نیاز خواهد بود. درحالیکه در ساختمان ساخته شده از آجر و آهن نیاز به سرانه نیز کاهش خواهد یافت. این مورد در ارتباط با طبقات ساختمان و موقعیت محلی آن ، شرایط آب و هوایی، معیشت و فرهنگ نیز مطرح است.

بخش چهارم

نـگـه کـن بـدان بی گنه کـودکـان
که شان جز محبت پـرستار نیست
نـگـه کـن بـدان مـادر و آن پـدر
کـه در سینه شـان کینه انبار نیست
جهان این کـسانند واین است دهر
جـهان آن سیه روی غـدآر نیست
(ملک الشعرای بهار ۱۲۶۶ -۱۳۳۰ خورشیدی)

نقش واحدهای مسکونی با زیربنای محدود در بروز مشکلات شهری

یکی از مسائلی که در ارتباط با کاهش بحران مسکن در شهرهای بزرگ کشور مورد توجه قرار گرفته ، هدایت برنامه های ساخت مسکن درمساحات و سطوح محدود است . این مورد ازآن جهت است که به دلیل افزایش قیمت زمین و افزونی تقاضا ، سیاست مسکن سازی را درجهت پاسخگویی به متقاضیان قرار دهد . اگر چه ساختن مسکن در ابعاد کوچک ، تصاحب آنها را درارتباط با توان اقتصادی خانوارها ، متعادل ساخته و تسهیلات مختلف وازجمله وام های بانکی ، مصالح ساختمانی ارزان و در نهایت پاسخگویی کشور را به مسایل عمومی مسکن مرتفع می سازد، ولی از دیدگاه کیفی و بویژه مسائل فرهنگی ، زیست محیطی ، سیمای شهری و زیباسازی مسایلی را به دنبال دارد که چکیده ای از آنها به شرح زیر آورده می شود .

نگاهی به آمار :

به منظور بررسی ابعاد مختلف مسکن و روند توسعه آن ، در این قسمت بانگاهی به آمار و ارقام ، ابعاد موجود مسکن و چشم انداز آینده آن مورد بررسی قرار می گیرد .

- طبق آمار ، جمعیت شهرنشین ایران در سال ۱۳۴۵ برابر ۳۸/۷ درصد و در سال ۱۳۷۵

برابر ۶۱/۳ درصد بوده ودر سال ۱۳۷۹ به حدود ۶۳ درصد خواهد رسید. نرخ رشد سالانه جمعیت شهری ایران نیز در سال ۱۳۷۰ حدود ۵ درصد بوده که در سال ۱۳۷۹ به حدود ۳/۵ درصد خواهد رسید[۱]. بزرگترین شهر کشور «تهران» در سال ۱۳۷۰ حدود ۲۰ درصد از جمعیت شهری را داشته و تعداد شهرهای یک میلیون نفری و بیشتر کشور حدود ۳۸ درصد از جمعیت شهری را دارا بوده است. شهرهای بیش ازیک میلیون نفری ایران نیز حدود ۲۲ درصد از کل جمعیت کشور را تشکیل می داده است. دراین مورد متراکم ترین شهر ایران از نظر ارتباط جمعیت ومساحت طبق آمار سال ۱۳۷۰ مشهد بوده است.

- طبق آمار سال ۱۳۷۵ فقط شرکت سرمایه گذاری مسکن دارای ۸۳۶۹ واحد مسکونی تکمیل شده، ۴۳۶۹ واحد در دست مطالعه و ۱۱۱۹۵ واحد در دست اجراء، ۲۶۴۲ واحد آماده اجرا و ۱۳۷۲۲ واحد در حال طراحی بوده است. تعداد واحدهای مسکونی ساخته شده توسط این شرکت در سال ۱۳۷۵ به ۱۹۵۶۴ واحد می رسیده است.[۲]

- بر اساس مطالعات سال ۱۳۷۴، از میان ۳۷۲۹ نفر از تماس گیرندگانی که درفروردین ماه ۱۳۷۴ با برنامه ما و شما صدای مشاور تماس داشته اند، ۲۵/۶ درصد از آسیب پذیران روانی را جوانانی تشکیل می دهند که در سنین ۲۵-۲۱ سال و ۱۹/۹ درصد ۲۶ و ۳۰ سال قرار داشته اند. این افراد به طورعمده در مجتمع های مسکونی فشرده تهران ساکن بوده اند.[۳]

- طبق آمار سال ۱۳۶۵، تعداد اطاق برای هر خانوار ۳ و برای هر واحد مسکونی ۳/۵ بوده است. ۸۹/۵ درصد از مساکن بخش خصوصی یک واحدی ۸/۲ درصد دو واحدی و ۲/۳ درصد، ۳ واحدی بوده است.

- تعداد نفر دراطاق در سال ۱۳۶۵ برای کشور ۱/۷، برای شهرها، ۱/۵ و برای روستاها ۲ بوده است.

- فقط در سال ۱۳۷۰ حدود ۱۴۸/۶ هزار واحد مسکونی توسط بخش خصوصی و ۱/۷ هزار واحد توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ساخته شده است.

- متوسط تراکم خانوار به واحد مسکونی در نقاط شهری ۱/۱۸ و در نقاط روستایی ۱/۱۵

۱- مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور - گزارش شاخصهای توسعه انسانی سال ۱۹۹۴- نشریه شماره ۴۸ -

۲-وزارت مسکن و شهرسازی - بولتن شرکت سرمایه گذاری مسکن، سومین سمینار سیاستهای توسعه مسکن -تهران- ۱۳۵۷.

۳- روزنامه همشهری - شماره ۸۶۹ - ۷ دی ۱۳۷۴- ص ۱۲

بوده است.

– متوسط نفر در واحد مسکونی در سال ۶۵ درنقاط شهری ۵/۷ و درنقاط روستایی ۶/۳ نفر بوده است.

– در شرایط موجود توان تولیدی مسکن در کشور سالیانه حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰۰۰۰ واحد مسکونی است.

– طبق برنامه قرار است که در برنامه دوم ۲۶۹۶۰۰۰ واحد مسکونی در کل کشور ساخته شود.

– تجزیه وتحلیل

رشد جوامع شهری و افزایش جمعیت در کشور، در طول چند دهۀ گذشته به مفهوم عام و درچند ساله اخیر به نحو ویژه تری، باعث گسترش شهرها به سوی اراضی اطراف و محیط پیرامون خود شده و به طرف کوهها، اراضی زراعی، باغها و جنگلها سیطره یافته است. این مورد ضمن وارد ساختن لطمات فراوان زیست محیطی، شهرها را به رشدی بی قاعده و ناهمگون با ضوابط شهرسازی و اصول طراحی و برنامه ریزی محیطی رهنمون ساخته است.

به طور اصولی در طول چند دهۀ اخیر عوامل زیادی بر رشد کالبدی شهرها و جمعیت پذیری آنها تاثیرگذارده است. مهمترین آنها به قرار زیر است:

– افزایش طبیعی جمعیت در سطح کشور.
– افزایش مهاجرتهای روستایی به سوی شهرها بویژه شهرهای بزرگ.
– نقش دهی سیاسی و اداری به شهرها.
– تمرکز فعالیتهای تجاری، خدماتی، بازرگانی، صنعتی و سرمایه ای در واحدهای شهری ویژه.
– تمرکز تاسیسات رفاهی و خدمات عمومی و زیربنایی و آموزشی درشهرهای بزرگ.
– نامتعادل بودن تراکم زیستی، سکونتی، ساختمانی و بالنتیجه ناهماهنگی درحدود قطعات مسکونی.
– تغییر در نظام زیست خانوارها در واحدهای مسکونی.

باتوجه به عوامل فوق که دلایل دیگری رانیز می توان بر آنها افزود، این عوامل باعث بروز عارضه هایی در سطح شهرها شده است. عمده آنها را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

– آلودگی های محیطی از قبیل آلودگی هوا، صدا و محیط.
– تمرکز و تراکم بیش از اندازه جمعیت و ساختمان، بویژه درنواحی مرکزی شهرها.

- افزایش قیمت زمین و اجاره بهای واحدهای ساختمانی و ارزش سرقفلی ها .
- عدم تعادل در برنامه کاربری زمین .
- عدم تعادل در استقرارمراکز کاری، تفریحی ، تحصیلی ، تجاری ونیازمندیهای عمومی با واحدهای مسکونی .
- مغایرت ظرفیت و سطوح مختلف شبکه ارتباطی با تولید سفرهای درون شهری .
- تغییر درعوامل مختلف سیمای شهری و زیبایی محیط .
- توسعه ورشد نامتعادل واحدهای مسکونی در اراضی نامناسب و مخاطره انگیز ازنظر زلزله ، سیل، زباله و بهداشت شهری .
- افزایش تقاضای مصالح ساختمانی و درنتیجه تاثیر درقیمت واحدهای مسکونی .
- عدم پاسخگویی قابل قبول تاسیسات زیربنایی و رفاهی درشهرها و یامناطقی ازشهرها مانند آب، برق، مدرسه ، مراکز خرید و تفریح .
-قطعه قطعه شدن نامتناسب اراضی داخل واطراف شهرها .
- مغایرت درچهره و سیما و اساس کالبدی بافت قدیم درعرصهٔ رویارویی با بافتهای جدید .

مشکلات پدیدار شده درعرصه های شهری، به طور عمده در سطح شهرهای درجه اول و پرجمعیت کشور قد برافراشته و شهرهای کوچک از مشکلات کمتری برخوردار بوده است . به بیان دیگر، عمدهٔ بحران مسکن در شهرهایی به وجود آمده که تمرکز فعالیت ، کار، سرمایه و جمعیت در آنها به نحو تاثیر پذیرتری صورت گرفته است . ازاین رو عرضه واحدهای مسکونی در سطح چنین شهرهایی باتوجه به مسائل اجتماعی و اقتصادی وسطوح درآمدی خانوار با محدودیتهایی رو درو گردیده است . بنابراین و در نتیجه گیری در عرصه زندگی شهرهای بزرگ مشکلاتی رخ نموده که مهمترین آنها به شرح زیر است :

- کاستی توان اقتصادی خانوار در داشتن یک مسکن مناسب و قابل قبول .
- افزایش سطوح زمین شهری و دور شدن محدوده شهرها ازمراکز اصلی خود .
- عدم تکافوی تاسیسات و خدمات عمومی درمحلات مسکونی .
- عدم تجانس گروههای مختلف اجتماعی در محلات و بروز مشکلات جدید .
- نادیده انگاشتن ضوابط شهرسازی .
- مبهم ماندن ادامه توسعه شهرها و آینده آنها .

این عوامل باعث بروز یک سلسله تنش ها در عرصه های سکونتی شهری شده و کوچک سازی واحدهای مسکونی، باعث تشدید این مشکلات می شود. ذیلاً به توضیح در مورد آنها پرداخته می شود:

کاستی توان اقتصادی خانوارها

اغلب متقاضیان مسکن را دو گروه تشکیل می دهند. یک گروه آنان که در سنین میانی زندگی و یا در آستانه ازدواج قرار داشته یا سالهای اولیه آنرا می گذرانند. گروه دوم به صورت مهاجر با اندازه های متفاوت خانوار دراثر انتقال محل کار یا در جستجوی کار به سوی شهرهای بزرگ سرازیر می گردند. هردو گروه فوق درعرصه رویارویی باتهیه مسکن به دلیل ضعف درتوان خرید واحدهای مسکونی بامشکل مواجه می باشند. عدم توانایی مالی در تهیه مسکن برای گروه اول امری طبیعی است. این گروه معمولاً به دلیل عدم توانایی در خرید مسکن به اجاره نشینی دست می زند. معمولاً سهم عظیمی از درآمد ماهیانه آنها به اجاره بهای مسکن و هزینه های جنبی آن اختصاص می یابد. گروه دوم نیز به نسبت شرایط خودمختلف می باشد. یک دسته راکسانی تشکیل می دهند که توان مالی آنهااگر چه نسبتاً کافی است، ولی بالاجبار مسکن موردنیاز خود را به رغم مشکلات رفاهی و مساحتی پذیرفته و درقسمتی ازشهرها اقامت می کنند. دسته دوم را کسانی تشکیل می دهند که به خاطر اشتغال به شهرهای بزرگ رهسپار می شوند. پاره ای از آنها دارای مسکن سازمانی می شوند و پاره ای دیگر با مشکلات پیچیده ای رودر رو می گردند. آنها چاره کار را در سکونت درنقاطی ازشهر که با توان مالی آنها سازگار است، می بینند. دسته سوم نیزمهاجرانی هستند که فقط برای کار و درآمد به سوی شهرها رهسپار می شوند. چون توان اقتصادی کافی درتهیه مسکن و یا اجارهٔ آن را ندارند، درمساکن غیربهداشتی و حاشیه ای شهر و حتی دراطاقهائی از یک واحد مسکونی و به صورت مشترك با دیگر خانوارها زیست می کنند. دسته چهارم نیز آنهایی هستند که درحلبی آبادها و زاغه ها و کپرها رحل اقامت می گزینند. دو گروه آخر را معمولاً روستائیان بی سرمایه و یا بیکاران و کم درآمدها تشکیل داده و به طور عمده نیز دارای اندازه خانوار گسترده اند[1].

مهمترین بحث در مورد ضعف در توان مالی متقاضیان مسکن، عدم تجانس سطح درآمد و قیمتهای عرضه شدهٔ واحدهای مسکونی است. دراین مورد بالا بودن قیمت زمین نقش به سزایی دارد. از این رو عمده خانوارهای متقاضی به طور مجزا و یا از طریق تعاونیهای مسکن اقدام به ساختن اماکن مسکونی دسته جمعی یا آپارتمانی می کنند، تا در این جهت قیمت بالای زمین را بین خود تسهیم کنند. این خانوارها به دلیل فقدان توان درتامین سطح موردنیاز زیربنا به سطوح کمتر قناعت می کنند.[2]

عدم توانایی خانوارها در داشتن محیط مطلوب مسکونی، ازنظر شهرسازی نتایج متفاوتی را

۱- آمارهای مختلف جمعیت وخانوار - مرکز آمار ایران.

۲- مانند عمده متقاضیان مسکن در گروههای درآمدی متوسط وپایین درتعاونیهای کارمندی و کارگری در شهرهای بزرگ بویژه تهران.

در بر داشته است. عمدهٔ آنها به افزایش تراکم خالص مسکونی در محلات، افزایش طبقات ساختمانی، نزدیک ساخته شدن و همجواری برجهای مسکونی درخارج از معیارها و قواعد شهرسازی، بروز مشکلات اجتماعی، زشت شدن چهره و سیمای ساختمانها، فقدان تاسیسات موردنیاز به نسبت جمعیت و محدودیت عرضه زمین درارتباط باچنین نیازمندیهایی مربوط می شود[۱]. اقشار کم درآمد و پرجمعیت وناآشنایان با زندگی در شهرها، متاسفانه به دلیل فقدان توان مالی درتهیه، خرید یا اجارهٔ مسکن، زاغه نشینی و حاشیه نشینی را دامن زده و خانه ها را به صورتی غیربهداشتی و متشکل از مصالح ساختمانی غیرمقاوم به وجود آورده اند.[۲]

برای ایجاد پلی بین سطح درآمد و توان اقتصادی متقاضیان مسکن باقیمت واحدهای مسکونی یکی از چاره ها، کاهش سطح زیربنا و اصطلاحاً کوچک سازی واحدهای مسکونی است. این مورد اگرچه برای بسیاری ازخانوارهای جوان و کم جمعیت راهگشای خوبی بوده، درهزینه های ساخت مسکن تاثیر داشته و از زیاده روی در مصرف مصالح ساختمانی می کاهد، ولی به نسبت خانوارهای پرجمعیت مشکلات گسترده ای را مطرح می سازد. مهمترین آنها تجمع جمعیت وخانوار دریک مجموعهٔ مسکونی و عدم آرامش و آسایش کافی برای آنهاست. بر این جمع باید بروزمشکلات خانوادگی ناشی از زندگی درفضای محدود و باجمعیت بیشتررا افزود.

افزایش سطوح شهری و دور شدن شهرها ازمراکز اصلی

مهاجرت جمعیت به سوی شهرهای بزرگ و افزایش تقاضا برای تهیهٔ مسکن، باتوجه به توان اقتصادی خانوار، جمعیت را به سوی آن قسمت از اراضی شهری که قیمت آنها مناسب تر است، سوق می دهد. دراین مورد متقاضیان با عضویت در شرکتهای تعاونی اقدام به سرمایه گذاری و تهیه مسکن می نمایند.

اراضی واگذار شده به متقاضیان معمولاً در قطعات بایر کناره شهرها و در طول سالهای اخیر در اراضی دورتراز شهر اصلی و یا درقسمتی ازشهرهای جدید همجوار با شهر اصلی قرار دارد. کوچک ساخته شدن واحدهای مسکونی انبوه جمعیت را مجبور به رفت و آمد بیشتر به شهر اصلی کرده و شبکه راهها را با تراکم رفت وآمدی مواجه می سازد.

مهمترین نتیجه ای که بر تولید مسکن و استقرار آن در حاشیهٔ شهرها مترتب است، رشد بی

۱ – مانند برجهای مسکونی فیشرآباد، آپادانا، شهرك قدس(غرب)، ونك پارك و مواردی مانند آنها در تهران.

۲ – نمونه بارز آن در بعضی از مناطق حاشیه ای واز جمله در اسلام شهر، سلطان آباد، اسماعیل آباد در جنوب تهران وتپه مراد آب (اسلام شهر) در کرج و محله های چشمه موشک و فوتبال در حاشیه شهر اراك دیده می شود.

قاعده شهرها به حالتی مجزا وغریبه با بافت اصلی شهر وبدون توجه به ظرفیت و کارایی راهها و دیگر شرایط شهری است. این مورد عدم تجانس بین بافتهای جدید و بافت اصلی شهر و گسترش شهر درخارج از محدوده اصلی خود را باعث می شود. حتی اگر اراضی تحت آماده سازی به صورت بایر باشد، فضاهای سبز و باغهای اطراف آنها ، تحت اعمال نظر سودجویان زمین قرار گرفته وبه یکباره شهرها با عرصه گسترده خود با فقدان مراکز مختلف شهری و کمبود تاسیسات و نارسایی راهها رو در رو می شود.

به طور عمده کوچک بودن واحدهای مسکونی در اثر افزایش تراکم و تعدد جمعیت در اراضی محدود به مثابه عاملی در برهم زدن روال عادی زندگی شهری به حساب می آید. فاصلهٔ بین مراکز سکونتی و مراکز کاری روز به روز بیشترشده و چهرهٔ شهرها را به صورتی نامتوازن در می آورد.

عدم تکافوی تاسیسات و خدمات عمومی در محلات مسکونی :

افزایش قیمت زمین در شهرها و نیاز به مسکن از سوی متقاضیان ،باتوجه به توان اقتصادی آنها ازیک سو و سود جویی بساز و بفروشها ، اراضی شهری را با افزایش تراکم ساختمانی و جمعیتی رو در رو می سازد. کوچک و محدود ساخته شدن فضای مسکونی ضمن هماهنگی باتوان اقتصادی متقاضیان، باعث فروش سریعتر واحدها می شود[1]. آن دسته از واحدهای مسکونی که درمیان دیگر ساختمانهای شهری و با تراکمهای ساختمانی و جمعیتی بالا ساخته می شود، معمولاً فضای باز کافی به نسبت سطوح زیربنا و جمعیت را ندارد. از این رو نقیصهٔ بسیار بزرگی ازنظر شرایط زیست قابل قبول مطرح می گردد. موضوع بسیارمهم دیگر عدم تکافوی ظرفیت تاسیسات عمومی و زیربنایی است. این موضوع از دو جهت مورد توجه می باشد :

یکی در ارتباط با فضای داخلی واحدهای مسکونی . با کوچک ساخته شدن واحدهای مسکونی ، تعبیه فضای مربوط به تاسیسات داخلی ساختمان بامشکل مواجه می شود. کمی عرض پله ها و پاگردها، محدودیت درمساحت ایوانها ، فقدان فضای کافی برای خشک شدن لباس، اشباع ایوانها ازوسایل انباری مانند دوچرخه و بخاری و دیگر وسایل[2] در اثر فقدان فضای کافی انباری، شنیده شدن صدای همسایگان در اثر وجود دیوارهای کاذب و بدون عایق صدا[3]، فقدان فضای کافی برای توقف خودرو

۱- در این مورد بافتهای قدیم و جدید شهرهای قم، تبریز، مشهد، اصفهان، همدان و کرمانشاه به عنوان نمونه آورده می شود.

۲- مانند دولت آباد و آپارتمانهای کوی نوبنیاد در تهران و پولاد شهر در اصفهان.

۳- مانند غالب ساختمانهای جدید ساز در تهران.

و دوچرخه وموتورسیکلت و ایجاد مانع درعبور ساکنان، فقدان فضای کافی برای بازی کودکان در بعضی ازمجموعه ها در اثر محدودیت فضای باز و انبوه کودکان درهر مجموعه ، تنگ و تاریک بودن فضای سکونت و درنتیجه استفاده ازروشنایی مصنوعی در اوقات روز و هزینه های گرم کردن و سردکردن واحدهای مسکونی دراوقات مختلف سال، ازجمله مشکلات کوچک ساخته شدن واحدهای مسکونی است.

مورد دیگر، تاثیر مجموعه های مسکونی بامساحت محدود و کوچک برمحلات و نواحی مختلف شهراست. دراین مورد کوچک ساخته شدن واحدهای مسکونی، طبیعتاً به سکونت جمعیت بیشتری درسطح محلات منجر می شود. هنگامی که انبوهی از جمعیت در سطح یک محله گرد آمد، لازمهٔ آن تقارن ظرفیت و هم آوایی نیازمندیهای عمومی با جمعیت این محله است. باید به تقاضای روزمره جمعیت از مدرسه، مرکز خرید، خدمات فوری پزشکی، آتش نشانی، کتابخانه، فضای سبز و فضای باز پاسخ داده شود. ظرفیت و قابلیت این قبیل تاسیسات باید به نسبت جمعیت متقاضی از کارآیی لازم برخوردار باشد. دراین قبیل محلات، فضاهای بازاز اهمیت ویژه ای برخوردار است. نحوهٔ استقرار ساختمانها و بلوکهای مسکونی و فاصلهٔ مطلوب آنها از یکدیگر نیز بسیار مهم است. چنانچه به نسبت قطعات مسکونی، دیگر تاسیسات محله ای و ناحیه ای پاسخگو نباشد، مشکلات عدیده ای به وجود خواهد آمد.

درارتباط باتاسیسات زیربنایی شهری، معمولاً شبکه های برق، آب، فاضلاب و گازبرای تعدادی مشخص از واحدهای ساختمانی(ازنظر حجم و ظرفیت و مشخصات فنی) تعبیه شده و هریک بر اساس ضابطه ها و حریمهای مربوط به خود به وجود می آید. چنانچه ضوابط و مشخصه های این قبیل تاسیسات مورد توجه قرار گیرد، مساله ای نخواهد بود. حتی ازنظراقتصادی مقرون به صرفه نیز خواهد بود. اما درمورد ایجاد ساختمانها با مساحت و قطعه بندی مسکونی کوچک موضوع فرق می کند. تجدید بنای ساختمانهای موجود در میان بافتهای شهری وایجاد ساختمانهای کوچک به جای آنها، بر ظرفیت وکارآیی شبکه های آب، برق، فاضلاب، گاز وتلفن اثرمی گذارد. این شبکه ها باید با تغییر تراکم جمعیت و ساختمان به طور پیاپی تغییر ظرفیت دهد. واحدهای کوچک مسکونی با بروز اتفاقات غیرمترقبه مانند زلزله و آتش سوزی با مشکلات بیشتری روبرو می گردد.

عدم تجانس گروههای اجتماعی در محلات و بروز مشکلات جدید:

در طول چند دههٔ اخیر، و در روال سکنا گزینی، هر خانوار بنابر توان مالی خود وبسته به شرایطی مانند نزدیکی به محل کار، نزدیکی با آشنایان و خویشان، اقدام به خرید یا سکونت درواحدهای

مسکونی می نماید. این مورد برای عده ای از تازه مهاجران به شهرها درعرصه مسکن مسائلی را مطرح می سازد. واحدهای مسکونی بدون توجه به شرایط اجتماعی و خصوصیات همسایگی ساخته می شوند. بعضی از خانوارها از یک تا پنج نفر و بعضی از پنج نفر یا بیشتر تشکیل شده اند. این گروهها معمولاً دریک ساختمان مسکونی سکونت می گزینند. چنانچه سطوح زیربنا به نسبت تعداد آنها پاسخگوی خوبی نباشد. خانوار در درون بنا با مشکلات عدیده ای مانند تنگی جا، فقدان آرامش، سر و صدا و امثال آنها مواجه خواهد بود. مخارج مشترك بین ساکنان، سر و صدای میهمانها، پذیرایی ها و جشنها و در هنگام تلاقی با زمان آسایش و استراحت دیگر خانوارها ازمسائل عدیدهٔ زندگی دریک مجتمع فشرده است. عدم هماهنگی خانوارها از نظر اجتماعی، ازجمله مشکلات دیگراست. نزدیک ساخته شدن بلوکهای ساختمانی با یکدیگرکه غالباً به دلیل صرفه جویی درمصرف زمین صورت می گیرد، مشرف شدن ساختمانها را بر یکدیگر مطرح می سازد. خانوارها را به ناچار مجبور به استفاده از پرده های ضخیم یا موانع دیگر بر پنجره های واحد مسکونی کرده و فضایی تنگ و تاریک و خسته کننده را برای درون ساختمانها به وجود می آورد. همین موردباتوجه به تعداد واحدهای ساختمانی کوچک و تعداد در و پنجره ها مشکلات جنبی دیگری را ازنظر سیمای شهری و چشم انداز به فضای سبز و باز طبیعی مطرح می کند. تضاد بین گروههای مختلف ساکن درمیان واحدهای ساختمانی، در عرصهٔ برخورد با فضای محله ای مانند رفت و آمد، خرید، بازی کودکان درفضای باز، شروع ساعات کار و مدرسه و بازگشت به واحد مسکونی و نظایر آنها مسائل دیگری را مطرح می سازد.

سکونت درواحدهای مسکونی کوچک محله، عرصه تضاد جمعیت با دیدگاههای متفاوت است. و انبوه، فضایی شلوغ و درهم و برهم را بدون کمتر توجهی به آرامش و آسایش درمحیط مسکونی به وجود می آورد. این مورد درارتباط با فرهنگ و سنت سکونت در کشورما طیف گسترده تری می یابد.

نادیده انگاشتن ضوابط شهرسازی

یکی ازمهمترین هدفهای برنامه ریزی مسکن که دارای اولویت ویژه ای می باشد، ترویج ضوابط شهرسازی و گرایش جامعه به نظام برنامه ریزی است. دراین مورد مجموعه ها و محلات مسکونی باید به گونه ای شکل گیرد که به کارگیری این ضوابط را در سطح گسترده ای ممکن سازد. مهمترین مقوله ها درارتباط با ضوابط ساختمانی، سرانه ها و تراکمها، سیمای شهری، حریمهای طبیعی و مصنوعی، کاربری مناسب زمین، چشم اندازها، ترویج ضوابط اجتماعی، اصلاح محیط

کالبدی و معیارهای کمّی و کیفی می باشد.

کوچک سازی واحدهای مسکونی و گریز از قیمت بالای زمین و ساختمان، ترویج چنین ضوابطی را به حداقل می رساند. همین مورد بنابر دلایلی که در قسمتهای قبلی نیز بیان شد، به رخ پریدگی ضوابط اجرایی شهرسازی منجر شده و به کارگیری معیارهای قابل قبول را به حداقل می رساند.

مبهم ماندن ادامه توسعه شهرها

درشهرهایی که با بحران مسکن روبرو بوده و یا درآستانه چنین بحرانی قرار دارند، روند توسعه و استمرار حیات شهری با ابهام روبرو می باشد. درصورت نیاز به مسکن (دراثر مهاجرت یا رشد طبیعی جمعیت) چه سیاستها و چه دیدگاههایی اتخاذ خواهد شد؟ جهات توسعه شهرها، شبکهٔ راهها، مراکز شهری و ناحیه ای، اراضی باز و تحت کاربری چگونه وضعیتی به خود خواهد گرفت؟ مدیریت شهری و محله ای، دانش فنی ساختمان، ظرفیت تولید مصالح ساختمانی، اقتصاد مسکن چه برنامه هایی را برای روند آینده مسکن در شهرها مورد توجه قرارخواهد داد؟ آیا در آینده کوچک ساخته شدن واحدهای مسکونی ادامه واستمرارخواهد یافت؟ در این صورت مسائل برشمرده شده چگونه حل خواهد شد؟ در صورتی که برنامه ها و سیاستهایی برای بهبود شرایط مسکن تدوین گردد و مدیریت مسکن ساخت و واگذاری آنرا به نحوی مطلوب در آورد، تکلیف ساختمانهای ساخته شدهٔ موجود، کیفیت بافتها و حدود توسعه های شهری به نسبت قطعات کوچک مسکونی چگونه خواهد بود؟ بنابراین ادامهٔ توسعه کالبدی و جمعیتی شهرها مورد سؤال قرار دارد. آیا بهترین اراضی طبیعی اطراف شهرها از بین نخواهد رفت؟

بخش پنجم

هر چند مسکنم به روی زمین است روز و شب
بـــر چـــرخ هفـتم است مـجـال سـفـر مــرا
گـیـتـی سـرای رهـــگـذران است ای پـسـر
زیـــن بـهـتـر است نـیز یـکی مستـقـر مـــرا
(حکیم ناصرخسرو قبادیانی ۳۹۴-۴۸۱ هجری)

اجتناب از تخریب ساختمانهای قابل نگهداری

در طول چند دهه اخیر، بسیاری از بناهای ساخته شده مسکونی، علی رغم کارآیی، ایستایی و قابلیت نگهداری، به دلایل مختلف، مانند فرسوده شدن ظاهری بنا، افزایش تراکم و طبقات ساختمان، سودجویی بیشتر از زمین و مانند آنها تخریب شده است. به جای آنها نیز ساختمانهای جدیدی که ممکن است آنها نیز مدتی بعد ویران شود، پای گرفته است. در این بخش با طرح موضوع و تجزیه و تحلیل عوارض ناشی از تخریب بی رویه واحدهای مسکونی قابل نگهداری، توجه را به جلوگیری از چنین اقداماتی جلب نموده و تنظیم برنامه ای در جهت ترویج مرمت ساختمانهای مسکونی که هویت ساکنان خود را در طول زمان به همراه دارد، یادآور می شود. بدیهی است که در چنین صورتی ضمن اجتناب از به هدر دادن امکانات ومصالح ساختمانی کشور و جلوگیری از افزایش چنین روندی، برتوان تولید ساختمانهای مسکونی جدید افزوده خواهد شد.

طبق آمار سال ۱۳۶۵ [۱]، از مجموع ۸,۲۱۷,۳۷۵ واحد مسکونی موجود کشور ۱۵ درصد بیش از ۳۰ سال، ۲۶ درصد بین ۱۰ تا ۳۰ سال و ۵۹ درصد بقیه کمتر از ۱۰ سال عمر داشته است. به روایت دیگر و طبق همین آمار حدود ۵۹ درصد از ساختمانهای مسکونی کشور که به ۴,۸۸۱,۱۲۷ واحد بالغ می گردیده، در فاصله سالهای ۵۵-۱۳۶۵ ساخته شده و از عمر آنها بیش از ده سال نمی گذشته است. این رقم در ارتباط بامناطق شهری، بیانگر آن است که ۱۱ درصد از ساختمانهای

۱-مرکز آمار ایران - سرشماری عمومی نفوس ومسکن مهرماه ۱۳۶۵ - نتایج تفصیلی کل کشور- تهران - ۱۳۶۷.

مسکونی بیش از ۳۰ سال، ۲۸ درصد بین ۱۰ تا ۳۰ سال و۶۱ درصد بقیه که رقمی در حدود ۲,۸۴۴,۱۳۱ واحد مکسونی راتشکیل می دهد، حدودی کمتراز ده سال عمر داشته است. از طرف دیگر آمار فعالیت های مربوط به خانه سازی و صدور پروانه های ساختمانی شهرداری های کشور، نشانگر آن است که فقط در فاصله سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ حدود ۹۶۵۲۸۷ واحد ساختمانی شهری از شهرداری های کشور مجوز احداث ساختمان دریافت داشته اند. در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۹ نیز فعالیت خانه سازی در شهرهای کشور به حدود ۸۳۵ هزارواحد بالغ می گردیده است. درصورت اطمینان به این آمار، می توان چنین نتیجه گرفت که ازمجموع ۲۸۴۴۱۳۱ ساختمان مسکونی ساخته شده شهری در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا۱۳۶۵ به طور حدودی تا ۱۸۰۰۰۰۰ واحد توسط فعالیت های خانه سازی بخش خصوصی وعمومی ساخته شده و حدود ۱۰۴۴۱۳۱ واحد یا بدون مجوز ساخته شده و یا تجدید بنا گردیده است. اگر چه به احتمال قوی واحدهای مسکونی تجدید بنا شده در آمار واحدهای مسکونی ۱۸۰۰۰۰۰ واحدی نیز مستتر است.[۱]

آمار فوق چند نکته اساسی در روند سکونت گزینی در کشور را مطرح می کند. اول آنکه ساختمانهای مسکونی کشور بر اساس آمار سال ۱۳۶۵ به طورعمده تا ۹۰ درصد دارای قدمتی کمتراز ۳۰ سال بوده است. واحدهای مسکونی شهری نیز طبق همین آمار تا ۷۹ درصد کمتراز ۳۰ سال عمر داشته است. این امر نشانگر دوباره سازی عمده ساختمانها در مقاطع زمانی کوتاه است. دوم آنکه از سبک و شکل وبنای ساختمانهای مسکونی سنتی کشور که بیش از ۳۰ سال قدمت داشته بیش از ۱۵ درصد و در سطح نواحی شهری بیش از ۱۱ درصد باقی نمانده است. با توجه به آنکه عمده ساختمانهای جدید با سبک و اسلوب نوین بنا شده، ساختمانها و بافت های مسکونی تاریخی به سرعت روبه انهدام رفته وجای خود را به ساختمانهای جدید داده است. سوم آنکه انهدام ساختمان های مسکونی قدیمی، رقمی قابل توجه را تشکیل می دهد. این خود از توان وبنیه تولید مسکن می کاهد. از سوی دیگر، طبق آمار فقط در فاصله سالهای ۵۵-۱۳۶۱ تعداد ۲۷۸ هزار واحد از اماکن مسکونی کشور تخریب شده[۲] وبه جای آنها ساختمانهای جدید مسکونی پای گرفته است.[۳]

طبق برآورد، جمعیت کشور برای سال ۱۴۰۰ به طورمتوسط به حدود ۱۱۰ میلیون نفر

۱ - اطلاعات پروانه های ساختمانی صادر شده توسط شهرداریهای کشور در فاصله سالهای ۱۳۵۹ - ۱۳۷۳

۲ - مجله مسکن وانقلاب - بنیاد مسکن انقلاب اسلامی - تهران - آذرماه ۱۳۶۹.

۳- روزنامه اطلاعات - مورخه ۲۲ آبانماه ۱۳۶۲.

خواهد گردید[۱]، چنانچه بعد متوسط خانوار را ۵ نفر محسوب نموده و اگر بتوان درارتباط با برنامه ریزی ملّی واجتماعی واقتصادی به رقم یک مسکن درمقابل یک خانوار امیدوار بود، درسال ۱۴۰۰ جمعیت کشور ۲۲ میلیون خانوار بوده که به ۲۲ میلیون واحد مسکونی نیز نیاز خواهد بود. طبق آمار سال ۱۳۶۵ ، تعداد واحدهای مسکونی کشور به حدود ۸۲۰۰۰۰۰ واحد بالغ می گردیده است. بنابراین در فاصله ۳۵ سال از سال ۱۳۶۵ می باید ۱۳۸۰۰۰۰۰ واحد مسکونی دیگر ساخته شود (یعنی سالیانه به طور متوسط حدود ۴۰۰۰۰۰ واحد مسکونی). این درحالی است که چنانچه روند تخریب و تجدید بنای ساختمان های مسکونی براساس روال گذشته ادامه داشته باشد، در سال ۱۴۰۰ ساختمان های ساخته شده وموجود درسال ۱۳۶۵ عمری حداقل ۳۵ ساله خواهد داشت که باید تجدید بنا شود. دراین صورت وبه طورحدودی باید تعداد ۲۰۰۰۰۰۰۰ واحد مسکونی جدید وتجدید بنا شده درکشور به وجود آمده و به طور متوسط سالیانه ۵۷۰۰۰۰ واحد مسکونی (یعنی هر سال ۱۷۰۰۰۰ واحد مسکونی بیشتر) ساخته شود. حال این سوال مطرح می شود که آیا توان تولید مصالح ساختمانی، بنیه اقتصادی خانوارها، نیروی کارآمد و تخصصی ساختمان و بودجه های مالی برای چنین برنامه ای فراهم می باشد؟ آیا بر اساس مبانی وشرایط علمی برنامه ریزی مسکن، این چنین انتظاری صحیح به نظر می رسد؟ در حالیکه به طورمتوسط توان تولید مسکن در کشور ، سالیانه حدود ۲۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ واحد است. بنابراین و در بادی امر می توان به این نتیجه رسید که به رغم افزایش جمعیت وخانوار درکشور ونیاز به مسکن برای حدود ۱۳۸۰۰۰۰۰ خانوار که بر جای خود محفوظ است، تجدید بنای مکرر ساختمانها و افزودن باری مضاعف بر دوش امکانات تولیدی مسکن ، منطقی به نظر نمی رسد. بلکه با تمهیداتی می توان از سنگینی چنین باری کاست . یکی از این راهها توجه به شرایط فنی ساختمانهای در حال ساخت ودیگری ترویج مرمت ساختمانها و جلوگیری از تخریب آنهاست.

برای کشوری مانند کشور ما که طبق آمار سال ۱۳۷۰(۱۹۹۱ میلادی) ، سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی و سرانه تولید ناخالص ملی آن به ترتیب ۴۶۷۰ و ۲۴۱۰ دلار در سال بوده و در رده متوسط توسعه انسانی در سطح کشورهای درحال توسعه محسوب می شده است[۲] در جهت ارتقاء سطح توسعه و رشد اقتصادی واجتماعی، برنامه ریزی مسکن درکنارتامین سایر نیازمندیهای رفاهی، فوق العاده مهم وقابل اهمیت است.

۱-در پیش بینی های مختلف، جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰ بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ میلیون نفر برآورد گردیده است.

۲- معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور ،دفتر برنامه ریزی عمرانی - شاخص های توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ - نشریه شماره ۴۸ - وزارت کشور- تهران ۱۳۷۴ .

جنس مصالح ساختمانی واحدهای مسکونی ۱۳۶۵ کل کشور

شرح	جمع	اسکلت فلزی یا بتونی	آجر و آهن یا سنگ و آهن	آجر و چوب یا سنگ وچوب	بلوک سیمانی	تمام آجر سنگ وآجر	تمام وچوب	خشت و چوب	خشت و گل	سایر	اظهار
شهری	۴۶۶۹۷۲۲	۲۴۲۵۱۳[۴]	۸۲۸۵۹۹[۱]	۶۱۴۷۵۷[۲]	۲۰۷۴۱۹	۷۴۰۱۴	۱۵۰۰۸	۸۲۸۵۹۹[۳]	۲۲۹۵۳۷	۱۱۵۳۶	۲۳۱۳۷
روستایی	۳۵۴۷۶۵۳	۲۰۶۷۷	۵۵۶۴۹۲[۴]	۶۷۷۴۵۱[۲]	۲۲۲۵۰۴	۷۷۳۶۷	۴۴۵۱۴	۱۲۸۷۱۶۳[۱]	۵۸۹۰۶۲[۳]	۴۲۴۱۰	۲۰۰۱۳
جمع	۸۲۱۷۲۷۵	۲۷۲۱۹۰	۸۲۱۷۲۷۵ [۱]	۴۳۹۹۲۳ [۳]	۸۲۱۷۲۷۵	۱۵۱۳۸۱	۵۹۵۲۲	۱۵۴۱۲۹۸[۲]	۸۲۸۵۹۹[۴]	۵۳۹۴۶	۵۳۱۵۰

توضیح : اعداد دخل پرانتز، رتبه نوع مصالح ساختمانی به کار رفته در هر ردیف است.

مآخذ : مرکز آمار ایران.

عمر ساختمانهای مسکونی در کشور تا سال ۱۳۶۵

عمر ساختمان (سال)	شرح	جمع	شهری	روستائی
		۸۲۱۷۳۷۵	۴۶۶۹۷۲۲	۳۵۴۷۶۵۲
۱	سال ۶۵	۲۱۵۴۸۲	۱۳۴۵۵۷	۸۰۹۲۵
۳-۱	سال ۶۴ - ۶۳	۶۵۷۳۶۹	۳۷۸۶۴۹	۲۷۸۷۲۰
۵-۴	سال ۶۲-۶۱	۷۴۷۴۰۷	۴۱۵۱۵۲	۲۲۷۳۵۵
۷-۶	سال ۶۰-۵۹	۱۰۰۸۲۴۴(۴)	۵۸۸۶۰۲	۴۱۹۷۴۲(۴)
۹-۸	سال ۵۸-۵۷	۹۶۱۲۰۴	۶۱۱۸۲۹(۳)	۳۷۹۳۷۵
۱۱-۱۰	سال ۵۶-۵۵	۱۱۵۱۹۵۳(۳)	۶۴۴۰۸۸(۲)	۵۰۷۸۶۵(۳)
۲۰-۱۱	سال ۵۴-۴۵	۱۶۰۹۲۰۷(۱)	۱۰۱۰۲۹۱(۱)	۵۹۸۸۱۶(۲)
۳۰-۲۱	سال ۴۴-۳۵	۵۱۰۸۸۴	۲۹۴۰۹۱	۲۱۶۷۹۳
+۳۰	قبل از سال ۳۵	۱۲۱۶۱۵۷(۲)	۵۲۱۲۰۹(۴)	۶۹۴۸۴۸(۱)
	اظهار نشده	۱۱۴۳۶۸	۷۱۰۵۴	۴۳۳۱۴

توضیح: اعداد داخل پرانتز، رتبه قدمت ساختمان در هر ستون است.

ماخذ: مرکز آمار ایران.

تعداد پروانه های ساختمانی صادر شده درنواحی شهری توسط شهرداریها درفاصله سالهای ۶۵-۱۳۵۹

سال	کل ساختمان ها	پیش بینی شده
۱۳۵۹	۱۲۹۶۶۲	۱۲۹۹۲۷
۱۳۶۰	۱۵۴۷۸۱	۱۵۴۹۰۹
۱۳۶۱	۱۲۰۰۰۵	۱۲۰۷۵۸
۱۳۶۲	۱۴۵۴۶۳	۱۴۸۳۷۳
۱۳۶۳	۱۵۳۳۰۵	۱۶۰۷۹۲
۱۳۶۴	۱۳۸۱۷۰	۱۴۴۲۴۱
۱۳۶۵	۱۲۳۹۰۱	۱۲۷۷۶۶

ماخذ: مرکز آمار ایران.

در طول چند دهه اخیر تخریب ساختمانهای مسکونی که با اندکی تعمیر یامرمت قابلیت نگهداری می یافته ، ادامه داشته است . به جای آنها به طور عمده ساختمانهایی برجای نشسته که به دلیل نیاز فوری به بنا و رونق بازارمسکن ارتباط مطلوبی را با شرایط طبیعی و اقتصادی محیط به دست نمی داده است . تجدید بنای مکرّر ساختمانها درایران که از اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی با شروع به تاثیر پذیری بیشتر از سبک های معماری و شهرسازی غرب آغاز شد، در ادوار بعد از شدّت بیشتری برخوردارگردید . درحالیکه در دوران قبل از آن، عمده ساختمانها یا مرّمت می شد ویا تکمیل تر می گردید . افزایش جمعیت ، هجوم مهاجران و رونق بازار مسکن به یک نوع دگرگونی وتحول درنظام سکونتی کشور انجامیده است . این مورد تضاد بین ساختمان نو وکهنه را به وجود آورده و بر به هم پاشیدگی بافتهای مسکونی دامن زده است . اگر چه دانش فنی جدید، نیازجدید را مطرح کرده، ولی روند بکارگیری آنها در ارتباط با بافتهای مسکونی صحیح نبوده است . اصولاً بافت های قدیمی و تاریخی به نسبت زمان و شرایط زمان پای گرفته است . دراین بافت ها عرض کوچه ها ومعابر و نیازمندیهای عمومی به نسبت شرایط ویژه ای شکل یافته است . حال آنکه احداث ساختمانهای جدید به شرایطی نیازمند است که به ازهم پاشیدگی بافتهای مسکونی دامن می زند .

به طور کلی چنین روندی که در ارتباط با تجدید بنای ساختمانهای مسکونی به صورت یک رسم درآمده ، درابعاد مختلف اقتصادی واجتماعی ، تاریخی ، تاسیساتی ، زیبایی شناسی ، زیست محیطی وحقوقی قابل تامل است . حتی بعضی از ساختمانها که ازعمر احداث آنها بیش از چند سال نمی گذرد ونیاز به مرمّت نیز نداشته، بنابر سودجویی اقتصادی تخریب شده و به نوسازی پیش رس رسیده است .

در ارتباط با مسائل اقتصادی ، توان تولید مسکن را کارخانجات تولید مصالح ساختمانی ، نیروی شاغل در بخش ساختمان ، عرضه زمین ، مدیریت وسرمایه گذاری در مسکن تشکیل می دهد[۱] ، دراین ارتباط ، درحال حاضر عمده ساختمان هایی که یک بار برای زمین آنها مصالح ساختمانی و نیروی انسانی مصروف شده ، بدون توجه به قابلیت ومیزان کارآیی تخریب شده ومجدداً از توان موجود تولید مسکن (که می تواند برای ایجاد ساختمان های جدید مصروف شود) استفاده می گردد . بنابراین ، توان و فرآورده های تولید مسکن مانند آجر ، آهن ، سیمان ، کاشی ، شیشه ، چوب ، لوله و اتصالات ، برق و اتصالات ، وسائل تزئیناتی ساختمان ، سوخت ونیرو وبالاخره وسائل حمل ونقل وماشین آلات ساختمانی در اثر تجدید بنای واحدهای مسکونی دائماً به هدر می رود . نتایج چنین اقدامی دامنه های وسیعی می یابد . ازجمله حاصل سرمایه ها و تلاشهای تولید مسکن در سطح

۱- اسماعیل شیعه - مفاهیمی از برنامه ریزی مجتمع های زیستی - دانشگاه علم و صنعت ایران-۱۳۷۳ .

کشور درمدت زمانی کوتاه بیهوده می شود. ازهمین روی در اثر تقاضای بیشتر نیروی انسانی واستفاده بیشتر ازمصالح ساختمانی، قیمت مسکن افزایش بیشتری خواهد یافت. همچنین به دلیل اختلال در تثبیت تراکم های ساختمانی، کارآیی تاسیسات عمومی و زیربنایی نیز با مشکلاتی مواجه خواهد بود. تکرار تقاضای احداث مسکن در زمینی که در آن ساختمانی وجود داشته است، توان تولید مصالح ساختمانی را نیز کاهش خواهد دا د. جالب توجه آنکه تخریب ساختمانها برای ساکنان واحدهای همجوار نیز به بروز مخاطراتی منجر می گردد.

بنابراین، درصورتیکه ابنیه مسکونی به درستی بنا شده و صاحبان واحدهای مسکونی به نگهداری بنای خود تشویق شوند، از بارسنگین اقتصادی ناشی از سرمایه گذاری همه جانبه برمسکن کاسته خواهد شد. اگر ساختمانها با اصول فنی و مصالح مطمئن ساخته شود، سالها باقی خواهد ماند. عمده ساختمان هایی که فرسوده شده ونیاز به تجدید بنا دارد، آنهایی است که ضمن داشتن مصالح ساختمانی غیرمقاوم به طورکلی از نظر فنی نیز با اشکال روبرو می باشد.

کوچه ها ومعابر شهرها دائماً درحال رفت وآمد کامیون وماشین آلات حمل مصالح ساختمانی قرار می گیرد. آسفالت ها، لوله های آب و شبکه های زیربنایی در اثر این رفت وآمدها آسیب می بیند. شرایط جدید ساختمانها، تعریض کوچه ها را اجتناب ناپذیر می کند. نیاز به تجدید آسفالت وتعویض ظرفیت تاسیسات زیربنایی، بودجه دوباره ای را می طلبد. دربرخی ازکشورها ساختمانها را به نحو صحیحی می سازند، تاسیسات آنرا جایگزین می کنند و سطح راهها را با پوشش مناسبی مانند آسفالت می پوشانند. سوابق نشان می دهد که آسفالت راهها تاچند ده سال به حالت اولیه باقی مانده است.

در ارتباط بامسائل اجتماعی وتاریخی، موضوع به نحو عمیق تری مطرح می شود. صدمات اقتصادی به مرور زمان وتا اندازه ای جبران پذیر است. در حالیکه صدمات تاریخی واجتماعی، غیرقابل جبران می باشد. در اینکه گذشتگان چگونه می زیستند وحد انتظارشان از مسکن چه بود، فوق العاده اهمیت دارد. برای ساکنان یک خانه قدیمی افتخار آن است که درخانه ای زندگی کنند که پدر بزرگ یا اعقاب دیگرشان نیز در آن زندگی می کرده اند. اینگونه موارد به ساختمان ها در ارتباط با سنت های اجتماعی و اعتقادات هویّت می دهد. با تخریب ساختمانهای گذشته، روشهای سنّتی مسکن نیز روبه فراموشی می رود. در کشورهایی مانند ایتالیا، آلمان، فرانسه، سوئد و انگلستان ساختمان های قدیمی به اعتبار ارزش های سنتی وتاریخی آنها مورد توجه و ارزش بیشتری قرار داشته و به مانند فرش، هراندازه قدیمی وکهنه تر شود، ارزشمند تر می گردد. نه آنکه به دلیل فرسودگی و به اصطلاح «کلنگی شدن» ازارزش اقتصادی آنها کاسته شود.

با چنین روندی که با تخریب ساختمان های مسکونی قدیمی ادامه دارد، دیری نخواهد پائید

که مردم ازسنّت های گذشتگان خود که هویت ملّی آنها رانیز به همراه دارد، فاصله گرفته وبیگانه شوند. بویژه در بافت های شهری کشور، بافت های مسکونی سنتی زیادی از دست رفته وتعداد آنها روز به روز محدودتر شده است. موضوع به نحوی شده که اگر یک جامعه شناس یا یک محقق تاریخی و یا هرمتخصص دیگری بخواهد به بررسی جوامع یا بافت های مسکونی گذشته بپردازد، شاید فضایی برای خود پیدا نکند. اگرد ر زمان حال خواسته شود که بافت های سنتی پنجاه سال پیش معرفی شود، مشکل خواهد بود که بافت هایی دست نخورده را پیدا کرد، زیرا عمده ساختمانهای این بافت ها یا تخریب شده یا با سبکی جدید تجدید بنا گردیده ویا با تعریض خیابان متلاشی شده است. ساختمان های مسکونی قدیمی با چنان شدتی درحال تغییر است که معمولاً نباید تعجب کرد اگر عکس بافت های چند ده سال پیش (که در اثر ساخت وساز ها تغییر کرده) برای همه جالب توجه باشد. تحول دربافت های مسکونی به گونه ای بوده که بر فرض برای تهیّه یک فیلم تاریخی وباز زنده سازی تاریخی حتی یکصد سال پیش، آنقدر فضای مسکونی مربوط به آن زمان کم باشد که بالاجبار برای به دست دادن فضای آن زمان با هزینه های گزاف شهرك سینمایی درست شده تا فضاهای آن زمان را به وجود آورد. ازجانب دیگر در این رابطه خط سیر تطور وتحول تاریخی بافت ها نیز از دست رفته است. دراینکه کدام بافت قدیمی و کدام جدید است و درابتدا کدام محدوده هسته اولیه شهر را به وجود آورده ومراحل رشد بعدی آن چگونه بوده، با اشکال مواجه است.

اگر به نقشه وضع موجود شهرها و در ارتباط با کیفیت ابنیه یا عمر ساختمانها نظری افکنده شود، نقشه ها به حالتی شلوغ و درهم و برهم جلوه خواهد کرد. در قسمتهای عمده ای ازمطالعات، بافت های قدیمی به عنوان ساختمانهای تخریبی و غیر قابل نگهداری معرفی می شود. بسیاری از بافت های مسکونی درحال چنین تحولی می باشد. نمی توان نقطه ثابتی را فرض کرد. دائماً بافتها برهم می ریزد، راهها تعریض می شود. عقب نشینی ساختمان برای تعویض راهها برای شهرداری ها موردی عادی شده است. درختان درمعابر، هرچند سال یکبار در اثر تعریض خیابانهایی که بناها و ساختمانهای مسکونی مختلف با هیاتی جدید در آن پای بگیرد، قطع می شود. حتی بیم آن می رود که در این رهگذر، سنت سکونت در کشور برهم ریخته شود. اگر چه مسکن باید پاسخگوی نیاز زمان باشد، ولی این مورد به آن معنا نیست که به مانند سبک یک لباس، شکل ساختمانهای مسکونی نیز تغییر کند. بلکه باید درابتدا فضاها را درك نموده و بر اساس آنها اقدام به ساخت وساز کرد.

در ارتباط با مسائل تاسیساتی نیز موضوع به مراتب دارای اهمیت است. سازمان های مختلف شهری به استناد نوع تراکم و طبقات و سطوح زیربنای ساختمانها و تعداد واحدها اقدام به تعیین ظرفیت تاسیسات مختلف مانند شبکه های آب، برق، فاضلاب، تلفن، گاز وامثال آنها می نمایند. در حالیکه

به دلیل تغییر شرایط ساختمانها و افزایش سطوح زیربنا، همواره ظرفیت این شبکه ها درحال تغییر است. کافی است به تغییرات مکرر شبکه های تلفن، تعویض لوله های آب، و تغییر شبکه های برق در بافتهای ساخته شده توجه شود. این موردنیز هزینه های گزافی را به همراه دارد. در مورد تجدید مکرر آسفالت و پوشش سطح معابر نیز این مورد صدق می کند. اگر کلیه نواحی شهری وروستایی کشور ازنظر تاسیساتی خودکفا بود، تجدید ودوباره کاری تاسیسات، مورد چندانی محسوب نمی شد، ولی با توجه به بالا بودن سطح نیاز ومحرومیت درصد قابل توجهی از اماکن شهری وروستایی، دوباره کاری در تاسیسات عمومی نیز بودجه ای هدر شده وتلاشی بیهوده محسوب می شود.

در ارتباط با زیبا شناسی نیز موضوع ازاهمیت بسیار فراوانی برخوردار است. ساختمانهای جدید با ترکیب وشکل و ریخت و قواره خود بر چهره وسیمای محلات اثر می گذارد. به نسبت ساختمانهای اطراف، عنصری بیگانه ونامرتبط محسوب می شود. شکل ساختمانهای جدید وتجدید بنای آنها در میان بافت های شهری ازنظر ریخت شناسی وتنوع وتوازن و آهنگ و ضربی که ازنظر زیباشناسی ، لازمه هر بافتی می باشد، عاملی نامربوط محسوب می شود. بسیاری از بافتهای شهری که از نظر طبقات و ارتفاع ساختمان، دید ومنظر ، چهره وسیما وکالبد، به هرترتیب مجموعه ای هماهنگ و شکل گرفته است، با تجدید بنا و تغییر ارتفاع و سبک و شکل جدید بناها دستخوش تغییر قرار می گیرد. این مورد ضمن کاهش درجه مطلوبیت وکارآیی آنها، چهره محیط را زشت می کند. درکنار یک ساختمان یک یا دو طبقه مسکونی ونمایی که به زمانی مقدم تر از ساختمان جدید تعلّق دارد، ایجاد واحدهای ساختمانی با حجم و ریخت جدید به زشتی سیما و دید ومنظر کمک می کند. بافت های شهری درهر زمان از تاریخ که به وجود آمده باشد، برای خود مشخصه هایی دارد. حتی هر بافت با شکل و نحوه استقرار ساختمانها، ساکنان شهر را در جهت یابی مسیر خود یاری می دهد. در بسیاری از کشورها در صورتیکه نیاز به تجدید بنای یک واحد ساختمانی باشد، حتی الامکان نمای آنرا نگهداری کرده و در پشت این نمابنای جدید را احداث می کنند. تمام این تلاشها در حفظ هویت و زیبایی و جاذبه های هر ساختمان است. البته شکی نیست که ساختمانهای فرسوده، قابل نگهداری نیستند، ولی می توان درتجدید بنای چنین ساختمانهایی نمای ساختمانهای اطراف رانیز درنظر داشت.

یکی از مشکلات آن است که به خاطر پاسخگویی سریع به نیازمسکن، عمده ساختمانهای تجدید بنا شده شکل واسلوب وغنای سنتی خودرا از دست داده وزیبایی ابنیه ای را که نشان از ارتباط بامحیط فرهنگی و طبیعی ومعیشتی دارد به سویی می نهد.

در ارتباط با مسائل زیست محیطی نیز می توان نکاتی را مطرح ساخت. سیمای محیط دربافتهایی که به دلایلی بسیاری از ساختمانهای آن تجدید بنا می شود، سروصدای ناشی از حمل ونقل

مصالح ساختمانی، عبورکامیونها، سازندگان بیگانه درمحیط، دود، زباله، گردوخاك وامثال آنها به طور روزمره آرامش و آسایش محیط را سلب می کند. ساکنان نمی توانند مطمئن باشند که محیط مسکونی آنها کامل شده وتغییرات ساختمانی، سطح پوشش معابر وچنین فعالیت هایی برای محله آنها به پایان رسیده و می توانند زندگی توام با آرامشی را درمحله خود سپری سازند. بعضی از ساکنان دراثر پی کنی ساختمانهای همجوار، همواره درمعرض تهدید ناشی از ریزش ساختمان قرار دارند. نخاله ها و زباله های ناشی از مصالح ساختمانی فرسوده بالاخره جایی برای دفن خود می طلبد. این خود از نظر زیست محیطی چهره اطراف شهرها را زشت می کند. پس مانده مصالح ساختمانی بالاخره باید در جایی ریخته شود که می توان در آن به ایجاد واحد مسکونی جدید یا دیگر فعالیتهای شهری ویا زراعت و باغداری یا ایجاد پارك و زمین ورزشی پرداخت.

در ارتباط با مسایل حقوقی نیز نکاتی وجود دارد. ازنظرحقوقی برای هرکس که خانه ای را اختیار می کند، این حق وجود دارد که اطراف واکناف آن را ببیند و محیط خود را آنطور که هست انتخاب کند. طبقات ساختمانی، شکل و رنگ ساختمانها ومعابر محله را پسند کند وجایگاه واحد مسکونی خود را توجیه نماید. این مورد که به یکباره بدون درنظر گرفتن حقوق ساکنان اطراف، یک ساختمان با شکل وهیات وارتفاع جدید به وجود می آید و دید و منظر به فضاهای عمومی اطراف را محدود می سازد وحتی ساختمانهای جدید را برواحدهای مسکونی قدیمی مشرف می گرداند، تجاوز به حقوق دیگران محسوب می شود. حال آنکه ساکنان ازنظر روانی ومادی، براین شرایط سرمایه گذاری کرده اند. از نظر حقوقی چرا باید یک ساختمان برای تغییر شرایط خود برای سایر همسایگان زحمت ایجاد کند. بنایی را به وجود آورد که ازنظرنما و ریخت ساختمان وافزایش رفت وآمد و دسترسی به آن مشکلاتی را در پی داشته باشد. با توجه به مطالبی که به ایجاز مطرح شد، جلوگیری ازتخریب ساختمانهای قابل نگهداری مسکونی از چند نظر دارای اهمیت ویژه ای است. زیرا تخریب این ساختمانها ضمن کاهش توان تولید مسکن، تلاش ها و سرمایه گذاری های گذشته را بیهوده می سازد.

ازجمله تخصص هایی که در کشور ما هنوز ناشناخته مانده «مرمت ساختمان» است. به طور عمومی، به مجرد شنیده شدن کلمه «مرمت» بحث آثار تاریخی وهنری در اذهان زنده می شود. درحالیکه این تخصص علاوه بر حفظ و نگهداری آثار تاریخی و هنری، به عنوان اصلی انکارناپذیر در نگهداری ساختمانهای امروزی نیز مطرح است. در چنین صورتی، ساختمان هایی که علی رغم محدودیت توان های تولید مسکن برای آنها سرمایه، مصالح ونیرو مصرف گردیده، مورد استفاده بیشتری قرارخواهد گرفت. ازاین طریق نیروی تولید مسکن برای واحدهای مسکونی جدید، به کارگرفته خواهد شد. شک نیست که ازتعداد متقاضیان مسکن که سهمی از آنها را ساکنان واحدهای

مسکـــونی قا بل نـگهداری تشـکیل مـی دهـد . کـاسته خـواهـد شـد. یـکی از راه حـلها عـدم تمـرکــز و تعـادل در اسـتقرار جمعیت در سطـح کشور جـلوگـیری از تخریب سـاختما نهای قابل نگهداری است . زیرا افزایش تعـداد جمعیت و خـانوار در نقـاط متمرکز ، متقاضیان را بـه تقاضای افـزایش تراکم و تغییر بنای ساختمان وادار می کند. به خاطر جلوگیری از تمرکز جمعیت و فعالیت و نظارت بر گسترش کالبدی شهرها، درست آن خواهد بود که فعالیت های خانه سازی به جانب شهرهای جدید در حال احداث سوق داده شود و فضای پیرامون شهرها به حالت آزاد و یا با فضای سبز باقی بماند. در چنین صورتی، توان تولید مسکن به نسبت نقاط مختلف و بویژه نقاط روستایی که ساختمان آنها بیش ازنقاط شهری نیاز به تجدید بنا دارد، معطوف خواهد گردید. بنابراین ، مرمت ساختمان درشهرها و تجدید بنای ساختمانهای فرسوده در روستاها وافزایش فعالیت های خانه سازی در شهرهای جدید در اولویت خواهد بود. اولویت در ایجاد ساختمانهای مسکونی جدید نیز به تبعیت از ایفای نقش اقتصادی و سلسله مراتب شهرهای کوچک و سپس بزرگ تعیین خواهد گردید. با تشویق وترویج مرمت ساختمان و تثبیت برنامه های مسکن، امیدوار است که اصطلاح «ساختمان کلنگی» درکشور معنایی نداشته باشد. در طرح ساختمانهای جدید نیز با رعایت ضوابط فنی، باید بناهایی محکم پایه گذاری شود. درانتها به چند نکته اساسی نیز اشاره می شود. یکی آنکه تخصص مرمت ساختمان[1] در کشور ما نیاز به ترویج وتشویق بیشتری دارد. بنابراین افزایش تعداد متخصصان مرمت یک اقدام اساسی خواهد بود. شک نیست که لازمه انجام تمام این موارد، اعتدال وتثبیت برنامه تراکم جمعیت وتراکم ساختمان می باشد. بهتر است که یکبار وبرای همیشه تراکم ساختمانی هر محله و کوی تعریف شود . طبقات ساختمانی، مقررات ایجاد بنا، شکل و سبک آن وظرفیت انواع تاسیسات زیربنایی تعیین وتثبیت گردد. معابر، جایگاه درختان ، زیبا سازی ومحوطه سازی شهری مشخص شود. دراین رهگذر ازنظر اجتماعی واقتصادی صرفه جویی های لازم رعایت خواهد گردید.

با توجه به مطالب بیان شده ونیاز به افزایش تعداد واحدهای مسکونی، جلوگیری از تخریب و دوباره سازی واحدهای قابل نگهداری، راه را درجهت حل بحران مسکن و رفع نیاز به مسکن ازنظر کمّی وکیفی هموار خواهد ساخت. باتوجه به آمار ارائه شده، مرمت ساختمانهای قابل نگهداری و ممانعت ازتخریب آنها به استناد آمار موجود تا ۳۰ درصد بر توان تولید مسکن درکشور خواهد افزود. دراین رهگذر، مشخصه ها و ویژگی های اجتماعی وفرهنگی، تاریخی وسنتی ، اقتصادی وزیست محیطی، زیباشناسی وحقوقی نیز حفظ خواهد گردید.

---

۱ - با کسب اجازه از استادان فن.

بخش ششم

چــو بــدیــد آن ضــعیف آهــو را
و آنـچـــنان چشـم و روی نـیکو را
یــلــه کـــردش سـبک زدام او را
ای هـمـه عـاشـقـان غــلام او را
گفت چشمش چو چشم یارمن است
ایـــن که در بند من شکار من است
در ره عـــاشقی جـفــا نــه رواست
هــم رخ دوست در بــلانــه رواست
(حکیم سنایی - وفات ۵۴۹ هجری)

در جستجوی سنتهای فرهنگی درمحلات مسکونی جدید

برای بهبود شرایط سکونت در شهرها ،با توجه به وجود مشکلات اجتماعی ناشی از آثار تمرکز جمعیت در این اماکن ، آنچه که بیش از حد موردتوجه قرار دارد، حفظ ارزشهای اجتماعی و فرهنگی و در ارتباط قرار داشتن انسان بامحیط طبیعی و اجتماعی است. وجود مشکلات اجتماعی در شهرهای امروز بدان معنی است که شاید صنعت و پدیده های صنعتی، بین انسان و طبیعت او جدایی افکنده باشد. اگر چه صنعت در نواحی مختلف دنیا نتایج مثبتی را به همراه داشته ولی این امر در کشورهای درحال توسعه موجب بروز عوارضی شده که به گونه ای کاملاً متفاوت با کشورهای توسعه یافته قد بر افراشته است. در کشورهای توسعه یافته پیشرفت شهرنشینی با آهنگ پیشرفت علم و فن و افزایش جمعیت درمراحل مختلف متوازن بوده است. اما درکشورهای درحال توسعه، این مورد به صورت مقطعی پدیدار شده و بر شهرها صدمات جبران ناپذیری وارد آورده است. ازنتایج این صدمات موارد زیر قابل توجه است :

- از هم پاشیدگی نظام کشاورزی و سازمان اقتصادی و اجتماعی مناطق تحت اجرای برنامه ها.
- مورد هجوم قرار گرفتن سریع طبیعت و افزایش آلودگیهای محیطی.
- هجوم یکباره صنعت و دستاوردهای صنعتی بدون توجه به آثار جانبی آنها.
- پیدایش شهرهای بزرگ و متراکم با رشدی کاملاً متفاوت با دیگر شهرها.
- اختلال در نظام اقتصادی و ارتباط منطقی بین سطوح درآمدی و سرمایه های شهری و روستایی.
- تغییر در نظام شهرنشینی و روستانشینی.
- انهدام بافتها و آثار با ارزش تاریخی و فرهنگی بویژه درنقاطی که درمعرض هجوم بیشتر صنعت قرار داشته اند.
- تضعیف روابط اجتماعی و فرهنگ سنتی سکونت بین ساکنان نواحی مسکونی.

درمیان آثار نامتجانسی که به تحول در روال زندگی جمعیت شهری (درنقاط مختلف دنیا به طور عمومی و در سطح کشورهای درحال توسعه به طور ویژه) انجامیده، از هم پاشیدگی قوام و اساس سکونت و روابط محله ای بیش از عوامل دیگر جلب نظر می کند.

ایران، کشوری با منابع طبیعی و اقتصادی سرشار است. ازنظر تاریخی و فرهنگی سابقه ای دیرینه دارد. مردم ایران در عرصه برخورد با ناملایمات طبیعی، برای رفع نیازخود به ابداعاتی دست زده اند. آنها روشهای مختلفی را برای سکونت و معیشت خود مانند ایل نشینی و ده نشینی و شهرنشینی برگزیده اند. سه پدیده اخیر نیز درایران به صورت تصادفی نبوده، بلکه هریک دارای سازمان و نظام و شرایطی است که زمینه آنها را شرایط محیطی آنها فراهم ساخته است. درحقیقت، در طول قرنهای متمادی سنت سکونت برمبنای معیشت و طبیعت و فرهنگ تجربه یافته، صیقل خورده و جا افتاده است.

برای کسی که ایران رانمی شناسد، شناخت فرهنگ و سکونت مردم ایران با رفتن به یک سفر در نقطه ای از کشور و یا با بررسی آثار تاریخی و بافتهای مختلف شهری و روستایی، با خواندن چند کتاب و دیدن چند تصویرنمایان نمی شود. بنابراین شناخت فرهنگ و خصوصیت اجتماعی مردم نیاز به تعمقی بیشتر دارد. سکونت درایران را برمبنای پیشینه های تاریخی آن می توان به دو دسته تقسیم نمود: یکی ایل نشینی و معیشت درحرکت و دیگری یکجانشینی برمبنای معیشت در نقطه ای ثابت. یکجا نشینی نیز خود به دو دسته شهرنشینی و روستا نشینی تقسیم می شود. هریک از پدیده های فوق در فرهنگ سکونت مردم ایران دارای نظام و قاعده، سلسله مراتب و اصولی است که اساس آن برمبنای عوامل طبیعی، اجتماعی و اقتصادی استوار است.

تنوع عوامل طبیعی و اقلیمی درایران گونه های ویژه ای از مسکن را پدیدار ساخته است.

قومیت ها ، فرهنگها و آداب و رسوم مردم نیز تاثیر خود را بر این پدیده‌ها گذارده است. شرایط ازنظر اجتماعی و فرهنگی به نوعی است که علاوه بر وجه مشخصه های ملی مانند ملیت، دین و مذهب، قلمرو، قانون و حکومت که برای همه دارای وجوه و تاثیر مشترك است، در مناطق مختلف کشور ، فرهنگها و رسوم ویژه مربوط به آن مناطق نیز استیلا دارد. همین امر یکی از وجوه ممیزه در شناخت شرایط اجتماعی و طبیعی درمناطق مختلف کشور است.

در طرح سکونتگاههای ایران چه در سطح نواحی شهری وچه روستایی ودرهر منطقه از کشور نظام قوام یافته ای از مسکن حکمفرماست. این مورد ضمن دربر داشتن وجوه مشترك، برحسب شرایط خود ویژگی هایی نیز دارد. اعتبار و اهمیت فضای فرهنگی و حضور آن به عنوان یک عامل مهم در سازمان فضایی محلات و نواحی مسکونی اصلی انکارناپذیر است.

اصلی که در سازمان بندی فضای اجتماعی محلات مسکونی ایران وجود دارد، یک فرهنگ قوی را در پشتوانه خود معرفی می کند. این بدان معنی است که در طرح فضای محله ای، انسان و خصوصیت انسانی، مودت ، توجه به حریم خانواده، محرمیّت ها ، تعاون و همکاری، ارتباط اجتماعی و فرهنگی، اعتقاد و عقیده اثر گذارده است.

شرایط اجتماعی مردم در طرح فضای محله ای به مثابه یک مکتب است. مکتبی که به محلات جان می دهد و دیگرفضاها مانند فضای اقتصادی و معیشتی را به تبعیت از خودوا می دارد. اقتصاد محور همه چیز نبوده، بلکه اقتصاد نیز خودتابعی از شرایط اجتماعی وفرهنگی می شود. اینگونه است که حتی آستانه ها و حریم های خصوصی و عمومی در طراحی محیطی ، جایگاه ویژه خود را می یابد. درطرح محلات مسکونی سنتی در عین تفکر برای سکونت یک خانواده به طور مستقل، صحبت ازیک خانواده بزرگتر یعنی جامعه مطرح است. در این مورد، سلسله مراتب خانواده، همسایگان، کوچه. کوی، محله و شهر وجود دارد. طراحی محیط به تبعیت ازاین طرز تفکر راه به جایی می برد که در طرح یک خانه، فضای خصوصی و در طرح دیگر فضاها، حفظ شرایط اجتماعی و فرهنگی و یکپارچگی فضای اجتماعی مطرح می شود. نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی را نه تنها در طرح محلات مسکونی ،بلکه در کل و جزء فضاها (بازار، حمام، مرکز محله ، فضاهای جمعی و دیگر فضاهای جنبی آنها) می توان مشاهده کرد.

به طور کلی هنگامی که یک کل تعیین شده باشد، اجزاء نیز تابعی از آن می گردد. درطرز فکر، خلق و خو و عادات اجتماعی و در پدیده های مختلف فرهنگ ایرانی می توان به فصل مشترك بین موسیقی ، معماری، فرش، نقاشی، ادبیات ، خط، عرفان و شهرسازی پی برد. همه بر مبنای کلیتی است که نشان ازطرز تفکر ،عقیده ذوق و سلیقه ابداع کنندگان آنها دارد. بنابراین ، همانگونه که آوای

یک موسیقی یا طراحی یک فرش مطرح می کند، معماری یا شهرسازی نیز اینگونه می شود. این فصل مشترك درادبیات و عرفان ایرانی نیز وجود دارد. هرچیز که بخواهد در طراحی یک محیط مصنوع یا گامهای یک موسیقی یا تار و پود یک فرش یا نمای یک خط مطرح شود، باید نشان ازیک وحدت داشته باشد، تا همه چیز باهم بخواند. ابداع کنندگان و طراحان یک فرش یا یک نوای موسیقی و یا یک بنای معماری نیز اگر بخواهند ساخته ای داشته باشند، باید از این وحدت پیروی کنند. مگر می شود یک معمار بنایی را ایجاد کند ولی جامعه خود را نشناسد وبه خصوصیات قومی و فرهنگی و روشهای زندگی جمعیّت و انتظاراتی که برای هر فضا مطرح است بی اعتنا باشد؟ مگر می توان یک فرش را بافت و به تار و پود، رنگ ، اصول و قاعده و نقش های رنگارنگ آن که ذوق و سلیقه و ذهنیت ها را به تصویر می کشد بی اعتنا بود؟ مگر می شود آوائی ساخت و نوایی پرداخت که بر دل ننشیند و یا شعری گفت که خود به مثابه یک تابلوی نقاشی نباشد و ژرف نگری اندیشه شاعر را مطرح نکند وخطی زیبا آنرا نگارد؟ بنابراین برمبنای همان وحدتی که در طراحی جلوه های مختلف این پدیده ها وجود دارد، مبانی اصولی آنها نیز تعیین شده است. اینگونه است که دستیافته ها جان گرفته و فرش، موسیقی، شعر، معماری و شهرسازی می شود. دنیای صنعتی امروز به دلیل نیاز به شرایط خود ، اگر چه برای هرچیز راهی یافته، ولی برای غالب عناصر صنعتی راه حلی صرفاً مادی را مطرح کرده و عوامل نامرئی زندگی را که بیشتر درابعاد روانی و اجتماعی و فرهنگی مطرح است، بـه سوئی افکنده است. اینگونه است که جای فرش دست بافت ظریف را فرش ماشینی یا موکت می گیرد، یا بعضی از اشعار بی محتوا می شود، برخی از موسیقی ها به دل نمی نشیند و بناهای مسکونی و محلات مختلف بدور ازحیات اجتماعی تنها به مثابه یک خوابگاه بزرگ عمل می کند. «نو» ها آمده و کم کم جای «کهنه» ها را می گیرد. ولی «کهنه » هنگامی «کهنه» است که «نو» راه حل بهتری را عرضه کند. امّا تا هنگامی که «نوها» به ظاهر جالب ولی در باطن بی محتوا باشند، «کهنه»ها همیشه«نو» خواهند بود. پشتوانه این «نو» های به ظاهر کهنه، تعمق و تامل، طرز نگرش، و روح و روان مستتر در آنها و طراحان آنهاست. طراحانی که صرفاً به مسائل عددی به مثابه هندسه اقلیدسی نمی اندیشند، بلکه به مانند ریاضیات نوین ابعاد گسترده ای را در پیش روی قرار می دهند. ازجمله این «نو» های به ظاهر کهنه طرح محلات مسکونی در کالبد مراکز سکونتی سنتی ایران است. طراحی و برنامه ریزی برای این محلات به مانند نگینی برتارك شهرسازی جهان می درخشد.

در طول چند دهه اخیر، توسعه بی رویه شهرنشینی، مهاجرت و افزایش جمعیّت و اجرای برنامه های گوناگون اقتصادی و اجتماعی ، ساختار اصلی اقتصادی کشور و پراکنش جمعیّت در سطح شهرها و روستاها را دگرگون کرده است. بر طرح محلات مسکونی و اجرای برنامه های خانه سازی به

دلیل نیاز به مسکن همان رفته است که دست بافته فرش را تبدیل به فرش ماشینی یا موکت کرده است. اگر چه این نظر، تمام نواحی مسکونی شهری یا روستایی را در بر نمی گیرد، ولی کلیّت کار ازاین نوع است. ساختن تعداد بیشتر واحد مسکونی ، برجنبه های کیفی آن پیشی گرفته است. محلات مسکونی جدید آن یگانگی وانسجامی را که درمحلات سنتی حکمفرما بود، درخود ندارد. این درحالی است که جمعیّت استفاده کننده در مجموع همان رسوم و نگرشهای فرهنگی را دارد. اگر قبول شود که طرح یک بنای مسکونی، روش زندگی کردن و ارتباط اجتماعی و محله ای را نیز تعیین می کند، طرح بناهای مسکونی جدید به جمعیت روش ویژه ای از زندگی و همجواری درکنار دیگران را تعلیم می دهد. بیم آن می رود که با الگو قرار گرفتن گونه های ویژه ای از مسکن و محلات مسکونی که صرفاً به عنوان یک سرپناه مطرح می شود، نگرش جمعیّت وروابط همسایگی ساکنان نیز دستخوش تحول گردد. کما آنکه در شهرهای پرجمعیت شده کشور پیشقراولان آن از راه رسیده اند و بار خود را برزمین می گذارند.

محلات مسکونی قدیم

روند زندگی در محلات مسکونی سنتی ایران، دارای روح و حیات است. در حقیقت، فرهنگ و خصوصیات روانی جمعیت عاملی موثر در طراحی محیط مصنوع است. محیط مصنوع الگوی خود را از شرایط فرهنگی می گیرد. محله بندی ها، توسعه و طراحی معابر، فضاهای محله ای و بین محله ای و تاسیسات اجتماعی و اقتصادی محله، علاوه بر شرایط طبیعی و معیشتی، بر اساس اعتقادات و سنت ها، فرهنگها و قومیت ها نیزاستوار شده است. مردم محله ها یا جزء محله ها دوستانی صمیمی اند که در یک محیط جمعی به هم پیوند می خورند. درغم و شادی و گذران وقت و زندگی روزمره مشترك اند. فضا برای کسانی ساخته شده که باید درآن زندگی کنند. توسعه معابر و راهها از سلسله مراتب اجتماعی محله نشاءت می گیرد. اینگونه است که محله پس از گذشت چند قرن از بنای خود جان دارد و به حیات خود ادامه می دهد. روابط اجتماعی مردم تنگاتنگ و سینه به سینه است. مردم محلات همدیگر را می شناسند. اگر عضوی از اعضای محله به درد آید دگر عضوهای محله را قرار نماند. اگر غذای ویژه ای پخته شود به همسایگان نیز داده می شود که مبادا یک کودك، یک زن باردار یا یک فقیر رهگذر با استنشاق بوی غذا هوس آنرا کند. طرح محلات به نحوی است که برای فقر و غنا، زشتی و زیبایی، شب و روز، زمین و آسمان، طبیعت و مصنوع، اقتصاد و فرهنگ و غریبه و آشنا اندیشه ای در کار است. ارتباط بین خانوارها، فرزندان آنها، زنان، مردان، پیران و جوانان با طراحی محیط مسکونی به سالم ترین، ساده ترین و درعین حال قوی ترین وضع حکمفرماست. در وجوه مشترك اجتماعی مانند اعیاد، سوگواری ها یا بروز مسائلی که تمام مردم محله

به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن سهیم اند، تامل شده است.
اصولاً معنای مسکن، یعنی محلی برای سکون و آرامش و تداعی کننده آن فضائی است که انتظارش می رود. مساکن سنتی دارای این سکون و آرامش می باشند تا در پناه آن خانوارها به تربیت فرزندان، رفع خستگی ناشی از کار و فعالیت، تداوم سینه به سینه فرهنگها و پیشینه های تاریخی، حفظ اصول مثبت زندگی نیاکان از طریق قصّه ها و داستانهای پدر بزرگ ها و مادر بزرگها بپردازند. تفاخر و دوگانگی، به مفهوم امروزی آن، دراین محلات نقشی ندارد. بقاّل محله حساب و کتاب هرخانوار و حمامی محله حساب مشتریانش را ماهیانه یا سالیانه تسویه می کند. قصاب محله با علامت گذاری برروی یک قطعه چوب به حساب مشتری می پردازد. چیزی از کسی گم نمی شود. مسجد محله علاوه بر عبادت، محل اجتماع و رفع مشکلات و رتق و فتق امور است. در کوچه های محله حیات و سر زندگی وجود دارد. همه چیز مردمی، آشنایی، و دیرینگی است. فرزند فقیر و غنی در یک مدرسه درس خوانده، در یک کوچه باهم بازی می کنند. همدیگر را یار و مددکارند. اقتصاد، مسئله چندم است. خانه ها فقط یک سرپناه نبوده وخوابگاهی عمل نمی کند. انعکاسی از فلسفه زندگی و حیات در مسکن نمایان است. عناصر داخلی خانه ها، سردر خانه ها، سکوی ها، حیاط ها، باغچه ها، حوض ها و ماهی ها نشانی از طبیعت و فلسفه زندگی و وسعت نظر خانوار دارد. برای واحدهای مسکونی حقوق ارتفاقی وجود دارد. ورودی خانه ها درنقطه ای به هم پیوند می خورد. اولین فضای اجتماعی محله ای از تلاقی این درها آغاز می شود. سپس به یک فضای نیمه خصوصی دیگر(کوچه بن بست) می رسد که خود محل تلاقی واحدهای کوچکتر است. در مسیر راهها، ساختمانهای کوچک و بزرگ و باحجم های متفاوت و رنگهایی هماهنگ با محیط، طراحی محیط را متنوع می کند، طبیعت در داخل محلات است. در این محلات و سعت نظر اهالی در رویا روئی با طبیعت بی کران تداوم می یابد.

مواردی که نمونه های آن بیان شد افسانه و اسطوره نیست. هنوز هم در گوشه و کنار مملکت چنین محلاتی وجود دارد. درمقابل آنچه که سنت سکونت در یک محله نامیده می شود، در نواحی مسکونی جدیدالاحداث و بویژه درنواحی متمرکز جمعیتی که در طول چند دهه اخیر شکل یافته، فرهنگ سنتی سکونت و استفاده از نکات مثبت زنده آن درنهایت ضعف خود قرارگرفته است. محلات مسکونی ساخته می شود تا جمعیت با گوناگونی های قومی، اجتماعی، آداب و رسومی و برحسب توانهای اقتصادی و نیازهای مادی خود، خانه ای را بدون ارتباط دروجوه مشترك زندگی جمعی و در قالب فضای مستقل انفرادی و به دور از حیات و وداد اجتماعی برگزیده و در آن زندگی کند. عمده محلات مسکونی جدید به مثابه خوابگاهی است که جمعیت متقاضی مسکن را بدون ارتباط روانی و

عاطفی در خود جای می دهد. در طراحی و برنامه ریزی مجموعه های مسکونی، کمتر توجهی به روابط همسایگی و طراحی برمبنای ذوق و سلیقه ها و عادات و رفتارهای مثبت اجتماعی معطوف شده است. از این رو است که فرهنگ غنی گذشته درمقابل بسیاری ازعوامل نا آشناو عدم ارتباط فرهنگی فضاها با یکدیگر، روز به روز رنگ پریده تر می گردد.

محلات مسکونی جدید

محلات مسکونی جدید، بویژه آنها که در سطح نواحی شهری بزرگ ایجاد شده، جنبه های مادی زندگی را بیش از جنبه های معنوی مطرح ساخته است. به دلیل فقدان فضای کافی و تراکم بیش از حد ناشی از قیمت زمین، ساختمانها به دور از فضای باز، نورکافی، و دیدن افق و طبیعت شکل گرفته است. معابر این محلات عرصه حرکت اتومبیل و بدون توجه کافی به فضای پیاده است. مرکز این محلات رابه جای فضاهای فرهنگی مانند مدرسه، کتابخانه، مسجد، فضای بازی و فضای سبز، فضاهایی مانند سوپر مارکت و پاساژهای چند طبقه تشکیل داده است. راه به صورت سلسله مراتبی سطوح و اجزای محله ای را مطرح نمی کند. مجموعه های مسکونی ساخته شده به حالتی در آمده که اختلاف بین ساکنان خود را دامن زده و آنها را ازنظر روانی از هم دور کرده است. مسائل مربوط به مخارج مشترك ساختمان و نظافت و نگهداری آنها از آن جمله است. فن ساختمان امکان استحکام آن را داده، ولی وجود دیوارهای کاذب، سروصدای واحدهای مسکونی را به یکدیگر متنقل می کند. ساکنان هرواحد، ازاتفاقاتی که درواحد همجوار با آنها به وقوع می پیوندد به وضوح آگاه می شوند. در این محلات فرهنگهای متفاوت و گوناگونی که از نظر ذوق و سلیقه، فرهنگ و طرز تفکر باهم سنخیتی ندارند به گرد هم آمده اند. دراثر عوامل اقتصادی و درآمدی، فضاهای مسکونی به نسبت نیاز خانوارها و تعداد افراد آنها روز بروز کوچکتر شده و همین مورد عرصه خصوصی و عمومی زندگی درمحلات را با اشکال مواجه می کند.

در ایجاد بسیاری از این بناها، کوچکترین تاملی نسبت به واحدهای مسکونی همجوار و فرهنگ حاکم بر آن صورت نگرفته است. در بسیاری ازاین محلات مودت، دوستی، دلگرمی و پشتوانه های فرهنگی جای خود را به حفظ ظواهر مادی داده است. بسیار اتفاق می افتد که در طی سالها، همسایگان حتی همدیگر را نمی شناسند تا چه رسد به سلام و علیک ساده محله ای یا مشارکت و تعاون درهمیاری های آن. از نتایج این گونه ساختمان سازیها، آن است که خانوار به دلیل فقدان انتظارخود از یک واحد مسکونی، درمدت کوتاهی آنرا ترك کرده، می فروشد و به جای دیگری می رود. به همین دلیل محله مفهوم خود را به عنوان یک عامل استمرار بخش اجتماعی از دست

می دهد. در حالیکه این مورد مسکن را به عنوان یک کالا مطرح کرده و بر قیمت آن نیز موثر واقع می شود. به دلایل فوق غریبه گی ها نیز در مجموعه های مسکونی درحال تکرار و تغییرقرارمی گیرد. بسیاری از خانوارها در ذهن خود چنین تصور می کنند محلی که در آن اسکان یافته اند، آن محل مسکونی که به آن دلبستگی پیدا کنند، نیست. بلکه بالاخره باید روزی آنرا ترك کرده و به جای دیگر بروند. جوانان و نوجوانان دراین محلات دارای آنچنان روابط صمیمی و خالص نیستند که انتظار از آنها می رود. به همین دلیل در بسیاری از محلات به تبعیت ازسبک های معماری و شهرسازی، برای جوانان که سرمایه اصلی هرجامعه اند، یک نوع بیگانگی به وجود می آید. درمحلات بی هویت امروزی که به دور ازارتباط فرهنگی، اجتماعی به وجود می آید و در نقاطی که کیفیت خانه سازی جای خود را به کمیت آن می دهد، جوانان با گذشته خود، فرهنگ خود و هویت خود بیگانه می شوند. سبک های تقلیدی ساختمان سازی در دیگر کشورها که حتی برای خودشان نیز موفقیتی به همراه نداشته، نمی تواند پاسخگوی مناسبی در حفظ هویت تاریخی و ارزشهای فرهنگی ایران باشد. در این محلات یک نوع بیکاری پنهان و گذران باطل وقت فراقت برای جوانان و نوجوانان دیده می شود. به زیر سیطره رفتن اراضی وسیعی از شهرها با سبک و شکلهای مختلف و فقدان تاسیسات و نیازمندیهای کافی زمینه سودجویی بیش از حد از زمین را فراهم می سازد. مشکل مسکن در نواحی شهری بزرگ به صورت یک بیماری، خطر سرایت به سوی شهرهای کوچک و روستاها را به دنبال دارد. اگر چه این موردبرای شهرهای بزرگ امری اجباری است، ولی نباید این سبک ها برای شهرهای کوچک و روستاها تکرار شود. در این مورد استثناء نیز وجود دارد. به عنوان مثال عرضه واحدهای مسکونی از طریق تعاونی های مسکن، ازجمله طرق جلوگیری از غریبه تر شدن روابط ساکنان در مجموعه های محله ای است. این مورد به شرط آن است که مطالعات طرحهای آماده سازی با موفقیت به انجام برسد و طرح پیشنهادی نشان خود را از سلوك و خلق و خوی و فرهنگ جامعه گرفته و با بافت شهرها و ویژگیهای محیطی درتضاد نباشد. از طرف دیگر متقاضیان خانه ها نباید به مسکن به عنوان یک سرمایه نگاه کنند.

نتیجه گیری

تضاد بین سنتهای فرهنگی با آنچه که درنواحی مسکونی جدید دیده می شود، دارای ابعاد گسترده ای است. دراین مورد، سرمایه گذاری بخش عمومی و خصوصی، استفاده صحیح از زمین، ترویج ضوابط علمی شهرسازی، تعیین الگوی سکونت در محلات مسکونی، تهیه ضوابط و مقررات

ساختمانی بر مبنای شرایط فرهنگی و اجتماعی، تقویت روابط همسایگی ، تعمق بیشتر طراحان و برنامه ریزان به تبعیت از ویژگیهای فرهنگی در نقاط مختلف مملکت، نظارت بر مهاجرتهای بی رویه، توسعه برنامه های بخشی، اجرای برنامه های عمرانی مسکونی بر مبنای معیارهای علمی، نظارت بر برنامه های بساز و بفروشی، تقویت مدیریت مسکن، تامین فضای موردنیاز محله ای به نسبت شعاع عملکرد مفیدآنها، تقویت توان اقتصادی خانوارها و بسیاری از عوامل دیگر ازجمله راه حلهای دستیابی به هدف متعالی توسعه و ترویج فضای فرهنگی در میان مجموعه های مسکونی است. در این زمینه ، وظیفه و نقش طراحان و برنامه ریزان شهری بسیارمهم می باشد. این مورد، مسئولیت خطیری است که با طرح فضاهای مسکونی و با الگوهای مناسب مسکن می تواند سلامت روانی جامعه را نیز تضمین نماید.

معمولاً توسعه شتابان و تغییر بی مطالعه در ایفای نقشهای اقتصادی شهر، نتایج مختلفی دارد. از جمله آنها آسیب به میراثها وپیشینه های فرهنگی است. از این رو به منظور ترویج ضوابط فرهنگی و جلوگیری از زیانهای اجتماعی، باید برنامه ریزی و طراحی مجموعه های جدید را بر مبنای سنتها ، خلق و سلیقه ها و روشهای زندگی ساکنان آن پایه ریزی و در بازگشت به گذشتهٔ پرثمر، خط مشی آینده را پربارتر تعیین کرد.



نمایی از شهر یزد



نمایی از شهر یزد

فصل چهارم

تأملی در برنامه ریزیهای شهری و منطقه ای ایران

هدف از این فصل، توجه به شرایط شهری و منطقه ای و اجرای برنامه های توسعه ای ایران است. در بخش اول، مفهومی کلی از عمران منطقه ای مورد بررسی مختصر قرار گرفته و در بخش دوم سوابق اجرای برنامه های عمرانی و تاثیرات آن بر شرایط سکونت در ایران بازگو شده است. در بخش سوم نمونه ای از تاثیر اقداماتی که در خلال برنامه های عمرانی به وقوع پیوسته بر روی یکی از نقاط ایران آورده شده است. بخش چهارم، با توجه به رواج ایجاد شهرهای جدید در ایران، توجه به ایجاد روستاهای جدید را به عنوان راه حلی بینابین در گسترش برنامه های توسعه در زیستگاههای ایران مطرح می سازد. در بخش پنجم و در چهارچوب انجام اقدامات عمرانی وبرنامه های توسعه ای، توجه به بازسازی مناطق جنگزده و اهمیت شرایط محیطی در تعیین اهداف و سیاستهای شهری و منطقه ای مورد تاکید قرار دارد.

بخش اول

قصر رفیع معرفت و کاخ مردمی
درخاکدان پست جهان، برترین بناست
عاقل کسی که رنجبردشت آرزوست
خرّم کسی که در ده امید روستاست
(پروین اعتصامی ۱۲۸۵-۱۳۲۰ خورشیدی)

بهسازی محیط و برنامه های جامع منطقه ای

در مورد معنا و مفهوم توسعه (Development)، نظرات متفاوتی وجود دارد. هریک از این نظرات می تواند جهاتی از معنای موردنظر را در بر گیرد. عده ای توسعه را انجام اقداماتی به منظور استفاده از امکانات مختلف منطقه ای در جهت نیل به اهداف مشخص می دانند. گروهی آنچه را که به مدد آن بتوان سطح زندگی مردم را ترقی داده و آنها را به مرحله ای از رشد رسانید که با استفاده از امکانات فنی وطبیعی و اجتماعی و اقتصادی دارای یک زندگی همراه با رفاه شوند، تعریف توسعه می دانند. عده ای دیگر عقیده دارند که توسعه درمفاهیم کشوری و برنامه ریزی های مملکتی، رسیدن به هدف خودکفایی کشاورزی، صنعتی، تاسیساتی و تسهیلاتی، علمی و آموزشی وخدمات عمومی می باشد. گروهی نیز معتقدند که ارتقاء سطح اجتماعی واقتصادی به مفهوم توسعه است.

برنامه ریزی به منظور رشد و ترقی و رفاه اجتماعی، در جهت رسیدن به اهدافی است که مفهوم توسعه را بیان می کند. درهر برنامه ریزی، هدفها، سیاستها، ابزارها، و راه حلهای منطبق با نیازها مطرح است. یکی ازاین هدفها برنامه ریزی درجهت رشد و توسعهٔ اقتصاد ملی می باشد. با توضیح مختصری که در مورد مفهوم توسعه آمد، می توان به این نتیجه رسید که لازمهٔ دست یافتن به زمینه ای مناسب از توسعه، توجه به برنامه ریزی است. زیرا رسیدن به حدی از رشد و توسعه، بدون برنامه ریزی معنا و مفهومی ندارد. برنامه ریزی را درجمله ای مختصر و به ایجاز می توان کوشش در راه رسیدن به هدف دانست. برنامه ریزی درجهت استفاده ازمنابع کمیاب، برنامه ریزی به منظور توسعه بخشهای مختلف اجتماعی و اقتصادی و برنامه ریزی به مقصود رسیدن به حدی که بتوان برمبنای آن یک توسعه جامع و پویا را انتظارداشت، هریک به نوعی درچهار چوب مفاهیم مربوط به توسعه قابل

بررسی و تعمق است.

درکشورهای مختلف ازمفهوم توسعه و برنامه ریزی به منظور توسعه، برداشتها و دیدگاههای مختلفی وجود دارد. قدر مسلم آن است که برنامه ریزی، توسعه و برنامه ریزی به منظور توسعه در هرمحیط، باید بر اساس ویژگیهای محیط، یعنی طبیعت و شرایط آب و هوایی، معیشت و عوامل اقتصادی، جمعیت و خصوصیات فرهنگی و اجتماعی صورت پذیرد. در این رهگذر استفاده از فنون و روشها نیز باید بر اساس همان شرایط و عوامل محیطی صورت گیرد. بنابراین یکی از تعاریف برنامه ریزی، چگونگی رویارویی با حل مشکلات و چاره جویی به منظور رشد و توسعه، اعم از اجتماعی یا اقتصادی، با بهره وری مناسب از امکانات می باشد.

از جمله اقداماتی که درجهت رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی یک کشور صورت می پذیرد، تهیه طرح های ساختار فضایی و کالبدی است. بر اساس این طرحها، سازمان فضایی کشور، نحوه جایگزینی تاسیسات و برنامه های عمرانی منطقه ای، موقعیتها، شرایط و برنامه ریزی در بخشهای مختلف اجتماعی واقتصادی تعریف می شود. این طرحها بستر نیل به اهداف کلان توسعه اجتماعی و اقتصادی در یک کشور را آماده می کند. توسعهٔ ارتباطات ، بهبود شرایط سکونت، ارتقاء سطح درآمد، رشد بخش های مختلف (صنعت، کشاورزی، بازرگانی، بهداشت و درمان، آموزش . . .) اگر چه از جمله برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی است، ولی اجرا، نحوهٔ اجرا، محل اجرا ، شرایط اجرا و راهبرد آنها را برنامه های آمایشی تهیه می کند. در اینکه مناطق مختلف یک کشور از چه ویژگیهایی برخوردارند، چه امکانات یا چه معضلاتی در راه رشد آنها وجود دارد، اولویتهای آنها چیست، و منابع اقتصادی و مالی و انسانی آنها کدام است، ازجمله شقوق مطالعاتی دیگر است.

طرحهای آمایشی به نسبت اهداف کلی برحسب مناطق مختلف کشور و شرایط ویژهٔ آن، به اعمال سیاستهای فضایی می پردازد و زمینهٔ اجرای برنامه های ویژه منطقه ای را توام با تعیین نقشهای شهری و روستایی، فراهم می‌آورد. بنابراین باید طرحهای جامع منطقه ای بر پایه سازمان فضایی کشور تهیه و به مرحله اجرا در آید. از مهمترین اهداف این طرحها، بهسازی در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی است.

بهسازی به معنی ایجاد شرایط زیست معقول و آماده نمودن بستری مناسب برای معیشت سالم و مولد در شهر و روستا است. این مورد درابعاد مختلف کالبدی و اجتماعی و اقتصادی و در ارتباط با استعدادهای محلی و در قالب سیاستها و برنامه های مختلف به مرحله انجام می رسد. از دیدگاه دیگر، بهسازی به معنای نحوهٔ استفاده از امکانات انسانی و اقتصادی و طبیعی، به منظور رشد و ایجاد ترقی

است . درهمین راستا، بهسازی را می توان یک نوع برنامه ریزی جامع منطقه ای نیز به حساب آورد. بهسازی را می توان کمک به بهبود وضع شهرها و روستاها، وضع اجتماعی و اقتصادی آنها، افزایش بنیهٔ اقتصادی، کمک به افزایش تولیدات کشاورزی ودامی و صنعتی و دیگر فرآورده های اقتصادی دانست . در این تعاریف بهسازی به منظور نیل به اهداف در چهارچوب برنامه های عمرانی به قرار زیر تعبیر می شود:

- برنامه ریزی به منظور یافتن روشهای صحیح درجهت استفاده از منابع آب .

- برنامه ریزی به منظور افزایش تولیدات زراعتی و بهره وری مناسب از زمین در چهار چوب مناسبات و استعدادهای طبیعی و منطقه ای وانجام امور فنی و تخصصی در جهت بهبود شرایط زراعت و کشت .

- برنامه ریزی برای افزایش تولیدات دامی ، بهبود صنایع دامی و حل معضلات و مشکلات مربوط به آن .

- برنامه ریزی به مقصود تولید فرآورده های صنعتی ، جایگزینی و تعیین موقعیت ونوع صنایع برحسب تخصص نیروهای انسانی و استعدادهای منطقه ای، ایجاد صنایع مورد نیاز و احیاء صنایع بومی و سنتی .

- برنامه ریزی در جهت سواد و آموزش، ریشه کن کردن بیسوادی وارتقاء سطح دانش جمعیت .

- برنامه ریزی بهداشت و درمان، رواج و تشویق بهداشت عمومی وریشه کنی عامل مولد بیماریها و ایجاد تاسیسات درمانی در ارتباط با تعداد جمعیت و موقعیت شهرها و روستاها.

- برنامه ریزی در راه افزایش سطح درآمد جمعیت، هماهنگی هزینه ها و درآمدها، اشتغال و کار، ایجاد بازارهای فروش، ارتقاء سطح تولید، آشنایی با تخصصها و دانش اندوزی در راه افزایش تجارب فنی و تخصصی، استفادهٔ مناسب از منابع موجود و به کارگیری آنها در ارتباط با اهداف مورد نظر در سطح منطقه ای و کشوری.

- برنامه ریزی به منظور ایجاد رفاه، استفاده از امکانات وتسهیلات اعم از تفریحی، عمومی و زیر بنایی مانند ایجاد فضای سبز تفریحی، تلفن، آب، گاز، برق، مدرسه ،بیمارستان و دیگر نیازمندیهای عمومی.

- برنامه ریزی به منظور بهبود شرایط مسکن و ساختمان، ایجاد ساختمانهای مسکونی مورد نیاز و مرمت ساختمانهای موجود بر اساس ویژگیهای قومی و فرهنگی و اقتصادی و طبیعی با استعانت از مصالح ساختمانی مرتبط با محیط والگوهای زیست در سطح منطقه.

- برنامه ریزی به قصد توسعهٔ راهها اعم از آبی، هوایی و زمینی به عنوان یکی از مهمترین عوامل درجهت رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی (درجهت تبادلات کالا و بار و فرآورده های منطقه ای و صادرات و واردات موردنیاز در سطح منطقه).

- برنامه ریزی در جهت تربیت نیروی متخصص انسانی در کلیه بخشهای اقتصادی و اجتماعی مانند کشاورزی، دامپروری، صنعتی، درمانی، آموزشی، رفاهی.

- برنامه ریزی درجهت بهترین روشهای استفاده از منابع موجود اعم از منابع طبیعی و معدنی، صنعتی، انسانی، مالی و تولیدی و توزیعی، استفاده از استعدادها و امکانات منطقه ای و به کارگیری مناسب آنها به عنوان یکی از مهمترین پشتوانه های توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه ای.

- و بالاخره برنامه ریزی درجهت اعمال بهترین مدیریتها و جامعیت بخشیدن به خصوصیات موردنظر در اهداف توسعهٔ منطقه ای. تمام موارد فوق را می توان در چهارچوب نیل به اهداف یک توسعه پایدارنیز بر شمرد. برجمع فوق، عوامل دیگری را می توان افزود تا بهسازی را به نحو روشن تر و جامع تری تشریح نماید. با توضیح مختصر فوق جایگاه ونقش بهسازی درروند توسعهٔ جامع منطقه ای مشخص می گردد. بهسازی درچهار چوب برنامه های جامع منطقه ای می تواند سه گونه توسعه را در بر گیرد.

۱- بهسازی در ارتباط بانقاط شهری.

۲- بهسازی در موردنقاط روستایی.

۳- بهسازی به منظور ایجاد ارتباط متقابل بین روستا، شهر ومنطقه.

برنامه ریزی های بخشی نیز می تواند درهمین ارتباط به مرحله اجراء در آمده و عمران و آبادی مناطق مختلف یک کشور را هدف قرار دهد. امروزه نیز دو گونه نگرش به برنامه ریزی منطقه ای مورد نظرمی باشد. یکی را می توان تحت عنوان برنامهٔ توسعه اقتصادی واجتماعی مناطق مورد بررسی قرار داد و دیگری را نیز در منطقه ای کردن برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی خلاصه نمود[۱]. برای کشور ما در هرنوعی ازاین نگرشها، مهمترین عامل به جمعیت ومسائل جمعیت بازمی گردد.

افزایش جمعیت ونحوه اسکان آن در کشور ما در چند دههٔ اخیر به تبعیت از التهابات اقتصادی و اجتماعی، گوناگون بوده است. مهاجرت روستاییان به شهرها و روند روبه توسعهٔ آن، آثار متفاوتی را برهر دوجنبه زندگی شهری و روستایی کشور گذارده است. افزایش جمعیت مصرف کننده و کاهش جمعیت تولید کننده در بخش کشاورزی و رشد مشاغل خدماتی، ازمهمترین نتایج ناشی از مهاجرت جمعیت روستایی به سوی شهرها بوده است. ازاین رو بررسی علل و انگیزه مهاجرت

۱- فیروز ادب- تعریف و تکامل برنامه ریزی منطقه ای - دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران - تهران - ۱۳۵۲.

روستاییان به شهر و کنکاش در زمینه آثار اقتصادی و اجتماعی ومحیطی مربوط به آن، نقش بهسازی را به عنوان یکی از مهمترین عوامل نظم دهنده به مهاجرتها و تعدیل جمعیت درنقاط مختلف هویدا می سازد. کاهش مهاجرتها در قالب طرحهای جامع منطقه ای جزاز طریق بهسازی و برنامه ریزی قابل انعطاف میسر نخواهد بود. نظارت بر مهاجرتها نه تنها در ارتباط با برنامه ریزی به منظور نیل به اهداف فوق است، بلکه به احیاء و توانبخشی بخشهای مختلف اقتصادی و اجتماعی و به کارگیری نیروهای مستعد وخلاق منطقه ای به منظور رشد و توسعه می انجامد. بنابراین، بهسازی می تواند زمینهٔ مساعدی را در ارتباط با استقرار جمعیت ازدیدگاه اقتصادی و اقتصاد منطقه ای ومنابع موجود محیطی فراهم آورد. ازطرف دیگر، بهسازی می تواند حل مشکلات عدیدهٔ مربوط به تمرکز جمعیت در شهرها و رفع نارسایی ناشی از ازدحام جمعیت دراین نقاط را به دنبال داشته و ازتمرکز سرمایه وکار و فعالیت در نقاط مشخص و معدود بکاهد.

حل مسائل شهرهای متمرکز کشور مانند عواملی که شهرهای بزرگ در ارتباط با آلودگی هوا، نارسایی های مربوط به مسکن وبحران رفت و آمد با آن روبرو است جز از طریق حل مسائل پایه ای مربوط به مهاجرتهای ناخواسته و بحران زا، امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین بهسازی محیط و در رأس آنها محیط روستایی و پراکنش صحیح جمعیت در سطح کشور، زمینه مساعدی را برای انجام برنامه ریزیهای جامع منطقه ای و کشوری فراهم می سازد.

سرزمین ما، از جمله یکی از مناطق مستعد کشاورزی است. پیشینه های معیشتی آن نیز قبل از هر عامل دیگری به کشاورزی و دامداری وابسته می باشد. از دیدگاه برنامه ریزی های منطقه ای و ملی، مهمترین عامل در جهت فراهم آوردن زمینه های دیگر توسعه مانند صنعت و بازرگانی به خودکفائی کشاورزی وابسته است. همانطور که بیان شد، هر کشوری که بخواهد درجهت ارتقاء سطوح اجتماعی و اقتصادی و فنی گام بردارد ابتدا باید خودکفای کشاورزی باشد، تا بتواند با تکیه برآن، گامهای مؤثرتری را در زمینه های دیگر بردارد. از این روی به تعبیر برنامه ریزی منطقه ای وعمران جامع منطقه ای، خودکفایی کشاورزی یعنی بهسازی روستایی به مفهوم عام. بهسازی محیط باید بر اساس زمینه های مناسب و مساعد کشاورزی صورت پذیرد. این بدان معناست که بهسازی محیط، مهاجرت روستاییان به شهرها را کاهش داده و زمینه را برای خودکفایی کشاورزی آماده می کند. در تکاپو برای نیل به این هدف، باید بهسازی را تداوم بخشید. برنامه ریزیهای جامع منطقه ای، مانند ساختن یک ساختمان، باید از پی و بنیان آغاز شود، تا هم روستایی به محیطش دلبسته و وابسته باشد و هم مشکلات نقاط پرجمعیت شهری کاهش یابد. خصوصیات مربوط به عوامل محیطی، باتوجه به وسعت و قلمرو کشور ما، سیاستهای عدم تمرکز را در ابعاد جمعیتی، تاسیساتی، صنعتی و کشاورزی

تائید و تاکید می نماید. برای تحقق چنین هدفی و برای قوام بخشیدن به بهسازی محیط، باید ضمن نظارت بر عوامل تشویق کنندهٔ مهاجرت در شهرهای بزرگ، زمینه را برای اجرای اقدامات عمرانی در سطح مناطق فراهم آورد. بهسازی محیط جلوه های مربوط به توسعه وعمران درشهرها را به سوی روستاها نیز سوق خواهد داد. بهسازی روستا همانطور که قبلاً بیان شد یعنی خودکفایی کشاورزی و دامداری. خودکفایی کشاورزی و دامداری زمانی تحقق می یابد که کشاورز و دامدار یعنی تولید کنندگان اصلی مملکت درنیازمندیهای خود نیز خودکفا باشند. این نوع خودکفایی را می توان به قرار زیر خلاصه نمود:

- یک جامعه روستایی با درآمدی رضایت بخش و سطح زندگی مناسب بر اساس ویژگیها و اندازه خانوار.
- یک جامعه روستایی که دارای فعالیتهای متنوع بر اساس اشتغال کشاورزی و دامداری باشد.
- استفاده از اراضی مناسب کشاورزی و نظام بخشی فنی به امور زراعت.
- استفادهٔ صحیح از منابع آب و نظارت بر آن.
- تامین و تضمین زراعت و دامداری در مقابل بازارهای آشفته و اتفاقاتی مانند سیل و خشکسالی.
- آموزش کشاورزی و دامداری.
- تعیین سطوح زیر کشت و برآورد تولیدات کشاورزی و دامپروری برحسب نقاط مختلف در سطح منطقه ای و کشوری.
- توسعه امور دامپروری همراه با توسعه مراتع و چراگاهها و اصلاح نژاددام و تولیدات دامی.
- احیاء وتوسعهٔ صنایع وابسته به امور کشاورزی و دامپروری.
- توسعه و بسط سطح سواد و فرهنگ و بهداشت.
- ایجاد ساختمانهای مسکونی محکم و راحت و هماهنگ با نحوهٔ زندگی روستایی.
- ایجاد مراکز رفاهی، درمانی، آموزشی، تفریحی، ارتباطی و تاسیساتی و تسهیلاتی.
- احداث تاسیسات زیربنایی وابسته به مسکن مانند تامین آب آشامیدنی، برق، تلفن ومانند آنها.
- توسعهٔ راهها درجهت حمل و نقل تولیدات کشاورزی و دامی و سایر مبادلات و رفت و آمدها.
- حفظ میراث فرهنگی و تاریخی روستا وکوشش در زمینهٔ بسط هر چه بهتر روابط اجتماعی آن.
- حداکثر استفاده ازامکانات محیطی در جهت اجرای برنامه های عمرانی مانند استفاده

ازمنابع آب، بهره برداری ازمعادن، استعدادها وامکانات انسانی و امکانات آب و هوایی وطبیعی.
- حفظ محیط زیست وجلوگیری ازانهدام محیط طبیعی.
- احیاء وتوسعه صنایع سنتی روستایی.
- اقدام درجهت حفظ اماکن روستایی درمقابله با سوانح طبیعی مانند سیل و زلزله.
- و بالاخره ایجاد آبادیها و روستاهایی که بتواند ضمن داشتن مزایای شهری به امور مربوط به دامپروری و کشاورزی وایجاد بازارهای خرید و فروش نیز بپردازد.

بر مبنای شقوق فوق، ضمن تعریف جامع تری از بهسازی اهمیت آن در ارتباط با اقدامات و برنامه های جامع منطقه ای معلوم می شود. شهرها و روستاهای یک منطقه جزیی از اندامهای محیط زیست محسوب می گردد. ضمن وابستگی به یکدیگر، لازم و ملزوم یکدیگرند. ازاین رو توسعهٔ یکی، نباید باعث اضمحلال یا تضعیف شرایط دیگری گردد. یک طرح جامع منطقه ای بر اساس شرایط محیطی منطقه، همیشه باید بر اساس نظم درمحیط زیست وعوامل مختلف انسانی واقتصادی تهیه شده وبه مرحلهٔ اجرا در آید. به همین دلیل آماده ساختن محیط (یعنی بهسازی) بستر مساعدی را در تحقق اهداف دیگر رفاه اجتماعی واقتصاد منطقه ای فراهم می آوردو جایگاه اقدامات عمرانی را مشخص می سازد.

باتوجه به مواردی که به عنوان اهمیت بهسازی در برنامه های جامع منطقه ای نقل شد، می توان به این نتیجه رسید که بهسازی بدون انجام برنامه های اقتصادی و ارتقاءسطح درآمد روستاییان و رشد اقتصادی مناطق روستایی معنا ومفهومی نخواهد داشت. دراین مورد نه تنها باتامین بودجه های لازم، می توان درجهت رشد و ارتقاء سطح اقتصاد جامعه روستائی گام برداشت، بلکه از بهسازی نیز می توان به عنوان عاملی در تحقق توسعه اجتماعی و اقتصادی بهره مند شد. بهره وری ازنیروهای مردمی در روستا درجهت عمران و آبادی به بهبود شرایط زندگی روستایی خواهد انجامید. در این مورد بهسازی عاملی درجهت به کار گماردن نیروی بیکار روستایی و افزایش سطح اشتغال جمعیت نیز محسوب می شود. اقتصاد و بهسازی روستایی نیز دراین زمینه لازم و ملزوم یکدیگر است. رشد و توسعه اقتصادی درارتباط باتوسعه وترویج فعالیتهای پایهٔ اقتصادی فقط با سرازیر شدن پول به منطقه و افزایش ارزش افزوده ها(به طور عمومی)فراهم نمی گردد، بلکه وجود تخصص و دانش وتجربهٔ اندوزی جمعیت در فعالیتهای اقتصادی ،غیر اقتصادی وعمران و آبادی درمنطقه در ارتباط با امکانات صنعتی و کشاورزی و رفاهی نیز جزیی از رشد و توسعه اقتصادی به حساب می آید. بنابراین منابع منطقه ای اعم ازتخصص، سرمایه، تاسیسات مرتبط باتولیدات اقتصادی و رفاهی، گامی درجهت رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی محسوب می شود.

در چند دهه اخیر یعنی ازحدود سالهای ۴۰ـ۱۳۳۹ تا زمان حاضر، کشاورزی کشور در روند رشد، به نسبت جمعیت و نیازمندیهای جمعیت سیرمتعادلی نداشته است. روستاییان دراثر فقدان برنامه های صحیح وایجاد بازارهای جدید صنعت و خدمات، راهی شهرها شده اند. تولیدات زراعی و دامی کشور در روند نیاز جمعیت شهری و روستایی، نتوانسته است همپای دیگر بخشهای اقتصادی و اجتماعی به پیش رود. ازنظر نظام بوم شناسی انسانی، لطمات زیادی به حیات شهری و روستایی کشور وارد شده است. کشور، هرساله بودجه های هنگفتی را که باید صرف عمران و آبادی و بهسازی عمومی شود، بالاجبار صرف وارد کردن مواد زراعی ودامی ازدیگر کشورها می کند. در حالیکه امکان تولید همه نوع محصول کشاورزی و دامی درکشور فراهم است. روستاها روز به روز بیشتر خالی ازجمعیت شده و شهرها ازجمعیت و مسائل مربوط به آن انباشته گردیده است. چهرهٔ صدیق روستاییان در پسا پردهٔ زندگی پر زرق و برق و جاذبه های شهری روز به روز محوتر شده است. عمده جمعیت مهاجر تصورشان از زندگی درتمام کشور، تهران وچند شهربزرگ دیگر کشورست. بنابراین، نوشته ها و ترجمه ها و استفاده های صوری از تجارب دیگر کشورها نمی تواند به تنهایی این مشکل عظیم را که از جمله مهمترین مشکلات کشورست، حل کند. دراین زمینه باید عمران و آبادی و رفاه را به صورت غیر متمرکز و به نسبت تمام کشور ارائه کرد. عملاً برعهده تمام نیروهای متخصص ومردمی است که آستینها را بالا بزنند و درعمل به انجام تحولاتی درجهت بهبود شرایط زیست بویژه درنقاط مهاجر فرست که روستا در راس آنها قرار دارد، بپردازند. به مصداق نیم بیت « دو صد گفته چون نیم کردار نیست» این دور بسته را بشکنند. همه به نحوی در بروز عدم تعادل بین زندگی روستائی و شهری (نیاز مملکت به ورود مواد غذایی از خارج، ازبین رفتن یک کودك روستایی در دور افتاده ترین نقاط کشور در اثر فقر و بیماری و یا سیل و زلزله) مسؤل اند. وقتی روستایی ببیند دربرخورد با اولین ناملایمات طبیعی و غیر طبیعی مانند سیل، زلزله، بیماری، جنگ، فقر وعدم استفاده ازامکانات رفاهی، آفات ومانند آنها اوست که به عنوان اولین نفر صدمه می بیند مسلماً راهی شهرها می شود.

تمام نظریه ها درهر زمینه ای از بهسازی وعمران منطقه ای وکشوری تا به مرحله عمل در نیاید، سودی به همراه نخواهد داشت. درهمین رهگذر، تلاش کسانی که عملاً می خواهند به ارتقاء سطح فرهنگی واجتماعی واقتصادی و کالبدی این مملکت بپردازند قابل ارج و احترام است. بهسازی در ارتباط باعمران منطقه ای یعنی زمینهٔ سازی برای توسعه اقتصادی واجتماعی، اسکان صحیح جمعیت در سطح مناطق، کمک به انجام سیاستهای فضایی درجهت رشد و توسعه ملی، نظارت بر مهاجرت و زمینه سازی برای کاهش بحرانهای مربوط به زراعت و دامداری، مسکن، بیماری، فقر، عوامل مخاطره برانگیز ومانند آنها.

بخش دوم

آمده ام که تا به خود گوش کشان کشانمت
بی دل و بی خودت کنم، بر دل خود نشانمت
آمده ام که تا ترا جلوه دهم در این سرا
همچو دعای عاشقان فوق فلک رسانمت
صیدمنی شکارمن، گرچه زدام جسته ای
جانب دام باز رو گر نروی برانمت
از حد خاك تا بشر چند هزار منزل است
«شهر» به «شهر» بردمت بر سر ره نمانمت
(جلال الدّین محمد مولوی بلخی ۶۰۴-۶۷۲ هجری)

تحول در نظام سکونت در طول برنامه گذاریهای توسعه

«با تاکید بر برنامه های سی ساله ۱۳۲۷ - ۱۳۵۷ خورشیدی»

کشور ما از نظر تجارب اجرای برنامه های عمران منطقه ای، به صورت سنتی، دارای سوابق طولانی است. آثار تاریخی بازمانده، به نوعی نشان از این اقدامات دارد. سابقه احداث قنات، احداث سدها و بندهای سنتی، کیفیت اراضی زراعی و تقسیم آب، احداث راههای بین منطقه ای و مانند آنها، نمونه تلاش در بهبود شرایط زیست ازنظر عمران منطقه ای در طول تاریخ ایران است. علی رغم وجود چنین سابقه ای، برنامه ریزی مدون به منظور رفاه اجتماعی و اقتصادی در ایران و با استعانت از فنون و روش های جدید از سال ۱۳۲۷ خورشیدی آغاز می شود.

برنامه های عمرانی کشور را، می توان در دو مقطع پیش و بعداز انقلاب اسلامی مورد مطالعه قرار داد. برنامه های مرحلهٔ نخست ،ازنظر زمانی، در قالب پنج برنامه ارائه گردید. برنامه های بعداز انقلاب اسلامی نیز در زمان حاضر، دومین مرحلهٔ خود را می گذراند. مهمترین اتفاقات موثر بر برنامه های عمرانی پیش از انقلاب اسلامی به وقایع دوران ملی شدن صنعت نفت، شروع به صنعتی

شدن کشور، تحولات ارضی در محیط های روستایی و افزایش قیمت نفت مربوط می شود. برنامه های عمرانی دوران قبل از انقلاب اسلامی و دگرگونی های ناشی از تحولات اجتماعی و اقتصادی، بر اسکان جمعیت شهری و روستایی کشور، اثرات عمیقی برجای گذارد. نتایج و عوارض آن نیز تا عصر حاضر ادامه دارد. این تحولات در مطالعه حاضر به اختصار مورد بررسی قرار گرفته وخط سیر آنها تجزیه وتحلیل گردیده است. بر این اساس، هدف ازمطالعه حاضر بررسی روند دگرگونی در اسکان جمعیت شهری وروستایی کشور در ارتباط با اجرای برنامه های عمرانی با تاکید بردوران قبل از انقلاب اسلامی است. مطالب این بخش به گونه ای تنظیم شده که ضمن بررسی خصوصیات هر برنامه عمرانی، نتایج و عوارض این برنامه ها را بر عرصه های شهری و روستایی کشور به اختصار بر شمرده و تحولات دیگری را که در خلال این برنامه ها اتفاق افتاده ، یادآور شود.

شرایط برنامه ریزی با توجه به ویژگیهای محیط

از اولین شقوق برنامه ریزی به نسبت عمران مناطق ونواحی ، اعتدال در برنامه ریزی پخش متعادل جمعیت و ارتباط بین مراکز زیستی با یکدیگر است. برنامه ریزی چه در سطوح بخشی و چه مکانی، باید بر اساس ساختار اقتصادی و اجتماعی و توان های محیطی شکل گیرد. هرنوع برنامه عمرانی، باید زمینهٔ خود را برمبنای چنین ساختارهایی قرار دهد. درغیر اینصورت ، ضمن کاهش درجه موفقیت خود، ساختار اصلی و اساسی محیط را نیز تحت تاثیر قرار داده و فضای مورد برنامه ریزی را با اختلال و ناهماهنگی در عرصه های جمعیتی واقتصادی و طبیعی مواجه می سازد.

سابقه برنامه ریزی در دوران اخیر کشور

اقدامات دوران صدارت میرزاتقی خان امیرکبیر در ایران، نوعی از اولین برنامه ریزی ها در جهت بهبود شرایط منطقه ای در کشور است. ایجاد مدرسه دارالفنون، تنظیم نظام اداری، احیای قشون، ایجاد ساختمان های مختلف و اعزام دانشجو به خارج از این دوره آغاز می شود. در عین حال ایجاد نهر کرج بین شهر کرج تا تهران به عنوان یکی از عمده ترین اقدامات اساسی در بهبود شرایط منطقه ای در دوره حاجی میرزا آغاسی به حساب می آید.

در سال های بعداز ۱۳۰۰ خورشیدی، نه به صورت انسجام یافته، بلکه به صورت اقداماتی موضعی، برنامه ریزی در سطح منطقه ای در ایران انجام گرفت. که مهمترین آنها احداث راه آهن سرتاسری، توسعه راهها، بهبود شرایط شهرها ازنظر احداث خیابان ها ومیادین، احداث ادارات و شهرداریها است. این موارد به مثابه نوعی برنامه ریزی اقتصادی واجتماعی عمرانی محسوب می شود.

در ارتباط با برنامه ریزی به صورت جدید، برای اولین بار در فروردین سال ۱۳۱۶ خورشیدی با پیشنهاد اداره کل تجارت، شورایی به نام شورای اقتصاد، تشکیل شد. این شورا یک برنامه عمومی اقتصادی را تنظیم کرد و براساس آن کمیسیونی دائمی آغاز به کار نمود. این کمیسیون در زمینه اصلاح کشاورزی مطالعاتی را به عمل آورد و گزارشی تحت عنوان برنامه هفت ساله کشاورزی تنظیم کرد. [۱]

در سال ۱۳۲۳ خورشیدی، شورایی به نام شورای عالی اقتصاد تاسیس شد. وظیفه این شورا تثبیت ارزش پول، تعدیل درنشراسکناس، تشویق وافزایش محصولات کشاورزی و صنعتی، بررسی امور مالی و فنی کارخانه های دولتی، ایجاد نظم در امور اقتصادی وتامین حداقل زندگی بود. [۲]

در اوایل سال ۱۳۲۴ درجهت کاهش دشواری های دولت به دو اقدام پرداخته شد. بهبود و اصلاح وضع کارخانجات دولتی وتنظیم یک برنامه توسعه اقتصادی برای کشور از جمله این اقدامات بود. برای انجام هدف اول، بانک صنعت ومعدن ایران به وجود آمد. در اجرای هدف دوم هیاتی به نام «کمیته تنظیم برنامه» شکل گرفت. برای تامین اعتبار خود، قرار شد که از بانک بین المللی تقاضای کمک شود. در آذرماه سال ۱۳۲۶ رئوس اصلی برنامه ای که با کمک موریسن نودسن [۳] تهیه گردیده بود، برای مدت ۷ سال تنظیم شد. این برنامه در سال ۱۳۲۷ به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید. اولین برنامه عمرانی کشور عملاً از این زمان آغاز گردید.

محتوای برنامه های عمرانی کشور، از شروع تا انقلاب اسلامی

۱- برنامه عمرانی اول ۱۳۲۷ - ۱۳۳۴ خورشیدی[۴]

برنامه عمرانی اول در اوضاع واحوالی تهیه، تصویب وابلاغ شد که اقتصاد کشور تحت تاثیر آثار ناشی از بروز جنگ جهانی دوم بود. فقدان ظرفیت اجرایی و فنی، ضعف مالی ناشی از قطع در آمد نفت[۵] وکمبود نیروی انسانی کار آمد، باعث آن شد که طی ۷ سال اجرای برنامه عمرانی اول، عملاً

۱- سازمان برنامه و بودجه، دفتر برنامه ریزی منطقه ای - «سابقه برنامه ریزی در ایران - تهران ۱۳۵۵».

۲- فیروز ادب - تعریف وتکامل برنامه ریزی منطقه ای - دانشگاه تهران -۱۳۵۲.

۳- متشکل از برنامه ریزان ایرانی و شرکت مذکور.

۴-سازمان برنامه و بودجه - مجموعه قوانین برنامه های عمرانی کشور، قانون هفت ساله اول عمرانی کشور- تهران - ۱۳۴۷.

۵- دفتر برنامه ریزی منطقه ای - سابقه برنامه ریزی در ایران- سازمان برنامه و بودجه - تهران - ۱۳۶۲.

بیش از ۸۲ درصد ازاعتبار مصوب به برنامه دوم منتقل گردد.

مهمترین اهداف برنامه عمرانی اول شامل افزایش تولید و صادرات، تهیه مایحتاج مردم در داخل کشور، ترقی کشاورزی وصنایع، اکتشاف وبهره برداری از معادن وانجام اعمالی برای عمران کشور درمناطق مختلف می گردید. اهداف تعیین شده درعمل تحقق نیافت. بسیار مهم آنکه برنامه ریزان وقت به بخشی بودن برنامه ها بیش از ناحیه ای عمل کردن بخش ها توجه داشتند. این مورد شامل بخش های کشاورزی، صنعت و معدن، حمل ونقل وارتباطات و خدمات اجتماعی می گردید.

برنامه عمرانی دوم (۱۳۳۴ - ۱۳۴۱ خورشیدی)[1]

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ صدور مجدد نفت و انعقاد قرارداد با کنسرسیوم، امکان مالی برای تهیه برنامه عمرانی دوم به مدت ۷ سال فراهم آمد. محتوای این برنامه شامل دو بخش می گردید. بخش اول به جذب اعتبار مانده از برنامه اول و بخش دوم دارای اعتبار کلی این برنامه بود.

این برنامه نیز مانند برنامه اول بخشی نگر و در چهار بخش عمده کشاورزی، ارتباطات و مخابرات، صنایع ومعادن وخدمات اجتماعی و شهری تنظیم شده بود.

الگوی توسعه در برنامهٔ دوم، کشاورزی بود. این برنامه جدا از صنعت صورت می گرفت. هرچند همانند برنامه عمرانی اول، بخش های زیربنایی واقتصاد نیز مورد توجه قرار داشت. دراین برنامه نیز به ناحیه نگری توجه کافی مبذول نشده بود[2]. در برنامه عمرانی دوم، برنامه ریزان دید نسبتاً بهتری نسبت به ضروریات کلی وعمرانی منطقه ای پیدا کرده بودند. مهم آنکه به دلیل اجبار تمرکز گرایی، در برنامه دوم در مقایسه با برنامه اول یک نوع عقب نشینی در زمینه منطقه ای کردن عملیات عمرانی ملاحظه شد[3].

برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۲-۱۳۴۶ خورشیدی)[4]

از شروع این برنامه به بعد، مدت اجرای برنامه های عمرانی کشور، پنج ساله شد. تعداد بخش های این برنامه به ده بخش افزایش یافت که ازنظر درصد اعتبار، تفاوت هایی با دیگر برنامه ها داشت.

الگوی توسعه در این برنامه، برخلاف دو برنامه قبل، صنعت بود. به همین دلیل با انجام اصلاحات ارضی در طول این برنامه، مهاجرت روستائیان به سوی شهرها آغاز و به تشدید رشد بخش صنعت منجر شد. ازاین رو، نیروی کار ارزان از میان شاغلان بخش های مختلف برای صنعت وخدمات

۱- سازمان برنامه و بودجه - مجموعه قوانین برنامه های کشور، برنامه اول تا چهارم- تهران ۱۳۴۷.

۲، ۳، ۴ - سازمان برنامه وبودجه - مجموعه قوانین برنامه های عمرانی کشور، برنامه های اول تا چهارم - تهران - ۱۳۴۷.

فراهم گردید. تولید ومصرف در روستاها که به نوعی حافظ سطح اشتغال نواحی ومناطق بود، تحت نفوذ و سلطهٔ بازارقرار گرفت. دولت به طور عمده به سرمایه گذاری در صنعت سنگین پرداخت وصنعت سبک را به بخش خصوصی سپرد.

برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۷ - ۱۳۵۱ خورشیدی)[۱]

ازجمله اهداف عمده دیگر این برنامه افزایش میزان رشد اقتصادی از طریق افزایش تدریجی و نسبی صنعت، افزایش بهره وری سرمایه وبه کارگیری فن آوری جدید تولید، کاهش وابستگی خارجی در پاسخ به نیازهای اساسی کشور ،تنوع در صادرات، وبالاخره دستیابی به توزیع درآمد عادلانه از طریق سیاست های بهزیستی واشتغال بود. به تبعیت از اهداف فوق، رشد سالیانه به جای ۹ درصد به ۱۱ درصد رسید.

اعتبار برنامه عمرانی چهارم حدود ۲/۵ برابر اعتبار برنامه عمرانی سوم بود. در تغییر اعتبارات برنامه های مصوب پرداختی ،اعتبار بخش کشاورزی به شدت کاهش یافت. درحالیکه بخش های صنعت، گاز، مخابرات، ساختمان ومسکن ،هریک افزایش قابل ملاحظه ای داشت. این مورد جز به دلیل محوری کردن صنعت نبود.

یادآور می شود، اگر چه بخش های کشاورزی، صنعت، نفت، گاز و برق از جمله بخش های تولیدی می باشد، ولی درعمل، در این برنامه بسیاری از هزینه ها صرف امور غیرتولیدی شده وصرفاً امکانات تولیدی به وجود آمد.

در برنامه عمرانی چهارم، به جای توسعه شبکه زیربنایی در کلیه بخش ها، به صنایع وابسته توجه شد. سرمایه گذاری های عظیم دولتی وخصوصی رقم چشمگیری داشت. این مورد موجب تغییر ساختاری اقتصاد کشور گردید. چنین سرمایه گذاری هایی براساس مزیت نسبی تولید ومزیت نواحی صورت نپذیرفت. این برنامه، هرچند ازنظر رشد وثبات اقتصادی موفق بود، ولی به دلیل عدم تعادل نواحی به گسترش بیش از پیش شکاف بین شهر وروستا انجامید.[۲]

برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶ خورشیدی)[۳]

برنامه عمرانی پنجم، درنیمه دوم سال ۱۳۵۱ تهیه و دربهمن ماه همان سال به تصویب رسید.

۱- معاونت برنامه ریزی سازمان برنامه و بودجه - برنامه عمرانی چهارم کشور.

۲- سازمان برنامه وبودجه - سنجش عملکرد برنامه های عمرانی اول- دوم - سوم - چهارم و پنجم کشور - تهران - ۱۳۵۳.

۳- سازمان برنامه و بودجه -عملکرد کلی اقتصاد کشور در سه ساله اول برنامه پنجم - تهران - ۱۳۵۳.

این برنامه ادامه برنامه عمرانی چهارم محسوب می شد. درآمد نفت از ۲/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۱ به ۱۷/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۳ رسید. این افزایش درآمد، موجب بازنگری در برنامه عمرانی پنجم شد. امکانات مالی جدیدی برای کشور فراهم شد که علی رغم وجود آن بین برنامه ریزی ملی ومنطقه ای و برنامه های بخشی رابطه ای منطقی فراهم نشد.

عمده ترین ضعف دولت در به کارگیری بودجه فوق، کمبود کارگر ماهر ونیمه ماهر و مهندس بود. در اغلب موارد مهندسین وتکنسین ها، کارکارگران ماهر را انجام می دادند.

مهمترین اهداف کیفی برنامه عمرانی پنجم، ارتقاء کیفیت زندگی اقشار مختلف اجتماعی، حفظ رشد متوازن و مداوم اقتصادی، توزیع عادلانه درآمد، عدالت اجتماعی، بهبود شرایط محیط زیست، تولید کالاهای صنعتی و صدور آنها وبالاخره احیاء میراث فرهنگی و آموزش و پژوهش فرهنگی وهنری بود.[۱]

تجزیه وتحلیل برنامه های عمرانی

از جمله مشکلات برنامه های عمرانی گذشته کشور، عدم ارتباط منطقی بین دونوع برنامه ریزی ملی ومنطقه ای بوده است. به عبارت دیگر درنحوه تفکر و اندیشه مربوط به توسعه مناطق، رابطه ای بین حجم سرمایه گذاری در سطوح ملی و منطقه ای وجود نداشته است. برنامه ها به طور عمده، بر اساس ضرورت های سیاسی واجتماعی جهت گیری شده است.

اگر چه وسعت کشور و پراکندگی روستاها وجمعیت روستایی، ازجمله علل عدم موفقیت در برنامه ریزی منطقه ای بوده است، ولی در طول برنامه های عمرانی هماهنگی لازم بین برنامه های ملی ومنطقه ای وجود نداشته است. عدم تعادل بین مناطق کشور، موجب بروز اختلافات منطقه ای در سطوح اقتصادی و در آمدی گردیده است. توزیع اعتبارات بین مناطق مختلف کشور از ضوابطی است که باید برمبنای نیاز، استعداد وامکانات مناطق صورت پذیرد. این قضیه موجب فقدان رشد در مناطق مستعد و به هدر رفتن امکانات رشد گردیده است. نظام برنامه ریزی در ایران از ابتدا با تناقضات و تضادهایی روبرو بوده است که اهم آنها به قرارزیر می باشد[۲]:

– تصمیم گیری سیاسی همواره دیگر تصمیم گیری ها را تحت الشعاع قرار داده و به طور معمول بخش عظیمی از سرمایه گذاری ها در طرح های اقتصادی، بیشتر جنبه سیاسی به خود گرفته و

۱ – سازمان برنامه وبودجه ، دفتر هماهنگی روشهای نظارت – عملکرد برنامه عمرانی پنجم کشور – تهران – ۱۳۵۷ .

۲ – سازمان برنامه و بودجه – سابقه برنامه ریزی در ایران – تهران – ۱۳۶۲ .

همین امر تعادل بین مناطق را برهم ریخته است.

– برنامه های عمرانی گذشته فاقد خط مشی توسعه متعادل برای مناطق مختلف کشور بوده و دراین ارتباط انسجام و جامعیت لازم وجود نداشته است. همواره مقاصد سیاسی و اجتماعی واقتصادی، مصالح عمومی را تحت الشعاع قرار داده است.

– تاثیرهر برنامه بر روی برنامه دیگر مورد توجه قرارنگرفته است.

– فقدان برنامه رشد وتوسعه با ویژگی های کشور ما (و به طورکلی کشورهای در حال توسعه)، موجب بروز اختلاف وشکاف بین مناطق مختلف کشور شده است. این خود از مشکلات توسعه در کشورهای در حال توسعه محسوب می شود.

– کمبود نیروی انسانی متخصص در امور برنامه ریزی کالبدی، از ویژگی های دیگر کشور ما می باشد. به طوریکه در کشورهای درحال توسعه نیز به جز تعداد اندکی، عمده کارشناسان را خارجیان تشکیل می دهند، که در عمل با شرایط محیطی کشور میزبان نا آشنایند.

– ناهماهنگی بین سازمانهای برنامه ریزی واجرایی از جمله دلایل عدم موفقیت برنامه ریزی در ایران می باشد.

موارد فوق و عوامل دیگری که در ارتباط با رشد وتوسعه اقتصادی مطرح است، در عمده برنامه های عمرانی کشور وجود داشته و به عدم تعادل در سطح مناطق و از جمله عدم تعادل در پخش جمعیت شهری و روستایی انجامیده است.

جمعیت وتحولات جمعیتی در طول اجرای برنامه های عمرانی (قبل از انقلاب اسلامی)

خصوصیات جمعیت قبل از اجرای برنامه های عمرانی

جمعیت کشور، در ادوار قبل از اجرای برنامه های عمرانی، از روند رشدی پایین و متعادل برخوردار بوده است. مطالعات نشان می دهد که در سال ۱۲۸۰ هجری خورشیدی، جمعیت ایران به حدود ۱۰۲۸۰۰۰۰ نفر[۱] می رسیده است. از این تعداد ۸۰ درصد در روستاها و۲۰ درصد در شهرها سکونت داشته است. بر اساس آمار دیگری که به سال ۱۲۹۲ باز می گردد، تعداد شهرهای ایران به حدود ۱۰۰ واحد می رسیده است. در سال ۱۳۱۰ تعداد جمعیت کشور حدود ۱۲ میلیون نفر برآورد

۱ – ناصر مشهدیزاده دهاقانی– تحلیلی از ویژگیهای برنامه ریزی شهری در ایران – دانشگاه علم وصنعت ایران– ۱۳۷۳.

گردیده است[۱].

اگر چه در دوران قبل از آمارگیری رسمی که از سال ۱۳۳۵ آغاز گردید، تعداد جمعیت کشور را باید با حدس وگمان مورد بررسی قرار داد، ولی همین آمار گویای حدود جمعیت و غلبه روستانشینی بر شهرنشینی بوده است [۲]. این آمار بیانگر آن است که عمده جمعیت کشور به صورت پراکنده و در نواحی مختلف سکونت داشته اند.

تحولات جمعیت در دوران اجرای برنامه های عمرانی

یکی از مهمترین عواملی که در دوران اجرای برنامه های عمرانی (هماهنگ با نقاط مختلف دنیا) در ایران اتفاق افتاد، افزایش تعداد جمعیت کشور است. به نحوی که جمعیت کشور در فاصله ۴۵ سال(۱۳۱۰-۱۳۵۵) سه برابر شد. افزایش جمعیت ،اگر چه مورد بحث این مطالعه نیست، ولی می تواند بیانگر تاثیر نوعی از عوامل مهاجر برانگیز برعرصه زندگی شهری و روستایی کشور باشد.

پس از اجرای اولین برنامه عمرانی کشور و در اوان دومین برنامه عمرانی، جمعیت ایران به حدود ۱۹ میلیون نفر (سال ۱۳۳۵) رسید[۳]. ۳۱/۴ درصد از جمعیت شهرنشین و۶۸/۶ درصد روستانشین بود.

روند افزایش جمعیت شهرنشین و روستانشین کشور به نسبت تعداد شهرها و مهم تهران - در فاصله های ۳۵-۱۳۷۵

سال	کل جمعیت کشور	روستانشین	شهرنشین	تعداد شهر	درصدجمعیت تهران به کل شهرها
۱۳۳۵	۱۹۰۰۰۰۰۰	٪۶۸/۶	٪۳۱/۴	۱۹۹	٪۲۵/۲
۱۳۴۵	۲۵۷۹۰۰۰۰	٪۶۱/۳	٪۳۸/۷	۲۷۱	٪۲۷/۸
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۰۰۰	٪۵۳	٪۴۷	۳۷۳	٪۲۸/۶
۱۳۶۵	۴۹۴۴۰۰۰۰	٪۴۵/۲	٪۵۴/۳	۴۹۶	٪۲۲/۳
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۵۰۰	۳۸/۷	۶۱/۳	۶۱۲	٪۱۷/۹

۱- مرکز آمار ایران - نشریات مختلف.

۲- در این مورد، جمعیت روستایی به مفهوم عام مورد نظر می باشد(روستانشینی - ایل نشینی . . .)

۳- وزارت کشور - سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۳۵- جلد اول و دوم - تهران -۱۳۳۹ و ۱۳۴۰

مشخصات شهرهای بالاتراز ۱۰۰۰۰۰ نفری ایران در فاصله سال های ۳۵-۱۳۵۵

سال	تعداد	نام شهر	بالاتر از ۱۰۰۰۰۰ نفر تعداد	بالاتر از ۱۰۰۰۰۰ نفر نام شهر
۱۳۳۵	۹	تهران- تبریز- اصفهان-مشهد- آبادان- شیراز- کرمانشاه- اهواز - رشت	۱	تهران
۱۳۴۵	۱۴	تهران- مشهد- اصفهان-تبریز- آبادان -شیراز- اهواز- کرمانشاه- تجریش - رشت- قم-همدان اورمیه- ری	۱	تهران
۱۳۵۵	۲۳	تهران- مشهد- اصفهان- تبریز- شیراز- اهواز- آبادان- کرمانشاه- قم- رشت- همدان- اورمیه اردبیل- کرمان - خرمشهر- قزوین- کرج- یزد دزفول- اراك- خرم آباد- بروجرد- زنجان	۱	تهران

یکی از مسایلی که در سالهای بعد از اجرای برنامه های عمرانی روی داد، هجوم جمعیت به سوی بزرگترین مرکز گرهی کشور یعنی تهران بوده است. آمار نشان می دهد که تاثیر اقدامات موضعی اجتماعی و اقتصادی وتحولات ناشی از صنعتی شدن کشور و اصلاحات ارضی، بیش از همه برتمرکز جمعیت در تهران اثر گذارده است. در حدود پایان برنامه پنجم عمرانی کشور و در سال ۱۳۵۵ تعداد جمعیت تهران به حدود یک سوم از کل جمعیت مناطق شهری ایران می رسیده است[1] .

درسال ۱۳۳۵ تعداد شهرهای بالاتر از ۱۰۰۰۰۰ نفری کشور به بیش از نه واحد نمی رسید. تنها شهر بیش از یک میلیون نفری ایران، تهران بود. در حالیکه در سال ۱۳۵۵ این تعداد به ۲۳ واحد رسید وتعداد شهرهای بیش از یک میلیون نفر نیز به ۴ واحد بالغ گردید. در سال ۱۳۳۵ از تعداد ۱۹۹ واحد شهری ایران[2] به طور عمده ۱۸۱ شهر، کمتراز ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت داشت که معادل ۳۸ درصد از جمعیت شهری کشور را تشکیل می داد. این مورد بیانگر آن است که تفوق شهرهای کوچک بر شهرهای بزرگ عاملی تعیین کننده بوده است. تنها شهربیش از ۵۰۰۰۰۰ نفری ایران نیز تهران بود در حالیکه آمار سال ۱۳۴۵[3] نشان می دهد که عوامل مختلفی بر عرصه سکونت شهری ایران اثر گذارده

۱- مرکز آمار ایران- سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبانماه ۱۳۵۵ کل کشور - تهران- ۱۳۵۹ .

۲- وزارت کشور - سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۳۵ - جلد اول و دوم - تهران- ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ .

۳- مرکز آمار ایران - سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبانماه ۱۳۴۵ - نتایج مربوط به جمعیت ساکن کل کشور - تهران ۱۳۴۶ .

است. این مورد علاوه بر رشد طبیعی جمعیت شهرها، نشان از افزایش مهاجرتهای روستایی دارد. تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ واحد در سال ۱۳۳۵ به ۲۷۱ واحد در سال ۱۳۴۵ بالغ شد. از این تعداد ۲۴۲ واحد کمتراز ۵۰۰۰۰ نفر و ۱۵ واحد بین ۵۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت داشت. جالب توجه آنکه مجموع شهرهای کمتراز ۱۰۰۰۰۰ نفری ایران، دراین سال با تعداد ۲۵۷ واحد، مجموعاً ۴۲/۱ درصد جمعیت شهری را در خود داشته و ۵۷/۹ درصد بقیه در ۱۴ شهر بالاتر از ۱۰۰۰۰۰ نفری سکنی گزیده بودند. این آمار حکایت از شروع به تمرکز گرایی جمعیت در نقاط شهری عمده واز طرفی افزایش چشمگیر جمعیت شهری دارد. سال ۱۳۴۵ که از سال های پایانی برنامه عمرانی سوم کشور است، به افزایش سهم جمعیت تهران به نسبت دیگرنقاط شهری کشور می انجامد. در فاصله دو سرشماری، تعداد واندازه شهرهای بزرگ دو برابر شد و علی رغم افزایش تعداد شهرهای کوچک، این شهرها به نسبت دیگر شهرها سهم عمده ای از جمعیت شهری را دارا نمی باشند.[۱]

در سال ۱۳۵۵ و در حدود اختتام برنامه عمرانی پنجم کشور، ایران دوبرنامه عمرانی چهارم و پنجم را پشت سرگذارده بود. این امر تاثیر اجرای این برنامه ها را ازنظر آماری مشخص می سازد. دراین سال جمعیت کشور به تقریباً دو برابر جمعیت سال ۱۳۳۵ رسیده، وشهرنشینان ۴۷ درصد از آن را تشکیل می دهند. در سال ۱۳۵۵ تعداد شهرهای بالاتراز ۵۰۰۰۰۰ نفری کشور به ۴ واحد، شهرهای۲۵۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ نفری نیز به ۴ واحد، شهرهای ۱۰۰۰۰۰ تا۲۵۰۰۰۰ نفری نیز به ۱۵ واحد می رسد. دراین سال شهرهای کشور از ۷۱ ۲ واحد در سال ۱۳۴۵ به ۳۷۳ واحد بالغ می شده که ۳۲۸ واحد از آنها را شهرهای کمتر از ۵۰۰۰۰ نفری تشکیل می داده است. در مجموع ۲۷ درصد از جمعیت در شهرهای کمتر از ۵۰۰۰۰ نفری سکونت گزیده بودند. شهرهای ۵۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰ نفری نیز با ۴۲ شهر حدود ۲۳/۳ درصد و شهرهای بیش از ۲۵۰۰۰۰ نفری با ۷ شهر در مجموع ۴۹/۲ درصد از جمعیت شهری را در خود پذیرا بودند. دراین میان، تهران، به تنهایی حدود یک سوم از جمعیت شهرها را دارا بود. این موضوع بیانگر آن است که یک نوع تمرکز گرایی شدید جمعیت در بعضی ازنقاط شهری به وجود آمده و تمرکز فعالیت و سرمایه و کار رادر خود داشته است. دراین خصوص آمار سال ۱۳۵۵ بیانگر آن است که تا چه اندازه انجام برنامه های موضعی و رها شدن مراکز اصلی جمعیت در روستاها براختلال استقرار جمعیت موثر بوده است.[۲]

در سال ۱۳۵۵ برای اولین بار، علاوه برتهران، سه شهر بالاتر از ۵۰۰۰۰۰ نفر در ایران پدیدار شد. برتعداد شهرهای کوچک نیز افزوده شد. درصد جمعیت این شهرها نیز درمقام مقایسه با

۱-معاونت عمرانی و برنامه ریزی وزارت کشور « سلسله مراتب شهری » تهران - ۱۳۷۲.

۲ - مرکز آمار ایران - سرشماری عمومی نفوس ومسکن - آبانماه ۱۳۵۵ کل کشور - تهران- ۱۳۵۹.

سال ۱۳۴۵ کاهش یافت. عمده شهرهای کوچک را روستاهایی به وجود آورده بودند که طبق معیارهای وزارت کشور تعداد جمعیت آنها به ۵۰۰۰ نفر رسیده بود.

طبقات جمعیتی شهرهای ایران در سال ۱۳۳۵ (هزارنفر)

طبقات جمعیت (نفر)	تعداد شهر	جمعیت	درصد
تهران	۱	۱۵۱۲۰۰۰	۲۵/۲
+۵۰۰۰۰۰	-	-	-
۲۵۰۰۰۰-۵۰۰۰۰۰	۲	۵۴۵۰۰۰	۹/۱
۱۰۰۰۰۰-۲۵۰۰۰۰	۶	۹۹۴۰۰۰	۱۶/۵
۵۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰	۹	۶۳۳۰۰۰	۱۰/۶
۲۵۰۰۰-۵۰۰۰۰	۲۲	۷۶۵۰۰۰	۱۲/۸
۵۰۰۰-۲۵۰۰۰	۱۴۶	۱۵۰۱۰۰۰	۲۵
-۵۰۰۰	۱۳	۴۷۰۰۰	۰/۸
کل	۱۹۹	۵۹۹۷	۱۰۰

ماخذ: ۱- دفتر برنامه ریزی عمرانی وزارت کشور- سلسله مراتب شهری، مبانی نظری، نظام شهری- شماره ۳۲- معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور- تهران -۱۳۷۲.

۲- مرکز آمار ایران.

طبقات جمعیتی شهرهای ایران در سال ۱۳۴۵

طبقات جمعیت (نفر)	تعدادشهر	جمعیت	درصد
تهران	۱	۲۷۲۰۰۰۰	۲۷/۸
+۵۰۰۰۰۰	-	-	-
۲۵۰۰۰۰-۵۰۰۰۰۰	۵	۱۷۸۰۰۰۰	۱۸/۲
۱۰۰۰۰۰-۲۵۰۰۰۰	۸	۱۶۸۰۰۰۰	۱۱/۹
۵۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰	۱۵	۱۰۶۸۰۰۰	۱۰/۹
۲۵۰۰۰-۵۰۰۰۰	۳۰	۱۰۸۱۰۰۰	۱۱/۰
۵۰۰۰-۲۵۰۰۰	۱۹۰	۱۸۹۸۰۰۰	۱۹/۴
-۵۰۰۰	۲۲	۷۵۰۰۰	۰/۸
کل	۲۷۱	۹۷۹۰۰۰۰	۱۰۰

ماخذ: همان

طبقات جمعیتی شهرهای ایران در سال ۱۳۵۵

ردیف	طبقات جمعیتی	تعداد شهر	جمعیت	درصد
۱	تهران	۱	۴۵۳۹۰۰۰	۲۸/۶
۲	۱۰۰۰۰۰۰-۵۰۰۰۰۰	۳	۱۹۲۷۰۰۰	۱۲/۱
۳	۵۰۰۰۰۰-۲۵۰۰۰۰	۴	۱۳۴۵۰۰۰	۸/۵
۴	۲۵۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰	۱۵	۲۱۵۳۰۰۰	۱۳/۶
۵	۱۰۰۰۰۰-۵۰۰۰۰	۲۲	۱۵۳۲۰۰۰	۹/۷
۶	۵۰۰۰۰-۲۵۰۰۰	۴۵	۱۵۴۰۰۰۰	۹/۷
۷	۲۵۰۰۰-۵۰۰۰	۲۷۷	۲۸۰۶۰۰۰	۱۷/۲
۸	۵۰۰۰-	۶	۲۲۰۰۰	۰/۱
۹	کل	۳۷۳	۱۵۸۵۵۰۰۰	۱۰۰

ماخذ: همان

روند رشد وافزایش جمعیت شهری و روستایی کشور درمقاطع آماری ۳۵- ۱۳۶۵ [1]



۱ -اسماعیل شیعه - تمرکز وعدم تمرکز جمعیت در رابطه با تسهیلات عمومی در استان مرکزی- معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران- ۱۳۶۴ .

عوامل موثر بر روند شهرنشینی وروستانشینی درکشور در دوران قبل از انقلاب اسلامی

با نگاهی به اهداف و زمینه های اجرایی برنامه های عمرانی کشور، و روند افزایش جمعیت و تحول سکونت در نقاط شهری وروستایی، توجه به سوی نتایج مثبت و منفی اجرای برنامه ها وعلت العلل دگرگونی سکونت در ایران معطوف می گردد. ساختار اقتصادی ومعیشتی این کشور، ساختاری ترکیب یافته ازنظام زندگی اجتماعی آن است. برنامه های عمرانی کشور، به طور عمده به این مورد توجه اساسی را معطوف نداشتند. دراین کشور، نظام زندگی روستایی از ساختاری چند هزار ساله برخوردار است. اتفاقات تاریخی نیز همواره تاثیر خود را بر روند سکونت وزندگی در ایران نهاده است. کشوری که به عنوان یک کشور با اقتصاد ومعیشت کشاورزی و دامپروری شناخته می شد، در فاصله حدودی سی سال چنان تحولی یافت که ضمن افزایش طبیعی جمعیت، با دگرگونی عظیمی در عرصه سکونت واستقرار جمعیت در پهنه های شهری و روستایی مواجه گردید.

برنامه های اجتماعی واقتصادی در ایران، از هنگامی شروع به اجراء نهاد که ایران هنوز تحت تاثیر اتفاقات ناشی از جنگ جهانی دوم بود. درخلال اجرای برنامه ها اتفاقات سالهای ۱۳۳۲ [۱] و ۱۳۴۱ [۲] به وقوع پیوست. اگر چه برنامه های عمرانی براساس ماهیت خود، به صورتی موضعی و بخشی بود. ولی، اتفاقات سیاسی نیز برآنها موثر واقع شد. اتفاق سال ۱۳۴۱ اگر چه به ظاهر یک نوع تغییر در نظام اجتماعی کشور را تعقیب می کرد، ولی نتایج آن به انهدام ساختار سنتی اجتماعی و اقتصادی و روند سکونت در کشور منجر شد. این مورد بیش از پیش ایران را به خارج از خود وابسته ساخت. این در حالی بود که مخالفت مردم نیز در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ سرکوب شد [۳]. درسال های بعداز ۱۳۳۲، اقتصاد ایران، اقتصادی متزلزل بود. رواج بیکاری، فقدان بودجه کافی، وجود انواع بیماری ها و فقر، اولین سیل مهاجرت از نقاط شهری دور افتاده ونواحی روستایی رابه سوی شهرها سرازیرساخت. اتفاق سال ۱۳۴۱ که به «اصلاحات ارضی» نیز منجر شد، ضمن کاهش تولید محصول زراعی واثر گسترده برروستاها، زمینه را برای خیل عظیم مهاجرت های روستایی مهیا ساخت.

در اثر اجرای اصول محتوایی انقلاب به اصطلاح سفید، مانند ملی کردن جنگلها و مراتع، اعزام سپاهیان دانش به روستاها وهمچنین سپاهیان ترویج و آبادانی وبهداشت، روستاها از چند جهت متحول گردید. زرق و برق شهری به سوی روستاها روان شد. دامپروران (واز جمله ایلات و عشایر)، از

۱- وقایع ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

۲- انقلاب به اصطلاح سفید.

۳- سید محسن حبیبی - از شار تا شهر - تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تاثر - دانشگاه تهران - تهران - ۱۳۷۵.

امکان چرای دام در بسیاری از مراتع ملی محروم شدند. سپاهیان همانطور که بیان شد، ظواهر زندگی شهری را به همراه آموزش سواد و توسعه بهداشت به روستاها بردند. دراین رابطه، ارباب که تامین کننده بودجه و اعمال مدیریت بر تولید بود، از روستا رخت بربست. زارعان با خلاء ناشی از عوامل موثر درتولید مواجه شدند[1]. این مورد درحالی بود که در طی برنامه عمرانی سوم کشور، اولویت به صنعت داده شده بود. علی رغم تغییرات ارضی در ایران، توجه چندانی به کشاورزی معطوف نشد. دربرنامه عمرانی سوم، رشد متوسط بخش صنعت به ۱۲/۷ و رشد کشاورزی فقط به ۲/۸ رسید.[2]

شروع به صنعتی شدن کشور، که در برنامه عمرانی سوم گنجانیده شده بود، به همراه خلاء ناشی از شرایط مناسب کشاورزی و دامپروری و اقتصاد ضعیف آن، جمعیت روستایی را به سوی نواحی صنعتی گسیل داشت. همزمان با مالکان سابق اراضی مزروعی که با درآمد ناشی از فروش زمین زراعی، برای به کارگیری سرمایه خود به سوی خرید زمین در اطراف شهرهای بزرگ (به ویژه در تهران) واحداث کارخانجات صنعتی روی آوردند، مهاجران روستایی (زارعان) نیز به سوی صنایع شهری رهسپار شدند. درحقیقت مالکان زمین در روستا به صاحبان صنایع جدید غیر دولتی تبدیل و سهم عمده ای از زارعان نیز کارگر صنعتی شدند. این مورد در حالی بود که صنایع مادر مانند ذوب

آهن و ماشین سازی در جوار مهمترین شهرهای جمعیتی و کشاورزی کشور پای گرفت وام های کم بهره کشاورزی، به طور عمده به کسانی واگذار شد که صاحبان شرکت های کشت و صنعت محسوب می شدند. به همین خاطر روستایی، گریزی به جز مهاجرت به سوی شهرها را نداشت.

افزایش قیمت نفت که در خلال برنامه عمرانی پنجم به وقوع پیوست، برتشدید مهاجرتها و اقتصاد کشاورزی تاثیر شایان توجهی داشت. دراین مورد، رواج پول در کشور به افزایش واردات وازجمله واردات کشاورزی منجر شد. این امر فروش محصول تولیدی روستاییان را به نسبت دیگر محصولات خارجی، از اقبال کمتری برخوردار ساخت. درعین حال، رواج فرهنگ غربی، جنبه های زندگی بویژه در شهرها را با یک نوع تجدد گرایی همراه ساخت.[3] برنامه های عمرانی، اگر چه در جهت بهبود شرایط اجتماعی واقتصادی به مرحله انجام رسید، ولی به دلیل وقوع اتفاقات میان بخشی، وعدم شناخت ساختار اجتماعی و اقتصادی وطبیعی ایران و توجه بیشتر به مسایل بخشی تا منطقه ای، سیل مهاجرتهای روستایی را به سوی آن قبیل از شهرها که برای کار وتامین درآمد آمادگی بیشتری

۱- منصور خلیلی عراقی - «شناخت عوامل موثر درگسترش بی رویه شهر تهران» دانشگاه تهران-تهران - ۱۳۶۰.

۲- سازمان برنامه و بودجه - «سنجش عملکرد برنامه عمرانی سوم». تهران- ۱۳۵۳.

۳- منصور خلیلی عراقی - همان.

داشتند، دامن زد. آمار سال ۱۳۶۰ بیانگر آن است که ۵۹ درصد از کارخانجات موجود کشور در تهران استقرار داشته است.[1]

علاوه بر موارد یاد شده انجام برنامه هایی چون اسکان ایلات و عشایر در جوار شهرها، ضمن تشدید مهاجرت در نقاط عمده شهری، حیات دامپروری و دامداری درایران را درمعرض تهدید بیشتری قرار داد. این مورد درحالی بود که انجام واجرای برنامه های تقلیدی و بویژه آن قبیل از طرح ها که با ماهیت وساختار سنتی سکونت در ایران، هماهنگی چندانی نداشت، به عنوان سرلوحه اقدامات عمرانی شهری درایران قلمداد گردید. استفاده از متخصصان خارجی که با این ساختار نا آشنا بودند و «مدرنیزه کردن» زندگی در ابعادی گسترده، به عنوان نمونه ذکر می شود.

مرحله ای اجراء شدن برنامه های عمرانی، اگر چه مساعدت فراوانی را در جهت بهبود شرایط اجتماعی واقتصادی به همراه داشت، ولی بنا بر دلایل بیان شده، به عدم اعتدال دراستقرار جمعیت، رکود بخش کشاورزی، افزایش نیروی کار در بخش خدمات وصنعت، مصرف زدگی ونیاز کشور به فرآورده های خارجی، بحران مسکن و آلودگی محیط در شهرهای بزرگ منجر گردید. عوامل فوق بر عرصه های زندگی شهری و روستایی تاثیر گذارد ونتایج آن تا زمان حاضر نیز دراین عرصه ها قابل مشاهده است.[2]

تجزیه وتحلیل

۱- ارتباط برنامه های عمرانی با تنش های جمعیتی شهری وروستایی

تقلیدی بودن برنامه های عمرانی و وابستگی مفرط به منابع تخصصی و برنامه های خارجی و اقتصاد ناشی از صدور نفت، عدم شناخت عوامل محیطی وساختار سنتی آن، ازجمله مشکلات برنامه های عمرانی گذشته کشور است. عدم اطلاع از بازارهای جهانی و وابستگی شدید به نفت که بودجه های عمرانی بر اساس آن قرار داشت، اجرای برنامه ها رابر اساس نوسانات قیمت نفت قرار می داد. به نحوی که هر گونه تغییر در تولید نفت، اولین اثر خود را بر بودجه ها (کاهش یا افزایش) می گذاشت. این وابستگی به نسبت زمانی و در طول اجرای برنامه های عمرانی شدت بیشتری گرفت[3].

۱- مرکز آمار ایران - نام ونشان کارگاههای صنعتی کشور - تهران - ۱۳۶۰.

۲- اسماعیل شیعه - تمرکز وعدم تمرکز جمعیت در رابطه با تسهیلات عمومی در استان مرکزی معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران- تهران -۱۳۶۴.

۳- ناصر مشهدیزاده دهاقانی - تحلیلی از ویژگیهای برنامه ریزی شهری در ایران- دانشگاه علم و صنعت ایران - تهران ۱۳۷۳.

تغییر ساختاری و بودجه ای کشور، بخشی بودن برنامه ها وانجام اقداماتی که به طور عمده در شهرها و بویژه شهرهای بزرگ کشور به مرحلهٔ انجام رسید، تمرکز بیش از حد مهاجران به سوی نواحی ومناطق گرهی را دامن زد. از این رو، برنامه های عمرانی که بسیاری از آنها در نواحی شهری به اجرا درآمد، فاصله بین شهرها و روستاها را ازجنبه های مختلف بیشتر کرد. برای مسایل معتنا به شهری مانند مسکن، پاسخ مناسبی وجود نداشت. انجام برنامه های موضعی که به تمرکز جمعیت نیز منجر شد، دارای سابقه ای طولانی بود. درخلال برنامه های عمرانی، برنامه های اصل چهار ترومن[۱] و طرح مارشال[۲] بر بعضی از نقاط ایران تاثیر گذارد. اجرای این برنامه ها خود عاملی در جلب مهاجران بود. انجام چنین برنامه هایی درخلال اجرای برنامه های عمرانی و با بودجه های داخلی نیز استمراریافت.

آمار نشان می دهد که با توجه به افزایش طبیعی جمعیت و خیل مهاجران، انجام برنامه های عمرانی، روند مهاجرتها را به صورت زیر به در آورد:

- هجوم جمعیت از شهرهای کوچک ومیانی ونواحی روستایی به سوی شهرهای میانی.
- هجوم جمعیت از شهرهای کوچک ومیانی ونواحی روستایی به سوی مراکز شهری بزرگ وصنعتی.
- رشد بعضی از نواحی روستایی و تبدیل شدن آنها به شهر وکاهش تعداد روستاها در اثر خالی شدن از جمعیت.
- تغییر در ترکیب جمعیت شهری و روستایی استان ها به نسبت نوع اقدامات عمرانی انجام شده.

علی رغم مهاجرتها و تنش های جمعیتی، مراکز شهری عمده، پذیرای خیل عظیمی ازجمعیت شدکه از نواحی شهری و روستایی و بویژه نواحی دور افتاده به سوی مراکز متمرکز کاری و اقتصادی روانه گردید.

نتایج و آثار برنامه های عمرانی بر روند شهرنشینی و روستانشینی

مطالعات نشان می دهد که برنامه های عمرانی گذشته، به دلیل عدم تجربه کافی، فقدان کادر

۱- طرح هری ترومن، رئیس جمهور وقت آمریکا به قانون « اصل چهار » شهرت دارد. هدف از این طرح که در سال ۱۹۴۵ میلادی (۱۳۲۴ خورشیدی) به تصویب رسید، کمک به کشورهای همسایه با کشورهای کمونیستی و ارتقاء سطح زندگی مردم این کشورها بودتا به دام کمونیسم نیافتند. بر اساس این طرح درسال ۱۹۴۷ میلادی (۱۳۲۶ خورشیدی) کشورهای ایران، ترکیه و یونان از کمکهای فنی و اقتصادی آمریکا برخوردار شدند.

۲- جورج مارشال، فرماندهی ستاد ارتش آمریکا در اروپا را در جنگ جهانی دوم بر عهده داشت. وی در سالهای ۱۹۴۷ - ۱۹۴۸ میلادی (۱۳۲۶-۱۳۲۷ خورشیدی) منشی دولت آمریکا شد. طرح وی برای کمک به بازسازی کشورهای اروپایی و دیگر کشورهای آسیب دیده از جنگ دوم جهانی به « طرح مارشال » معروف است.

متخصص و نا آشنایی با ساختارهای اجتماعی واقتصادی ، درنقاط مختلف کشور ، اثرات متفاوتی به همراه داشته است. برنامه های عمرانی و اقدامات انجام شده در طول چند دهه، ضمن تغییر درساختار سکونتی کشور، دارای نتایج مختلفی بوده است. ازاهم آنها به فروپاشی نظام سنتی اقتصاد کشور، رواج مصرف زدگی ،تمرکز پول و سرمایه در شهرها، وابستگی به مواد غذایی خارجی، افزایش بالای بخش خدمات، تضعیف بخش کشاورزی ،کاهش نسبی جمعیت روستایی، عوارض زیست محیطی در سطح نواحی شهری و روستایی ، رشد نا اندیشیده شهرها، افزایش اشتغال و درآمد در شهرها، تمرکز تاسیسات رفاهی در مراکز گرهی و رکود اقتصادی سالهای بعد از برنامه عمرانی دوم که همراه با رواج بیکاری آغاز شد، اشاره می شود.

مطالعات همچنین بیانگر آن است که نیروی فعال در بخش کشاورزی که در سال ۱۲۸۵ خورشیدی حدود ۹۰ درصد از کل نیروی فعال کشور را تشکیل داده وعمده آنها نیز به صورت پراکنده درنواحی روستایی کشورمستقر بود، در اوان اجرای برنامه های عمرانی (۱۳۲۵) به۷۵ درصد [1] و در سال ۱۳۴۹ به ۴۶ درصد از نیروی فعال کشور کاهش یافت. یادآور می شود که سال ۱۳۴۹ از سالهای اواخر برنامه عمرانی چهارم محسوب شده و هنوز آثار و نتایج اصلی برنامه های عمرانی، بویژه دهه آغاز صنعتی شدن کشور را به همراه ندارد. در سال ۱۳۵۵ این روند به کمتراز ۴۰ درصد از نیروی فعال کشور تقلیل یافت. این مورد بیانگر آن است که با وجود افزایش طبیعی جمعیت، عمده نیروی فعال به سوی دیگر بخش ها سوق پیدا کرده و برای حفظ نیروی بخش کشاورزی و تقویت آن نیز تمهیدات لازم به مرحله انجام نرسیده است.

مطالعات آماری بیانگر آن است که در سال ۱۳۳۵ حدود ۱۱ درصد ازجمعیت به صورت مهاجر در نقاط مختلف کشور زندگی می کرده اند. در حالیکه در سال ۱۳۴۵ (از سالهای پایانی برنامه عمرانی سوم و شروع به صنعتی شدن کشور) این رقم به ۱۲/۸ درصد و در سال ۱۳۵۵ (از سالهای پایانی برنامه عمرانی پنجم و با تاثیر افزایش قیمت نفت - توسعه صنعت وتمرکز خدمات) این رقم به ۲۲/۶ درصد رسیده است. این مورد بدان معنی است که در پایان برنامه عمرانی اول ، فقط یک دهم از جمعیت حدود ۱۹ میلیون نفری کشور در سال ۱۳۳۵ (حدود ۱/۹ میلیون نفر) به صورت مهاجر در محل سکونت خود اقامت داشته اند. درحالیکه در سالهای پایانی برنامه عمرانی پنجم از جمعیت ۳۴ میلیون نفری کشور در سال ۱۳۵۵ ، حدود یک پنجم (۷/۶ میلیون نفر) به صورت مهاجر زندگی می کرده اند.

در نتیجه، چنین استنباط می شود که برنامه های عمرانی، ضمن آنکه نتوانسته است به اسکان مناسب جمعیت در کشور بیانجامد و اقتصاد نابسامان روستایی و شهری دهه های ۱۳۳۰ ، ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ را

۱ - سازمان برنامه و بودجه - دفتر برنامه ریزی منطقه ای - سابقه برنامه ریزی در ایران - تهران ۱۳۶۲».

سامان بخشد، بلکه به یک سلسله تمرکز توام با کاهش اعتبار بخش کشاورزی و افزایش بخش خدمات (به صورت ویژه) و صنعت دست یافته است.

مشکلات برنامه های عمرانی قبل از انقلاب اسلامی در روند توسعه شهری و روستایی

علل العلل ناشی از افزایش مهاجرتها و دگرگونی درنظام سکونت را می توان علاوه برمسایل یاد شده، از مشکلات اجرایی برنامه های عمرانی اجرا شده استنباط کرد. از این رو به صورتی مختصر به بیان مشکلات اجرایی این برنامه ها پرداخته می شود. [۱]

مشکلات برنامه عمرانی اول (۱۳۲۷ - ۱۳۳۴)

- پایان جنگ جهانی دوم.
- عدم تجربیات قبلی در ایران.
- اتفاقات سالهای ۱۳۳۲ (ملی شدن نفت - کودتای ۲۸ مرداد)

مشکلات برنامه عمرانی دوم (۱۳۳۴- ۱۳۴۱)

- فقدان برنامه جامع اقتصادی.
- فقدان روش برنامه ریزی.
- فقدان آمار و اطلاعات.
- شیوع بیماری های مسری و بومی.
- فقدان بهداشت.
- عدم تکافوی شبکه راهها.
- استمرار عدم تجربه در برنامه ریزی.
- تغییرات مکرر بودجه ناشی از درآمد نفت.
- ناهماهنگی فعالیت های عمرانی.
- افزایش مداوم و سریع سرمایه گذاری که با فشار وتورم در اقتصاد توام بود.
- عدم آمادگی سازمانهای اداری ازطرح ها وفقدان امکان در جهت اجرای آنها.
- فقدان کادر متخصص.
- پایین بودن سطح سواد (در سال ۱۳۳۵ حدود ۸۵ درصد از جمعیت بالای ده سال کشور بی سواد بوده اند). [۲]

۱- دفتر برنامه ریزی منطقه ای سازمان برنامه و بودجه - سابقه برنامه ریزی در ایران - سازمان برنامه و بودجه- تهران - ۱۳۶۲.

۲- وزارت کشور - سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۳۵ - جلد اوّل و دوّم - تهران ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰.

مشکلات برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۱-۱۳۴۶)

- رکود اقتصادی سالهای آخر برنامه دوم - کمبود ارز - تورم.
- ثابت ماندن نرخ بیکاری.
- رکود بخش کشاورزی به نحوی که انتظار رشد ۴ درصد در سال، عملاً و به دلایل زیر بیش از ۲/۸ درصد نشد:
- محدودیت زراعت آبی در مقابل دیم.
- عدم اطمینان زارعان به تامین آب لازم.
- کاهش دامداری در اثر آفات و بیماری ها.
- پراکندگی واحدهای کشاورزی.
- اصلاحات ارضی.
- رشد گروه صنایع ساختمانی وماشین آلات وپوشاك به جای گروه مواد غذایی، چرم و نساجی.
- عدم علاقه بخش خصوصی در سرمایه گذاری.
- افزایش هزینه های ساختمانی و کمبود کادر متخصص.
- عدم کارآیی آموزش.
- افزایش دانش آموزان مدارس حرفه ای و فقدان برنامه آموزشی برای آنها.

مشکلات برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۷ - ۱۳۵۱)

- پایین بودن فوق العاده درآمد سالانه.
- اختلاف فاحش بین درآمد روستاییان و شهرنشینان.
- مهاجرت روستاییان به شهرها.
- پایین بودن متوسط قدرت تولید عوامل سرمایه، کار ومدیریت.
- تکیه برنفت درمقابل دیگر بخش ها و برنامه های اقتصادی.
- کمبود سرمایه برای صنایع شیمیایی وپتروشیمی ومشتقات آن.
- عدم استفاده صحیح و کافی از منابع آب موجود.
- کمبود نیروی انسانی ازنظر کیفی (تخصصی).
- عدم استفاده کافی از پس اندازهای موجود درکشور.
- عدم شناخت کافی نسبت به بازارهای جهانی.
- فقدان شناخت نسبت به معادن کشور.

مشکلات برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶)

- کمبود نیروی انسانی متخصص .
- کمبود ظرفیت واقعی وبالقوه تاسیسات زیربنایی مانند بنادر ، راهها و راه آهن .
- کمبود عرضه انواع مختلف انرژی .
- کمبود عرضه مصالح ساختمانی از جمله سیمان و آهن .
- کندی قدرت تولید کشور از افزایش منابع مالی و ارزی .
- افزون بودن امکانات مالی بخش خصوصی و قدرت بخش عمومی ، به نسبت امکانات تولید داخلی .
- وجود تورم در سطح بین المللی و وجود تنگناهای وارداتی و راه ها .
- فشارهای تورمی داخلی ناشی از رشد سریع اقتصادی و فشارهای عمومی .

بدیهی است که اجرای برنامه های عمرانی با توجه به مسایل ومشکلات یاد شده ، نمی توانست از موفقیت چندانی برخوردار باشد . وجود مشکلات یاد شده و دگرگونی در نظام اقتصادی کشور ، برای تحول درجهت سکونت درنقاط شهری و روستایی ، دلیلی متقن است . درعین حال ، عمده مهاجرت ها علی رغم وجود بعضی از برنامه های اصلاحی ، مانند تهیه طرح های جامع و هادی شهری ، بنابر تمرکز فعالیت وکار و سرمایه ، نقاط شهری متمرکز را متمرکز تر کرد[1] . بین اولین شهرها با شهرهای درجه دوم و سوم کشور فاصله بیشتری ایجاد شد . دراین مورد ، اختلاف جمعیتی بین شهرهای درجه اول و شهرهای متعدد و کوچک کشور ، ازنظر امکانات رفاهی و جمعیتی ، بسیار زیاد است .

۲- تقابل اصلاحات ارضی و صنعتی شدن کشور در رواج مهاجرت و سکونت درکشور

اصلاحات ارضی ، ازجمله برنامه هایی بود که به صورت موثر در برنامه عمرانی سوم به مرحله اجراء درآمد . آثار این برنامه در طول برنامه های عمرانی بعدی و در ارتباط با انجام محتوایی آنها نقش به سزایی داشته است .

اصلاحات ارضی ، تحولی بود که روند سنتی تولید در روستاهای کشور را متاثر ساخت . این اقدام به عنوان دافعه ای برای جمعیت روستایی محسوب می شود . در حالیکه صنعتی شدن کشور که در

۱- تهیه طرحهای جامع شهری و عدم انطباق عمده آنها با خصوصیات ساختاری شهرها نیاز به بحث جداگانه دارد . برای اطلاع بیشتر به مراجع زیر اشاره می شود :

الف - زهرا حقیقی - چرا طرحهای جامع با شکست روبرو می شود- دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران - ۱۳۵۵ .

ب - اسماعیل شیعه - معیارهای کاربری زمین در شهرهای ایران براساس وضع موجود و پیشنهادی طرحهای جامع - موسسه مهندس مشاور دکتر علی ادیبی - تهران - ۱۳۵۷ .

نواحی شهری صورت گرفت ، به رواج بازار کار و خدمات انجامید . این مورد نیز به عنوان جاذبه ای برای این جمعیت به حساب می آید . توام شدن این دو برنامه و تاثیر متقابل آنها بر یکدیگر نقطه اوج تحول درنظام سکونتی در کشور می باشد . علاوه بر نکات یاد شده، بروز مشکلات ناشی از اصلاحات ارضی مانند رشد مجتمع های کشت و صنعت ، نیازمندی زارعان ومشکلات صنعت مانند رشد صنایع مونتاژ ونیاز به کارگر ، بحران مسکن ونیازمندی های عمومی ، مواردی بود که به صورت توامان مشکلات موجود را گسترش بیشتری داد .

- بحران در نظام استقرار جمعیت (ارزیابی ونتیجه گیری)

طی سالهای ۴۱- ۱۳۴۵ درحالی که صنعت وخدمات رشدی معادل ۱۴ درصد داشت ، رشد بخش کشاورزی به ۴ درصد رسیده بود . کشاورزی از دو سوی مورد هجوم قرار گرفت . یکی توسعه مناسبات پولی و گسترش مصرف در روستاها و دیگری نیاز صنایع به نیروی انسانی بود . با افزایش درآمد نفت ، رابطه بین شهر و روستا ضعیف تر شد . از طرف دیگر در اثر مهاجرت به شهرها ، بحران مسکن وزمین آغاز گردید . طی سالهای ۴۵-۱۳۵۵ فقط نیم میلیون نفر از مهاجران به تهران نقل مکان کردند . این شهر ۷۲ درصد از مهاجرتهای بین استانی و ۴۶ درصد ازنقل مکان های بین شهرستان های کشور را (در سال ۱۳۴۵) پذیرا شده است . استان مرکزی و تهران بیشترین درصد جمعیت مهاجر را به خود جذب کرده است . در فاصله سالهای ۳۵- ۱۳۴۵ از ۲۸۰۰۰۰۰ نفر رشد جمعیت شهری ، ۱۶۳۰۰۰۰ نفر (۴۳ درصد) را سهم مهاجران به وجود می آورد . این درحالی است که در سالهای ۴۵-۱۳۵۵ ازمیزان ۶۰۶۰۰۰۰ نفر رشد جمعیت شهری ، ۵۰ درصد یا حدود ۳۰۳۰۰۰۰ نفر سهم مهاجران گردیده است . در فاصله سالهای ۵۳-۱۳۵۷ تاکید اصلی بر صنعت وخدمات بوده است . ازکل اعتبارات، ۴۱ درصد به صنعت و۲۲/۸ درصد به ساختمان تخصیص یافته است . یعنی ۶۴ درصد از بودجه ها مستلزم تشدید خدمات انتقالی جمعیت از روستا به شهر بوده است . افزایش درآمد نفت ، به پشتیبانی از صنایع و ورود کالاهای کشاورزی ازدیگر کشورها منجر شد . همین مورد، باعث رکود تولید کشاورزی گردید . ورود سرمایه انبوه به بازار شهری ایران و کار در امور تجاری- خدماتی وساختمانی و بالا رفتن سطح درآمد در شهرها عامل اصلی رکود در کشاورزی قلمداد می شود . بر اساس موارد فوق خیل مهاجرت ها آغاز شده و از سالهای حدود ۱۳۴۹ شدت می گیرد . طبق آمار سال ۱۳۵۵ ، حدود ۴۵ درصد ازمهاجران[1] در فاصله های ۵۱-۱۳۵۵ از محل سکونت خود دست به مهاجرت زده اند . از حدود سال ۱۳۵۰ سالیانه به ترتیب ۴۰۰، ۵۰۰ و ۶۰۰ هزارنفر به

۱- مرکز آمار ایران - سرشماری عمومی نفوس ومسکن - آبانماه ۱۳۵۵ کل کشور - تهران - ۱۳۵۹ .

مهاجرت پرداخته اند و در فاصله سالهای ۴۵-۱۳۵۲ حدود ۱۲۸۲ آبادی (روستا) در سطح کشور عاری از جمعیت شده اند[1]. نتیجه آنکه توسعه بی رویه صنعت وانجام نامتعادل برنامه اصلاحات ارضی و افزایش قیمت نفت که عمده آنها درخلال برنامه های عمرانی کشور انجام گرفت ، به نابسامانی درنظام سکونتی کشور انجامید. سکونت در شهرهای بزرگ وکوچک، مراکز سکونتی و تولیدی روستایی، ایلات و عشایر و در نتیجه پراکندگی جمعیت در سطح کشور را تحت تاثیر قرار داد. تحول جمعیتی درکشور براساس تمرکز در شهرها وکاهش جمعیت روستایی قرار گرفت. جالب توجه آنکه درمیان شهرهای کشور اختلاف فاصله، علی رغم افزون شدن تعداد جمعیت شهری ، بیشتر شد. تهران به حدود جمعیتی بیش از ۶/۶ نفر (آمار سال ۱۳۷۵) رسید. تعداد شهرهای یک میلیون تا دو میلیون نفری کشور به سه واحد (اصفهان - مشهد - تبریز که از شهرهای درجه اول کشور در سال ۱۳۷۰ محسوب می شوند) افزایش یافت. اختلاف فاصله بین این شهرها و شهرهای دیگر و خاصه نواحی روستایی چند برابر شد.

۷- نگرشی کلی بر ادامه برنامه های عمرانی در دوران بعد از انقلاب اسلامی

اگر چه اصول و محتوای برنامه عمرانی ششم کشور تهیه شده بود، ولی همزمان با وقوع انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ اجرای این برنامه عملاً متوقف گردید. شرایط انقلاب طبیعتاً مهاجرت به سوی شهر ها را افزایش داد و این مورد در حالی بود که جمعیت کشور از ۳۴ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به ۴۹ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ رسید. به عبارت دیگر در فاصله ده سال حدود ۵۰ درصد به جمعیت کشور افزوده شد. این مورد ضمن افزونی جمعیت، بر تعداد بیشتر شهرها و روند شهرنشینی دامن زد. وجود عواملی چون وقوع جنگ ایران و عراق، واگذاری زمین در شهرها، تشدید تمرکز کار و سرمایه در شهرها به ویژه در شهرهای رده اول کشور، به تمرکز گرایی بیشتر جمعیت انجامید. اگر چه فعالیت های عمرانی و رفع نیازمندیهای روستائیان در روستاها در حد وسیعی توسعه یافت، ولی بنابر وجود خلاء ناشی از کار در روستاها و تمرکز سرمایه در شهرها و افزایش طبیعی جمعیت بر تمرکز گرایی آن موثر افتاد.

آمار سال ۱۳۵۶[2] بیانگر آن است که ۲۳ درصد از مهاجران تهران برای دستمزد و درآمد و ۳۰/۱۹ درصد به تبعیت از خانوار محل تولد خود را ترک کرده اند. در حالیکه براساس آمارهای اخذ

۱- ناصرمشهدیزاده دهاقانی- تحلیل از ویژگیهای برنامه ریزی شهری ایران - دانشگاه علم وصنعت ایران - تهران -۱۳۷۳ .

۲- سازمان برنامه و بودجه - گزارش اجمالی درباره تهران - ۱۳۵۶ .

شده توسط وزارت جهاد سازندگی[۱]، برای اقشار پر درآمد روستایی تا ۴۰ درصد از مهاجرتها کشش و جاذبه های شهرنشینی، برای اقشار با متوسط درآمد تا ۷۰٪ کمبود امکانات عمرانی در روستا و برای قشر کم درآمد روستایی تا ۶۰ درصد ضعف توان مالی بوده است.

وجود مزیت هایی چون واگذاری زمین یا مسکن، آب و برق و وجود بازار کار و خدمات عمومی و فقدان نسبی آن در روستاها، جمعیت کم درآمد و محروم روستایی را بیش از پیش به سوی شهرها سوق داد.

اجرای برنامه عمرانی اول توسعه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اگر چه برای سالهای ۱۳۶۲-۱۳۶۷ برنامه ریزی شده بود، ولی بنابر وجود مشکلاتی چون استمرار جنگ تحمیلی، اجرای آن به نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ موکول شد. اجرای برنامه اول توسعه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی برای سالهای ۱۳۶۸-۱۳۷۲ در شرایطی صورت گرفت که وقایعی مانند کاهش قیمت نفت، آثار بر جای مانده از جنگ تحمیلی و نیاز به بازسازی مناطق جنگ زده را در خود داشت. همین مورد نیاز به آمارگیری مجدد از جمعیت را برای سال ۱۳۷۰ (برای اولین بار در یک مقطع پنج ساله) گریزناپذیر کرد.

طبقات جمعیتی شهرهای ایران در سال ۱۳۶۵ (هزار نفر)

ردیف	طبقات جمعیت	تعداد شهر	جمعیت	درصد
۱	تهران	۱	۶۰۲۲	۲۲/۳
۲	۵۰۰ هزار نفر و بیشتر	۷	۶۰۱۵	۲۲/۳
۳	۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر	۸	۲۲۴۵	۸/۳
۴	۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر	۲۴	۳۶۴۲	۱۳/۵
۵	۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر	۴۶	۳۳۳۲	۱۲/۴
۶	۲۵ تا ۵۰۰۰۰ نفر	۶۷	۲۳۰۹	۸/۶
۷	۵ تا ۲۵۰۰۰ نفر	۲۵۹	۳۱۲۶	۱۱/۶
۸	کمتر از پنج هزار نفر	۸۴	۲۶۲	۱
۹	کل	۴۹۶	۲۶۹۵۳	۱۰۰

مأخذ: همان

آمار سال ۱۳۶۵ نشان می دهد که از ۴۹۴۴۵۰۰۰ نفر جمعیت کشور، حدود ۲۶۹۵۳۰۰۰ نفر در شهرها می زیسته اند (۵۴/۵ درصد). در حالیکه جمعیت کشور در سال ۱۳۷۵ به حدود ۶۰ میلیون نفر و جمعیت شهری به حدود ۳۷ میلیون نفر (حدود ۶۱/۶ درصد) رسید. تعداد شهرهای

۱- بر مبنای آمار متخذه از شهرستان بیجار در سال ۱۳۶۵.

کشور نیز از ۴۹۲ واحد در سال ۱۳۶۵ به ۶۱۲ واحد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافت. در این مورد کشور شاهد رشد شهرهای بیش از یک میلیون نفری، رشد شهرهای میانی و افزایش شهرهای کوچک بوده است.

رده بندی جمعیت شهری در سال ۱۳۷۵ (ارقام جمعیت هزار نفر)

ردیف	رده جمعیتی	جمعیت	درصد	درصد تراکمی	تعداد شهرها
۱	یک میلیون و بالاتر	۱۲۱۵۶	۳۳/۰	۳۳/۰	۵
۲	۵۰۰ هزار نفر تا یک میلیون نفر	۳۲۱۷	۸/۷	۴۱/۷	۴
۳	۲۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر	۴۷۷۴	۱۳/۹	۵۴/۷	۱۴
۴	۱۰۰ هزار تا ۲۵۰ هزار نفر	۵۱۳۳	۱۳/۹	۶۸/۶	۳۶
۵	۷۵ هزار تا ۱۰۰ هزار نفر	۲۰۷۹	۵/۶	۷۴/۳	۲۴
۶	۵۰ هزار تا ۷۵ هزار نفر	۲۱۸۱	۵/۹	۸۰/۲	۳۶
۷	۲۵ هزار تا ۵۰ هزار نفر	۳۳۱۰	۹/۰	۸۹/۲	۹۴
۸	۱۰ هزار تا ۲۵ هزار نفر	۲۵۷۸	۷/۰	۹۶/۲	۱۶۶
۹	۵ هزار تا ۱۰ هزار نفر	۱۱۰۵	۳/۰	۹۹/۲	۱۵۰
۱۰	۲ هزار تا ۵ هزار نفر	۲۷۰۰	۰/۷	۹۹/۹	۷۰
۱۱	کمتر از ۲۰۰۰ نفر	۱۵۳	۰/۰۴	۱۰۰	۱۳
	جمع	۳۶۸۱۸	۱۰۰	-	۶۱۲

مأخذ: دفتر برنامه ریزی عمرانی وزارت کشور، «مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری» جمعیت شهرهای کشور براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ - تهران- ۱۳۷۶.

برنامه های اول توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با هدف خودکفایی کشاورزی، محرومیت زدایی، اولویت روستا بر شهر، اولویت مناطق محروم بر دیگر مناطق آغاز شده و برنامه دوم آن در فاصله سالهای ۱۳۷۲-۱۳۷۷ انجام یافته است. علاوه بر موارد فوق به مقوله بازسازی، بهسازی و تامین مسکن، گسترش آموزش و عمران منطقه ای توجه اساسی مبذول شده است، ولی آنچه که هنوز هم نیاز به توجه بیشتر دارد، به مقوله اجرای سیاستهای عدم تمرکز جمعیت که از جمله لازمه های آن توجه به قابلیت ها و توانهای محیطی مناطق، سلسله مراتب در

پخش خدمات و نیازمندیهای عمومی و زمینه سازی کار و فعالیت و سرمایه و ایجاد اشتغال در نقاط غیر متمرکز است، باز می گردد.

پیشنهاداتی در بهبود برنامه های توسعه در ایران

با توجه به اهداف، سیاستها، روند اجراء و نتایج برنامه های توسعه ای گذشته در ایران توجه به نکات اساسی زیر ضروری می باشد:

- توجه به توانهای محیطی ایران و قابلیت ها و امکانات و محدودیتهای آن در برنامه ریزی توسعه.
- توجه به بوم ساختهای محیطی و وارد کردن اساسی مقوله توسعه پایدار در برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی.
- نقش دهی به مناطق بر مبنای قابلیت ها و امکانات محیطی آنها.
- توجه به فرهنگ و سنت و روند سکونت و معیشت در کشور.
- توجه به عدم اقدامات مقطعی و تصمیمات یکباره ای در خلال اجرای برنامه ها.
- ارزیابی نتایج ناشی از اجرای هر برنامه به منظور رفع نارسایی ها در اجرای برنامه های بعدی.
- لزوم توجه اساسی به توسعه راهها و سلسله مراتب ایجاد آنها به نسبت قطبهای تولیداتی، صادراتی، وارداتی.
- تاثیر پذیری کامل سیاستهای کشوری از چهارچوب برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی.
- اجرای برنامه های تنظیم رشد جمعیت و استقرار آن به تبعیت از سلسله مراتب ایجاد قطبهای رشد و توسعه در کشور و اعمال سیاست عدم تمرکز.

ارتباط منطقی و منسجم بخشهای اجتماعی و اقتصادی و نهادهای اجرایی آنها در خلال اجرای برنامه ها و در عین حال رابطه اصولی بین برنامه های بخشی و برنامه های منطقه ای.

- استفاده از تجارب دیگر کشورها و در عین حال استقلال کامل در تدوین اهداف و سیاست گذاری برنامه ها و توجه به شرایط بومی مناطق بدون تاثیر پذیری از اقدامات تقلیدی.
- توجه به روستا به عنوان یک عامل تولیدی اساسی در خودکفایی کشاورزی و استقلال اقتصادی کشور.
- سلسله مراتب پخش خدمات اقتصادی و اجتماعی به نسبت مراکز جمعیتی.

- استفاده از فن آوری های مناسب از دیدگاه مدیریتی، ابزاری و علمی و آموزشی در تدوین برنامه ها و اجرای آنها.

- رفع مشکلات ناشی از عوامل مخاطره برانگیز مانند زلزله، سیل، بیکاری، خشکسالی، تورم بر مبنای سیاستهای مستدل و اقدامات عمرانی غیر متمرکز.

- آینده نگری و در عین حال پیش بینی نتایج مثبت و عوارض ناشی از اجرای برنامه ها در بخشها و مناطق مختلف.

- توجه به عوامل اجتماعی و فرهنگی و زمانی و مکانی در کنار برنامه ریزی برای عوامل اقتصادی و بودجه ای.

امیدوار است که برنامه های آینده توسعه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کشور، زمینه را به منظور رشد بیشتر اجتماعی و اقتصادی آماده نموده و زمینه مناسبی را برای جمعیت آینده کشور بوجود آورد. از این طریق نیز گامی اساسی در حفظ استقلال و هویت کشور برداشته شود.

بخش سوم

وجـود مـردم دانا، مثـال زرطلی است
که هر کجـا که رود قدرو قیـمتش دانند
بـزرگــزاده نـادان بـه شــهـر وامــانـد
کـه در دیـــار غـریبش به هیچ نستانند
(شیخ مصلح الدّین سعدی شیرازی- وفات ۶۹۵ هجری)

تاثیر تحولات اجتماعی و اقتصادی برحیات شهری و روستایی شهرستان اراك

در برنامه ریزی به منظور ایفای نقش اقتصادی جدید شهرها و مناطق، توجه به ساختار موجود و شرایط مختلف آنها ازاهمیت ویژه ای برخوردار است. با توجه به اهمیت این موضوع واینکه تصمیم به واگذاری یک نقش اقتصادی تا چه اندازه می تواند متضمن تحول در ساختار اجتماعی واقتصادی وکالبدی باشد، در این بخش به بررسی شهر وشهرستان اراك پرداخته می شود. این موضوع بیانگر آن است که اگر تصمیم گیری درایفای این نقش ها با مطالعه کافی همراه نباشد، تا چه میزانی به دگرگونی در فضای مورد برنامه ریزی منجر می شود.

شهرستان اراك در اصل یک منطقهٔ کشاورزی است. علی رغم شرایط مساعد و نامساعد طبیعی، ازگذشته دور ضمن تامین مایحتاج غذایی خود، از جمله عمده ترین صادر کنندگان محصولات زراعی و دامی به نقاط دیگر بوده است[۱].

ناحیه اراك فلات وسیعی با ۵۴۰۰ کیلومتر مربع مساحت است که ۲۴۰۰ کیلومتر مربع از آن را جلگه تشکیل می دهد. منابع آب رودخانه ای در این ناحیه از غنای چندانی برخوردار نبوده و قسمتهایی از آن تحت تاثیر کویر میقان است. شرایط طبیعی، نوع خاك و آب و هوای آن مساعدتهای فراوانی را در امر کشاورزی و دامپروری دارا می باشد. این زمینه ها، خود بستری مناسب جهت استقرار روستاها و مراکز جمعیتی را به وجود آورده ،به نحوی که ناحیه اصلی اراك (شامل سربند، شراء، قره

۱ - آمار سالهای گذشته.

کهریز، فراهان بزرگ، مشک آباد و و فس و بز چلو) متشکل از ۷۵۰ آبادی کوچک و بزرگ برمبنای معیشت کشاورزی و دامداری گردیده است. شهرستان اراك دارای خاك نسبتا مرغوب بوده و منابع آب آن نیز بویژه در قسمتهای جنوبی و غربی شهرستانهای فعلی سربند و اراك قابل توجه است. در این ناحیه ۱۱ رودخانه که میزان آب آنها را ریزشهای جوی تعیین می کند، جریان دارد. از این آبها چندان استفاده ای به عمل نمی آید. در سال ۱۳۶۱ در این ناحیه ۵۱۹ قنات و ۱۶۵ چشمه وجود داشت که بر جمع آنها ۲۲۸ چاه عمیق و ۷۹۴ چاه نیمه عمیق را باید افزود. متاسفانه به دلیل حفر این چاهها و بهره برداری بی رویه ازآنها حدود ۳۰ درصد ازقنوات خشک شده است. این ناحیه از بهترین نواحی گونه های گیاهی و حیوانی کشور است. ازگذشتهٔ دور، گروه های مختلف جمعیت در این ناحیه استقرار داشته و نحوه معیشت، سکونت، و شرایط زیست خود را بر مبنای این عوامل قرار داده اند. نتیجه چنین شده است که شهرستان اراك به عنوان یکی از مهمترین مراکز تولید گندم، انگور ، دام و محصول دامی و بالاخره فرش معرفی شود.

به دلیل مشکلات کشاورزی و وجود فقر و بیکاری درمناطق روستایی که در این شهرستان از دهه ۱۳۳۰ شروع می شود ، خیل عظیمی از جمعیت از این شهرستان راهی دیگر نقاط کشور وازجمله تهران گردیده است. بی توجهی به کشاورزی درخلال همان سالها و به دنبال آن ، عدم اجرای صحیح برنامه اصلاحات ارضی و شروع به اجرای طرح های صنعتی ، اسکان جمعیت را برهم ریخت و صنعت باتوجه به خلایی که در بخش کشاورزی به وجود آمده بود، جمعیت روستایی اراك را به سوی خود گسیل داشت. اگر چه تعداد جمعیت نیز درحال افزایش بود، ولی وجود قطبهای جاذب جمعیت یارای پاسخگویی به سکونت جمعیت مهاجر را نداشت.

شهر اراك که در سال ۱۳۳۵ بالغ بر ۵۸۹۹۸ نفر جمعیت داشت، به طور متوسط در طول سالهای ۳۵ - ۱۳۶۵ رشدی برابر ۵/۱ درصد داشته است. جمعیت این شهر در سال ۱۳۶۵ به حدود ۲۶۵,۰۰۰ نفر و در سال ۱۳۷۰ به حدود۳۰۰,۰۰۰ و در سال ۱۳۷۵ به ۳۸۰,۰۰۰نفر رسیده است. درسال ۱۳۳۵ حدود ۶۴ درصد از جمعیت شاغل ناحیه اراك در بخش کشاورزی به کار اشتغال داشته اند. درحالیکه این رقم در سال ۱۳۶۵ در اثر تغییر در ساختار اقتصادی شهرستان و ایفای نقشهای جدید در نواحی شهری به ۲۵/۸ درصدکاهش یافته است.

در سال ۱۳۴۵ حدود ۳۱/۲ درصد از جمعیت شهرستان فعلی اراك شهرنشین و ۶۸/۲ درصد روستانشین بود. درحالیکه این رقم در سال ۱۳۶۵ وباتوجه به رشد طبیعی جمعیت ومهاجرت پذیری شهراراك به ۵۷ درصدشهرنشین و ۴۳ درصد روستانشین رسیده است. اگر چه جمعیت شهرستان اراك از ۲۳۱۰۰۰ نفر در سال۱۳۴۵ به حدود ۴۷۷۰۰۰ نفر درسال ۱۳۶۵ (درفاصله ۲۰

سال دو برابر) رسیده، ولی شهر اراك درهمین مقطع زمانی چهار برابر جمعیت خود را پذیرا شده است.

شهرستان اراك بنابر موقعیت خود و نزدیکی به تهران و صنایع سنگین اصفهان، وجود راههای جاده ای و راه آهن، درطول چهار دههٔ اخیر محلی برای گسترش عمدهٔ صنایع سنگین کشور بوده است. ازاین رو کار زراعی و دامپروری که ناشی از مشکلات ویژه آنهاست، در ارتباط با وجود قطبهای جاذب صنعتی عقب نشینی کرده و به همین علت خصوصیات اجتماعی و اقتصادی این شهرستان دگرگون شده است.

تنگناهای اقتصادی شهرستان اراك به طور عمومی درارتباط با کشاورزی به منابع آب و نیروی کشاورزی، نظام کشاورزی و بازار فروش مربوط می شود. ازطرف دیگر شرایط برشمردهٔ جاذب نیروی کار و جمعیت نیز عرصه را برای رشد و تعالی فعالیتهای غیر کشاورزی درحدی گسترده تر فراهم آورده است. وجود بازار گرم صنعت وخدمات اقتصادی و بازرگانی که عمدهٔ آنها درشهر اراك متمرکز است، سیمای اقتصادی نقاط شهری و روستایی شهرستان را دگرگون ساخته و ساکنان این نقاط را بیش ازپیش مصرف زده کرده ویکی ازعمده ترین تولید کنندگان و صادر کنندگان مواد غذایی را به یکی از عمده ترین مصرف کنندگان و وارد کنندگان تبدیل کرده است.

مهاجرت روستاییان به شهر اراك، به شهر حالتی متمرکز داده است. طبق آمار سال ۱۳۶۵ در استان مرکزی ۲۷۱ واحد صنعتی بزرگ وجود داشته که عمدهٔ آنها در شهر اراك مستقر بوده است.

در شهرستان اراك، تحولات مختلفی مانند اجرای طرح های صنعتی، ایفای نقش مرکزیت استان مرکزی، رونق بازار کار یا افزایش مشاغل درآمد زا و رونق مشاغل خدماتی، باعث اختلال در نظام طبیعی و انسانی وسکونت جمعیت دراین منطقه شده است. در طول چند دهه اخیر جمعیت نقاط روستایی این شهرستان به همراه دیگر مهاجران گسیل شده به شهر اراك، روند جمعیت پذیری و توسعه کالبدی شهر اراك را برهم زده و بر حیات شهری اراك صدمات زیادی وارد آورده است. مترادف با آن، شرایط زیست و سکونت در شهرستان اراك مشکلات عدیده ای رابه وجود آورده است. مهمترین مشکلات در سطح شهر و شهرستان اراك به شرح زیر عنوان می شود:

- در سطح شهرستان اراك:

ـ افزایش مهاجرتها از نواحی روستایی به شهر اراك، پراکندگی جمعیت را نامتعادل ساخته است.

ـ اقتصاد کشاورزی درمقابل صنعت وخدمات عقب نشینی کرده است.

ـ نیروی شاغل و کارآمد کشاورزی به سوی مراکز جاذب شهری روان گردیده است.

ـ مصرف زدگی (به ویژه در ارتباط با تولید کشاورزی و دامی)، درنواحی روستایی رواج یافته است.

ـ بافتهای روستایی ازهم گسیخته شده وچهره ای ناهمگون به خود گرفته است.

ـ استقرار نامتناسب مکانهای صنعتی در نزدیکی مزارع یا به جای اراضی زراعی، روستانشینی را به عقب رانده است.

ـ در اثر استفادهٔ بی رویه از چاههای عمیق، منابع آب زیرزمینی کاهش یافته و تعداد زیادی از قنوات خشک شده است.

ـ در اثر کاهش سطح آبهای زیرزمینی، کاهش گونه های گیاهی و افزایش آلودگی زیست محیطی، شرایط آب و هوایی ناحیه نیمه کویری اراک بیش ازپیش به خشکی گراییده است.

ـ کمبود تاسیسات رفاهی در سطح مراکز روستایی درمهاجرت جمعیت عامل مشوقی بوده است.

ـ در سطح شهر اراک

ـ بحران مسکن در شهر اراک در ابعاد وسیعی مطرح شده است.

ـ بهترین اراضی زراعی و باغی اطراف شهر که سپری در مقابله با آثار کویر بود، در اثر گسترش شهر و سودجویی از زمین به زیر سیطره توسعه شهری رفته و باغهای اطراف شهر منهدم گردیده است. شهر اراک که روزگاری یک شهر ییلاقی برای بازدیدکنندگان و تفریح کنندگان دیگر نقاط بود، به شهری خشک و تقریباً عاری از لطافت هوا در فصول گرم تبدیل شده است.

ـ بافتهای مسکونی جدید با سنت و الگوی سکونت به نسبت شرایط اجتماعی و اقتصادی وطبیعی هماهنگی ندارد.

ـ بسیاری از بافتهای شهری به دلیل سرعت در افزایش ساخت وسازها، به دور از هرگونه تاسیسات و تسهیلات اجتماعی مانند مرکز فرهنگی، مرکز درمانی و بهداشتی و آموزشی فقط به واحدهای مسکونی اختصاص یافته و کاربری زمین مطلوبیت لازم را ندارد.

ـ روابط اجتماعی بین ساکنان اصلی شهر و مهاجران وارد شده به آن از قوام لازم برخوردار نیست.

ـ بافت مرکزی شهر به عنوان تنها مرکز تجاری و اداری آن باعث افزایش بحران آمد و شد و ایجاد گره های رفت و آمدی شده و از اینرو افزایش سرسام آور قیمت زمین، ساختمان و سرقفلی را در پی داشته است.

ـ مشاغل کاذب و دستفروشی ضمن آنکه در شهر روبه تزاید رفته است ، خود عاملی در ایجاد راه بندانها و سد معبرها درمنطقهٔ مرکزی شهر شده است .

ـ روند افزایش تسهیلات زیر بنایی با روند افزایش جمعیت همسان نبوده است .

ـ عمران شهری و افزایش تسهیلات اجتماعی و اقتصادی با نارسایی هایی روبرو بوده است .

ـ استقرار صنایع درجوار شهر ، ضمن افزونی آلودگیهای زیست محیطی ، آثار خود را که معمولاً در هر شهر صنعتی دیده می شود بر روال سالم زندگی شهر اراك نیز گسترده است .

ـ اگر چه تاسیسات تفریحی و گذران سالم اوقات فراغت ازگذشته دور نیز در شهر اراك محدود بوده ، ولی علی رغم افزایش چشمگیر جمعیت ، فقدان تاسیسات تفریحی مانند کتابخانه ، پارك و فضاهای سبز کافی ، تاسیسات فرهنگی ، انواع تاسیسات ورزشی به نسبت محلات کوچک ، محلات و نواحی شهری به چشم نمی خورد . ازاین رو تفریح عمدهٔ جوانان قدم زدن درخیابانها و به بطالت گذراندن بهترین اوقات روزشان شده است .

عوامل فوق به همراه موارد متعدد دیگر ، دراثر رشد و توسعهٔ بی رویه شهر اراك و تبدیل شتابزدهٔ نقش شهر و شهرستان اراك ، باعث آن شده است که شهر اراك چهره ای ناهماهنگ وناموزون داشته باشد و خصوصیات آن با شؤون تاریخی ، فرهنگی ، طبیعی واجتماعی و اقتصادیش وفق ندهد .

همانطور که در بخش قبل بیان شد ، در هر برنامه ریزی شهری و منطقه ای مهمترین نقش و وظیفه ای که یک منطقه باید ایفا کند ، در درجه اول خودکفایی کشاورزی و سپس انجام نقش های اقتصادی دیگر است . به طور اصولی هر برنامه عمرانی و هر برنامه ریزی اقتصادی باید به نحوی صورت گیرد که نقش های دیگر اقتصادی را تحت الشعاع قرار ندهد . به طور معمول صنعت نیز باید کمکی درجهت کشاورزی باشد . در هر برنامه ریزی شهری و منطقه ای باید برنامه ریزی را بر مبنای استعدادها و امکانات منطقه قرار داد . در این مورد شرایط محیطی ، نظام اجتماعی و طبیعی ، حتی با روریهای اقتصادی و موفقیت برنامه ها از اولویت ویژه ای برخوردار است . به هر ترتیب نباید یکی را فدای دیگری کرد . نمی توان به افزایش و تمرکز جمعیت ، کار ، سرمایه و خدمات توجه کرد ولی به شرایط و استعدادهای طبیعی ، اجتماعی واقتصادی محیط بی اعتنا بود . بنابراین باید ضمن رفع نارسایی ها ، برنامه ریزی را بر اساس امکانات و استعدادهای محیط قرار داد .

ناحیه اراك ازنظر طبیعی ، ارتباطی و موقعیتی ازاهمیت ویژه ای برخوردار است . این ناحیه مستعد کشاورزی و دامداری ، و به طور نسبی صنعت و فرآورده های صنعتی است . بنابراین باید از آنچه که در محیط به صورت بالقوه و بالفعل وجود دارد ، استفاده کرد . در درجهٔ نخست باید اقتصاد را در بخشهای مختلف بازسازی کرد . جایگاه کشاورزی ، خدمات و بازرگانی و صنعت را در مقام خود

دید. بر مبنای سازماندهی به نظام شهری ومنطقه ای، آمایش شهر ومنطقه را از دیدگاه برنامه ریزی فضایی در سطح کشور به مرحله عمل رساند. در این راه به تلاش، سرمایه و زمان زیادی نیاز خواهد بود. با برنامه ریزی زمانی و مکانی و مدیریت صحیح، دستیابی به آنها ممکن خواهد بود. مسلماً بعداز برنامه ریزی اقتصادی که نتایج آن در ابعاد اجتماعی نیز قابل ملاحظه است. باید به رفع کمبود ها و تامین احتیاجات جمعیت پرداخته وبه صورت سلسله مراتبی استقرارجمعیت در سطح شهر و منطقه را با حدی متعادل ازتراکم و تمرکز امکان پذیر ساخت.

برنامه ریزی اجتماعی و اقتصادی و تاسیساتی و تسهیلاتی بر مبنای نظام زیست محیطی، نیازمند رفع مشکلات و ارائه راه حلهای مختلف بوده که در کلیه زمینه ها باید جوانب امر سنجیده شود. به طور اصولی، نکاتی که در تعیین خط مشی های آینده توسعه مؤثر است به شرح زیر عنوان می شود:

– اعتدال درپخش جمعیت در مراکز سکونتی (روستایی و شهری) شهرستان اراك. این مورد باید بر مبنای سلسله مراتب مراکز تجمع انسانی و شرایط و استعدادهای محیطی صورت پذیرد. شک نیست در این مورد سلسله مراتب برنامه ریزی در بخشهای مختلف اجتماعی و اقتصادی اهمیت خواهد داشت.

– احیاء نقش کشاورزی شهرستان اراك، با برنامه ریزی هایی که بتواند شهر اراك را با ایفای نقشهای مختلفی توام سازد. این مورد باید برمبنای اهداف و برنامه های عمرانی کشور صورت گیرد.

– مقابله با کویر زدایی، زهکشی منابع آب، افزایش فضاهای سبز و جبران باغات از دست رفته ،احیاء مراتع، به همراه نظارت بر توسعه کالبدی شهری و روستایی.

– رفع مشکل روستاییان و تشویق آنها به سکونت در نواحی روستایی، در این زمینه باید با برنامه ریزی پخش تاسیسات اجتماعی، ارتقاء سطح در آمد، رفع نارسایی های کشاورزی و خدمات عمرانی به چاره جویی پرداخت. این مورد به این دلیل اهمیت دارد که استقرار صنایع در سطح منطقه ای درحال گسترش است. از این رو باید سپرهای مناسبی را در مقابله با آثار جنبی صنعت و تخلیه روستاها ازجمعیت به وجود آورد.

– برنامه ریزی صحیح نحوهٔ استفاده از اراضی در سطح شهرو ناحیه اراك وتعیین انواع کاربری زمین در سطح شهر و منطقه ضرورت خواهد داشت.

– از امکانات محیطی در بر آوردن خواسته های برنامه ریزی شهری و منطقه ای استفاده کرد. دراین مورد پیشنهاد می شود که در سطح شهر و ناحیه اراك حفر چاههای عمیق کاهش یافته و استفاده از آنها محدود باشد. با احیاء قنوات و لایروبی آنها و با استفاده از فنون و روشهای علمی، از منابع آب

وخاك بهره برداری شود.

- پخش خدمات اجتماعی در نواحی روستایی و توسعه شبکه ارتباطی منطقه ای، مراکز مختلف دبیرستانی، راهنمایی، دبستانی، درمانگاهی و بیمارستانی، توسعه سلسله مراتبی تاسیسات فرهنگی و اجتماعی، به عنوان توان شکوفایی اقتصاد منطقه ای مطرح می باشد.

- ایجاد قطبهای کشاورزی، بازار فروش، بازار کار و مراکز مشابه در سطح شهر و شهرستان اراك. دراین زمینه ایجاد مراکز خدمات کشاورزی و تولیدی در سطح روستاها و ایجاد بازار فروش برای مشاغل تولیدی اهمیت خواهد داشت.

- توسعهٔ تاسیسات صنعتی وابسته به کشاورزی و دامداری مانند مرغداری، دامداری، تهیه فرآورده های لبنی، تهیه کمپوت، ایجاد سیلو، تهیهٔ آب میوه، میوه خشک کنی و خدمات وابسته به آنها در سطح مناطق مستعد روستایی از جمله اقدامات تکمیلی در بهبود برنامه ریزی برای کشاورزی است.

- احیا صنایع سنتی و مهمتر از همه احیا صنعت فرش و سرمایه گذاری در آنها بسیار مهم است. این خود می تواند به عنوان دستاویزی درجهت افزایش سطح درآمد روستاییان و خانوارهای تولید کننده مطرح باشد.

مواردی که به آنها اشاره شد به طور عمومی در ارتباط با شهر و شهرستان اراك مطرح است. درانتها مواردی چند را در مورد شهر اراك مطرح می سازد.

باتوجه به رشد بی رویه و سریع کالبدی وجمعیتی شهر و مشکلاتی که به آنها اشاره شد، شهر اراك نیز باید نقش مناسب خود را به عنوان مرکز شهرستان اراك و استان مرکزی بازیابد. در این مورد نکات زیر مطرح می باشد:

- ایجاد مراکز فرعی کمک کننده به مرکز اصلی تجاری و اداری شهر به نحوی که مرکزشهر از حالت متمرکز و شلوغ به در آید. این مراکز فرعی اگر چه باید در طرح جامع شهر مشخص شده باشد، به هر ترتیب باید به اجرا در آید.

- توجه به برنامه ریزی نحوهٔ استفاده از زمین بر اساس سلسله مراتب مرکز محله، ناحیه و شهر و تامین سلسله مراتبی نیازمندیهای عمومی به نحوی که هر محله و ناحیه از شهر، به صورت سلسله مراتبی نیازمندیهای مربوط به خود را داشته باشد.

- ایجاد رابطهٔ منطقی بین مراکز مسکونی، کاری، تحصیلی، فرهنگی و تفریحی و خرید بر مبنای برنامه ریزی استفاده از زمین در شهر.

- نظارت بر روند رشد کالبدی، کیفیت ساختمان و سیمای محیطی.

- توسعهٔ تاسیسات تفریحی، ورزشی، فضای سبز، فرهنگی در سطح محلات و نواحی مختلف شهر.

- توسعهٔ فضاهای سبز حاشیه ای و ایجاد جنگل مصنوعی و فضای سبز حائل بین صنعت و مراکز مسکونی.
- احیاء قناتهای شهر به منظور استفاده از آنها در توسعهٔ فضاهای سبز اعم از باغی یا عمومی.
- عدم تغییر درکاربری های مصوب و قابل قبول طرح جامع، در این مورد تغییر موضعی کاربری های پیشنهادی در طرح جامع بسیاری از نابسامانی های آینده راباعث خواهد شد.
- یکی از مهمترین موارد توجه برانگیز، حفظ ساختمانهای سنتی و تاریخی و مجموعه های با ارزش قابل نگهداری است. به طور اصولی هر بنای شهری حکایت از خصوصیات و ویژگی های مستولی برآن محیط داشته و بیانگر تاریخ آن است. متاسفانه در طول چند سالهٔ اخیر ساختمانهای متعددی که واجد ارزشهای تاریخی و فرهنگی و هنری بوده تخریب شده است.

بخش چهارم

این همه ملک و ضیاع وکار و بار
کاین زمانت جمع شد ای بخت یار
مادرت از دوك رستن گرد کرد
یا پدر از دانه کشتن گرد کرد
(شیخ فریدالدّین عطار نیشابوری ۵۳۷-۶۱۸ هجری)

ایجاد روستاهای جدید

به طور کلی آبادیهای کشور ما از چند دیدگاه قابل بررسی است که از آن جمله به موارد زیر اشاره می شود.

– روستاها ازنظر تعداد جمعیت، تفاوتهای فاحشی باهم دارد ،به نحوی که در بعضی از آنها بین ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر و در تعداد زیادی از آنها تاحدی کمتر از ۵۰۰ نفر و به طور عمده کمتراز۲۵۰ نفر ساکن وجود دارد.

– شمار زیادی از روستاهای کشور ما ازنظر موقعیت مکانی، شرایط استقرار و پراکندگی با یکدیگر متفاوت است. بسیاری از آنها درجوار هم و بعضی در فاصله ای دور از هم قرار گرفته است. بسیاری از آنها درمسیر راههای ارتباطی و خیل دیگری اصولاً راه ارتباطی ندارد. بعضی از آنها درنواحی دشتی وبرخی دیگر در نواحی کویری یا کوهستانی قرار دارد.

– ازنظر شرایط آب و هوایی وخصوصیات طبیعی نیزروستاها با یکدیگر متفاوت اند. گروههای عمده ای درجوار منابع آب و برخی با کمبود آن روبرو می باشد.

– روستاها و بویژه آنهایی که دارای کمتراز ۵۰۰ نفر جمعّیت است، ازنظر امکانات کمبودهایی دارد.

– بیشتر روستائیان به صورت سنتی و به دور از پیشرفتهای فنی کشاورزی و دامداری به کار خود ادامه می دهند. ازاین رو منابع مالی و معیشتی وسطوح درآمدی کافی در اختیار ندارند. این خود ازجمله مهمترین عوامل مهاجر برانگیز روستایی می باشد.

– بخش عمده ای از ساختمانهای روستایی کشور فرسوده شده و قسمتی نیز در دوران جدید

ساخته شده است. مجموع آنها در مواجهه با زلزله ، سیل و دیگر عوامل نامساعد طبیعی قابلیت مناسبی نداشته و ازاین رو به نسبت نقاط شهری درمعرض صدمات جانی ومالی بیشتری قرار دارد.

- ترویج بهداشت وتوسعهٔ تاسیسات درمانی دراین روستاها توسعه چندانی ندارد. از این رو روستائیان به طور عمده درمعرض بسیاری از بیماری ها قرار دارند.

- محصولات عمدهٔ تولیدی روستاها ازنظر بازاریابی، بازار خوبی را دراختیار ندارد و بسیاری ازمحصولات تحت تاثیر واسطه ها و سلف خرها با قیمتهای ارزانی خریداری می شود و یا روی دست روستاییان می ماند.

- خیل عظیمی از روستاییان در اثر وجود عوامل جاذب شهری به سوی شهرها مهاجرت کرده اند. این مورد ضمن کاهش تولیدات کشاورزی و نیروی شاغل دراین بخش، روستائیان را به سوی فضاهای نامتجانس و غریبهٔ شهری سوق داده و باانبوهی از مشکلات مانند مسکن، کار وتامین نیازهای اولیه مواجه گردانیده است.

روستاهای کشور ما پس از طی یک دورهٔ پر ملال ارباب و رعیتّی و مالکیت مطلق العنان بر روستاها، به طور عمده قوام و اساسی را که در طول قرنهای متمادی به طور عرفی دارا گردیده بود، دراثر تغییر مدیریت روستایی، رواج وسایط ارتباط جمعی، و تغییرات جمعیتی و کالبدی، به سویی نهاده است. در بعضی از آنها معیشت کشاورزی و دامداری ، جای خود را به مشاغل خدماتی داده است.

درمقابل مشکلات و مسائل زندگی در روستاها که شمه ای از آنها در بالا آمد و در اثر برنامه های مقطعی عمران شهری و منطقه ای که تاثیر بسیار مهمی را بر روستاها گذاشته، روز به روز روستانشینی درمقابل شهرنشینی عقب نشینی کرده است. بر این موارد باید تمرکز بیشتر جمعیت در نواحی شهری و آثار ناموزون ناشی از مهاجرتها را افزود. درمقابل این مشکلات که علی الخصوص از دوران پس از اصلاحات ارضی و شروع به صنعتی شدن کشور نضج گرفته ، عمدهٔ برنامه های عمرانی کشور در زمینهٔ توسعه اقتصادی و اجتماعی مراکز سکونتی نتایج زیر را به دست داده است:

- اجرای برنامه های اقتصادی واجتماعی در نقاط پرجمعّیت باعث به دور افتادن نواحی روستایی بویژه روستاهای دور افتاده شده است.

- تهیه طرحهای هادی و جامع و تفصیلی وایجاد شهرکهای همجوار با شهرها به منظور حل معضلات زندگی شهری و اسکان جمعیت در آنها بوده و از اینرو تهیه طرحهای عمرانی در سطح بعضی از روستاها نتایج مطلوب را به دست نداده ، بلکه در برخی موارد نتیجه معکوس داشته است.

- ایجاد بازارهای کار ناشی از صنعت در نقاط شهری و رواج مشاغل خدماتی و مبادله ای و

غیر تولیدی، عامل مشوقی در جذب جمعیت آماده به کار روستایی بوده است.

– استفادهٔ شتابزده از بعضی از فنون عمرانی کشاورزی و دامداری مانند حفر چاههای عمیق یا تغییر مراتع به اراضی کشاورزی، در کوتاه مدت دارای نتایج مفید و در بلندمدت دارای دست آوردهای منفی بوده است. به نحوی که امکان حیات یک مورد باعث ممانعت از ادامهٔ حیات مورد دیگر شده است. به عنوان مثال ارائه بعضی از خدمات رفاهی درنقاط شهری جذب جمعیت روستایی را به دنبال داشته و ایجاد یک مرکز صنعتی، جمعیت شاغل درکشاورزی را به سوی خود سوق داده است.

– اگر چه تلاش درزمینهٔ بهبود شرایط روستایی کشور بویژه در سالهای پس از انقلاب اسلامی در طیف گسترده ای مطرح شده و برنامه های عمرانی زیادی مانند برق رسانی، آب رسانی، تشکیل تعاونی ها، راه سازی وبهبود منابع آب و طرحهای عمرانی دیگری در روستاها به مرحله انجام رسیده، ولی در مقابل خود طیف بسیار گستردهٔ توسعه شهری را باایجاد مشاغل، توسعه تاسیسات رفاهی، بالا رفتن سطح درآمد و تنوع مشاغل (درمقام مقایسه با روستا) به همراه داشته وهمین عوامل بر تشدید و تشتت مهاجرتهای روستایی مهمترین اثر را گذارده است.

– تهیه طرحهای هادی روستایی با انجام برنامه های عمرانی و زیربنایی در نقاط شهری مترادف نبوده و انجام اقدامات عمرانی در شهرها خود عامل مشوقی برای جذب جمعیت روستایی و به عبارتی عقب ماندن بیشتر نواحی روستایی ازنواحی شهری گردیده است. دراین مورد به تعداد طرحهای توسعه و عمران، تفصیلی، آماده سازی، ایجاد شهرهای جدید از یک سو و توسعه مسکن سازی ورفع نیازمندیهای جنبی آن، عمران و آبادی و زیبا سازی در شهرها ومقایسه آنها با اقدامات عمرانی در روستاها اشاره می شود.

– فرهنگ روستانشینی با غنای تاریخی خود از دیدگاه مختلف توان مقاومت در مقابل آثار فرهنگ شهری را نداشته است. روستا باتوجه به موقعیت خود در حال از دست دادن سنتها و آداب و رسوم خود بوده است.

– از دیدگاه اقتصادی، بر اساس عوامل مختلفی که به اجمال ذکر آنها رفت، سطح درآمد خانوارهای روستایی با سطح هزینه ها و تورمهای اقتصادی، ازهماهنگی لازم برخوردار نبوده است. به طور عمومی روستاییان توان مالی مناسب را نداشته وحتی برای تامین بعضی از مایحتاج غذایی نیازمند شهرها گردیده اند.

– بسیاری از عوامل دیگر را که بر پهنه زندگی در روستاها مؤثر واقع شده و آثاری را نیز به همراه داشته، باید افزود. کاهش شدید جمعیت ایلی و عشیره ای و در نتیجه کاهش دامداری، توسعه آثار کویر یا خشک شدن اراضی کشاورزی و باغی ناشی از مهاجرت به عنوان مثال آورده می شود.

در چند دهه گذشته برنامه ها و طرحهای بهسازی وعمرانی بسیاری در روستاها به مرحلهٔ اجرا در آمده و موفقیتهائی را نیز در پی داشته است. مهمترین اقدام در زمینهٔ نظارت بر آثار متقابل زندگی شهری و روستایی و توسعهٔ تولیدات کشاورزی و دامی و در نتیجه افزایش سطح درآمد روستائیان ، ایجاد تاسیسات و تسهیلات رفاهی بوده است .

مهمترین مشکل روستاها ، گذشته ازمنابع درآمدی وبودجه ای ، بیشتردر ارتباط با سه عامل زیر است .

ـ مشکل تعدد بیش از حد روستاها ومسائلی که دراین باره مطرح است .

ـ مشکل کمبود نیروهای متخصص وناهمخوانی زمینه احداث تاسیسات رفاهی به نسبت کمی جمعیت روستاها .

ـ مشکل مدیریت بر روستا ازنظر ایجاد قطبهای اقتصادی و کشاورزی واداری .

روستاهای ایران از دیرباز محل تامین مایحتاج اولیهٔ غذایی کشور بوده وبه بهترین وجهی طبیعت را از دیدگاه اقتصادی و معیشتی تحت استفاده قرار داده است. اگر چه این مورد درنقاط مختلف دنیا و بویژه درطول چند دههٔ اخیر مسبوق به سابقه است ، ولی هنگامی می توان به اجرای موفق آن درسطح کشور امیدوار بود که نخست خودکفایی نسبی کشاورزی و سپس برنامه اسکان جمعیت در سطح کشور ، بنابر واقعیتهای اقتصادی و اجتماعی وطبیعی قابلیت اجرایی لازم را یافته باشد. بدون برنامه های کلی کشوری جایگاه روستا و شهر از یکسو وکشاورزی و صنعت و خدمات ازسوی دیگر مشخص نخواهد بود. از این رو هر برنامهٔ عمرانی نیز به صورت موضعی به رفع موقت مشکلات خواهد پرداخت . در چنین صورتی ، ممکن است به عنوان مثال ایجاد یک قطب صنعتی به اضمحلال و فروپاشی کشاورزی یک منطقه و یا چند نقطهٔ روستایی منجر گردد. بنابراین اهمیت اجرای موفقیت آمیز برنامه ها ، جامع نگریستن به مسائل است .

درارتباط با خیل بی شمار روستاها درکشور و پراکندگی متفاوت جمعیت در آنها ، روستاهای کشورما به ویژه درکالبد موجود خود دارای مشکلات فراوانی است . برای رفع مشکلات اساسی آنها به نحوی که با امکانات اقتصادی و انسانی و تخصصی کشور نیز هماهنگ باشد ، ایجاد روستاهای جدید زمینه مناسبی را به دست می دهد. ایجاد چنین روستاهایی بیش از شهرهای جدید و یا حداقل مترادف با پیشرفت کار آنها مورد نیاز کشور می باشد. درایجاد روستاهای جدید، ضوابط زیر مورد توجه است .

– حدود جمعیتی روستاها حداکثر بین ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر باشد .

– این روستاها بیشتر برای اجتماع جمعیت روستاهایی است که در وضع موجود دارای جمعیت اندکی می باشد .

– نقش اقتصادی روستاهای جدید همان نقشی باشد که در روستاهای منطقه دیده می شود .

- برای هر روستای جدید می توان با توجه به امکانات اقتصادی و طبیعی و انسانی محیط ، نقش اقتصادی مناسبی پیشنهاد و به مرحله اجرا درآورد.

- رده بندی تعداد جمعیت روستاها ازدو دیدگاه (فاصله روستاهای موجود از یکدیگر وتعداد جمعیت آنها) متفاوت می باشد. به عنوان مثال می توان روستاهای جدید را با جمعیتی بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر نیز به وجود آورد.

- سلسله مراتب مدیریت روستا بر اساس سلسله مراتب مرکز کشور، مراکز استان و شهرستان وبخش و دهستان صورت پذیرد.

-روستاهای جدید می تواند در جوار روستاهای پرجمعیت وبه منظور پاسخ به افزونی جمعیت آنها به وجود آید.

-طراحی کالبدی روستاهای جدید ونحوه استفاده از اراضی آن باید به نسبت شرایط محیط استوار وهمه گونه تاسیسات عمومی مورد نیاز را به مانند شهرها دارا باشد.

- در طرح روستاهای جدید باید برخصوصیات اجتماعی و فرهنگی و زبان و آداب و رسوم (که در اسکان جمعیت و ایجاد محله ها نقش به سزائی دارد) تاکید وتوجه کافی مبذول داشت.

- روستاهای جدید و روستاهای قابل نگهداری موجود باید ازنظر شبکه های ارتباطی و دسترسی به مراکز مختلف جمعیتی ازامکانات کافی برخوردار باشد.

-این روستاها می تواند محل تبادل کالا ، بازارخرید و فروش و مرکزیت اداری و محل تبدیل و انبار فرآورده های کشاورزی حوزه خود باشد.

- اراضی اطراف این روستاها برحسب شرایط طبیعی به محیط کشاورزی و زراعت و دامداری اختصاص داشته باشد. ضمن آنکه باید باتوجه به نزدیکی روستای جدید در میان روستاهای قدیم، کلیه اراضی کشاورزی در اطراف روستاهای قدیم را نیز حفظ کرده و با استفاده از فنون جدید کشاورزی به تولید محصول پرداخت.

- بسیاری از فعالیتهای اقتصادی و مشارکت در آن، می تواند ازطریق توسعه تعاونیها و مشارکت جمیع کشاورزان و دامداران صورت پذیرد.

- روستاهای جدید باید دارای هویت روستایی بوده و از اجرای برنامه ها و اقدامات تقلیدی که سبک زندگی شهری را به روستاها می کشاند ، پرهیز کرد.

-مترادف با ایجاد روستاهای جدید باید اقدامات اساسی در زمینهٔ احیاء اراضی باغی و کشاورزی، توسعه چراگاهها ومراتع و زهکشی منابع آب و لاروبی آب روهای موجود در سطح منطقه صورت پذیرد.

به طور کلی این پیشنهاد بیشتر برای روستاهای کم جمعیتی است که نمی توان امکانات رفاهی را بنا بر شرایط مختلف در آنها فراهم آورد. ازمزایای آن کاهش تعداد کل روستاهای کوچک کشور است تا با یک برنامه ریزی دقیق وحساب شده و بر اساس الگو، موقعیت مکانی، سلسله مراتب استقرار روستاها تحت نظم و قاعده در آید. چنین حالتی، زمینه برنامه ریزی اقتصادی واجتماعی را باتوجه به امکانات مالی و تخصصی کشور مهیا می سازد. هدف، فراموش ساختن روستاهای دیگر کشورو اراضی کشاورزی و مستعد همجوار با روستاهای موجود نیست. بلکه هدف آن است که ضمن کاهش مهاجرتهای روستایی وحل عوامل برانگیزاننده آنها، رفع مشکلات نیز با تسهیلات و امکانات اجرایی بیشتری همراه شود. با این زمینه نظام جدید اسکان واقتصاد وتولید روستایی تحت برنامه ریزی قرار می گیرد و می توان رشد و رونق اقتصادی آنها را نیز انتظار داشت.

چنانچه این طرح به مرحلهٔ اجرا درآید، نتایج مثبت آن به شرح زیر خواهد بود:

- درامکانات اقتصادی مملکت برای ایجاد تاسیسات رفاهی و کمک به رفع نیازمندیها صرفه جویی خواهد شد.
- امکان استفاده ازمتخصصان دراین روستاها فراهم تر خواهد بود. به عنوان نمونه ممکن است حضور یک پزشک یا یک مهندس کشاورزی در هر روستای کم جمعیت مقدور نباشد. ولی امکان حضور آنها در روستاهای جدید میسر است.
- درصورتی که ساختمانهای روستایی جدید بر اساس اصولی فنی ساخته شود، گام مهمی در حفظ ساختمانهای روستایی و جمعیت ساکن درآنها درمقابل سیل و زلزله برداشته خواهد شد.
- با ایجاد تسهیلات موردنیاز جمعیت، مانند مدرسه و درمان و بهداشت، مراکز تفریحی و مراکز کاری وارتقاء سطح درآمد و بهبود راههای ارتباطی، کاهش مهاجرتهای روستایی در سطح گسترده ای امکان پذیر خواهد بود. از افزایش مهاجرت به شهرها نیز کاسته خواهد شد.
- امکان رونق اقتصادی وتولید بیشتر اقتصادی دراثر اجتماع جمعیت و آموزش و تخصص کشاورزان فراهم تر بوده ودرآمد نیز افزایش خواهد یافت.
- در روستاهای جدید مشکلات دست و پاگیر بافتهای غیر قابل نگهداری و فرسوده وجود نخواهد داشت. ازاین رو سهم عمده ای از بودجه برای بافتهای جدید مورد استفاده قرار خواهد گرفت.
- با توجه به تنوع ناشی از ویژگیهای روستایی جدید، حیاتی نو درکالبد روستاها دمیده خواهد شد. در اثر این تحول روستائیان به محل زندگی خود دلبستگی بیشتری خواهند داشت.
- خدمت رسانی به این روستاها ازنظر شبکه های ارتباطی بین روستایی و تاسیسات زیربنایی مانند تلفن، لوله کشی آب و شبکهٔ برق و ایجاد تعمیرگاه کشاورزی و امثال آنها فراهم تر و مقرون به

صرفه تر خواهد بود.

- دراین روستاها، زمینهٔ لازم برای ایجاد خدماتی مانند دبستان و راهنمایی و دبیرستان، آتش نشانی، و مراکز درمانی و بهداشتی فراهم تر خواهد بود. ضمن آنکه نیروی خدماتی کمتری را نیز به خود مشغول خواهد داشت.

- درصورت اجرای چنین طرحی برای برنامه ریزی به منظور پاسخگویی به نیاز عمدهٔ جمعیت روستایی راه حلی پیدا خواهد شد.

- روستاهای جدید، باید ازنظر موقعیتی فاصلهٔ چندانی تا روستاهای کم جمعیت نداشته باشد. این روستاها باید محل رفع نیاز جمعیت خود و خدمت رسانی به روستاهای دیگر باشد. در این صورت اراضی کشاورزی دور افتاده در دسترس جمعیت قرار خواهد گرفت.

- باتوجه به روند صنعتی شدن کشور وجذب جمعیت به سوی این مراکز و مراکز خدماتی، ضمن آنکه برنامه ریزی مناسبی در قبال جلوگیری از آثار جاذب صنعت صورت خواهد گرفت، از توسعه و گسترش مشاغل کاذب و خدماتی نیز ممانعت خواهد شد.

- باتوسعهٔ تعاونیهای زراعی و مصرف و مشارکت درتولید، انبار و صدور محصولات زراعی و دامی و صنایع وابسته به آنها گامی مهم برداشته خواهد شد. نظارت بر قیمتها در بخش کشاورزی و تولیدات غذایی با حذف واسطه ها آسان تر بوده و تولید کننده و مصرف کننده فاصلهٔ نزدیکتری خواهند یافت.

- احیاء مراتع وتوسعه چراگاهها، زهکشی منابع آب، استفاده از منابع خاك، به مثابه اقدامی اساسی در توسعهٔ حیات کشاورزی و دامپروری خواهد بود. ازاین طریق می توان به توسعه اراضی کشاورزی و مرتعی جدید نیز همّت گماشت.

نکته قابل ذکر آنکه در سال های ابتدایی دهه ۱۳۵۰، زمینه ایجاد شهرکهای روستایی باعنوان «مرکز حوزهٔ خدمات روستایی» در ایران مورد توجه قرار گرفت. درمیان روستاها یک حوزه خدماتی، بزرگترین آنها را انتخاب وبه توسعه کالبدی آنها اقدام می شد. این روش ضمن آنکه بر اساس برنامه ریزی خدمت یک روستا برای حوزه تحت پوشش خود استوار بود، چند روستای کوچک را درحوزهٔ اقماری قرار می داد. درحقیقت این شهرکها پیوندی بین روستا و شهر بوده و خدمات کشاورزی و رفاهی را در یک یا چند روستای بزرگ منطقه مطرح می ساخت. اما مشکلات موجود روستاها را مدنظر قرار نمی داد. این شهرکها که طرح بعضی از آنها به مرحله اجرا درآمد، پس ازمدتی خود تبدیل به شهر شده ونقش اصلی کشاورزی وخدمات مربوط به خود را فراموش نمود. در حالیکه ایجاد روستاهای جدید، برنقش کشاورزی و مشارکت کلیه کشاورزان منطقه استوار بوده و اراضی

زراعی موجود را نیز حفظ خواهد کرد. شهرکهای روستایی همانطور که ازنامش نیز بر می‌آید، مرکز ارائه خدمات روستایی بود. درحالیکه روستاهای جدید ضمن حفظ این نقش، خود مرکز تولید، انبار، بازاریابی و صدور محصولات کشاورزی و خدمات رفاهی می باشد. بویژه آنکه مشکلات عدیدهٔ مربوط به تعدد روستاهای کوچک را نیز مرتفع خواهد ساخت. در روستاهای جدید عواملی مانند تاسیسات ورزشی، تفریحی، فضای سبز تفریحی، بیمارستان، خدمات درمانی، مرکز خرید و امثال آنها با سهولت بیشتر و صرف بودجه های مالی کمتری امکان پذیر خواهد گردید.

با ایجاد روستاهای جدید، بار ناشی از مشکلات برنامه ریزی برای روستاهای کم جمعیت و توسعهٔ اجتماعی واقتصادی آنها به بیش از نصف کاهش خواهد یافت. درآن زمان است که هماهنگی لازم بین برنامه های توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی مناطق فراهم خواهد شد و نظام شهرنشینی و روستانشینی به عنوان متممها و مکملهای یکدیگر در سطح منطقه ای شرایط بهتری پیدا خواهد کرد. روستاهای با جمعیت متوسط نیز خود به عنوان محوری درجهت توسعه روستایی مطرح خواهد بود. این مورد بر اساس ارتقاء سطح رفاه و زندگی انسانها در قالب سکونتگاههای مناسب و بر اساس نقشهای متفاوت اقتصادی واجتماعی تعریف و تبیین می گردد.

بخش پنجم

علـم را چـند چیـز می بـایـد
اگـر آن بشنـوی زمـن شـایـد
طلبی صـادق و ضمیـری پاك
مـدد کـوکـبی از ایـن افـلاك
اوستـادی شفـیق ونفسـی حُر
روزگــاری دراز ومـــالی پُـر
(اوحدی مراغه ای ۶۷۳-۷۳۸ هجری)

اهداف و سیاست های شهری ومنطقه ای در بازسازی مناطق جنگ زده

هدف از این نوشتار، به استناد مواردی که خواهد آمد، ترویج نظام برنامه ریزی در پراکندگی مراکز زیستی در سطح مناطق بویژه مناطق جنگ زده ، براساس هدف عدم تمرکز جمعیت و برمبنای اصول سلسله مراتبی مراکز شهری ومنطقه ای است. اهمیت نظام شهری ومنطقه ای درمناطق جنگ زده، درعرصه های طبیعی ، اجتماعی، اقتصادی و تدافعی موردتوجه است. از این روی برنامه بازسازی مناطق جنگ زده ، چنانچه با استعانت از نکات علمی وتحلیلی انجام گیرد، کاهش مسایل نامساعد موجود و افزایش کارآیی برنامه ها را با انسجام بیشتری همراه می سازد.

یکی ازخصوصیات محیطی کشورما، تعدد و پراکندگی مراکز زیستی درنقاط گوناگون وبویژه در ارتباط با داده های طبیعی مانند آب وخاك می باشد. این شرایط ، زمینه ای درجهت استفاده مطلوب از منابع طبیعی را به دست داده است. ازاین روی درمناطقی که امکانات زیست درمحیط طبیعی به صورت پراکنده وجود داشته است، مراکز زیستی نیز با تعدد بیشتر و به صورت پراکنده شکل گرفته است. این مورد دارای چند نتیجه مثبت بوده، که ازاهم آنها درمواقع عادی به دسترسی وبهره وری بیشترازمنابع آب وخاك، عدم تمرکز جمعیت، اشتراك وتفاهم بیشتر گروههای اجتماعی و فرهنگی و قومی درحوزه های متعدد، جلوگیری از تاثیر زیاد عوارض طبیعی مانند سیل و زلزله و امثال آنها اشاره می شود. درمواقع اضطراری نیز در ارتباط بامسایل تدافعی، مراکززیستی، نقش دفاعی خود رانشان داده، و در بروز حملات دشمن، این مراکز به یکباره درمعرض خطر قرارنمی گرفته است. بنابر این در

سطح منطقه، پراکندگی مراکز زیستی باچند هدف توامان صورت پذیرفته است.

همانطور که بیان شد، نظام سکونت در ایران، در اصل برمبنای محیط شکل گرفته و محیط بر ساختار کالبدی مراکز زیستی اثر گذارده است. دراین زمینه چند عامل اصلی دربهره برداری مناسب از محیط موثر بوده است. اهم این عوامل به شرح زیر می باشد:

- دسترسی به آب وخاك مناسب برای کشاورزی و دامپروری.
- تکیه زدن برنقطه ای امن یا مناسب به منظور دفاع درمقابل عوامل نامساعد طبیعی مانند سیل و طوفان و یا تهاجم بیگانگان.
- در ارتباط قرار داشتن شرایط زیست با شرایط آب وهوایی.
- بسط وتفاهم اجتماعی و فرهنگی در ایجاد یک فضای مناسب.
- امکان راه ارتباطی مناسب، در دسترسی به دیگرنقاط.

مناطق جنگ زده کشور، ازخوزستان گرفته تا ایلام و از کرمانشاه گرفته تا کردستان نیز از چنین خصوصیاتی برخوردار است. بنابراین دربازسازی این مناطق، باید نقش محیط را در توسعه اقدامات عمرانی، به مثابه یک برنامه راهنما برتارك برنامه ریزی برای این مناطق، موردتوجه قرار داد. قابل توجه آنکه در صورت اجرای برنامه هایی به دور از شرایط محیط و بدون توجه به آثار و پیامدهای آن، ویا با انجام اقدامات غیراصولی، ممکن است میزان موفقیت طرحها درعرصه ابهام قرارگیرد. لذا، برای بازسازی مناطق جنگ زده، باید به بازسازی به عنوان یک اقدام عمقی و زیربنایی نگریست. این مورد از یک سو باید بازسازی و دفع آثار ونتایج ناشی از پیامدهای جنگ را مورد توجه قرار دهد و از دیگر سو به مفهوم توسعه دراین مناطق، به عنوان جزیی از پیکره کل کشور بنگرد.

چنانچه برنامه ریزی به مفهوم فرآیندی برای یک آینده مطلوب انگاشته شود، مسلماً باید به این موضوع به عنوان عاملی در تحقق برنامه توسعه که در آن موضوع مورد برنامه ریزی، هدف از برنامه ریزی ومحیطی که این برنامه ریزی برای آن اتفاق می افتد، به وضوح روشن باشد[1]. درهمین جهت است که می توان روشها ومحتوای برنامه ریزی را که از مهمترین عوامل در اصول برنامه ریزی شهری ومنطقه ای است، به یکدیگر نزدیک کرده وانواع راه حلهاو دامنه انتخاب را به منظور نیل به اهداف گسترش داد. هنر چنین نوع از برنامه ریزی، ضمن انطباق با شرایط محیط منطقه ای وکشوری، پیش بینی درست و برنامه زمان بندی صحیح، بر مبنای اتکاء به واقعیت هاست. اگر فقط برمبنای ذهنیات، به طرح برنامه ها پرداخته شود، نتیجه مطلوب به دست نخواهد آمد. باید گذشته را به خاطر

1- Davidoff, Paul and Reiner, Thomas, "A Choice Theory of Planning" -In A READER IN PLANNING THEORY, Ed., Flaudi, 1962.

داشت، حال را تحلیل کردو آینده را برمبنای آنها با استعانت از فنون و روشهای برنامه ریزی، تجسم کرد. این مورد، بدان دلیل است که برنامه ریزی برای گذشته وحال انجام نگرفته، بلکه هدف آن، آینده می باشد[1]. لذا، باید با اتکای به گذشته و اشراف به وضع موجود به آینده ای پربار چشم داشت.

در ارتباط با موضوع فوق، هدف آن نیست که تمام تلاش ها درمناطق جنگ زده آن باشد که به آنچه که قبلاً دراین مناطق وجود داشت، دست یافته شود. بلکه، همانطور که بیان شد، رفع نارسایی های ناشی از آثار جنگ و توجه به مناطق جنگ زده به عنوان پیکره ای ازکل کشور، در چهارچوب رشد وتوسعه، برای نیل به آینده ای مطلوب، موردتوجه قرار دارد. بروز خرابی های ناشی از جنگ، زمینه چنین توسعه ای را به عنوان گشایشی درباب برنامه ریزی و با دستی آزادتر از آنچه که قبلاً بود، درخود دارد. بر اساس مقدمه ای که آمد، می توان برای برنامه ریزی درمناطق جنگ زده چند پرسش را مورد توجه قرار داد:

- هدف از برنامه ریزی برای بازسازی کدام است؟
- محیط وموضوع مورد برنامه ریزی برای بازسازی وخصوصیات آن چیست ؟
- محیط دروضع موجود ازچه خصوصیاتی برخورداراست؟
- توان های محیط ازنظر طبیعی واجتماعی واقتصادی چیست ؟
- اتکای این برنامه ریزی بر چه نکات واصولی استوار است؟
- سیاست هایی که باید برای نیل به اهداف مورد توجه قرارگیرد، کدام است ؟

ذیلاً با توجه به موارد مطرح شده به توضیح بیشتری درباره آنها پرداخته می شود:

۱ــ اهداف برنامه ریزی مناطق جنگ زده

در ارتباط با تعیین اهداف، چند موضوع مورد توجه قرار دارد:

- هدف از بازسازی چیست و اصول محتوایی آن از چه قرار است ؟
- وسایل و ابزارها و فنون رسیدن به آن هدف چیست ؟
- روش رسیدن به هدف در چه مقوله هایی است؟

در بازسازی مناطق جنگ زده، تا هدف از وضوح کامل برخوردار نباشد، میزان موفقیت چندان زیاد نخواهد بود. در طرح بازسازی مناطق جنگ زده هدفهای زیر را در چهارچوب برنامه توسعه ملی و منطقه ای می توان مورد توجه قرار داد:

- بازسازی به مفهوم خاص و به معنای زدودن آثار ناشی از بروز جنگ درمناطق جنگ زده.

۱- سید حسین بحرینی - مجموعه مباحث تئوریهای شهرسازی - دورهٔ دکترای شهرسازی - دانشگاه تهران -تهران ۱۳۷۵ .

– بازسازی به مفهوم عام و به معنای درچهارچوب توسعه قرار دادن کل کشور و نگرش به مناطق جنگ زده به عنوان جزیی ازاین توسعه در سطح ملی .

– اسکان متناسب جمعیت و پیشرفت اقتصادی واجتماعی وکالبدی درکل فضای تحت بازسازی .

– تعیین نقش وعملکرد مناطق جنگ زده در روند توسعه اقتصادی واجتماعی کشور وامکاناتی که می تواند درنقش دهی به مناطق درسطح کشور مورد توجه قرار گیرد .

– ایجاد زمینه ای دررفع آسیب پذیریهای مناطق جنگ زده درمقابل اتفاقات احتمالی طبیعی (مانند سیل و زلزله) وغیرطبیعی (مانند جنگ)، که بتواند به عنوان الگویی برای دیگرمناطق مورد استفاده قرار گیرد .

اگر چه اهداف دیگری را نیز می توان بر جمع فوق افزود، ولی اصول کارنسبت به موضوع مورد توجه این بخش بسیار مهم می باشد . برای نیل به اهداف، باید فنون، ابزارها و وسایلی را که بتواند به نسبت زمانی ، مکانی، بودجه ای وبرنامه ای و شرایط محیط ، در نیل به اهداف مورد استفاده قرارگیرد، مورد توجه قرار داد . نیل به اهداف، نتیجه یک تلاش و فعالیت مستمر علمی واجرایی است . علی الاصول این هدفها به صورت منطقی، باید درجهت رسیدن به خواسته های جامعه باشد .

تعیین هدفها، برمبنای برنامه ریزی محتوایی برنامه ها، نیازمند به کارگیری روشهایی است که درتطابق با یکدیگر برای بازسازی مناطق جنگ زده مورد استفاده قرار می گیرد . بعضی از روش ها، می تواند به نحوی باشد که برنامه ریزی برای بازسازی را برای نیل به اهداف نزدیک و خرد (Objective) و یا دور و کلان (Goals) هدایت کند . بنابر این، طرح روشها درجهت دستیابی به اهداف بازسازی نیز فوق العاده اهمیت دارد .

۲– محیط و موضوع برنامه ریزی برای بازسازی

پس ازتعیین هدفها، دومین عامل، محیط برنامه ریزی برای بازسازی است . دراین رابطه باید به شناخت محیط و موضوع مورد برنامه ریزی پرداخت . محیط برنامه ریزی در مناطق جنگ زده ، از خصوصیات زیر برخوردار است :

– محیط برنامه ریزی ازنظر موقعیتی، پهنه های وسیعی از دامنه های غربی و جنوب غربی کشور را در استانهای مختلف و با شرایط اجتماعی و اقتصادی متفاوت در بر می گیرد .

– مناطق موردنظر، از دیدگاه طبیعی و آب وهوایی ازخصوصیات متنوعی برخوردار بوده و با یکدیگر برابر نیست .

– ازنظر امکانات و داده های محیطی، شرایط با یکدیگر فرق می کند. بعضی از مناطق، دارای شرایط مناسب اقتصادی بوده و برخی دیگر از امکانات گسترده ای برخوردار نمی باشد.

– ویژگیهای اجتماعی، فرهنگی و قومی مناطق با یکدیگر متفاوت است. قابلیت های توسعه دراین مناطق نیز یکسان نیست، ولی در مجموع می توان بسیاری از توانهای اجتماعی واقتصادی را نسبت به شرایط محیط به کارگرفت. نقش نیروهای مردمی درکمک به بازسازی فوق العاده اهمیت دارد.

موضوع برنامه ریزی باید به روشنی تعریف شده باشد. بازسازی درکجا و برای که و چه منظوری است؟ اگر هدف از بازسازی بهبود شرایط آنچه که تخریب و ویران شده وباز گردانیدن جمعیت به محیط قبلی خود است، شاید آنقدر موفقیت آمیز نباشد که در امر بازسازی، توسعه روبه آینده را نیز مورد توجه قرار داد. بازسازی درمناطق ویران شده، برای گروههای اجتماعی ساکن درمناطق مختلف، با استعانت از برنامه ریزی های کشوری ونیل به بهبود شرایط زیست وتعیین جایگاه این مناطق در چهارچوب برنامه توسعه ملی برای گروه های عمده جمعیت، دلگرم کننده تر وبرای کشور سودبخش تر خواهد بود.

۳– شناخت محیط در وضع موجود

دراینکه مناطق جنگ زده درگذشته، چگونه بوده واکنون چگونه است، واجد اهمیت فراوانی است. دراین ارتباط نکات زیر مورد توجه می باشد:

– شناخت خصوصیات جمعیت ومنابع اقتصادی واجتماعی موجود.
– نحوه استقرار جمعیت درنقاط شهری وروستایی و درجه بندی و سلسله مراتب آنها.
– شناخت دامنه های نیاز به بازسازی درمناطق مختلف.
– شناخت تنگناها و نارسایی های موجود.
– بررسی قابلیت ها وتوانها، علی رغم نارسایی های موجود.
– ارزیابی طرحهای اجراء شده ومیزان و دلایل موفقیت ونتایج آنها.
– خصوصیات موجود اعم از کالبدی، اقتصادی یا اجتماعی.

شناخت وضع موجود، یعنی تشخیص صحیح مشکلات، امکانات ومحدودیت ها و ارزیابی سیاستهایی که می تواند راههای نیل به اهداف را تعیین نماید. در شرایط موجود، مناطق جنگ زده دارای خصوصیات زیراست:

– عمده امکانات اجتماعی واقتصادی درنقاط متمرکز استقرار دارد.

- شهرها و روستاهای ویران شده، به طور کامل، قابلیت ها و شرایط قبل ازجنگ را به دست نیاورده است. دربسیاری ازموارد، جمعیت هنوز هم به طورکامل، به سکونت درفضای مورد استقرار خود متکی نیست.

- در شرایط موجود، علاوه بر صدمات ناشی از جنگ، بسیاری از نقاط جنگ زده و ساکنان آنها با عواملی مانند احتمال وقوع سیل و طوفان، زلزله، کسادی بازار کار، عدم بازده مطلوب سرمایه گذاری، بحران سکونت، کمبود نیازمندیهای عمومی، وسعت کم سرمایه گذاری بخش های عمومی وخصوصی وبالاخره خاطره های دوران جنگ و بیم از وقوع مجدد آنها روبرو می باشد.

شناخت عوامل فوق و چاره اندیشی برای آنها که به سیاستگزاری مربوط می شود، زمینه هایی است که در برنامه ریزی ها باید مورد توجه قرارگیرد. رفع این مشکلات نه به صورت صوری و نظری، بلکه عمقی وعملی، جمعیت را در بازسازی، سرمایه گذاری، مشارکت، سکونت واتکاء به محل سکونت خود تشویق خواهد کرد.

۴- شناخت توان های محیطی

به منظور رفع نارسایی های موجود و دستیابی به اهداف موردنظر، شناخت توان های محیطی از اهمیت زیادی برخوردار است. این توان ها به قرار زیر است :

- شناخت توان های طبیعی. شامل منابع آب، خاك، موقعیت جغرافیایی و آب وهوایی و استفاده از آنها به منظور برنامه ریزی در جهت نیل به هدف ها.

- شناخت توان های اجتماعی و فرهنگی. شامل فرهنگ ها، گونه های اجتماعی، قومیت ها، نیروهای مردمی، ساختارهای جمعیتی و اجتماعی و شرایط معیشتی آنها که می تواند در برنامه بازسازی مورد توجه قرارگیرد.

- شناخت توان های اقتصادی شامل آنگونه عواملی که می تواند برنامه ریزی را که یکی از مهم ترین شقوق آن به کارگیری عوامل اقتصادی است، یاری دهد. مانند توان های کشاورزی و دامپروری، صنعتی، خدماتی، بازرگانی و معدنی که با استفاده ازخصوصیات طبیعی و انسانی می تواند به تدوین برنامه نحوه استفاده از اراضی در سطح منطقه ای بیانجامد.

- شناخت توان های تاسیساتی : مانند راهها و شبکه های ارتباطی و قابلیت آنها، سدها، صنایع، مراکز خدماتی که به شناخت کمبودها ونارسایی ها ویا قابلیت های موجود منتهی می شود.

- شناخت عوامل تاریخی : مانند کاربرد روش های گذشتگان در رفع مشکلات و عوارض و نارسایی های شهری ومنطقه ای، نحوه سکونت، شرایط زیست، استفاده از فنون و روش های شهری و

منطقه ای در طول تاریخ و به کارگیری نکات مثبت آنها در برنامه های بازسازی.
عمده نقاط مورد بازسازی درمناطق جنگ زده ، ازنظر تاریخی دارای سوابق درخشانی درتمدن شهری و منطقه ای بوده است. تمدن های عیلام، سومر، بابل وماد، هخامنشی و ساسانی در این مناطق یا حول وحوش آنها قرار داشته وتمدن بزرگ اسلامی نیز در تحول این مناطق سهم به سزایی داشته است. وجود این تمدنها، درعمران و آبادانی این مناطق تاثیر گذارده است. روشهای سکونت، زراعت و دامداری، دفاع، معیشت، آبیاری، مهندسی و طراحی محیط، در چهره های تاریخی این مناطق دیده می شود. نکات مثبت آنها می تواند مجدداً در بازسازی ها مورد توجه قرارگیرد.

۵- اتکای برنامه ریزی در بازسازی مناطق

بازسازی مناطق جنگ زده، باید بر مبانی اساسی و اصولی متکی باشد. ساده نگری است اگر به ساختن خانه ها و احداث خیابانها و شهرها و روستاها وایجاد مراکز شغلی و رفاهی بسنده شده و از به کارگیری اقدامات زیربنایی در طرحهای بازسازی مناطق، غفلت شود. اگر چه این موارد گام موثری در انجام اقدامات زیربنایی است.

- درچهارچوب برنامه بازسازی ، یکی ازنقاط اتکاء، استفاده از روشهای علمی و فنی است. در قالب این روشها می توان از بی نظمی درانجام برنامه ها تا حد امکان، جلوگیری کرد. این فرآیند شامل مشاوره ها و استفاده از تجربیات علمی وتحلیلگران علمی نیز می شود.

- استفاده از توان های بالقوه منطقه ای و بالفعل در آوردن آنها در بهبود شرایط اقتصادی واجتماعی مناطق تحت بازسازی ود رچهارچوب برنامه های جامع منطقه ای وکشوری، از جمله نقاط دیگر اتکاست. استفاده ازاین امکانات وتوانها و بهره جویی از نتایج آنها در میزان موفقیت برنامه های بازسازی دخالت دارد.

- بهره گیری از کمک نیروهای مردمی و ساکنان شهرها و روستاها وایلات و عشایر یعنی آنهایی که به نحوی در سرنوشت سکونتگاه خود دخالت دارند. همراهی وهمکاری آنان درتحقق خواسته ها ونیل به علائق شان ، تکیه گاه استواری خواهد بود که بازسازی را از انجام یک اقدام محدود به سوی طرحی فراگیر و جامع هدایت کرده و ساکنان را در موفقیت طرحهای مربوط به خود، سهیم ومسئولیت پذیر می نماید.

- جایگاه بازسازی ، باید درهمه زمینه ها و درچهارچوب نیات متعالی برنامه های عمرانی کشور مشخص باشد. درهر برنامه عمرانی ، ضمن تامین بودجه واجرای اقدامات عمرانی در بخش های مختلف اجتماعی و اقتصادی، باید به طورمشخصی به امر بازسازی بها داده وبودجه های معینی را در

چهار زمینه زیر اختصاص داد.

- صرف هزینه ها بدون انتظار بازگشت سرمایه گذاری بر روی آنها.
- سرمایه گذاری به عنوان زمینه ای در جلب مشارکت بخش خصوصی.
- سرمایه گذاری در زمینه بازگشت کوتاه وبلند مدت سرمایه ها.
- سرمایه گذاری با کمک وهمراهی مردم.

- از جمله نقاط اتکای دیگر در جهت برنامه ریزی بازسازی مناطق جنگ زده، اتکاء به برنامه ریزی زمانی و مکانی است. در این مورد حدود زمان ومکان نیز قابل توجه است. بعضی از طرح ها در مدت زمانی کوتاه و در سطح یک مکان کوچک قابل اجرا است. برخی دیگر به مدت زمان طولانی نیاز دارد. مکان اجرای آنها نیز نیازمند به دست دادن فضا از نظر زمانی است. برنامه ریزی درچهارچوب زمان و مکان و استمرار وتداخل زنجیره ای آنها با یکدیگر به عنوان یک تکیه گاه محسوب می شود.

۶- سیاستگزاریها

نکاتی که در فرآیند بازسازی مناطق جنگ زده به آنها اشاره شد، هنگامی معنا خواهد داشت که طرحها و سیاستگزاریها دورنگر وجامع نگر بوده و دستیابی به اهداف را ممکن سازد. استعانت از شرایط محیط، گذشته تاریخی، ویژگیهای طبیعی و خصوصیات انسان ساختی در بازسازی مناطق جنگ زده، به کارگیری سیاستها را با استفاده از ابزارها و فنون و روندها و الگوها میسر می سازد.

محیط یعنی زمینه ای مهیا برای برنامه ریزی و برنامه ریزی یعنی همراهی و همکاری و ارتباط با شرایط محیط. نقطه عطف برنامه ریزی برای بازسازی مناطق جنگ زده، اعمال سیاستها وتصمیم گیری صحیح درانتخاب راه حلها است. اهم این سیاستها به شرح زیر می باشد:

الف- سیاست های منطقه ای : که به قرار زیر دسته بندی می شود[1]:

- طرح برنامه ها: شامل سیاستهای جمعیتی، کالبدی، تولیدی(طبیعی، صنعتی، بازرگانی) شغلی، برنامه های منطقه ای، استفاده از تخصص ها، روشهای استفاده از امکانات.

- سیاست های اجرایی: شامل سیاست برنامه ریزی زمانی، ارجحیت های اجرایی، طرح های شهری، روستایی ومنطقه ای، برنامه های بخشی، انتخاب طرحها برای اجراء، ترکیب نیروهای فنی وتخصصی، راههای همکاری با نهادهای مردمی و سیاستهای مالی.

- سیاست های تحلیلی: شامل سیاستهای مربوط به منابع اقتصادی، خدمات اجتماعی، زیربناها وتاسیسات کالبدی، منابع انسانی، عوامل اداری وحقوقی وامکانات ظاهری.

۱- اسماعیل شیعه - مبانی برنامه ریزی شهری - چاپ هشتم - دانشگاه علم و صنعت ایران - تهران - ۱۳۷۷.

– سیاست به کارگیری معیارهای اجرایی : شامل سیاستهای دولت در سطح کشور، منطقه، شهر و روستا، سیاستهای فضایی و برنامه های بالادست منطقه ای، مانند برنامه آمایش سرزمین، معیارهای زیست محیطی، ضوابط مالی ونظارت بر پیشرفت کالبدی برنامه ها.
موارد فوق درچهار چوب برنامه ها و سیاستهای کشور قرار دارد وبه مفهوم جزیی از برنامه های کل کشور درمناطق جنگزده نیز به حساب می آید.

ب- سیاست های درون منطقه ای

بازسازی مناطق جنگ زده به مثابه عاملی در نظارت بر شرایط محیطی و بهبود نظام سکونت نیز مطرح می باشد. این خود می تواند از بازسازی وتجربیات آن، الگویی برای دیگر نقاط، حتی نقاطی که فقط در آستانه توسعه بوده ومسایل بازسازی ناشی از جنگ رانیز به همراه ندارد، فراهم آورد. دراین زمینه، اعمال سیاستهای قابل قبول می تواند به عنوان عاملی در نیل به اهداف (بازسازی – توسعه شهری ومنطقه ای) باشد. دراین زمینه، با توجه به ساختارمحیطی مناطق جنگ زده اعمال سیاست های زیر را می توان متصور دانست.

۱ – سیاست عدم تمرکز جمعیت : مناطق جنگ زده یا آسیب پذیر درمقابل سیل و زلزله، باید ازنظر جمعیت واستقرار آن در سطح مناطق، از اعتدال برخوردار باشد. ازتمرکز جمعیت و فعالیت در نقاط متمرکز پرهیز شود. این مورد با شرایط پراکندگی امکانات زیست مانند منابع آب وخاك نیز موافقت داشته و زمینه توسعه اقتصادی و دسترسی به منابع طبیعی را به همراه خواهد داشت. نتایج چنین موردی به قرار زیر می باشد:

– کاهش تمرکز جمعیت، باعث کاهش بحران مسکن می شود.
– اراضی کشاورزی را با توسعه بیشتری مورد توجه قرارمی دهد.
– در بروز بحران های طبیعی، جمعیت کمتری درمعرض آسیب قرارمی گیرد.
– امکانات طراحی محیط مصنوع با عدم محدودیتهایی که از نظر کاربری زمین به وجود می آید بیشترخواهد شد.
– در بروز اتفاقات غیرمترقبه، مانند جنگ، جمعیت به صورت متمرکز درعرصه مخاطره قرار نمی گیرد و حالت تدافعی افزون می گردد.
– منابع آب با اعتدال بیشتر وبهتری مورداستفاده قرارمی گیرد.
– حفظ محیط زیست وکاهش آلودگی ها به نحو بهتری میسر خواهد بود.
– فرهنگ ها و قومیت ها به نحومطلوب تری حفظ شده و درعرصه تداخل، گوناگونی و

تضاد با یکدیگر قرارنمی گیرد.

۲- اولویت مراکز جمعیتی کوچک بر مراکز جمعیتی بزرگ (اولویت روستا بر شهر): در این زمینه باید، اقدامات عمرانی با تاکید برنقاط روستایی (و یا ایلی و عشیره ای) همراه شده و انجام همزمان اجرایی برنامه های عمرانی را در پی داشته باشد. دراین زمینه، درانجام اقدامات عمرانی، به شهر و روستا، باید به عنوان یک جامعه مشترك ولی پراکنده انسانی و با عملکرد مشترك منطقه ای نگریسته شود.

۳- سلسله مراتب پخش جمعیت: دراین مورد، به نسبت نقش و وظیفه ای که در سطح منطقه ای (کشوری- استانی - مناطق تحت بازسازی) برعهده مراکز زیستی گذارده می شود، باید به ایجاد سلسله مراتب جمعیتی (مرکز استان، مرکز شهرستان- مرکز دهستان. . .) و حوزه های اقماری هریک همت گماشت ونقش و وظیفه و عملکرد هرمرکز زیستی رامشخص ساخت.

۴- مشخص ساختن عملکرد اصلی اجتماعی واقتصادی فضا: به نسبت نوع نقش ها و وظایف، باید به تعیین اولویت درنقش اول اقتصادی هرمحیط (کشاورزی و دامپروری ، صنعتی، بازرگانی، بین راهی، پایانه ای . . .) پرداخت . کلیه برنامه ها باید به نسبت چنین اولویت هایی تنظیم شود.

* سیاست های مکان یابی

این سیاست ها از چند دیدگاه مورد توجه قرار دارد. اعمال چنین سیاستهایی، جایگاه شهر و روستا و یا شهرها و روستاهای جدید را معین خواهد کرد. موقعیت زیستگاهها به نسبت اراضی دشتی و جلگه ای وکوهستانی و اعمال سیاست های توسعه ناپیوسته شهری وروستایی ، بر توسعه پیوسته برتری دارد. دراین مورد چند نکته مطرح می باشد:

۱- عدم تجمع مراکز زیستی و مطلوبیت آرایش فضایی: مناطق جنگ زده کشور، همانطور که بیان شد، دراصل با پراکندگی در استقرار مراکز زیستی همراه است. این مورد، ضمن استفاده مطلوب از شرایط طبیعی، خصوصیت خود را درحالت تدافعی نیز نشان داده است. روستاهای پراکنده، حالت دفاعی مناسبی را در دفاع از سرزمین برخود گرفته اند. در شروع جنگ تحمیلی، پراکندگی روستاها و استقرار نیروهای مردمی در مراکز متعدد، تسخیرسرزمین را برای دشمن با مشکلات جدی روبرو ساخته بود. بنابراین پراکندگی مراکز زیستی ضمن آنکه از بروز مشکلات ناشی از زندگی در نقاط متمرکز خواهد کاست، به بهره وری بیشتر ازمنابع طبیعی خواهد انجامید و در هنگام بروز حوادث غیرمترقبه وتدافعی، سطح دفاع را بالاخواهد برد. درعین حال هزینه های اقتصادی و

مدیریتی مراکز زیستی توام با استفاده ازخصوصیات قومی و فرهنگی به نحوموثرتری قابل هدایت خواهد بود. دراین مورد اعمال چند سیاست مورد توجه می باشد:

- آرایش واستقرار روستاها وشهرهای کوچک در سرتاسر مناطق جنگ زده وجبهه های پشت آن، به عنوان سدی محکم در دفاع از سرزمین مطرح می باشد. بدیهی است که در شرایط عادی نیز، پراکندگی روستاها وشهرهای کوچک به صورت زنجیره ای به توسعه سراسری مناطق کمک خواهد کرد.

- به جای تجمیع روستاها وبارجمعیتی آنها، ضمن حفظ این روستاها، باید به تجمیع تاسیسات موردنیاز جمعیت و در فاصله ای مناسب بین آنها و به صورت اقماری اقدام کرد.

- احیاء وتقویت زندگی ایلی وعشیره ای (زندگی درحرکت) که در بهره وری از امکانات طبیعی و معیشت زراعی و دامی موثر می باشد.

۲- تقویت سلسله مراتب شبکه های ارتباطی. دراین مورد، باتوجه به موقعیت نواحی مختلف جنگ زده (نواحی ساحلی، دشتی، کوهستانی . . .) و ایجاد قطب های مختلف اقتصادی و بازرگانی (صنعتی - معدنی ، کشاورزی - صادراتی و وارداتی) بسط شبکه راهها بر اساس اولویت در سلسله مراتب نقش شهری ومنطقه ای و دسترسی به مراکز اداری وجمعیتی اهمیت خواهد داشت.

۳- شبکه های تاسیسات عمومی و زیربنایی ومکان یابی آنها به نسبت جمعیت و سلسله مراتب استقرار در هریک ازمناطق، باید نقش پذیر باشد، ایجاد چنین تاسیساتی به همراه وجود مراکز شغلی وکاری(به صورت غیرمتمرکز)، تفریحی، تحصیلی و درمانی، درتوسعه محیط موثر خواهد بود.

سیاست های ضابطه ای

اعمال روشها و سیاستهایی مانند تشویق جمعیت در دلبستگی به محیط سکونت خود و با جلب مشارکت آنان درامر بازسازی، جلب سرمایه گذاری بخش خصوصی و استفاده ازتسهیلات ویژه، بیمه کاری و شغلی وتولیدی، کاهش مالیات، تسهیلات وام، پرداخت کمک هزینه ها والویت بندی مواردی که سیاستها را به سوی هدفها سوق دهد، اقدام مؤثری خواهد بود. در همین زمینه باید ازانجام هرگونه اقدامی که موجب دلسردی ساکنان شود، پرهیز کرد.

اصلاحات منطقه ای

مناطق جنگ زده ، به نوعی با مشکلات ناشی از بروز طوفان و سیل، کم آبی، صعب العبور

بودن راه، گرما یا سرمای بیش از حد (خوزستان تا کردستان) ، روبرو می باشد. این مورد به دلیل تفاوت شرایط طبیعی است. اعمال سیاستهایی مانند توسعه فضای سبز، تثبیت شن های روان، رواج شبکه های آبیاری منشعب از رودخانه ها به سوی مراکز زیستی، زراعی وصنعتی ، لاروبی رودخانه ها و ایجاد سیل بندها، طرح ساختمانها نسبت به شرایط محیطی گام موثری دراعتدال چنین شرایطی خواهد بود.

با توجه به موارد بیان شده ، عمده تاکید علاوه بر برنامه عدم تمرکز جمعیت و ایجاد زمینه ای برای یک توسعه پایدار و قانونمند، توجه به چهار ساختار زیراست :

- ساختار اجتماعی (توجه به قومیت ها ، مودت ها، صمیمیت ها . . .)
- ساختار اقتصادی (توجه به نقش دهی به فضاها و سلسله مراتب عملکردی خرده فضاها . . .)
- ساختار کالبدی (هماهنگی بامحیط، توسعه ناپیوسته ، بهبود شبکه راهها، حفظ هویت ها . . .)
- ساختار تاسیساتی (پخش سلسله مراتبی شهر وروستا وتاسیسات عمومی و زیربنایی . . .)

در چهارچوب اقدامات فوق، بهره گیری از طبیعت وحفظ محیط زیست ازاهمیت برخوردار است. اولین گام دراین زمینه، شناخت شکل زمین (Land Form) و منطقه‌بندی ویژه (Zoning) و پیشنهاد برنامه استفاده از زمین (Land use) در سطح کل فضای تحت بازسازی است.

فصل پنجم

مروری بر سوابق تاریخی شهرسازی و عمران منطقه ای در ایران

یکی از نکات مهم در هر برنامه ریزی شهری و منطقه ای، توجه به سوابق طرحها و برنامه ها و آشنایی با پیشینه های تاریخی است. اتفاقات تاریخی، دارای نقاط شدت و ضعف فراوانی می باشد که توجه به آنها می تواند در ترسیم افق آینده نقش موثری ایفا کند. در این فصل به نکاتی چند درباره پیشینه های تاریخی عمران شهری و منطقه ای در ایران پرداخته شده است. در بخش اول، به بررسی مختصر سازمان فضایی شهری و منطقه ای در ادوار گذشته کشور پرداخته شده و در بخش دوم به توضیحاتی درباره روند برنامه ریزی تاسیسات عمومی در شهرهای گذشته اقدام گردیده است. در بخش سوم اهمیت نقش راه به عنوان یک عامل مهم در شهرسازی سنتی مطرح شده و در بخش چهارم و در مقوله عمران منطقه ای در ایران، احیاء یکی از سنت های عمرانی گذشته مورد پیشنهاد قرار گرفته است.

بخش اول

آنـان کـه کـهن بـونـد و آنـان کـه نوند
هریک پی یکـدگـر ، یـکایـک بـشونـد
و این کهنـه جهان به کس نمانـد جاوید
رفـتنـد و رویـم وبـاز آیـنـد و رونــد
(حکیم عمر خیاّم نیشابوری - وفات ۵۱۷ هجری)

سازمان فضایی شهری و منطقه ای ایران در دوران قبل و بعد از اسلام

سازمان فضایی شهری ومنطقه ای در ایران در دوران قبل و بعد از اسلام:

بررسی تاریخ شهرسازی کشور، با تمدنی چند هزار ساله که در مراحل مختلف نشیب و فراز فراوانی را پیموده ، به بررسی و تفحص گسترده وعمیقی نیاز دارد. دراین بخش ازمطالعه به طورخلاصه وبه صورت مقدماتی به بررسی سازمان فضایی وتشکیلات شهری ومنطقه ای در ایران پرداخته می شود.

تاریخ تمدن ایران را می توان به دو دوره تقسیم کرد: یکی از پیدایش تا اسلام که از آن به عنوان عهد باستان نام برده می شود و دیگری دورهٔ اسلامی که تا زمان حاضر را در بر می گیرد.

۱- عهد باستان (از پیدایش تا اسلام):

دربارهٔ تمدنهـای نخسـتین در ایران، به دلیل کـمی منابع اطلاع جـامـعی در دست نیـست، قدیمی ترین آثار این تمدن به ده هزار سال می رسد.[۱]

تاریخ اسطوره ای ایران به طور عـمـده دوره های فـرمـانروایی پیـشـدادیان و کیـانیـان را دربر می گـیرد. قبل از تسلط مادها نیز درغرب ایـران و در میـان رودان (بین النهرین) تا زاگـرس سومـریان، اکدیان، کلدانیان، آشوریان، بابلیان و عیلامیان دارای تمدن شهری ومنطقه ای بودند.

بنابر روایت اوسـتـا، بعـد از ورود آریایی ها، درایران ۱۶ نـاحیه بـوجود آمـد. این ۱۶ نـاحیـه عبـارت از

۱- حمید نوربخش و دیگران - ارگ بم- نویسندگان - تهران - ۱۳۵۵ .

آریاویج، سغد (سغدیان)، باختر (باختی - بلخ)، نیسایه (پارت)، اوروا(خوارزم) رنها(رنگها)، مرگیانا(مرو)، هرات، کابل، هیرکانی(گرگان)، هتومنت(هلمند)، رخج، راگا(ری)، ورنه(گیلان)، چخر(چرخ) و پنجاب (درهند) بود. این نواحی به عنوان قلمرو فرمانروایان پیشدادی وکیانی محسوب شده و شهرباختر (بلخ) مرکز سرزمین باختر پایتخت حکومت کیانیان بوده که نام قدیمی تر آن «راز یاسب» می باشد.[1]

در تمدن سومر از آن زمان که سارگون بانی دولت اکد پس ازتسلط بر سومریان شهر اکد درنزدیکی بابل را به عنوان پایتخت ایالات متحده سومر بنا نهاد (۲۷۵۰ق.م.)، غالب سکونتگاههای مهم شهری به صورت دولتشهرهای مستقل بوده است. دراین دوره حداقل یازده ایالت شهر وجود داشته و بعضی از آنها وارکا، لارسا، کیش ونیپور نامیده می شد. دراین دوره از شهر اور(نیمه راه بغداد تا دهانه خلیج فارس)به عنوان پایتخت سومر نام برده می شود[2].

سومریان در آغاز در قسمت بالایی خلیج فارس و در دو سوی اروند رود (شط العرب) زندگی می کرده اند. اکدیان در شمال شرقی سرزمین سومر سکونت داشتند. نام اکد و سومر غالباً باهم ذکر می شود[3]. در تمدن عیلامی نیز عیلام چهار منطقه داشت که آوان (شوش - سوزیان)، انشان(انزان - در شرق و جنوب شرقی خوزستان)، سیماش (در شمال و شمال شرقی خوزستان) و پارسوماش (مسجد سلیمان) بود[4]. تمدن عیلامی نواحی خوزستان، لرستان، پشتکوه و کوههای بختیاری را در بر می گرفت[5].

با بررسی مقدماتی، سازمان فضایی شهری ومنطقه ای در ایران به نسبت ادوار تاریخی در دورهٔ باستانی واز شروع حکومت مادها به قرار زیر بوده است:

دوره ماد:

جامعهٔ ماد، ازعشیرهٔ پدرشاهی (ویس) تشکیل می شد که دردهکده ها به سر می برد. سالمندترین آنها به ریاست عشیره برگزیده می شد. درهر روستا رئیس ده، دهخدا نام

۱-عبدالعظم رضایی - تاریخ ده هزار ساله ایران - جلد اول - اقبال -تهران - ۱۳۷۲.

۲-جیمز موریس - تاریخ شکل شهر - ترجمه راضیه رضا زاده - جهاد دانشگاهی علم و صنعت ایران - تهران - ۱۳۶۸.

۳- همان.

۴- احمد اقتداری - دیار شهریاران - انجمن آثار ملی - تهران - ۱۳۵۳.

۵- حسین سلطان زاده - روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران - آگاه - تهران - ۱۳۶۲.

می گرفت[1]. کشور ماد از سرزمین های خودمختار تشکیل شده بود. دارای واحدهای مستقلی بود که در راس آنها شاهکهایی قرار داشت. به طور کلی، امپراطوری ماد از تکامل نظام اجتماعی قبایل وطوایف آزاد و دامدار و کشاورز و تبدیل آنها به یک اتحادیه بزرگ و تحت فرمانروایی بزرگتری به وجود آمد. پیدایش نظام پدرشاهی (شه پدری) به تسلط سازمان اداری و دولت مرکزی برعامه مردم، جماعت آزاد روستایی و دامداران وپیشه وران شهری منجر گردید. رابطهٔ گروهی این جماعت با دولت از دورهٔ ماد شروع شد[2]. بنابراین نظام اقتصادی ایران در دوره ماد بر اساس دامداری و کوچ نشینی استوار بود. مردم، شامل چهار گروه ارتشتاران (نظامیان)، دبیران، مغان و موبدان و بالاخره دامداران و کشاورزان و پیشه وران (در مراحل اولیهٔ تکوین) بودند[3]. به روایتی دیگر از خرده اوستا، طبقات اجتماعی دورهٔ ماد از کاهنان و خادمان آتش، ارابه سواران (بزرگان قوم)، دامداران و کشاورزان و پیشه وران تشکیل می شد. هرودوت آنها را به شش طبقه بوزها، پارتاسن ها، استروخاتها، اریزانت ها، بودین ها ومغ ها تقسیم می نماید. به طور کلی در دورهٔ ماد سپاهیان، اصناف و افراد ثروتمند درکنار هم زندگی می کردند. درآن دوران پیشه وران را کورتش می نامیدند.

فضاهای شهری ماد بر اساس سازمان اجتماعی آن از قصر حکومتی (محصور به دیوارهای سنگین) تاسیسات نظامی و اداری وانبارهای ذخیره (با دیوارهای محصور)، محلات اشراف و تاسیسات فرهنگی مربوط به اشراف و نجبا و بالاخره محل سکونت عامه مردم تشکیل می شد. شهرهای دورهٔ ماد دارای حصار، خندق و دیوار و متاثر از شهرهای عهد آشوریان بود. نمونهٔ بارز آن دهکدهٔ سیلک (کاشان) است که تبدیل به شهری مستحکم گردید[4].

مادها دارای مجالس و مجامع بودند. ازاینگونه مجالس به نام «هنجمن» نام برده شده است [5].

شهراکباتان (همدان) که به دستور دیااکو(دیوکس) بنا شد، پایتخت دولت ماد بود. [6]

۱-عبدالعظیم رضایی - همان.

۲-م. دیاکونف - تاریخ ماد- ترجمه کریم کشاورز- بنگاه ترجمه ونشرکتاب- تهران - ۱۳۴۵.

۳-گروه مطالعات و برنامه ریزی شهری - شهر در ایران ازتمدن ماد تا انقلاب اسلامی - شمارهٔ ۲۶- دفتر برنامه ریزی عمرانی وزارت کشور - تهران -۱۳۷۲.

۴- منوچهر طبیبیان - بررسی سیر تکاملی شهرهای ایران- دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران - تهران ۱۳۵۳.

۵-عبدالعظیم رضایی - همان.

۶- به گفته هرودت دژ مرکزی اکباتان با هفت دیوار متحدالمرکز ، هریک بلندتراز قبلی و به رنگهای سفید، سیاه، سرخ، آبی، زرد و قهوه ای و کنگره ها نقره فام و زردفام بود. ساکنان شهر خارج از این حصارمنزل داشتند (حمید نوربخش و دیگران - ارک بم -به نقل از تاریخ ماد).

دوره هخامنشیان :

طبق نوشته های موجود، ایالات ایران در دورهٔ هخامنشی و بویژه درعهد داریوش بین ۲۰ الی ۲۸ واحد بوده است. ایالات ایران به دو دسته تقسیم می شد. یکی آنها که در داخل فلات ایران قرار داشت و دیگری آنها که در دامنهٔ غربی زاگرس بود. ایالات داخل فلات ایران عبارت از : ماد (هیرکانیا یا گرگان)، پارس(فارس)، پارت (خراسان)، زرنگ (سیستان)، اریه، خوارزم (خیوه) باکتریا (باختر) سغدیانا(بخارا و سمرقند)، گندار(افغانستان غربی) و ولایت طایفه سکا، ساتاژیدها، آراخوسیا، ماکا (احتمالاً مکران) بود. ایالات غرب زاگرس و پارس نیز شامل عیلام (اوواژ- سوزیانا)، بابل، کلده، آشور قدیم (آثورا)، عربستان (سوریه و فلسطین)، مصر(فینیقیه - قبرس - جزایر یونان)، یونا (لیکیه و کاریه و یونانی نشین های سواحل آسیای صغیر)، آسپاردا (لیدیه و غرب رود هالیس)، ارمنستان و کاپادوکیه می گردید. هریک از این ایالات توسط یک ساتراپ (خِشتَرَپاون یا شهربان و نگهبان کشور - مرزدار) و یک سردار و یک دبیر اداره می شد[1].

خِشتَر پاون یا ساتراپی درعهد هخامنشی به معنی ایالتی بود که حق ضرب سکه داشت. هر ساتراپی مرکزی داشت که اولیای امور در آن مستقر بودند. ایران درعهد هخامنشی دارای ۳۰ ایالت بوده که هر ایالت را یک خِشَتَرپاون (ساتراپ) اداره می کرده است[2]. زندگی عمدهٔ مردم درعهد هخامنشی گله داری و زراعت بود. هر چند خانوار تشکیل یک تیره و هر تیره تشکیل یک قبیله را می داد که غالباً به صورت چادرنشین بوده و بعدها به زندگی شهری روی آوردند[3]. پارسها به دو طبقه تقسیم می شدند، طبقه اول به کشاورزی مشغول بوده و شامل ۶ تیره پازارگاد، مارافین، ماسپین، پانتالین، دروزین و گرمانین می شد. طبقه دوم نیز شامل بیابانگردان و چوپانان و متشکل از چهار عشیرهٔ دائن، مارد، در و پیک و ساگارنین می گردید. هخامنشیان جزء گروه اول (پازارگادها) بودند. ساختار اجتماعی دورهٔ هخامنشی شامل : ارتشتاران، دبیران، مغان و موبدان، دامداران و کشاورزان، پیشه وران و بردگان می شد[4]. شهرها ازنظر فضایی شامل محل اقامت هیات حاکمه و محل سایر طبقات مردم بود که به صورت چادرنشینی دراطراف سکونتگاه هیات حاکمه زندگی می کردند. شهرها دارای حصار و دروازه بود. شارستان و ربض و کهندژ، به دلیل وجود طبقات متمایز اجتماعی وجود داشت.

۱-کاظم ودیعی - مقدمه برجغرافیای انسانی ایران- دانشگاه تهران- ۱۳۵۳.

۲- حسین سلطان زاده - روند شکل گیری شهر ومراکز مذهبی در ایران - آگاه - ۱۳۶۲.

۳- همان.

۴- همان

حالت منسجم آن بعدها در دوره های اشکانی و ساسانی شکلی قطعی به خود گرفت. شهرها به طور عمده دارای نقش کشاورزی و نظامی بودند[1]. هستهٔ پیدایش بازارهای شهری در ایران از دورهٔ هخامنشی آغاز می شود. وجود کاروانهای تجاری و کاروانسراها درخارج از شارستان و کنار دروازه ها، داد و ستد را رونق داد. فعالیتهای تجاری درکنار راههای اصلی شکل گرفت. ولی، به دلیل زندگی چادرنشینی، بازارحالتی دائمی نداشت. در این دوره، اصناف با تقسیمات صنفی ودرقسمتهای مختلف در کنار هم گرد آمده بود[2].

دوره سلوکیان :

سازمان شهرهای سلوکی، برآیندی از مفهوم شهر در دوران ماد وهخامنشی دارد. تبدیل شهر ایرانی به رسم سلوکی، به دلیل وجود قبایل و شوراهای قبیله ای کار آسانی نبود. بویژه آنکه شهرها می بایستی به محله هایی تقسیم می شد که به سبک شهرهای یونانی دارای شهرداری و ورزشگاه باشد. ازاین رو، شهرها به صور مختلف و ازآن جمله خود فرمان و نیمه خود فرمان تقسیم شده بود. نقش اقتصادی شهرها دامداری و کشاورزی و نظامی بود. یکپارچگی بازارهای مختلف، رواج پول، کاربرد روشهای کشاورزی و توزیع زمین بین کشاورزان از جمله شاخصه های های این دوره است. با تمام این تمهیدات سیاست سلوکیان درعمق جامعهٔ ایرانی نفوذ نکرد[3].

شهرهای عهد سلوکیان به چهار دسته تقسیم می شد :

- شهرهای کهن ثروتمند (مانند بابل - صیدون - تیر (متحدان پادشاهان سلوکی).
- شهرهای قدیمی ساتراپی های غربی ایران (مانند اوروك واورشلیم).
- شهرهای جدید که سلوکیان بنا کردند. (مانند انطاکیه، لادوکیه و سه شهر در منطقه شوش).
- شهرهایی که هرگز به مقام شهرهای یونانی (سلوکی) نرسیده و زیر سلطهٔ حکومت مرکزی بود.

یادآور می شود که شهرهای عصر سلوکی به چهار علت یکی کردن چند دهکده دریک شهر، بالا بردن منزلت یک دهکدهٔ مهاجرنشین یونانی، واگذاری حقوق و مزایای شهر یونانی وار به یک شهر قدیمی (مانند شوش) وبالاخره بنا کردن شهرهای تازه برپا می شد. سازمان سیاسی شهرها ازیک مجلس ملی و شورایی منتخب ازشهروندان و شخصی که شهروندان او را انتخاب می کردند، تشکیل

۱- همان

۲- همان.

۳- همان.

می شد.

درزمان سلوکیان حق ضرب سکه فقط به چند ساتراپی داده شد. بسیاری از شهرها دارای دو نام بود. مانند تیسفون (سلوکیه) و دورا (اورپوس). ساتراپی ها (ایالات) دارای مرکزی بود. تیسفون (سلوکیه) مرکز ساتراپی بود، «استراتگ» و «اپیستات» فرماندهی پادگان شهر را برعهده داشت. مقام «استراتگ» انتخابی و «اپیستات» انتصابی بود. هر ساتراپ نشین در دوره های سلوکی و اشکانی به زیر بخشهایی به نام «هیپارخی» یا «اپارکی» تقسیم می شد. هر اپارکی نیز به بخشهای دیگری به نام «استاتما» تقسیم می گردید. «استاتما» در زمان هخامنشی نام ایستگاههای پستی بود[1].

دوره اشکانیان :

سرزمینهای تحت فرمان اشکانیان دونوع بود. یکی زیرنظر مرکز اداره می شد و برای هرکدام والی یا «بیس تاکسس» و به قول یونانی ها «ویتاکسا» (رئیس سواره نظام) تعیین می گردید. دوم ایالات تابع اشکانیان(پارتها) که حاکم و شاهی برای خود داشت. انتخاب رهبران ایالات را سه مجلس انجام می داد. یکی شامل افراد خانواده پادشاه، دیگری بزرگان قوم، شیوخ و بزرگان دینی و سومی ترکیب این دو مجلس به نام مهستان یا مغستان می گردید. درزمان اشکانیان کشور به ایالات مختلفی، کوچکتر از ساتراپ نشین های عهد سلوکی و در حدود اپارکی هاتقسیم گردیده بود. هر ایالت چند «اپارکی» و هر «اپارکی» به چند «استاتما» و هر «استاتما» به چند روستا تقسیم می شد[2].

عدد ایالات والی نشین عهد اشکانی به ۱۴ تا ۱۵ واحد می رسید. گاهی تا ۱۸ ایالت ذکر شده که پارس وخوزستان (به دلیل شاه نشین بودن آنها) جزء این تقسیم بندی محسوب نشده است. این ایالات عبارت از : بابل، اپولونیاتیس، خالونیت، کارنیا (نهاوند)، کامیادن(کرمانشاه)، مادبالا(همدان)، ماد پائین یا ماد رازی(ری)، خواران (خوار)، کمسیسن (قومس - دامغان)، وهرگان (گرگان)، استوئین، پارت خاص، آپاآوارتاکن (جزء پارت خاص)، مرگیان(مرو)، آریا(هرات)، اناثوئر (جزءهرات)، زرنگ(سیستان)، ارا آخوربا (رخج یاهند سفید) بوده است[3]. از بعضی از ایالات مانند باختر، سغد و پاراپامیزاد نیز نام برده نمی شود. ایالات شاه نشین عهد اشکانی شامل مادکوچک (آذربایجان)، ارمنستان، آدیابن، خسرون، الحضر، عیلام، پارس، باختر، سیستان و

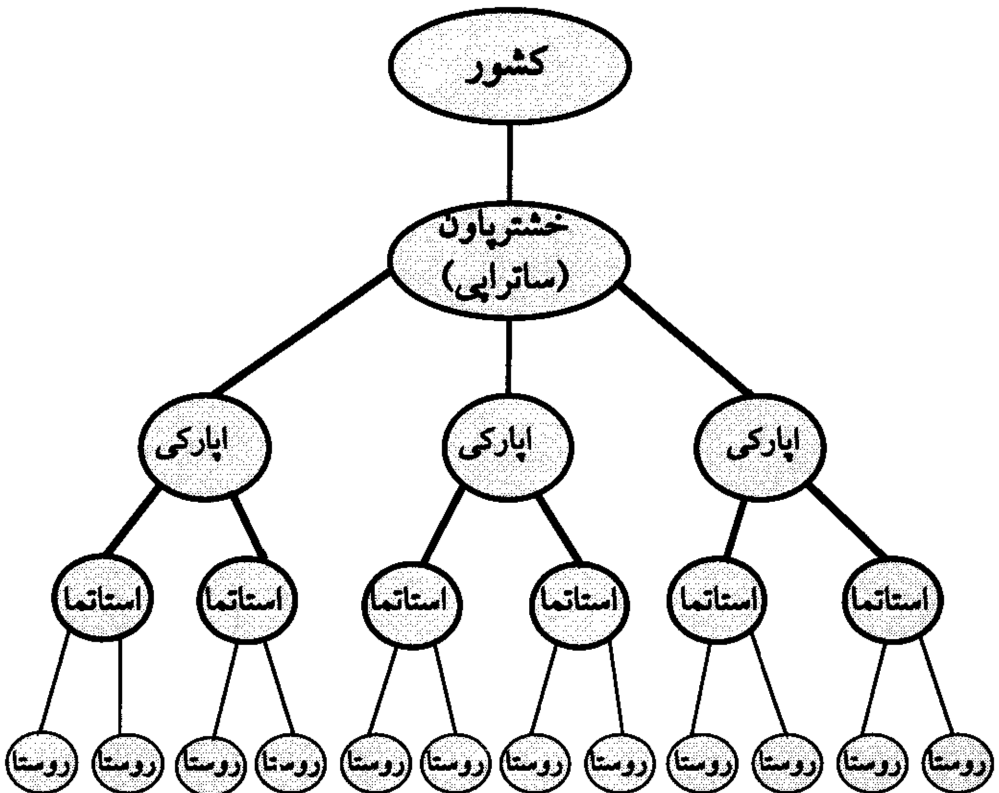
۱ - مصطفی ربوبی و فرنگیس رحیمیه - شناخت شهر ومسکن بومی ایران- انجمن دانشجویان دانشگاه تهران-تهران - ۱۳۵۳.

۲- حسین سلطان زاده - همان.

۳- کاظم ودیعی - همان.

کرمان بود. در عهد اشکانیان نظام اداری شهرها را حزب و شورا اداره می کرد[1]. در دورهٔ اشکانی برخی از شهرها نقش کاروانی داشته و به شهرهای کاروانی

سازمان تقسیمات منطقه ای کشور به عهد سلوکی و اشکانی



معروف بود. مانند شهرهای پترا و پالمیر (در شمال بیت المقدس). شهر اشکانی شامل چهار قسمت اصلی بود که عبارت از مرکز جغرافیایی شهر(کاخ و ساختمانهای سلطنتی) و محل استقرار سربازخانه ها، انبارها و خزائن پیرامون قسمت اول (کهندژ)، محل سکونت صاحب منصبان، ماموران دولتی و روحانیون (شارستان)، و بالاخره قسمت آخرین و حاشیه ای که مردم عادی درآن به سر می برد(ربض) وتوسط دیواری از بقیه بخشها جدا می شد[2]. هر قسمت از شهر دارای تجهیزات

۱- احمد اشرف - همان.

۲- گروه مطالعات و برنامه ریزی شهری - همان.

مربوط به زمان خود بود؛ بازار در قسمت شارستان قرار داشت. گیرشمن معتقداست که پارتیان (اشکانیان) بانیان بزرگ شهرها بودند [۱]. وی یادآور می شود که در این عهد شهرهای یونانی وار روبه نابودی گذاشت[۲]. دراین دوره پایتخت کشور نیز دارای دو گونهٔ تابستانی (اکباتان) و زمستانی (تیسفون) بود. در مجموع اشکانیان پایتخت ثابت و معینی نداشتند، گاهی در اکباتان، زمانی در تیسفون ومدتی در ری و هگاتم پولیس مستقر می شدند[۳].

دوره ساسانیان:

اقتصاد عهد ساسانی برپایه کشاورزی قرار داشت. این نظام باتحول روبرو بوده و زمینداری دراین دوره رواج پیدا کرد. دراین دوره صنعت و بازرگانی، علی رغم اهمیت کمتر خود به نسبت کشاورزی، بیش از دوره های قبلی پیشرفت کرد. دربخش بازرگانی تولید بعضی از کالاها مانند ابریشم در دست دولت بود. در بخش صنعت، صنایع ابریشمی، مس، مروارید و بلور کوهی اهمیت پیدا کرد. از مشخصه های دیگر این دوره توسعه روابط پولی و اعتباری وبانکی و رواج تجارت دریایی بود[۴].

در این دوره خود مختاری شهرهای یونانی وار ازبین رفت. اقتصاد و تجارت با شکل گیری بازار رونق یافته و تفکیک شهر به محلات شهری صورت گرفت. ریخت شهر ساسانی از تمایز بین گروههای اجتماعی و درآمدی، دخالت دستگاه اداری در زندگی شهری وامور اصناف متاثر است[۵].
طبقات اجتماعی ساسانیان به چهار گروه تقسیم می شد که خانواده سلطنتی در راس آنان قرار داشت[۶]:

- روحانیون (آثروان) که ریاست آنها با موبذان موبذ بود.
- جنگیان (ارتشتاران) که ریاست آنها با سپاهبذ بود.
- مستخدمان اداری (دبیران) که ریاست آنها با دبیر بَذ یا دبیران مَهشیت بود.
- عمده مردم (روستاییان – و استریوشان – صنعتگران و شهروندان (هُتُخشان) که ریاست آنها

۱- احمد اشرف – همان.

۲- مصطفی ربوبی و فرنگیس رحیمه – همان.

۳- منوچهر طبیبان – همان.

۴- گرو مطالعات برنامه ریزی شهری – همان.

۵- عبدالعظیم رضایی – همان.

۶- عبدالعظیم رضایی – همان.

با واستریوشان سالار یا واستریوبذ یا هُتخشبَذ بود. هر کدام ازاین چهار گروه دارای تشکیلات، دسته ها، گروهها و بازرسان مختلف می شد.

روحانیون شامل چهار گروه قضات (دادوران) - علمای دینی و مغان - موبذان وهیربذان- دستوران و معلمان(اندرزبَذ) می شد.

- جنگیان شامل سواره ها و پیاده ها می گردید.

- مستخدمان اداری یا دبیران شامل منشیان - محاسبان - نویسندگان احکام- شعرا - تحریر کنندگان - مورخان و پزشکان بود.

- عمده مردم نیز ازبازرگانان - کشاورزان - سوداگران - ارباب حِرَف و پیشه وران تشکیل شده بود.

در تقسیمی دیگر در دوره شاپور ساسانی طبقات اجتماعی به قرار زیر بود:

- شهرداران یا شَترداران (حکام شهری ومنطقه ای).
- واسپوهران (زمینداران و خاندانهای بزرگ و ملاکین).
- وزرگان (بزرگان).
- آزاذان (تیولداران ونجیب زادگان).
- واستریوشان (روستائیان - شهروندان و صنعتگران).

در دوره ساسانی روستاییان، برزگران - راعیان، تجار و پیشه وران را «مهنه» می گفتند[1].

مهنگان، خود به دو گروه هُتَخشان (صنعتگران و شهریان) و واستریوشان (روستاییان و کشاورزان) تقسیم می شد. ریاست مهنگان وازاربذ (رئیس بازار) نامیده می شد[2]. پیشه وران دارای نظام و سازمان صنفی بوده و هرصنف دارای رئیس مخصوص به خود بود.

درعهد ساسانی پس از پادشاه، وزیر بزرگ (هزار بَذ) یا (وزرگ فرمَذار) قرار داشت. وجود منصب وزارت در دوره اسلامی متاثر از مقام بزرگ فرمذاری در عهد ساسانی است[3].

ایران در دوره ساسانی به چهار بخش یا «کوست» و بر اساس چهار جهت جغرافیایی تقسیم می شد[4]:

۱- احمد اشرف - همان.

۲- مصطفی ربوبی و فرنگیس رحیمیه - همان.

۳- عبدالعظیم رضایی - همان.

۴- کاظم ودیعی - همان.

- خورآسان یا خورآیان (جایی که خورشید طلوع می کند) شامل خراسان - خوارزم - بخارا - سغد- گرگان - سیستان و بلوچستان و ولایات شرقی کشور.

- خوربَران (جایی که خورشید به آنجا می رود) شامل عراق- کرمانشاه- کردستان و دیگر ولایات غربی کشور.

- باختر (به معنای شمال) شامل آذربایجان و ارمنستان - گرجستان و قفقاز و تپورستان (مازندران) و دماوند.

-نیمروز(جنوب) شامل خوزستان، پارس ،کرمان، سکستان و سند که ریاست هریک از آنها با یک مرزبان یا ساتراپ (حاکم و استاندار) بود. مرزبان را سورِن می گفتند. ایالات به مناطقی تقسیم شده و هر قسمت یک استان خوانده می شد. هریک از بخشهای کوچک استان را شهر، وحاکم نشین آن را شهرستان می نامیدند. حکومت شهر با «شهریگ»بود که از میان دهقانان[1]برگزیده می شد. در راس دیه و اراضی زراعی تابع آن که «روستاگ» (رستاق) نام داشت، «دیهیگ» یا «دیه سالار» قرار داشت. رئیس رستاگ را کدخدا نیز می نامیدند. درناحیه عراق شهریگ ها از آزاذان بوده وفوق دیهیگان قرار داشتند. فرمانروایان ایالات ازمستخدمان بوده و در ردیف مرزبان یا شهردار قرار داشتند. نام ولایات ایران که تحت فرمانروایی بذخش ها یا فرمانروایان کوچک (ساتراپها) اداره می شد؛ شامل آشور، خوزستان، ماد، پارس، پارت، گرگان بزرگ ،هیرکانی(گرگان) ،مرو، بلخ، سغد، سکستان(سیستان)، ولایت سک های ماوراء آمون(آمودریا)، سریکا، هرات، ولایت پار و پانیزادها، زرنگ، رخج (قندهار) گدروزی(بلوچستان)، کچه، کاتیاوار ومالوا می گردید. سه مورداخیر درناحیهٔ میانی رود سند ومصبهای آن قرار داشت.

در دورهٔ ساسانی سازمان فضایی شهر به نحوی تکمیل تر وگسترده تر از ادوار قبلی شامل موارد زیر بود[2]:

-کهندژ (در مرتفع ترین قسمت شهر) که نقش اداری و سیاسی داشت ودارای برج و بارو بود. (به کهندژ درقبل ازاسلام «کیاخره» گفته می شد)[3].

- شارستان : محل سکونت ساکنان (باحصار)

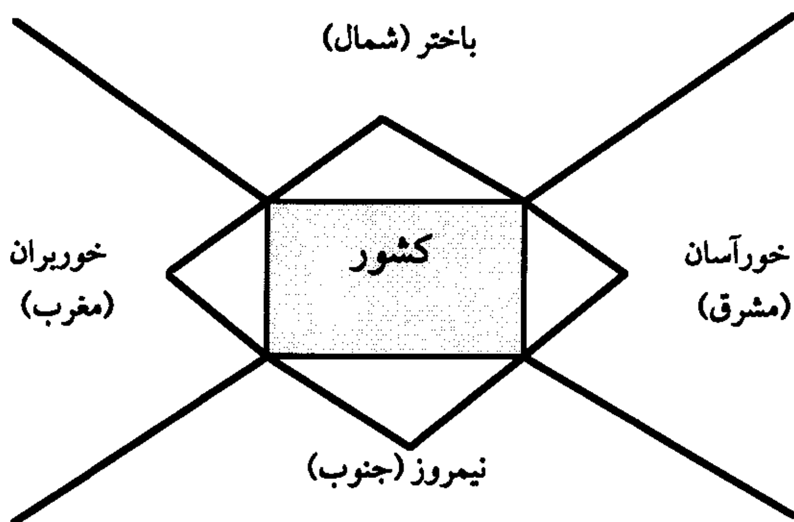
- بیرون(ربض) وخارج ازحصار شارستان که شامل کشتزارها و مزارع و با اهمیتی کمتراز دو بخش دیگر ومحل سکونت بازرگانان، کسبه ، پیشه وران، روستاییان و طبقه خراجگزار بود.

۱- زمینداران و مالکان زمین.

۲- ناصر مشهدیزاده - تحلیلی از ویژگیهای برنامه ریزی شهری ایران - دانشگاه علم و صنعت ایران - تهران -۱۳۷۳ .

۳- حسین سلطان زاده - همان.

تقسیمات منطقه ای در عهد ساسانی



تقسیمات منطقه ای عهد ساسانی

کشور

ایالت
(کوست)

استان | استان | استان

شهرستان | شهرستان | شهرستان | شهرستان | شهرستان | شهرستان

روستا | شهر | روستا | شهر | روستا | شهر | روستا | شهر | روستا | شهر | روستا | شهر

در شکل گیری محلات بیرون (ربض) عواملی چون مذهب و حرفه مؤثر بود. اصناف و حرفه ها در یک راسته یا محله می زیستند. اقلیتهای مذهبی دربخشهای مختلف زندگی می کردند. نقاط پرجنب و جوش شهر در دورهٔ ساسانی شامل میدان (بامغازه ها و کارگاهها) بازار (راسته بازار) و دروازه ها می شد. در این دوره راسته بازارها شکل کاملتری یافت. صنفهای مختلف به وجود آمد. هرصنف دارای رئیس بود که خود سازمان ونظامی جداگانه داشت. اصناف دارای جشنهای صنفی و پیشه وران خراج دهنده بودند. امور آنها، روستائیان و سوداگران را واستریوشان سالار رسیدگی می کرد[1].

۲- دوره اسلامی

شالوده فضای شهری و منطقه ای در دوره اسلامی :

شهرنشینی در دوره اسلامی، ازدگرگونی سنتهای عهد ساسانی درایران پدید آمده وتحت تاثیر تغییر در اوضاع سیاسی و اداری و اجتماعی و اقتصادی این دوره متحول گردید. شهر در دورهٔ اسلامی از نظر سیاسی و قانونی ورای محدوده شهری قرار داشت. ازاین رو نقش مذهبی شهربر اهداف نظامی و اقتصادی حکومتهای مستقر اولویت یافت[2]. شهر و روستا درنظامهای منطقه ای به یکدیگر پیوند خورد و مجموعهٔ به هم پیوسته ای از آنها پدید آمد. اساس این پیوند همبستگی صنایع دستی، تجارت، و فعالیتهای کشاورزی بود. در شهر و روستا به دلیل پیوستگی و همبستگی ناشی از اعتقادات دینی و وحدت فرهنگی، ارزشهای مذهبی پایهٔ روابط قرار گرفت. حتی زمانی که شهرها به علت استقرار فرق اسلامی به محلاتی تقسیم شد، وحدت و همبستگی محلات یک شهر با روستاهای اطراف که هم اعتقاد بودند، بیش از همبستگی محله های یک شهر بود. ازنظر اقتصادی نیز بسیاری ازمحلات شهر حالتی روستایی داشت. در بسیاری از روستاها تولید محصولات صنعتی نیز انجام می شد[3].

ارتباط شهر وده در دورهٔ اسلامی چند جانبه و متعدد است. این مورد را باید در اشتراك فرهنگ درشهر و ده جستجو کرد. شهرها از به هم پیوستن چند دهکده به وجود می آمد. وجه تمایزی بین محلات روستا گونهٔ شهر وحومه شهر دیده نمی شد. روستاها گاهی جمعیتی چندگونه داشته و خود دارای محلاتی بود. از لحاظ اجتماعی مالکان - علما - تجار- اداریان - پیشه وران وعامهٔ مردم در

۱- همان.

۲- احمد اشرف - همان.

روستاها می زیستند[۱]. بنیان اجتماعی زندگی شهری بر محله، انجمنهای اخوت، اصناف، اجتماعات مذهبی(امّت) وحکومت استوار بود. به طور کلی، اساس زندگی واقتصادی درمنطقه مبتنی بر وحدت صنایع وکشاورزی استوار بود. این مورد، هم درشهر و هم در روستا دیده می شد. از اینرو به جای شهر و ده، بهتر است برای شهرها و روستاهای دوره اسلامی عنوان منطقهٔ شهری به کار گرفته شود[۲]. دوران اسلامی به افول شارستان و رشد ربض (ناحیه بیرونی- محل سکونت عامه مردم) انجامید. بنابراین تغییر عملکرد کهندژ بامحل ارك قدیمی و قطب شدن مرکز فرهنگی (مسجد یا بنای مذهبی دیگر)، توسعه شهر در ربض وکاهش اهمیت شارستان، پیدایش و توسعه بازارها و شروع به تقسیم شهر به محلات جدید و پیدایش مراکز مذهبی وتجاری از ویژگی های شهرسازی دوره اسلامی در ایران است. در قرون اولیهٔ اسلامی وبویژه در دوره عباسیان، شهرها به گونه ای شکل یافتند که اهم آنها به قرار زیر است:

- شهرهای نوساز به عنوان مظهر قدرت حکومت اسلامی که اردوگاه نظامی نیز بودند(مانند بغداد).
- شهرهایی که در اثر گسترش حلقه های نظامی توسعه یافت(با رنگ وبوی ایرانی).
- ایجاد شهرهای جدید درکنار شهر قدیمی(مانند شیراز)
- شهرهای جدید که در کنار مزار بزرگان مذهبی ایجاد شد(مانند قم، کاشان و مراغه).
- شهرهایی که دراثر احداث مسجد یا ساختمان جدید و یا انتخاب آنها به عنوان دارالاماره رشد کرده یا احیاء گردید (مانند اصفهان و ری).

در اوان دوره اسلامی، محله ها درمیان رودان(بین النهرین) دیوار داشت. ولی در ماوراءالنهر دیوار وجود نداشت. اسکان ایلات وعشایر و فرق مذهبی درمحله های ویژه ای بود. روستاییان مهاجر درمحلهٔ جداگانه سکونت داشتند. شهرها اصولاً از توسعه چند روستا پدید می آمد. گاهی قریه ای در داخل شهر و گاهی دهی جزیی از محلات بود. به هرترتیب محله، از واحدهای اصلی ایجاد روابط اجتماعی درشهرها محسوب می شد[۳].

شهرهای اسلامی دو پایهٔ اساسی داشت: یکی مسجد جامع(مرکز اجتماعات سیاسی و عبادی) وعمارات اصلی دولتی درکنار آن، و دوم بازارها. ازنظر سلسله مراتبی بازار درمحیط پیرامون

۱- همان.

۲- همان.

۳- احمد اشرف - همان.

مسجد جامع به وجود می آمد[1]. ازنظر نحوه استقرار، اصناف به صورت سلسله مراتبی استقرار یافته بودند. درحاشیه وانتهای بازار کاروانسراها (نزدیک دروازه های شهر) و در خارج دروازه بازار مردم روستایی، دوره گردان، پیله وران، سبد فروشان و در دروازه ها صنایع قرار داشت. استقرار صنایع درحومه شهر به خاطر جلوگیری ازآلودگی محیط بود. دراین مورد می توان ازاستقرار دباغ خانه ها، رنگرز خانه ها، سفال سازی ها، کوره های آجرپزی، رویگرخانه ها، سلاخ خانه ها و یا هر کارگاه صنعتی که به زمین زیاداحتیاج داشت نام برد. بیرون شهر، محل گورستانها، بازارهای هفتگی وماهانه و سالانه نیز محسوب می شد[2]. محلات مسکونی در گرداگرد بازار قرار داشت. اقلیتهای قومی، مذهبی وحرفه ای نیز دارای محله ای بود که به نام آنها خوانده می شد. هرمحله برای خود بازارچه، حمام، ومسجد داشت. در محیط پیرامون شهر نیز خندق وحصار کشیده شده بود. جاده ها ازطریق دروازه ها به شهر متصل می شد. هر محله، خود شهری کوچک بود که تمام امکانات زیستی (بسته به شرایط زمان) درآنها وجود داشت. میدان بزرگ شهر به چهار دروازهٔ شهر مرتبط بود. مسجد آدینه (جامع) و مقر حکومتی در کنار میدان قرار داشت. در اطراف میدان خانه فرمانروایان، غلامان و خدمتگزاران، دیوانها و بیت المال و قورخانه (اداری - نظامی) مستقر بود. مسجد از نظر عملکردی محل فعالیتهای مذهبی، علمی، اجتماعی، خبری، ورزشی وتجاری بود(عهد عباسیان)[3].

ازجمله فضاهای دیگری که ایجاد آنها در دوره اسلامی ایران رواج یافت، بنای مدرسه (در جوار مسجد جامع یا بازار) و میدان است. میدان علی رغم سابقه طولانی خود از دوران باستان، در دوره اسلامی تکامل یافته وبه عنوان یک فضای مطلوب در شهرها و روستاها احداث گردید. شکوفایی این فضای شهری بعدها درمیدان نقش جهان اصفهان تجلی پیدا کرد. نقش میدان، اگر چه مختلف است ولی بیشترجنبهٔ اداری و نظامی وتشریفاتی دارد. معمولاً با ارك حکومتی یا بازار شهر ویا مسجد آدینه (جامع) پیوند می خورد[4]. درشهرهای دوره اسلامی مهمترین فضاهایی که برحیات شهرحاکم بود، عبارت از فضای مذهبی (در قالب مسجد و اماکن مذهبی)، حکومتی (کهندژ)، صنفی (بازار) و محلات (ویژه عموم جامعه و گروههای مذهبی و نژادی) است. امور عمدهٔ اداری و سیاسی و حکومتی در قالب امور انجمنها و سازمانهای شهری و قضایی و انتظامی دیده می شد. امور مذهبی درقالب

۱- ترکیب فضای اجتماعی و اقتصادی به عنوان ستون فقرات شهر.

۲- احمد اشرف - همان.

۳- منوچهر طبیبیان - همان..

۴- گروه مطالعات و برنامه ریزی شهری - همان.

مساجد ومدارس علمیه، علما، مراجع تقلید و قضات تجلی می کند. بازار درفاصله مقرحکومتی و مسجد جامع قرار دارد. این فضا مظهر نقش بازرگانی شهر است که غالب مراکز اجتماعی و اقتصادی و مذهبی و فرهنگی را درخود پذیرا شده است. بازار محل جمع آوری وتوزیع کالا درسطح شهر ومنطقه شهری است، عمده ترین فضای شهری است که شعبات خود را در محلات پرجمعیت گسترش داده است. درارتباط با محلات شهری نیز از جمله ویژگیهای شهری دوره اسلامی تقسیم شهر به محلات مختلف و در جوار بازارست. در سلسله مراتب محلات و اندازه آنها، تعداد جمعیت وخانوار و گروههای خویشاوندی و صنفی وحتی افراد مؤثر بوده است. پیوند وهمبستگی و روابط اجتماعی در طرح محله تاثیر داشته وبه آن وحدت می بخشیده است. هریک ازمحلات از خودیاری واستقلال سکونتی برخوردار است. زندگی اجتماعی به نحوی دیگر و مستقل ازبازار درمحلات جریان دارد. این محلات توسط راهها به بازار وصل می شود، مرکزمحله بخش عمده ای ازتاسیسات وتجهیزات را درخود دارد[1].

سازمان شهری ومنطقه ای از دوره اسلامی تا عصر صفویه:

در دورهٔ اسلامی، شهر به جایی گفته می شود که ازنظر حقوقی با روستا متمایز باشد. داشتن مسجد جامع، اجرای حدود اسلامی ومنبر(محل خطابه ونمازجمعه) از مشخصه های شهر است[2].

در دوران امویان و در سطح منطقه ای، مالکیت زمین به چهار دسته تقسیم می شد که عبارت از: اراضی متعلق به دولت، اراضی ملت (مالکان خصوصی)، اراضی وقفی و اقطاع بود[3]. دراین دوره به نسبت نوع فعالیت، هریک از شهرهای بزرگ به نوعی کاریا تخصص مشغول بودند.

به طورکلی باوجود سلسله ها وخاندانهای مختلف مانند طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، غوریان، مامونیان واتابکان، شرایط تحت لوای حکومت مرکزی، هریک به نوعی بود. در ارتباط باطبقات اجتماعی، گروهها به سه قسمت امراء و اعیان و اشراف و نجیب زادگان، اصناف و ارباب حِرَف و تجار ومالکان و بالاخره روستاییان تقسیم می شد.

تشکیلات داخلی اداری کشور در شهرها شامل:

- دیوان جُند یا عرض (برای رسیدگی به کارهای لشگری).

۱- همان.

۲-عباس عادلی - اصول توسعه و عمران روستایی - دانشگاه علم و صنعت ایران- تهران - ۱۳۶۳.

۳- منوچهر طبییان - همان.

– دیوان خزانه (بیت المال) که از دو دیوان خزانه وخزائن السلاح تشکیل شده بود.

– دیوان خراج که برای وصول مالیات بود.

– دیوان مظالم که برای مسائل حقوقی وقانونی وشرعی بود و به سه دیوان قضا، دیوان حسبت(که رئیس آن صاحب الحسبه یامحتسب نامیده می شد) و دیوان شرط تقسیم گردیده بود.

– دیوان انشاء که به تنظیم رسائل دولتی و ارسال احکام و فرامین می پرداخت و رئیس آن را کاتب السر(منشی مخصوص) می نامیدند[۱].

ازنظر سازمان فضایی نیز شهرها ومناطق به گروههای مختلفی تقسیم می شد. در قرون سوم تا هفتم هجری که از دوران شکوفایی تمدن اسلامی است، تقسیمات منطقه ای شامل ولایت(استان امروزی) ، کوره یا استان (شهرستان امروزی)، رستاق (بخش امروزی)، طسوج(دهستان امروزی) و قریه (ده امروزی) می شد. در قرون سوم تا هشتم هجری سه نوع شهر در ایران قابل تشخیص است که شامل مصر، قصبه و مدینه می گردد. بنا به گفتهٔ مقدسی جغرافیدان برجستهٔ قرن سوم، مصر شهری است که سلطان یا امیری بزرگ در آن مستقر باشد و دیوانها در آن متمرکز وناحیه هایی به آن وابسته باشد. قصبه، پایتخت و مرکز ایالتی و مدینه(که مترادف مفهوم شهرستان در زبان پهلوی است) جایگاهی برای اجرای عدالت، مقر دولت یا نمایندگان است. مدینه علاوه برموقعیت اداری، نقش مذهبی نیز داشته است(مانند داشتن مسجد جامع)[۲]. پس از این سه تقسیم بندی، قریه ها قرار می گیرد. مقدسی از ۱۷ مادر شهر به نام مصر، ۷۷ پایتخت ایالتی دارای کهندژ به نام قصبه و تعدادی شهر ایالتی به نام مدینه(مدن – مدائن) و مناطق روستایی به نام نواحی، دهات و قراء نام می برد[۳]. در قرون سوم تا ششم هجری شهرهای بزرگ را ام القری یا مادر شهر(متروپلیس) می گفته اند مانند مکه – بصره – اصفهان – سمرقند ومرو. ولی ازری به عنوان بزرگترین مادر شهرتحت عنوان «امهات البلدان»[۴] یاد شده است.

در تقسیمی دیگر، درجه بندی شهرها ونواحی زیستی شامل شهر اسلامی (شهرهای بزرگ – شهری که دارای مسجد جامع است) شهروسط (شهرهای کم جمعیت با تجهیزات قابل ملاحظه)، قریه (مرکز تعدادی دیه– دیهی که تابع شهر است)، ناحیه (منطقه کشاورزی که تعدادی دیه داشته باشد)، دیه

۱–عبدالعظیم رضایی – همان.

۲– مصطفی ربویی و فرنگیس رحیمیه – همان.

۳–احمد اشرف – همان.

۴– حسین کریمان – ری باستان – دانشگاه شهید بهشتی – تهران – ۱۳۵۴.

یا ده(دارای هزار خانه و بازار و مسجد ومدرسه وخانقاه باشد)و ولایت (جمع چند ناحیه و قصبه - دیهی که بیش از معمول بزرگ باشد)می گردد. حمدالله مستوفی در نزهت القلوب از این نواحی به نام «تومان» نام می برد که معادل استان بوده وبه یک منطقه مستقل جغرافیایی گفته می شده است[۱].

در قرون سوم و چهارم هجری، شهرنشینی در ایران رونق فراوان یافت. سازمانهای دینی در شالودهٔ زندگی شهراثر گذارد. مسجد جامع رکن اصلی نظام اجتماعی شهر شد[۲]. همانطور که بیان شد، در دورهٔ اسلامی، شارستان عهد ساسانی ویران، و ربض آبادان گردید. تقسیم شهر به شارستان و کهندژ و ربض جای خود را به مراکز دیوانی، نظامی، مذهبی، مدارس، بازارها و محله های شهر داد. بنیانهای اصلی زندگی درناحیهٔ بیرونی شکل گرفت. مهمترین عامل در شهرهای قرون سوم تا هفتم هجری به توسعه بازرگانی و تولیدات صنعتی مربوط می شود. سازمان مذهبی شهرها شامل مساجد، مدارس، علما و فقها، مراجع تقلید و قضات می گردید[۳]. از قرون چهارم به بعد در شهرهای ایرانی، مدرسه (که مرکز آموزش متوسطه وعالی بود) اهمیت یافت و ادارهٔ آن با روحانی ها و سادات بود که سازمانی غیر رسمی داشتند[۴] بودجهٔ آنها نیز ازموقوفات دکانها و بازار و دهات تامین می شد. مدرسه به مانند مسجد از ارکان اصلی سازمان شهری محسوب می گردید.

در قرون سوم تا ششم هجری، اصناف دارای انجمنهای صنفی(نشات گرفته از عهد ساسانیان) بود؛ که تحت تاثیر جنبشهای مختلف رسمیت بیشتری یافت[۵]. در این دوران بازار اصناف دارای در بود، ولی مغازه ها درنداشت و برخی با پوشش پرده و تخته دکان خود را می بستند[۶]. دراکثر شهرهای این دوره محله هایی وجود داشت که مربوط به صنفی ویژه بود. در شهرهای بزرگ، محله هایی از گذرهای بزرگ وجود داشت که هریک ویژه یک قوم مهاجر و دارای مهتر یا رئیس بود. محله نیز به نام همان قوم یا صنف نامیده می شد. هر محله دارای تاسیسات وبناهایی مانند بازارچه، آب انبار، مسجد و حمام بود.

۱-حمید نوربخش و دیگران - همان.

۲- گروه مطالعات و برنامه ریزی شهری - همان.

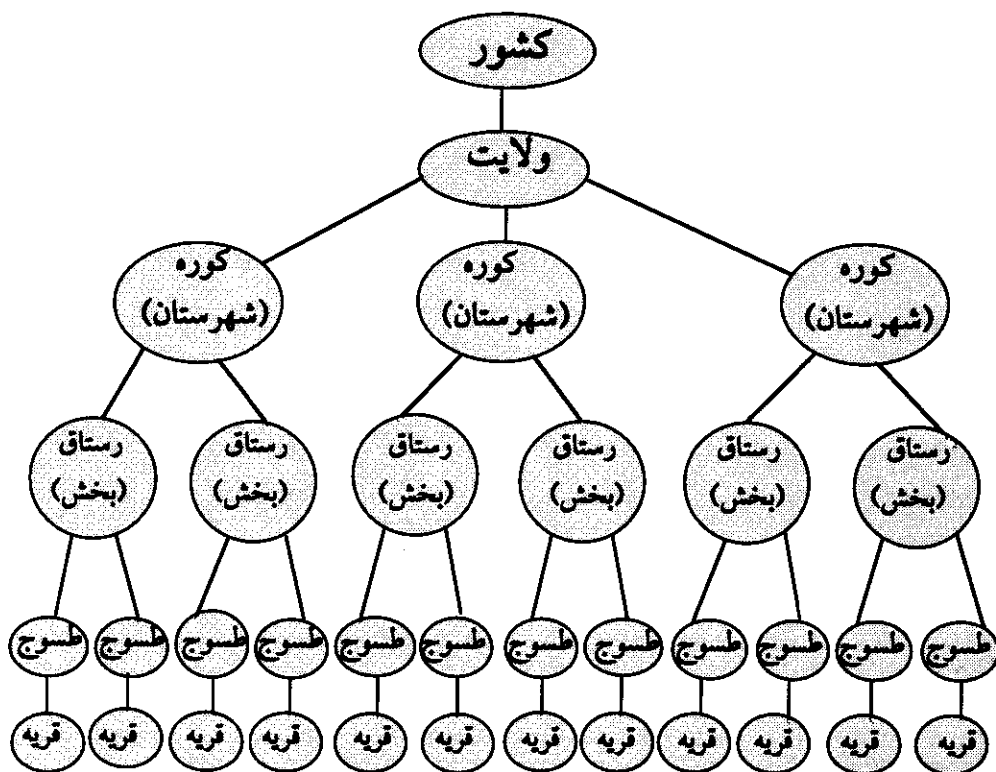
۳-احمد اشرف - همان.

۴- ذبیح اله صفا - تاریخ ادبیات در ایران - جلد اول و دوم - امیر کبیر - تهران - ۱۳۵۶.

۵ - احمد اشرف - همان.

۶-حسین سلطان زاده - همان.

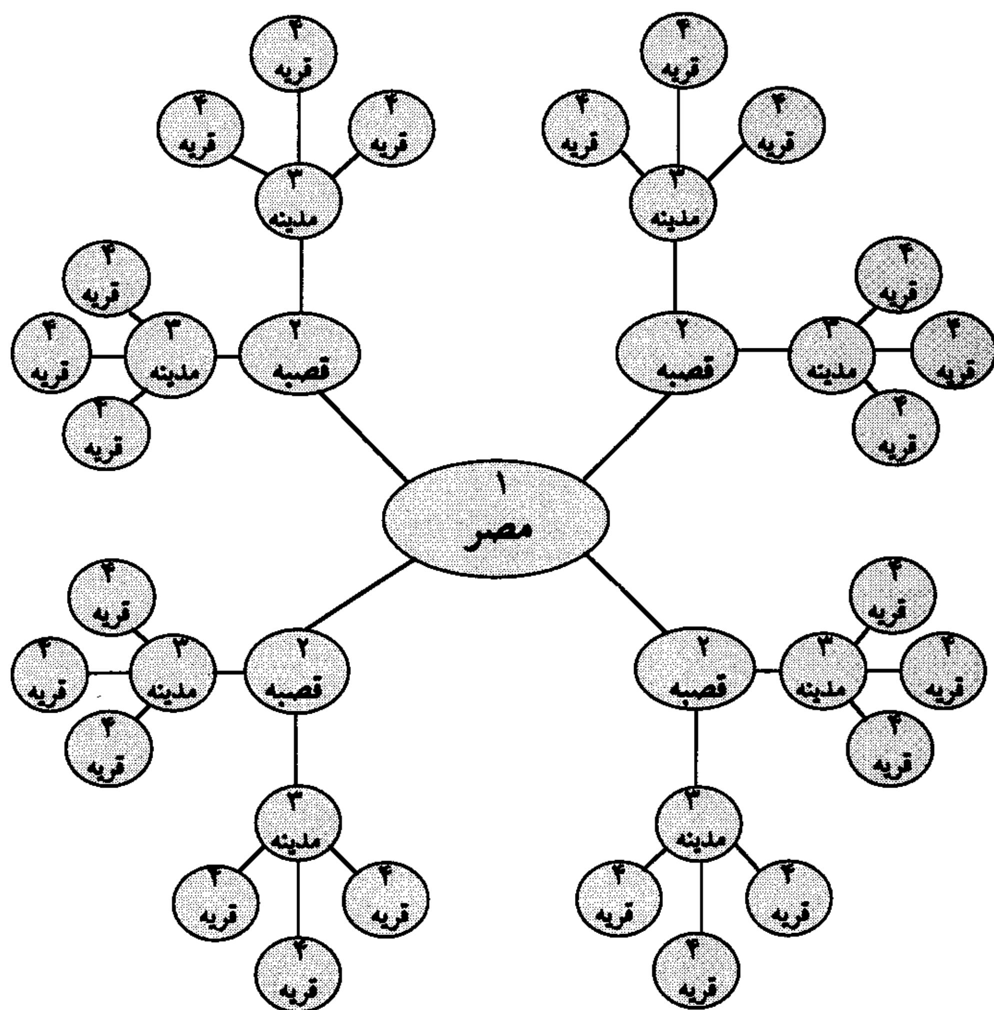
سازمان فضائی شهر و منطقه در قرن سوم تا ششم هجری



از قرون سوم وچهارم هجری ، شهرسازی نوینی در ایران شکل گرفت که برنظام اجتماعی و اقتصادی شهرها و منطقه ها اثر گذارد. ازنظر اقتصادی زمین کشاورزی اساس اقتصاد ملی شد. رسوم اقطاع و اقطاع التملیک و تیولداری، حالتی رسمی و قانونی به خود گرفت(دوره سلجوقی). هریک از ایالات کشور به منظور عمران و آبادی به یکی از سرداران واگذار گردید تا ضمن آبادی و عمران به کسب درآمد بپردازد. این مورد به شکل گیری زمینداریهای بزرگ و تشدید وتحکیم نظام اقطاع و تیولداری منجر شد. در این دوره سلطان به عنوان صاحب تمام زمینها محسوب می شد. او با واگذاری زمین به سپاهیان و روسای قبایل به تامین بودجه مالی سپاه می پرداخت. دراین دوره همچنین شهرها دارای مسجد جامع و ارك حکومتی بود. این دو فضا توسط بازار به یکدیگر متصل می شد[1]. در قرون سوم وچهارم و بویژه در دوره سامانیان، امور مملکت را درگاه (دربار) و دیوان (که رئیس آن را حاجب سالار می گفتند) اداره می کرد. سامانیان فرمانروای ایالات را امیر می خواندند فرمانروای بخارا

۱-گروه مطالعات و برنامه ریزی شهری - همان.

سلسه مراتب و درجه بندی شهرها در قرن سوم هجری



(پایتخت سامانی) صاحب شرطه گفته می شد. ریاست دیوان سامانیان که حاجب سالاریا خواجه بزرگ نامیده می شد، براهل قلم و دفتر یعنی دبیران و مستوفیان (ماموران جمع و خرج)، مشرفان (ناظران هزینه) و کارگزاران مالی حکومت داشت. در دوره سلجوقی، طبقات اجتماعی شامل دبیران (طلاب - فقها - قضات - حسابدانان - مهندسان - پزشکان - شعرا) سپاهیان، پیشه وران (صاحب حرف، بازرگانان، افزارمندان و جمع آوران مالیات) وکشاورزان می گردید.

از قرون هفتم تا یازدهم هجری وبه هنگام حمله سپاهیان مغول و تیمور، امور سیاسی و اقتصادی ایران افول کرد. شهر وتمدن شهرنشینی در اثر قتل عامهای وسیع و اضمحلال نسق بندیهای

زراعی و نظام اقطاع ازهم پاشیده شد . اقتصاد شهری دچار زوال گردید[1] . از قرن هشتم هجری به بعد و با آشنایی مغولان باتمدن اسلامی ، اصلاحات اقتصادی واجتماعی وسیعی بویژه در دورهٔ غازان خان انجام شد . در دورهٔ غازان خان در کنار شهرتبریز بنای شهری گذارده شده بود که دارای مسجد، خانقاه، مدرسه، بیمارستان، کتابخانه، دانشکده فلسفه، عمارات اداری، رصدخانه، محل سکونت تابستانی باغ و محلهای تفریح بود[2]. با حملهٔ تیمور گورکانی که در اواخر قرن هشتم هجری صورت گرفت، مجدداً شهرنشینی و تمدن شهری روبه افول نهاد.

دوره صفویه تا پایان دوره قاجار :

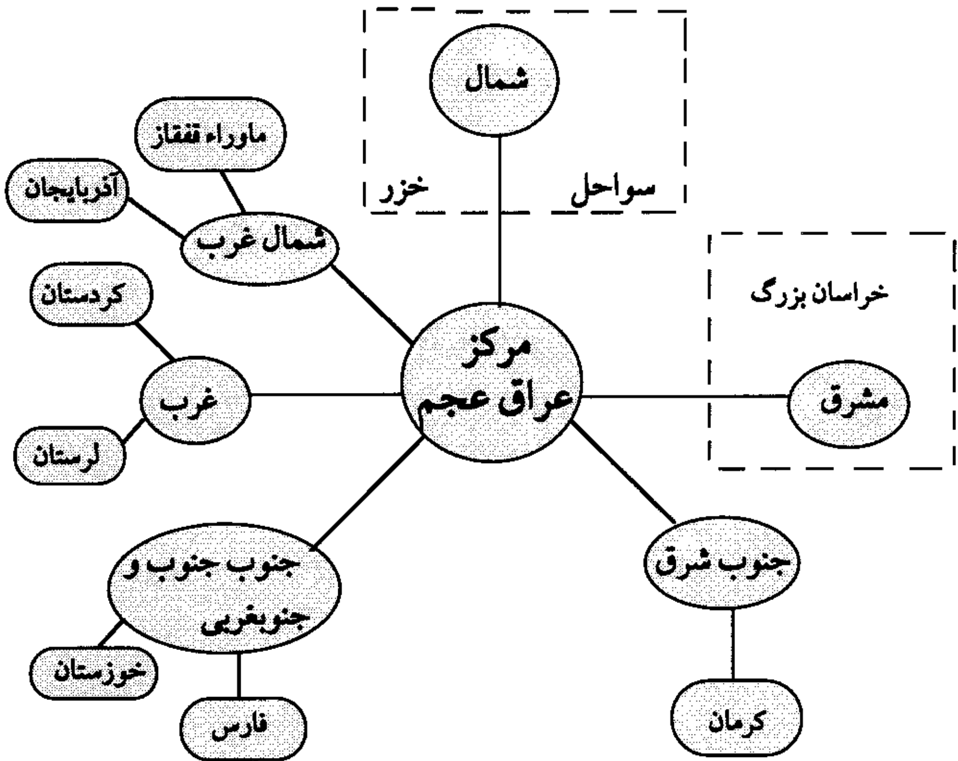
با روی کار آمدن صفویان، ازجمله اقدامات عمرانی که در کشور به منظور حذف آثار خرابیها و ویرانی های دوره مغول وتیموری صورت گرفت، رسیدگی به امور شهرها و مناطق بود. دراین دوره، استان گاهی به معنی مملکت است و حکام آنرا به تفاوت «بیگلربیگی» یا «خان سلطان» می نامند. درتقسیم بندی کشور در عهد صفوی ضابطه مالیات (مداخل دهی) ومقتضیات نظامی مؤثر بوده است. دراین دوره استانداران همان والیان و بیگلربیگی ها، مرزدار و سلطان حکومت ایالتی می باشند. تقسیمات سیاسی عهد صفویان تا اندازه ای متاثر ازعهد ساسانیان است. حدود کشور به ۷ منطقهٔ شمال غرب(آذربایجان و ماوراء قفقاز) ، مشرق (خراسان بزرگ) ، شمال (سواحل دریای خزر)، جنوب شرق(کرمان)، مرکز(عراق عجم) ، مغرب(کردستان و لرستان)، جنوب و جنوب غرب(فارس و خوزستان) تقسیم شده بود. درمیان ایالات عهد صفوی، شیراز و رشت وزیر نشین، کردستان و خوزستان و لرستان و گرجستان والی نشین وبالاخره تبریز(آذربایجان) و چخور سعد(ارمنستان) گنجه و شیروان، استرآباد، مشهد، مرو، هرات و قندهار، کرمان، کهکیلویه، قزوین و همدان بیگلر بیگی نشین بود. واحدهای اصلی ایالتی دورهٔ صفویه نیز شامل آذربایجان ، خراسان، استرآباد، دارالمرز، کرمان، عراق ، کردستان، فارس ، خوزستان وگیلان می گردید. در این دوره حاکمان شهرها «خان» نامیده می شدند که به جای «شهر یگ» دوره ساسانی است[3].

۱- همان.

۲-ناصر مشهدیزاده - همان.

۳-کاظم ودیعی - همان.

اساس تقسیمات کشوری عهد صفوی (به تاثیر از دوره ساسانیان)



از دورهٔ صفویان، بویژه ازقرن یازدهم به بعد، به طور مقدماتی جذب کمک و تجهیزات کشورهای اروپایی وتقویت ارتش ازیک طرف و گسترش تجارت و بازرگانی از طرف دیگر اهمیت یافت. دورهٔ صفوی را باید ازنظر شهرسازی از ادوار ممتاز تاریخ ایران دانست. دراین دوره، احداث تجهیزات وخدمات عمومی که قبلاً به مرکز شهرمنحصر شده بود به داخل محلات کشیده شد. مساجد، حمامها، دکانها، کارگاهها و شعباتی از ادارات دولتی درمرکز محلات پرجمعیت به وجود آمد. در این دوره از تمام تجربیات معماری و شهرسازی پیشین استفاده گردید. اولین طرح اصلاحی اصفهان بامدت زمان اجرایی ۲۵ ساله پی افکنده شد ونقش جهان به وجود آمد. دراین دوره هنوز دو قطبی بودن شهر (مسجد جامع- مقر حکومت) و وجود بازار در میان آن دیده می شود [۱].

درعهد صفویه بازار پرجنب و جوش ترین قسمت شهر بود. از راستهٔ بازار (بازار اصلی)، تیم

۱- گروه مطالعات و برنامه ریزی شهری - همان.

(شبیه کاروانسرا با حدود ۲۰۰ حجره یامغازه)[1] تیمچه (واحدهای کوچک تیم هر یک با حدود ۳۰ حجره یامغازه)[4] و سرا منشعب می شد. بخشی از بازار که کالاهای گرانبها و ظریف درآن وجود داشت به بازارقیصریه معروف بود. کاروانسراها جنب بازار و محل اقامت مسافران، تجار و استقرار بار آنها بود. هر دسته از پیشه وران برای خود رئیسی داشت که «کلو» خوانده می شد. کاروانسراها به نام بانی خود نامیده شده یانامی متناسب بانوع کالای موردمعامله داشت[2]. بازارها در مجموع دونوع بود که شامل بازار سرپوشیده (برای اغلب شهرها) و بازار سرباز(برای نواحی کرانه دریای خزر) می گردید. میدان نقش بازار کوچک را داشت. بازار مکاره نیز گاهی در آن برپا می شد (مانند میدان نقش جهان). میدان، محل برگزاری جشنها و مسابقات و داستان سرایی ها وخیمه شب بازی ها هم بود(مانند میدان قم). در عهد قاجاریه میدانهایی با نقش نظامی به وجود آمد (مانند میدان توپخانه تهران). محلات نیز دارای درجه بندی بود و از راسته کوچه شروع می شد، به انشعابات بعدی وکوچه های بن بست رسیده و فضاهای عمومی، نیمه عمومی و نیمه خصوصی را به وجود می آورد.

به طورکلی درشهر قرون ۱۰ تا۱۲ هجری چند فضای شهری قابل تشخیص است: شهرستان (کاخها وخانه اعیان و فئودالها)، محلات (کویهای پیشه وران و اصناف و سایر طبقات)، بازار(به عنوان مرکز اجتماعی و فرهنگی وتجاری عمده شهر) و مراکز درجه دوم (مراکز محله مانند بازارچه ها، مراکز مذهبی و گرمابه ها). دراین دوره شهرها دارای حصار بود. در قرن یازدهم شهرها دارای شهرداری خودمختار نبود و در راس امور شهرکلانتر قرار داشت[3].

سازمان فضایی شهرهای عصر صفویه به بعد منبعث ازسازمانهای قرن نهم و دورهٔ ترکمانان بود. در این دوره امور عمده اداری و سیاسی شهرها در سه سازمان مشخص می شد:

- امورانجمنها و سازمانهای شهری که ریاست آن با کلانتر(حاکم- شهردار) بود.
- امور قضایی (که در راس آن قاضی قرار داشت) شامل سه دادگاه مظالم - دادگاه محاکم و دادگاه محاکم شرع و حسبت می گردید.
- امور انتظامی (که ریاست آن با داروغه و عسس یا پاسبان یا رئیس شهربانی بود).

کلانتر واسطه میان مردم و حکومت بوده و گردآوری مالیات را بر عهده داشت. در قبل از دوره صفویه، واژه کلانتر و رئیس هر دو به کار می رفت. ولی، از دورهٔ صفوی فقط از واژهٔ کلانتر

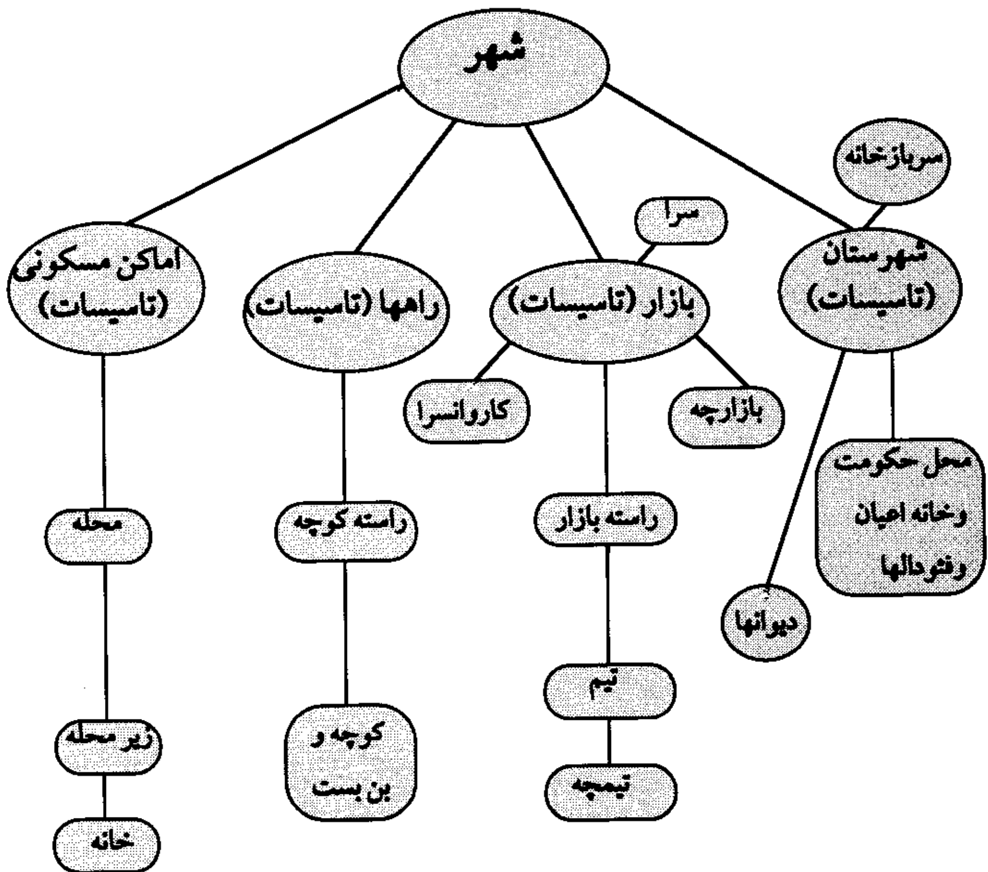
۱و۲ - محمد معین - فرهنگ فارسی - جلد اول - امیر کبیر - تهران - ۱۳۶۲.

۳- حسین سلطان زاده - همان.

۴- همان.

استفاده شد. یادآوری می شود که رئیس دارای اختیاراتی بیش از کلانتر بود. زوال قدرتهای محلی از قرن پنجم هجری به بعد منجر به پیدایش واژهٔ کلانتر به جای رئیس شده است. قبل از عصر صفوی و در دورهٔ آق قویونلو همچنین حکام، داروغگان، کلانتران و عمال دیوانی وجود داشته است. ولی از دورهٔ صفویه به بعد مقام کلانتر همراه با نام وزرا، حکام، تیولداران، داروغگان، عمال عرف و محتسب آورده می شود. مقام کلانتر معمولاً موروثی بود. این مقام تا دوره قاجاریه باقی بود و رفته رفته ازاهمیت آن کاسته شد. در شهرهای بزرگ نیز چند کلانتر وجود داشت[۱].

سازمان فضائی شهرها و تقسیمات داخلی آنها (در دوره صفویان)



در دوره صفویان علاوه بر کلانتر، داروغه نیز وجود داشت، داروغه واژه‌ای مغولی و به معنای رئیس امور انتظامی است، معاون داروغه «احداس» نامیده می شد. داروغه زیر نظر دیوان بیگی

۱-منوچهر طبیبان - همان.

کار می کرد و دیوان بیگی رئیس دیوان عدالت بود. در ارتباط با امور قضایی ومحاکم، محکمه مظالم یا محکمهٔ عرف به دعاوی جزایی رسیدگی می کرد. ریاست آن با حاکم شهر یا دیوان بیگی یا داروغه بود. محکمهٔ شرع دعاوی قضایی را رسیدگی می کرد. ریاست آن با روحانیونی بود که منصوب می شدند. محاکم حسبت، امور مربوط به اوزان و مقیاسها، قیمتها و موازین حرفه ای را برعهده داشته و ریاست آن با محتسب بود. محکمهٔ محتسب محکمهٔ بین محکمهٔ عرف و شرع بود. این روند نیز تا دورهٔ قاجاریه اعتبار داشت [۱].

در مورد محلات شهرنیز در دورهٔ صفویه هرمحله برای خود تاسیسات مستقلی داشت که با تاسیسات اداری همراه بود [۲]. هر گروه یا اقلیتی محله ای جداگانه داشت. محله ها از قسمتهای مستقل و جداگانه ای(محله کوچک) به وجود آمده بود. رئیس هر محله برای ادارهٔ عمومی «مختار» نامیده می شد. رئیس مذهبی محله نیز «امام» نام داشت. از دیگر تشکیلات محله، شورای ریش سفیدان، پلیس محله و شبگرد(عسس) بود. روسای محلات زیرنظر حاکم شهریا کلانتر کارمی کردند. از دورهٔ صفویه تا قاجاریه هرمحله دارای بازارچه و میدانچه ای بود که تاسیسات عمومی شهر نیز مانند سقاخانه و مسجد و گرمابه در آن قرار داشت.

در اواخر دورهٔ صفویه، در اثر ضعف حکومت مرکزی و حمله بیگانگان، شهرهای ایران مجدداً راه افول و زوال را پیمود. این زوال در دورهٔ افشاریان به دلیل توجه افشاریان به نقاط خارج از ایران ادامه یافت. در دورهٔ زندیان در اثر وجود آرامش نسبی، به جبران خسارات وارده به شهرها پرداخته شد. شبکه های آبیاری آسیب دیده احیاء و روستاها آباد و مسکون گردید. شهرها روبه آبادانی نهاد که نقطه اوج آن در شهر شیراز (به عنوان پایتخت زندیان) دیده می شود [۳].

نظام سیاسی و اقتصادی ایران در عصر قاجار متاثر از قرون قبلی بود. حکومت قاجار، هم معایب نظامهای قاهر مرکزی را داشت و هم ضرر و زیانهای حکومت ملوك الطوایفی را که در عرصه برخورد با انقلاب صنعتی، در تقابل کامل با نظام ثبات و امنیت بود. در این دوره اقتصاد کشور از بازار جهانی تجارت متاثر شد. این امر به از هم پاشیدگی بازارهای کوچک محلی و ایجاد زمینه ای در جهت رشد تجارت خارجی، تولید و صدور مواد خام و دگرگونی در ساخت تولیدی جامعه و مقدمات شکل گیری جامعه مصرفی و وابستگی اقتصادی منجرگردید.

در ارتباط با سازمان تقسیمات کشوری از عهد صفویه تا قاجاریه دولتها کمتر به تقسیمات

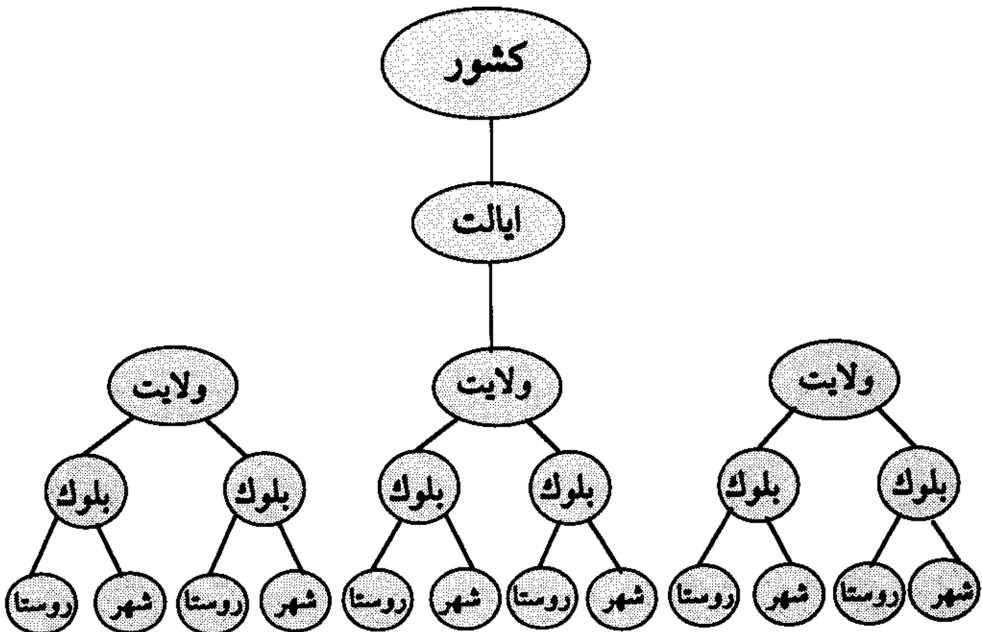
۱ -احمد اشرف - همان.

۲- حسین سلطان زاده - همان.

۳- گروه مطالعات و برنامه ریزی شهری - همان.

کشوری اقدام کردند. یکی از دلایل آنرا باید در تسلط سیاسی برتمام واحدهای کشور دانست که به جز دوره افشاریه و اوایل قاجاریه بقیه دوران ها فاقد آن بودند. در اواخر عهد قاجاریه تا سال ۱۳۱۶ خورشیدی، ایران به ۲۷ ایالت تقسیم شده بود. هر ایالت یک حاکم داشت و خود به چند ولایت تقسیم می شد. رئیس آن را والی می گفتند. هر ولایت نیز به چند بلوك تقسیم می گردید که اداره آن با یک نفر به نام نایب الحکومه بود[1]. ایالات ایران عبارت از : آذربایجان، خراسان و سیستان، فارس و لارستان، کرمان و بلوچستان، گیلان، مازندران، استرآباد(گرگان)، تهران، قزوین، خمسه (زنجان)، همدان، عراق، ولایات ثلاث (ملایر، نهاوند، تویسرکان)، قم، ساوه و زرند، کاشان، کمره(خمین) و گلپایگان وخوانسار و محلات، اصفهان، بختیاری، یزد، بروجرد، کردستان، کرمانشاهان، لرستان، خوزستان، بنادر خلیج فارس، کویرهای مرکزی بود[2].

تقسیمات کشوری ایران در اواخر دوره قاجار تا ۱۳۱۶ خورشیدی



در دوره قاجاریه دگرگونی چندانی درسیمای شهرها دیده نمی شود. بازار و هستهٔ اصلی شهر علاوه برنقش اقتصادی، محل تظاهر تمام اشکال و شکل بندیهای اجتماعی واقتصادی شهر است.

۱- کاظم ودیعی - همان.

۲-همان.

دسترسی ها از بازار جدا شده و به مرکزمحلات می رود. محلات به عنوان مکانی نیمه مستقل درشهرها مطرح می باشد. سازمان شهری در دورهٔ قاجار شامل ارك(بخش دولتی و اداری و حاکم نشین)، بازار (مرکز خرید و فروش)، مسجد جامع و دیگر مساجد و بالاخره محلات مسکونی می گردد. در راسته بازارها گروههای صنفی تمرکزی نداشته، بلکه در بازارهای انشعاب یافته از بازار اصلی استقرار دارد.

در این دوره مسجد جامع، بازار و مرکز حکومتی وفضای مسکونی ضمن حفظ خود به عنوان یک عنصر شهری، در سلسله مراتب فضاهای شهری جایگاه ویژه ای دارد. ازعناصر شهری ویژه این دوره گسترش تکایا و حسینیه هاست. از دیگر خصوصیات آن نیز می توان مراکز اداری، سیاسی و قضایی را نام برد.

دورهٔ قاجار، سرآغاز تاثیر پذیری کشور از غرب وتحول در ساختار شهری و منطقه ای است. این تاثیر پذیری در دورهٔ پهلوی دامنه های خود را گسترش بیشتری می دهد.

بخش دوم

یا صاحب ننگ و نام می باید بود
یا شهره خاص و عام می باید بود
القصه کمال جهد می باید کرد
در وادی خود تمام می باید بود
(وحشی بافقی ۹۳۹ - ۹۹۱ هجری)

روند برنامه ریزی تأسیسات عمومی در شهرهای قدیم ایران

در شهرسازی سنتی ایران، تاسیسات عمومی به نسبت جمعیت، دانش فنی و نیاز زمان برنامه ریزی شده است. این برنامه ریزی، ضمن آنکه دارای کارآئی مناسبی بوده، در شرایط حاضر نیز قابلیت اجرائی دارد. اگر روند برنامه ریزی تاسیسات شهری در شهرهای سنتی به عنوان الگوئی در بهسازی، بازسازی و توسعه کالبدی شهرهای امروز مورد استفاده قرار گیرد، ضمن احیاء نظام شهرسازی سنتی کشور، راهگشای حل مشکلات مربوط به تسهیلات شهری دنیای امروز نیز خواهد بود.

تاسیسات عمومی بافت سنتی شهرها، هر یک با درجه بندی و رفع نیازی که از آنها انتظار می رود، در مناطق مختلف شهری برنامه ریزی و پخش گردیده است. با نگاهی کلی، روند برنامه ریزی ایجاد تاسیسات عمومی در شهرهای سنتی کشور را می توان شامل بررسی موقعیت، نقش و عملکرد، نوع و مقدار، ظرفیت و گنجایش و بالاخره حجم این تاسیسات دانست. انواع تاسیسات و تسهیلات عمومی بافتهای سنتی، به منظور پاسخگوئی به نیازهای شهری سنجیده شده و به مرحله اجرا در آمده و مختصراً به توضیح در باره آنها پرداخته می شود.

موقعیت تاسیسات عمومی

موقعیت تاسیسات عمومی شهری در بافت قدیم به نسبت موقعیت شبکه ارتباطی با تراکم، نحوه استقرار جمعیت و عوامل اجتماعی و اقتصادی تعیین گردیده است. به نحوی که ضمن رفع نیاز،

به فراخور محیطی که در آن قرار داده شده، جایگاه مناسبی داشته باشد. مانند موقعیت بازار، مراکز محله، شبکه راهها. این چنین فضاهایی، از نظر زیست محیطی نیز قابل بررسی و تامل است. وجود تاسیسات تولید کننده صدا مانند کارگاهها وگریز از مزاحمت های محیطی ازیک سو و نیاز به تقویت فضاهای اجتماعی از سوی دیگر در تعیین موقعیت انواع تاسیسات نقش مهمی داشته است. عامل تعیین کننده در مکان یابی تاسیسات ، شرایط ارزانی شده توسط محیط بوده است. مانند موقعیت کاروانسرا در محیط اقتصادی، وجود آسیاب و دباغی درحاشیه رودخانه یا خارج شهر، صحافی و کتابفروشی در جوار مسجد ومراکز فرهنگی، آهنگری و کوزه گری در کنار دروازهٔ شهر.

روند شکل گیری تاسیسات عمومی برای سه فضای بازار(اقتصادی)، مسکونی و حکومتی (اداری) شهر ، به نسبت شرایط زمان به صورتی مستقل صورت گرفته است. بدان معنی که هریک از این فضاها دارای تاسیسات مستقل می باشد. به طور نمونه در شهرهای اصفهان و کاشان، فضای اقتصادی (بازار)، دارای حمام، مسجد، آب انبار یا تکیه وحسینیه مربوط به خود است و فضای مسکونی و اداری نیز به نوبه خوداز این تاسیسات به طورمستقل ومشابه بهره مند می گردد. همانطور که بیان شد، نحوه استقرار آنها نیز به صورت سلسله مراتبی است.

نقش و عملکرد تاسیسات عمومی

در شهرهای سنتی، تاسیسات عمومی، پوشش متعادل جمعیت و فضای شهری را برحسب عملکرد محلات و بافتهای شهری و به تبعیت از شبکه راهها عهده دار می باشد. این تاسیسات نقش و خصوصیت مناسبی به خود گرفته است. بر اساس آنکه چه نقشی (مذهبی، تجاری ، خدماتی ، بهداشتی) برعهده شهر یا محله گذارده شده، عملکرد آنها نیز تعیین گردیده است. این نقشها معمولاً برحسب محلات کوچک و بزرگ و ویژگیهای اجتماعی ساکنین است. پخش تاسیسات عمومی سلسله مراتبی بوده و به نسبت نوع و درجه محله است. به طور نمونه در بسیاری از شهرهای سنتی و از آن جمله بافت سنتی شهر اصفهان، بازار اصلی به عنوان مرکز اقتصادی شهرست، در حالیکه در سایر محلات نیز بازارچه ها پراکنده شده است (تمرکز زدائی از مرکز شهر). عملکرد مسجد جامع در سطح شهر و مساجد دیگر در سطح محلات نشان از پخش سلسله مراتبی مراکز اجتماعی و فرهنگی در سطح شهر دارد.

ظرفیت و گنجایش

ظرفیت وگنجایش هریک از تاسیسات عمومی برحسب نقشی که در سطح شهر یامحله

برعهده دارند، تعیین شده است. به عنوان نمونه، مسجد جامع به دلیل عملکرد گسترده خود، دارای ظرفیت ومساحت بیشتری نسبت به مساجد دیگر است. گرمابه های مرکز شهر و بازار نیزبه نسبت عملکرد خود دارای گنجایشی بیش از سایر گرمابه ها است. عملکرد وموقعیت هریک ازتاسیسات عمومی، تعیین کنندهٔ ظرفیت و گنجایش آن است. مسلماً حدود قطعه بندی ها، مالکیت زمین و نحوه استقرار در یکی از فضاهای سکونتی - اقتصادی و حکومتی نیز، در تعیین ظرفیت آنها نقش مؤثری داشته است.

نوع و تعداد تاسیسات عمومی

در اینکه چه میزانی از تاسیسات عمومی، مورد نیاز جمعیت است، با احتساب گنجایش و ظرفیت تاسیسات، سطح نیاز عددی و نوع آنها مشخص گردیده است. حمامها، مساجد، آب انبارها و محل برداشت آب موقعیت مراکز تجاری کوچک (در محلات) و بزرگ (در بازار) و بالاخره راهها به این صورت شکل گرفته است.

نوع و تعداد تاسیسات نیز قابل توجه است. اندازه محلات، درجه بندی راه، تعداد جمعیت، دوری یا نزدیکی به فضای اصلی و مرکزی شهر یا محله، در انتخاب نوع، تعداد و اندازه تاسیسات موثر بوده است. به طور نمونه، در بازار انواع دسته بندی شده تاسیسات تجاری به وجود آمده (بازار مسگرها - کفاشها، دباغها و...). در حالیکه در محلات مسکونی تاسیسات تجاری مورد نیاز روزمره جمعیت، با تعدادی درحد نیاز تعبیه شده است. همین مورد برای سایر تاسیسات عمومی قابل تشخیص است. در مرکز شهر یا محله، حسینیه و مسجد، قهوه خانه و حمام و محل برداشت آب به تعدد دیده می شود. این امر به فراخور حدود و تعداد جمعیت محله می باشد.

حجم تاسیسات عمومی

اسلوب ساختمان و معماری تاسیسات عمومی، متناسب با عملکرد آنها و متقارن با سایر فضاهای شهری و بویژه فضاهای همجوار است. عملکرد متفاوت تاسیسات شهری و نقشی که برعهده هر یک قرار دارد، به نسبت ویژگیهای طبیعی، اقتصادی و اجتماعی شهر بوده و حجم بناها هماهنگ با ویژگیهای فوق و متاثر از ظرفیت و گنجایش ابنیه رقم زده شده است.

حجم و سبک بناها، القا کننده عملکرد و موقعیت آن و بیان کننده وظیفه ای است که معمولاً از یک بنا انتظار می رود. در مدرسه آقا بزرگ کاشان و درفضای روحانی آن احساس تعلیم یا تعلم و تفکر وتعبد به آدمی دست می دهد. در حالیکه از نظر حجم، نشانه و سرآمدی برای محله و شهر و

جهت یابی ساکنان است. به همین دلیل نیز قطعه بندی زمین و کوچکی و یا بزرگی بنا به نسبت نقش وعملکرد فضا تعیین می شود.

در ادامه این بحث مختصر به دو عامل تاسیساتی دیگر در شهرهای سنتی اشاره می شود. یکی شبکه ارتباطی که در بخش بعدی مورد بررسی قرار گرفته است. و دیگری فضاهای سبز و باز شهری که در دنیای امروز عاملی بسیار مهم در لطافت هوا، گذران اوقات فراغت و پرورش روانی و جسمی کودکان و نوجوانان است. در شهرسازی سنتی ایران چنین فضاهائی به دو گونه مطرح می باشد.

اصولاً فضاهای سبز در سطح شهرهای سنتی، تمایل بیشتری به استقرار در میان فضاهای خصوصی و بویژه فضاهای مسکونی و یا باغات خصوصی حاشیه شهر دارد. این مورد نسبت به شرایط آب و هوائی و زیبائی و تنوعی که در داخل فضاهای مسکونی مورد نظر بوده، صورت گرفته است. فضای سبز و تفریحی در فضاهای باز داخلی اماکن و به ویژه اماکن مسکونی جای گرفته است. این بدان معناست که استفاده کنندگان ازفضای سبزبه نوعی موظف به حفظ و نگهداری و آبیاری درختان و گیاهان نیز باشند. از طرف دیگر، چنین موردی توسعه فضای سبز در سطح شهر را به نحو متعادلی توزیع می نماید. گونه های گیاهی به کار گرفته شده نیز به نسبت شرایط اقلیمی و آب و از نوع گیاهان و درختان بومی و به طور عمده ازنوع مثمر می باشد.

بخش سوم

خواهیم چون زلیخا، یوسف رخی گزیدن
بس دامنش گرفتن، وانگه فروکشیدن
گم کرده ایم خود را، راهی نمای مطرب
باشد مگر بدان ره در خود توان رسیدن
(سلمان ساوجی ۷۰۹ - ۷۷۸ هجری)

نقش راه در شهرسازی سنتی

به دلیل افزایش روز افزون جمعیت و نیاز به مسکن و رواج ساختمان سازی، هر چند وقت یک بار، نواحی وسیعی بر پیرامون شهرها افزوده می شود. این مورد با توجه به لزوم پاسخگویی سریع به نیازهای مسکونی، اقدام عجولانه و شتابزده ای را درتفکیک زمین وجایگزینی واحدهای مسکونی درپی داشته است. درچنین برنامه هایی علاوه بر آنکه به تعبیه تجهیزات محله ای (اعم از فرهنگی، اقتصادی و رفاهی) توجه کافی نشده، بلکه توسعهٔ شبکهٔ راهها و احداث دسترسیها نیز با شالوده های محیطی آن نقاط سازگاری نداشته و با سطوح نیاز محله ای هماهنگ نیست.

احداث راهها و شبکه بندی معابر، علاوه بر آنکه کارآیی مطلوبی درآمد و شد جمعیت دارد، باید درارتباط با عوامل محیطی نیز قرار داشته باشد. سازگاری با اقلیم، رفع نیاز محله ای و خصوصیات فرهنگی واجتماعی محلات، از آن جمله است. فن آوری باید پاسخگوی نیاز انسان باشد. احداث راهها نیز باید این نیازها را در ارتباط با جمعیت ساکن در اطراف خودپاسخ گوید. ارتباط محیطهای مسکونی، کار، تفریح، آموزش و خرید، ازطریق راهها صورت می پذیرد.

در شهرسازی سنتی ایران به این پدیده توجه ویژه ای شده است. این مورد در آثار باقیمانده از شهرهای قدیمی، بویژه شهرهایی که کمتر تحت تاثیر روشهای و بیگانه با فرهنگ شهرنشینی ایرانی قرار گرفته، به روشنی نمایان است. حتی پس از سپری شدن دورانی طولانی، شیوهٔ محله بندی و شبکه بندی معابر شهرهای سنتی ایران کارآیی لازم را بویژه در ارتباط با تقویت فضای فرهنگی و

اجتماعی دارا می باشد. درحقیقت، درنظام کالبدی شهرسازی سنتی ایران میان پدیده های مسکونی، تجاری، خرید و فضای فرهنگی ارتباطی یکپارچه وجود دارد. هر عنصر شهری به مقتضای شرایط خود، جایگاه ویژه دارد. عامل پیوند دهندهٔ بین این عناصر را راه به وجود می آورد. راه، با تقسیمات اصلی و فرعی خود و بنا بر نقشی که برعهده گرفته، با مرکز محلات مسکونی وسپس مراکز تجاری و اجتماعی شهر ارتباطی منطقی دارد.

محلات شهری در ایران، هرچند که با دانش فنی دوره خود ایجاد شده، ولی در عصر حاضر نیز در ارتباط با تراکم فعالیتها و آمد و شدها و تولید سرو صدای ناشی از فعالیت وحرکت خودرو، فضایی آرام را برای ساکنان تامین می نماید. نمونهٔ بسیار خوب آن محلهٔ عود لاجان تهران است. اگر چه درجوانب این محله متراکمترین بافتهای تجاری و اداری (بازار ـ خیابان امیرکبیر ـ ناصر خسرو) قرار دارد، معابر و کوچه های بین محله هنوز آرامش و سکون را که لازمهٔ یک فضای مسکونی است، دارا می باشد. در کوچه ها ومعابر مرکزی محله عودلاجان آرامشی حکمفرماست که رهگذر را در اینکه درچند صد متری ویا کمتر او پرسرو صداترین و متراکمترین مرکز تجاری ایران استقرار یافته، غافل می سازد.

اصولاً، درفرهنگ شهرنشینی ایران، بازار به مفهوم محیطی پرآمد و شد ومحل عرضه کالاست. لازمهٔ آن «سرو صدا»، «جنب وجوش» و «فعالیت» است. ولی محیط مسکونی همانطور که ازمفهوم کلمه برمی آید محل «سکون» و «آرامش»است. جایگاه کسانی است که از محیط شلوغ و پرفعالیت بازار، برای استراحت و سکونت به فضای دیگری به نام مسکن وارد می شوند. بنابراین، باید وجه تمایزی بین این دو محیط وجود داشته باشد. این مهم در شهرسازی سنتی ایران بر عهده راهها گذارده شده است. راهها با درجه بندی و انشعابهای متفاوت خود، به نحو مطلوبی این دو فضا را از یکدیگر جدا می سازد. هردو فضا به اندازهٔ کافی درارتباط ودر دسترس یکدیگر است. در برخی موارد و در هنگامی که ضرورت تلاقی محیط مسکونی ومحیط بازرگانی احساس می شود، این محل تلاقی را فعالیتهایی کم سرو صداتر مانند بقالی و نانوایی در گذرهای مشرف به بازار به وجود آورده است.

در شهرسازی سنتی ایران، گذشته از مقر حکومتی چند فضای اصلی مطرح می باشد که عبارت است از:

۱ـ بازار و محل خرید و فروش وعرضه کالاها

۲ـ محلات مسکونی

۳ـ تاسیسات وابسته به محلات مسکونی و بازار

۴ـ شبکه های ارتباطی وراهها

دراین قسمت، نقش راهها در ارتباط با سه عامل دیگر مختصراً مورد تجزیه وتحلیل قرار می گیرد:

۱ـ بازار

بازار «محل خرید و فروش کالا و خوراك وکوچهٔ سرپوشیده که از دو سوی دارای دکانها باشد[۱]». در عین حال بازار به عنوان یک راه ارتباطی دارای تقسیمات مختلفی است. بازار معمولاً دارای یک راستهٔ اصلی است که به «راسته بازار» شهرت دارد. عرض آن نیز بین ۴ تا ۸ متر است. راسته بازارخود دارای انشعاباتی است که به «بازارچه» معروف بوده و اصناف مختلف را در دسته بندیهای مشخص مانند مسگرها، کفاشها، صرافها در خود جای داده است. معمولاً در شهرهای سنتی ایران راسته بازار علاوه برآنکه به شهر مرکزیت می دهد، در قسمتهای ابتدایی وانتهایی خود به نواحی بیرونی و دروازه های شهر مربوط می شود. دراین قسمتها نیز فعالیتهایی که مربوط به نیازمسافران است(مانند تعمیر چرخ و ارابهٔ کاروانسرا) استقرار دارد. معمولاً بازار در مسیر خودیا به چهار سوق که محل انشعابات بازار است، می رسد، یا به یک مرکز فرهنگی و مذهبی پیوند می خورد. فعالیتهای تجاری در مسیر این قسمت از بازار که در جوار مرکز مذهبی است، کتابفروشیها و نیازمندیهای وابسته به محل مذهبی می باشد.

بازارچه یا از انشعابهای اصلی بازار است و یا در محلات مسکونی به عنوان یک فضای فرعی از بازار مطرح می شود. بازار و بازارچه دارای انشعابهای دیگری است که به تیم وتیمچه موسوم است. «تیم»[۲] به معنای «کاروانسرای بزرگ» و« تیمچه«کاروانسرای کوچک و سرایی است که دارای چند دکان بوده و تاجران در آن داد و ستد کنند»[۲] تیم، فضایی ازبازار و محل عرضهٔ اختصاصی تری از کالاهاست. گذرها نیز فواصل حایل بین نواحی بیرونی و طرفین بازار را به وجود می آورد.

بازار، به شیوه مطلوبی آمد و شد جمعیت را که برای داد و ستد، خرید و فروش و حتی تماشا به سوی آن می آیند، فراهم ساخته و خواستاران هر کالا را به صورت سلسله مراتبی به سوی خود فرا می خواند. بدین نحو که راسته بازار محل آمد و شد و رفت وآمد گذرکنندگان است. انشعاب بعدی آن که حکم بازار فرعی را دارد، محل فروش دسته بندی شدهٔ یک نوع کالای ویژه یا کالاهای هم گروه است. تیمها و تیمچه ها نیز به صورت مجزا و فرعی تری برای داد و ستدکنندگان اختصاص یافته

۱ -محمد معیّن - فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر - ۱۳۶۲

۲ و ۳- همان.

راسته‌ها و مراکز محله و شهر
از دوران صفویه تا اواخر قاجار

شهر قدیم دزفول سال ۱۳۵۸ شمسی

ماخذ: مصطفی ربوبی و فرنگیس رحیمیه - شناخت شهر و مسکن بومی ایران- انجمن دانشجویان دانشگاه تهران - تهران- ۱۳۵۳ .

است. در طول راسته بازارها و بازارچه ها، تاسیسات موردنیاز جمعیت مانند مسجد، حسینیه، گرمابه، سقاخانه و آب انبار (برحسب شرایط محیط)جایگزین شده است. هریک از معابر به مقتضای درجهٔ انشعاب واهمیت خود، دارای پهنای متفاوتی است. شاهرگ اصلی بازار که همان راسته بازارست، معمولاً اصلی ترین وعریض ترین قسمتهای این فضای سرپوشیده را تشکیل می دهد.

در پیرامون بازار، محلات مسکونی قرار گرفته اند. هرچند که در بازار پیشه های ویژه و عمومی و دسته بندی شده شکل گرفته، ولی در محل برخورد با راههای نواحی مسکونی (گذرها) پیشه هایی که استفاده از آنها برای بازار ونواحی مسکونی جنبه مشترك دارد(مانند فروشگاههای مواد غذایی) استقرار یافته است.

برخی از مراکز محلات مسکونی در قسمتهای جانبی بازار و یا در هم رسی با بازار قرار گرفته است. دربرخی دیگر، انتهای بازار به مراکز محلات مسکونی پیوند می خورد (مانند بازار نایین ـ بازار زواره) یا به فضای مذهبی می رسد مانند (بازار اصفهان).

۲ـ محلات مسکونی

محلات مسکونی، به مقتضای گستردگی خود از نظر جایگزینی واحدهای مسکونی و دسترسی به تاسیسات عمومی دارای ویژگیهایی می باشد. راههای منتهی به بازار در بافت مسکونی سنتی شهرهای مختلف ایران متفاوت بوده و به فراخور اقلیم و فرهنگ و اقتصاد و نوع مصالح ساختمانی محیطی خود شکل گرفته است. به طور عمومی، دسترسیهای محلات مسکونی از درجه بندیها و انشعابهای ویژه تری نسبت به بازار برخور داراست. محلهٔ مسکونی محل زندگی و تماس جمعیت است. روابط محله ای و بین محله ای را قوام می دهد. راهها نیز در این مورد و به فراخور کوچکی یا بزرگی محله ها به صورت اصلی، فرعی و فرعی تر تقسیم می شود. شبکه راههای اصلی ارتباط بین بازار(محل داد و ستد) ومحلات مسکونی را میسر ساخته (راه عمومی) و محلات مسکونی درجوار آنها قرار گرفته است. انشعاب بعدی، راههای داخل محله مسکونی راتشکیل می دهد (راه نیمه عمومی). این شبکه ها در داخل بافتهای مسکونی نقش ارتباط بین محله ای و گذری را دارد. عابران و یا کسانی که قصدی ازوارد شدن به یک محلهٔ مسکونی را ندارند، از آنها برای رسیدن به محلهٔ مسکونی خود و یانقطه ای که درآن کاری دارند، استفاده می کنند.

بعد از راههای داخلی در بافت محله ای، شبکه راههای جزئی ترو کوچکتری وجود داردکه در محلات کوچکتری جریان یافته و در پاره ای از موارد به صورت بن بست می باشد. (راه نیمه خصوصی). بالاخره، راه به جزء کوچکتری نیز تقسیم می شود وبه چند فضای مشترك یا چند واحد

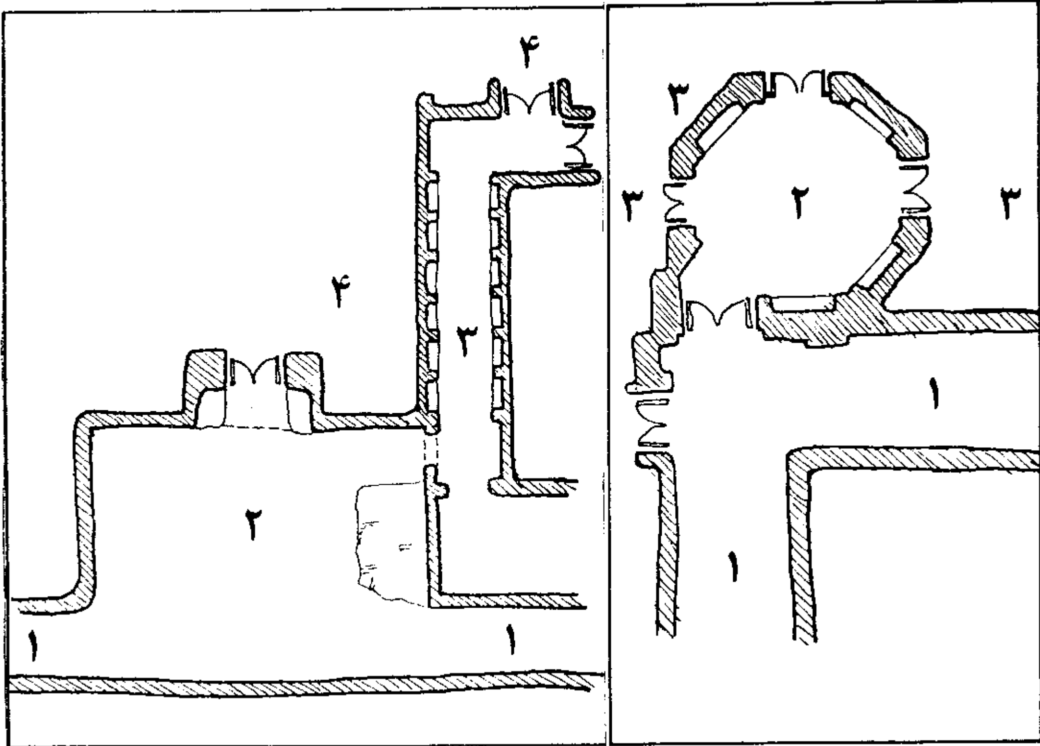


یکی از کوچه های شهر یزد

مسکونی می رسد (راه خصوصی) . مانند رگهای بدن که از قلب سرچشمه گرفته وبه نقاط مختلف بدن می رسد، راهها نیز از بازار شروع شده وهنگامی که به داخل محلات مسکونی می رسد، همانند مویرگها و به فراخور عملکرد فضاهای مسکونی دارای انشعاب ویژه ای می شود. بنابراین ، راههای ارتباطی درنواحی مسکونی به صورت سلسله مراتبی ازخانه شروع می شود و به فضای مشترك مجموعه چند خانه می رسد وسپس ازطریق راههای محله کوچک به شبکه راههای محله پیوند می خورد. سپس

ازطریق راههای اصلی تر به بازار شهرمنتهی می شود. نمونهٔ این مورد، بافتهای مسکونی سنتی شهرهای مختلف و از آن جمله شهرهای اردستان وکاشان است.

در بخشی ازبافتهای مسکونی سنتی در اردستان، یک کوچه بن بست کوچکترین جزء ارتباطی محله راتشکیل می دهد. سپس به شبکهٔ اصلی تر می رسد که خود جزء فرعی تری از راههای محله است. درمسیر این راه، مسجدی کوچک ومحل برداشت آب (قنات) نیاز اهالی همان جزء از محله راتامین می کند.[۱]

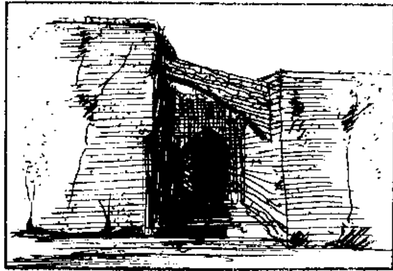


۱- فضای عمومی
۲- فضای نیمه خصوصی
۳- فضای خصوصی

۱- فضای عمومی
۲- فضای نیمه عمومی
۳- فضای نیمه خصوصی
۴- فضای خصوصی

۱-مأخذ طرحهای ضمیمه، برداشت دانشجویان کارگاه طراحی مجتمع های زیستی دانشکده معماری وشهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران از شهر زواره تحت سرپرستی اسماعیل شیعه ومصطفی عباس زادگان (سال ۱۳۶۵) می باشد.



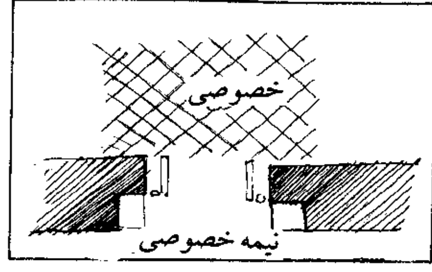


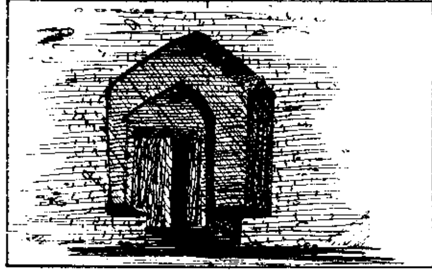
جداسازی فضای عمومی به فضاهای فرعی از راه :

۱- انشعاب به فضای نیمه خصوصی

۲- زدن طاق و نیم طاق

۳- تغییر شیب



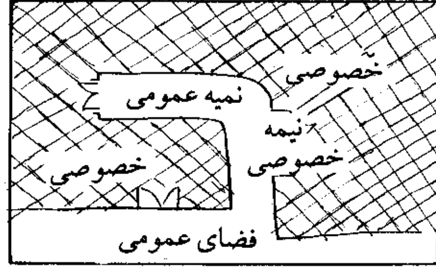


جداسازی فضای عمومی به فضاهای فرعی از راه :

۱- عقب نشینی ورودی

۲- تقویت عناصر ورودی ازقبیل سکو، قوس و . . .

۳- ایجاد سایه درقسمت نیمه خصوصی





تفکیک فضای عمومی به فضاهای فرعی ازطریق :

۱- باریک شدن گذر

۲- تغییر چشم انداز و به بیان دیگرایجاد عدم یکنواختی

۳- تغییر شیب گذر

شروع فضای خصوصی برای رهگذران ازطریق ایجاد فضای سرپوشیده، تاریک و بسته، نسبت به فضای باز و روشن معبر عمومی.

عرض کمتر گذر، به ایجاد حالت خصوصی تر درمقایسه بامعبرعمومی، منجر می شود.

سپس درادامهٔ مسیر به راههای اصلی محله می رسد. دراین مسیر، محل خرید و فروش، مسجد، آب انبار یا محل برداشت آب و حمام با اندازهٔ گسترده تری قرارگرفته و فضای گسترده تری را پوشش می دهد. در فضای مشترك بین چند واحد مسکونی (باتوجه به شرایط زمان) محل نگهداری مرکب مسافران و میهمانان یا ساکنان خانه تعبیه شده است (مانند نائین). طرح راهها به نحوی است که با پیچ و خم و شکل هندسی خود، اماکن مسکونی در محلات کوچک را، هنگامی که ساکنان آنها (کودکان برای بازی، زنان برای ملاقات یکدیگر و نشستن دور هم) گرد یکدیگر جمع می شوند، از دید مستقیم عابران و یا گذرکنندگان به دور نگه می دارد. وجود پیچ و خم درکوچه ها و معابر به دلایل مختلفی صورت پذیرفته است. عامل تقسیم زمین درشکل گیری آنها مؤثر افتاده یا مسیر قناتها شکل دهندهٔ مسیر راههای ارتباطی است[1] و یا عامل پستی و بلندی زمین دراین مورد تاثیر داشته است. این عوامل برای تمام شهرهای سنتی ایران عمومیت ندارد.

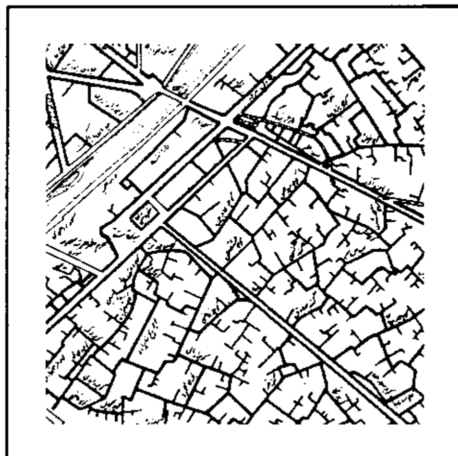
بر طرح راه در محلات مسکونی، زمینه های دیگری نیز اثر گذارده است. این عوامل تحت عنوان عوامل اقلیمی، عوامل اجتماعی، عوامل بصری و زیبایی، عوامل کالبدی و عوامل دفاعی به اختصار مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد:

عوامل دفاعی: وجود پیچ و خم در راهها، درمواقع اضطراری اهمیّت می یافته است. یکی از دلایل وجود ساباط[2] ها، بویژه درنقاطی که این ساباط ها با ارتفاع کمتری از سطح کوچه ساخته شده (مانند نائین) باعث آن می شده که مهاجمان به شهر نتوانند با اسب و به صورت سواره از راهها عبور کنند و بالاجبار پیاده شده و حرکت آنان کند شود. وجود پیچ وخم راه می تواند درعملیات تعقیب و گریز نقش باز دارنده داشته و مهاجمان را از نشانه گیری و تیراندازی ناتوان سازد.

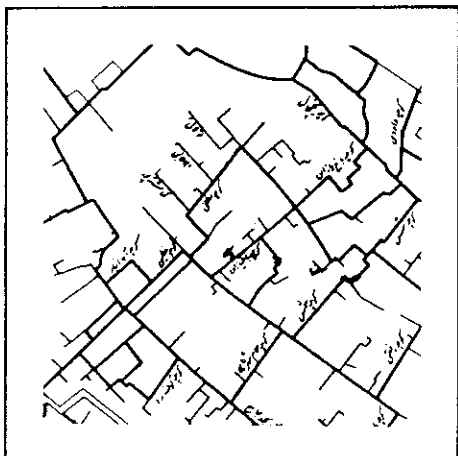
عوامل اقلیمی: ازنظر اقلیمی، زمینه های گوناگونی بر طرح راهها مستولی بوده است. پیچ وخم راهها (درمناطق خشک و کویری) می تواند در ارتباط با زوایای تابشی خورشید، در هر زمان از طول روز در قسمتی از راه سایه ایجاد کرده و عابر پیاده حداقل در یک بخش ازمسیرخود، امکان استفاده از سایه را داشته باشد. باریک بودن راهها و بلندی دیوارهای کناری دراین زمینه امکان بیشتری را فراهم

۱- محمد منصور فلامکی - سیری درتجارب مرمت شهری « از ونیز تا شیراز» - وزارت مسکن و شهرسازی - تهران - ۱۳۵۸.

۲- ساباط، دالان و راهرو سرپوشیده و پوشش بالای گذر می باشد، سقفی که درزیر آن معبر ورود به خانه و سرای باشد (محمد معیّن - فرهنگ فارسی، جلد دوم - چاپ پنجم، انتشارات امیر کبیر - تهران - ۱۳۶۲).



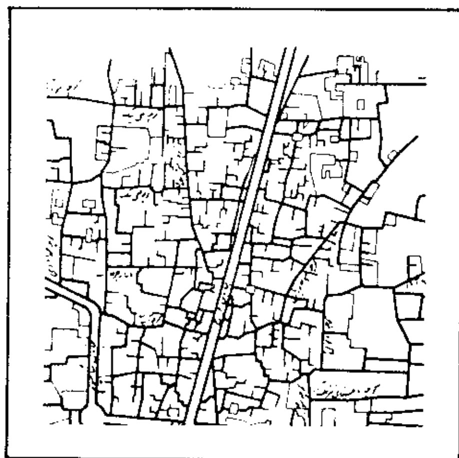
بافت قدیم قم



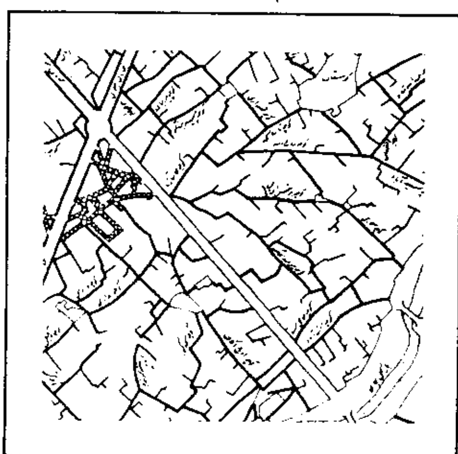
بافت قدیم زواره



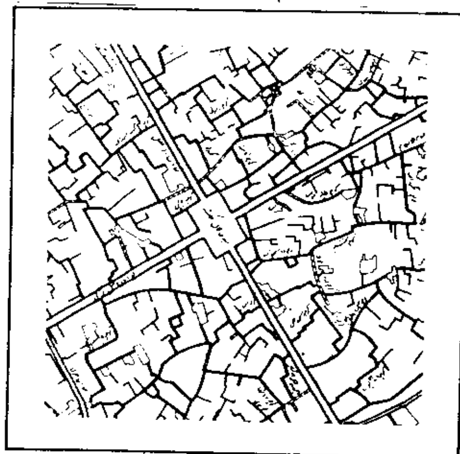
بافت قدیم اقلید



بافت قدیم اردکان



بافت قدیم اردبیل



بافت قدیم کاشان



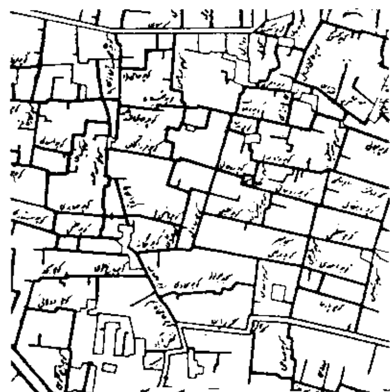
بافت قدیم بندر لنگه



بافت قدیم رشت



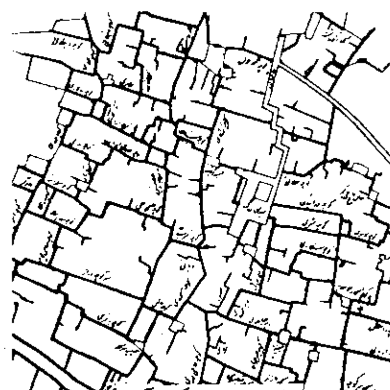
بافت قدیم سیرجان



بافت قدیم گل آرا

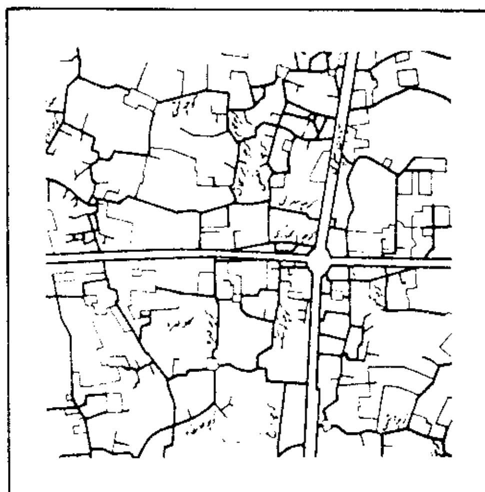


بافت قدیم مشهد



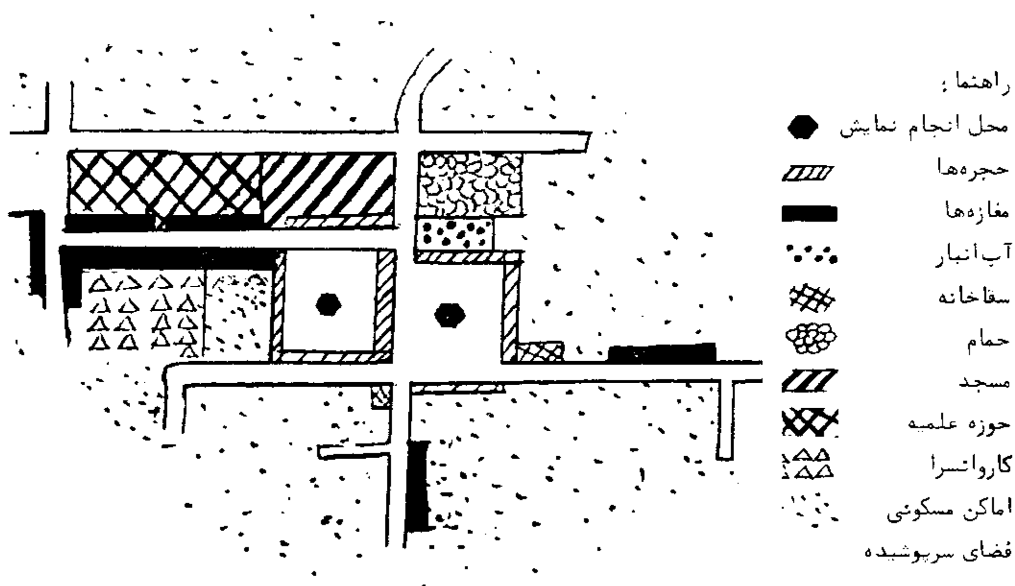
بافت قدیم گل آرا

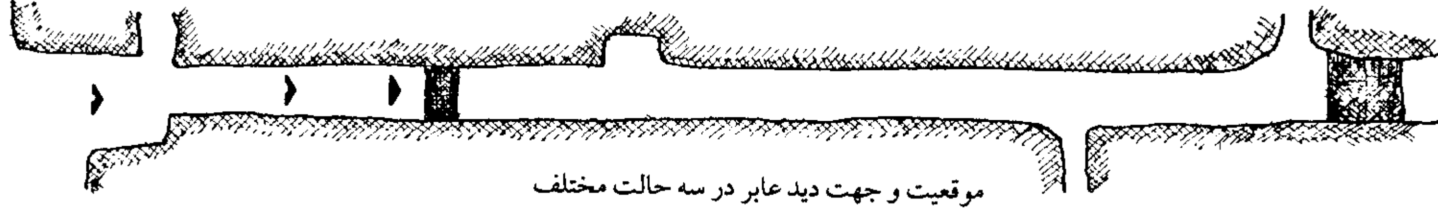
می آورد. از طرف دیگر دربعضی ازمناطق (گرم و مرطوب) لزوم استفاده از جریان باد در ایجاد لطافت هوا احساس می شده ودر بعضی دیگر ازمناطق (خشک و کویری) می باید سرعت باد کاهش یافته و بویژه در ارتباط با بروز طوفانهای احتمالی شن، شهر حالت دفاعی به خود بگیرد. در بعضی از نقاط به استفاده از وزش باد مطلوب در داخل مجموعه های مسکونی نیاز بوده است. در مناطق دیگر (سردسیری وکوهستانی) نباید باد سرد مستقیماً به داخل مجموعه ها وارد شود. به همین دلیل احداث راه با زوایا، پیچ و خم وتنگ و باریک شدن ویژه ای صورت پذیرفته است. درمناطق گرم ومرطوب (مانند بندر عباس) علاوه بر آنکه راه یک عامل ارتباطی است، عاملی برای به جریان انداختن هوا(از ساحل به خشکی) است. بنابراین راهها نیز دراین مسیر قرار گرفته است. حتی در و پنجره های مسکونی روبه روی هم قرار داده شده تا امکان وزش باد را از داخل مجموعه های مسکونی فراهم آورد. دراین مورد راههای درونی مجموعه ها نیز دنباله روی مسیر اصلی راه است. درمناطق خشک وکویری (از یزد گرفته تا کاشان وکرمان) پیچ و خم کوچه ها و معابر از سرعت جریان باد کاسته و وجود زوایای شکست در کوچه ها، سرعت طوفانهای شن رامهار می نماید. درمناطق سردسیری (مانند زنجان) که لزوم انبارش حرارتی احساس می شده است، مسیر راههای ارتباطی مستقیماً به فضاهای مسکونی وارد نشده، بلکه با طرح فضاهای گرد(میدانچه ها) ابتدا سرعت باد کاهش می یابد و سپس با چرخش درفضای میدانچه، برودت خود را تا اندازه ای از دست داده و هنگامی که به واحدهای مسکونی می رسد، دارای شدت سرمای نخست نیست. در مسیر راههای ارتباطی، بویژه درمناطق گرم وخشک به احداث ساباط اقدام شده است. شاید برای رهگذر نا آشنا این تصور پیش آید که وجود ساباط بیشتر جنبه انتفاعی مادی و ملکی داشته و ساباطها را که در بسیاری از محلات و بویژه درمناطق خشک بر روی آن اطاقهایی تعبیه شده، یک نوع استفاده سودجویانه ساکنان فضاهای خصوصی از فضاهای عمومی تلقی نماید. در حالیکه در مورد احداث ساباط، جنبه های عمیقتری مطرح بوده است. از آن جمله یکی ایجاد فضای سایه دار وخنک در تابستان و فضایی گرمتر ازفضای باز کوچه در زمستان است. رهگذر (پیرمرد یا پیرزن، کودك یا نوجوان) درمسیر عبوری خود در کوچه ها امکان استفاده از یک فضای سایه دار و خنک را (که در فضای آفتابی روباز کوچه و سایه دار ساباط تولید باد مصنوعی می کند) دارا می باشد. در فضای زیرین بسیاری از ساباطها، جایگاههایی برای نشستن احداث شده تا عابر بتواند لَختی در آن نشسته و پس ازبازیابی قوا و رفع خستگی به حرکت خود ادامه دهد. از دیدگاه اجتماعی، همین فضا محل بازی کودکان، تماس و گفتگوی همسایگان و نشستن درفضای سایه با یکدیگرست. بنابراین، ساباط نقش کوچکترین اجزای شکل گرفته مرکز محله را ایفا می کند. اتاقهای تعبیه شده بر روی کوچه نیز امکان نشستن اهالی و تماشای کوچه را فراهم می آورد.

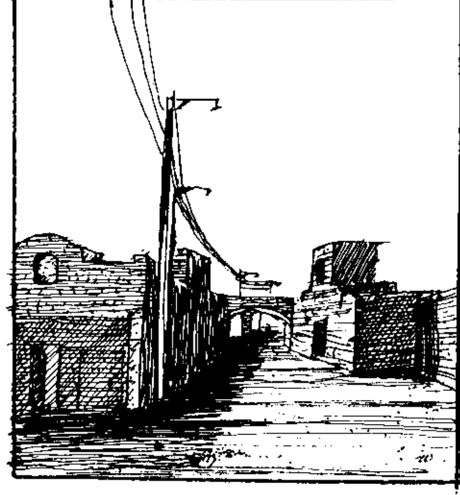


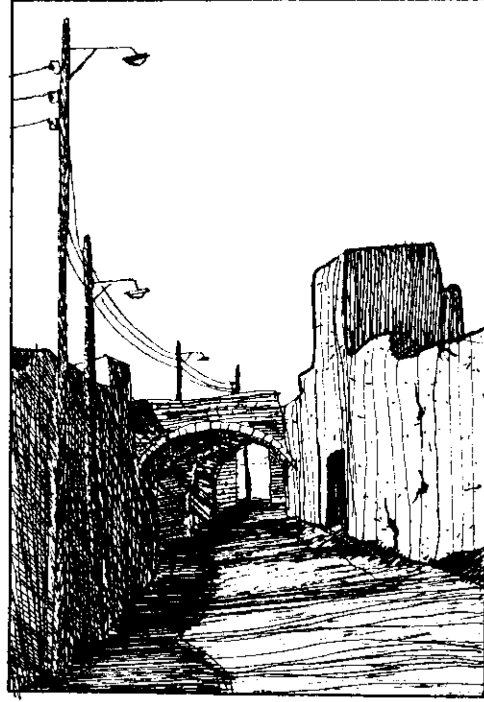
درجه بندی معابر در بافت قدیمی شهر اردستان (خیابانهای عمود برهم در دوران اخیر احداث شده است).

شمای تقریبی موقعیت حسینیه ها، مرکز خرید و فروش ، تاسیسات عمومی و اماکن مسکونی در یکی از محلات زواره.




موقعیت و جهت دید عابر در سه حالت مختلف



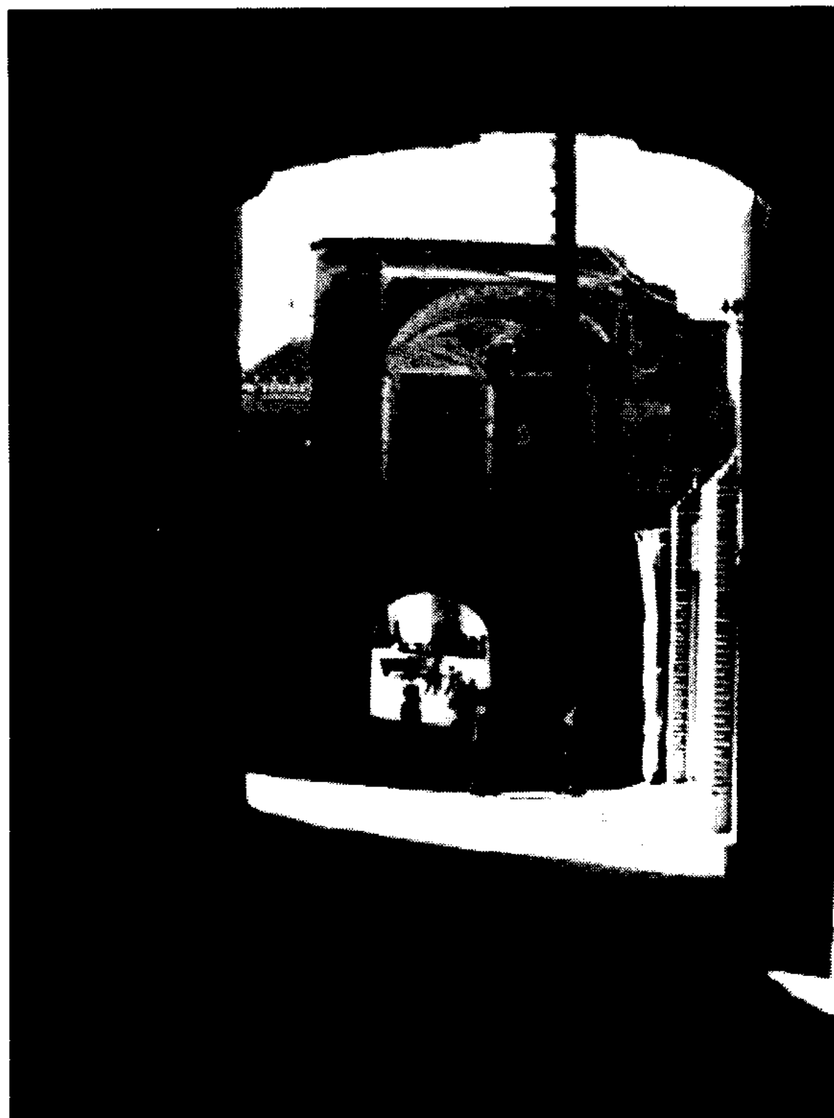




عوامل فرهنگی : این عامل نیز تاثیر خود را در احداث راهها گذارده است. یکی از آنها وجود ساباط به عنوان محل ملاقات اهالی چند خانه با هم است. ازنظر دیگر، راهها با تقسیمات کوچک و بزرگ خود فضاهای همسایگی را درجه بندی کرده وبه فراخور درجه بندی آنها، تاسیسات موردنیاز محله نیز شکل می گیرد. راهها، مانند شاخه های درخت به هم پیوند می خورد و درنهایت به یک فضای اصلی و متمرکز محله ای (میدانها و میدانچه ها) می رسد. درهمین مسیراست که دیگر تاسیسات موردنیاز اهالی مانند محلهای خرید فراهم شده است. وظیفهٔ مهم راهها دراین مورد، انسجام و پیوند بین محیطهای اجتماعی و اقتصادی است.

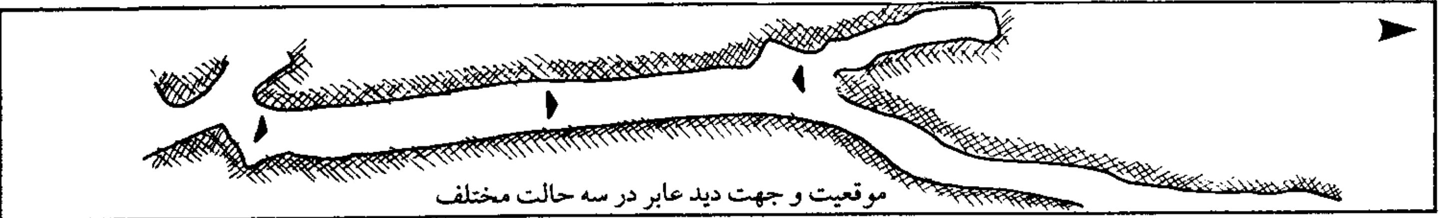
اساس درجه بندی راهها را وجود محله های کوچک و بزرگ شکل داده است. هرمحله به فراخور ویژگیهای اجتماعی خود، دارای مرکز محله ای می باشد. این مرکز را یک مسجد یاحسینیه ویا هر دوی آنها، محل برداشت آب ازقنات یا آب انبار ویا چشمه، یک زورخانه و یا بازارچه تشکیل داده که درطول یک مسیر ازراه درفضای میدانچه مانندی استقرار می یابد. در بعضی از موارد که هیچکدام ازاین عوامل در ایجاد مرکز محله دخالتی ندارد، مرکز محله رافضایی باز که محل گردآمدن و بازی بچه ها و یاملاقات ونشستن بزرگسالان است، تشکیل می دهد.

در مرکز محله های باقیمانده درشهر نائین، غالب این عناصر درمیدانچه یا حسینیه (فضای عمومی برای ملاقات اهالی) تعبیه شده است. درکنار میدانچه مسجد و تکیه قرار دارد. گرداگرد میدانچه (حسینیه) در دو طبقه فضایی احداث شده که طبقه اول ویژهٔ مردان و طبقه دوم اختصاص به زنان دارد. در وسط این میدانچه ها فضایی وجود دارد که طبقه زیرین آن محل برداشت آب ازقنات و یا حوضچه است. سطح رویین آن نیز محل برگزاری نمایشها و تعزیه خوانی است. این میدانچه ها در مواقع سوگواری و عزاداری حضرت سیدالشهداء (ع) به باز زنده سازی واقعه کربلا و تعزیه خوانی اختصاص دارد. درشهر زواره درکنار میدانچهٔ روباز، میدانچه سرپوشیده ای (حسینیه) احداث شده که هم به دلیل استفاده از سایه درتابستان وهم گرمای بیشتر در زمستان مورد بهره برداری قرار گیرد. در مواقع دیگر سال نیز این فضاها بدون عملکرد نبوده بلکه محل نشستن و صحبت کردن اهالی با یکدیگر ومحل عبور رهگذران است. در کنار این میدانچه ها بازارچه ای قرار گرفته که درمسیر ورود هر انشعاب از راه، نیاز اهالی ساکن درکوچه های همجوار خود را تامین می نماید. عناصری چون سقاخانه، آب انبار، حمام و مانند آنها، دراین مسیرها و در فضای جنب این میدانچه ها استقرار یافته است. وجود راه در قوام بخشیدن به بنیان اجتماعی محلات نقشی مهم دارد. کوچکترین بخش راه، در برگیرنده چند واحد مسکونی است. راه با درجه بندی مختلف به مرکز محله رسیده از از مرکز محله به مرکز شهر یا بازار اصلی منتهی می شود. هر کدام ازاین درجه بندی ها در برگیرنده یک واحد همسایگی یا محله ای است.

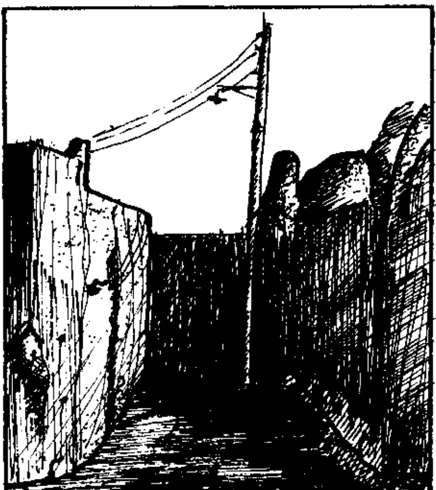


شهر یزد

عوامل بصری و زیبایی: کوچه ها و معابر در گوشه وکنار خود، مجموعه ها ومناظر زیبایی را به رهگذرنشان می دهد. فضاهای باز و بادگیرها، مساجد و گلدسته ها، خانه های مسکونی ومانند آنها از نظر رنگ نیز هماهنگ بامحیط ایجاد شده است. راهها، تنوع و توازن درمحیط را به شیوه مطلوبی می نمایاند. راه، دارایی های محله را به راحتی به رهگذر نشان نمی دهد وبه همین دلیل بیننده را در طول مسیر خود مشتاق کرده و خسته نمی کند. پیچ وخم کوچه ها و انشعاب پی درپی و یا گاهی یک بار آنان، زیبایی را درچشم بیننده به نمایش می گذارد.



موقعیت و جهت دید عابر در سه حالت مختلف

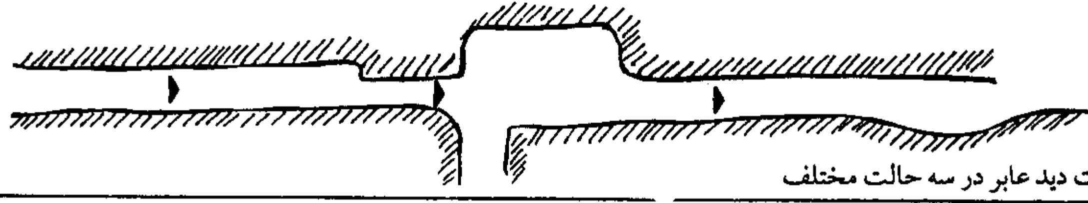


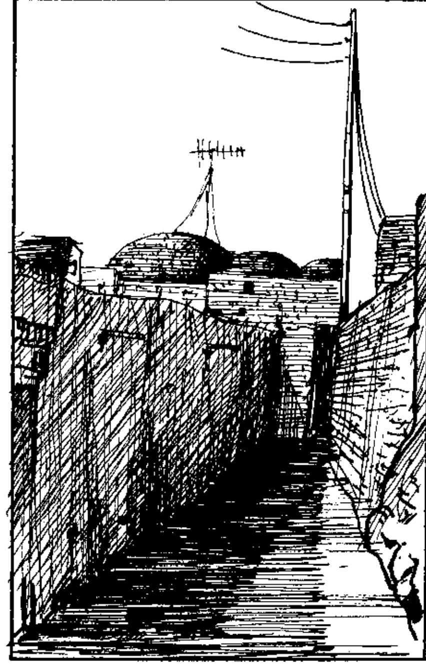




عدم یکنواختی در طول مسیر برای رهگذر به منظور پیشگیری از بروز خستگی ازطریق گستردگی فضا.

ایجاد سایه خوشایند و دلپذیر، و تنوع شکل باعث برانگیخته شدن حس کنجکاوی عابر در ادامه حرکت در طول مسیر می گردد.

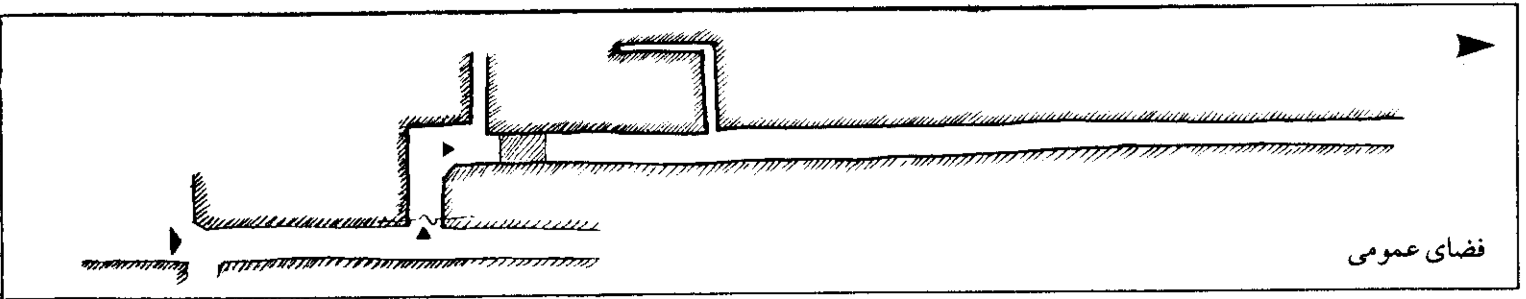

موقعیت و جهت دید عابر در سه حالت مختلف



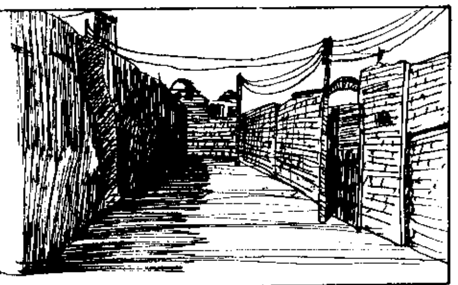


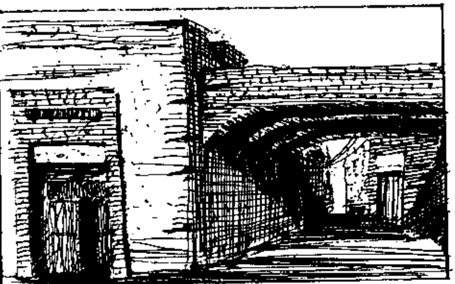


علاوه بر تامین جذابیت و تنوع که هنگام حرکت به ادراك کاهش طول مسیر و نیز تا حدودی به تفکیک فضا منجر می شود. باافزایش ارتقاع دیوارهای جانبی در معبر، دست یابی به سایه و خنکی میسر می گردد با ایجاد میدان یا میدانچه ، امکان توقف موقت برای عابر در جهت تصمیم گیری برای یافتن ادامه مسیر فراهم می شود.

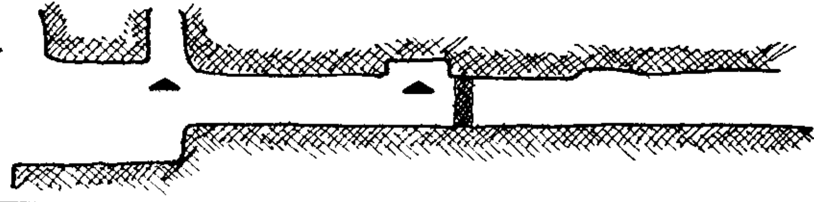




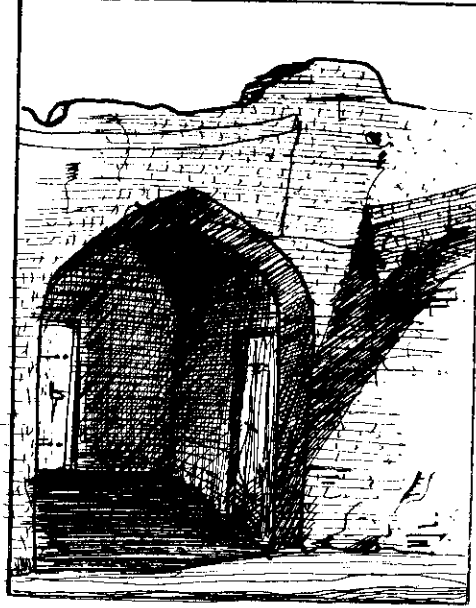




تامین جذابیت و تنوع محیط در حرکت که به ادراک کاهش طول مسیر و نیز تا حدودی به تفکیک فضا منجر می شود.



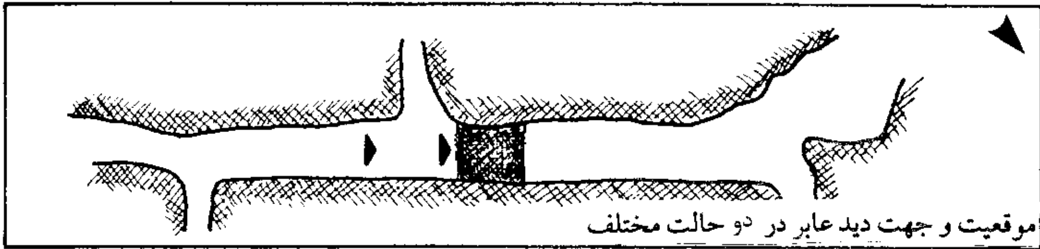
موقعیت و جهت دید عابر در دو حالت مختلف



انتقال پیام بیگانگی و غریبه بودن به عابر از طریق ایجاد فضای سرپوشیده، تاریک و بسته،



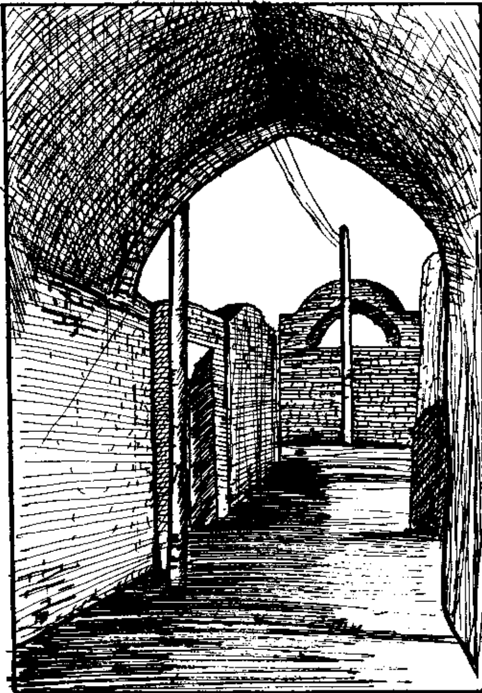
عرض کمتر معبر، به ایجاد حالت خصوصی تر، در مقایسه با معبر عمومی، منجر می شود.



موقعیت و جهت دید عابر در دو حالت مختلف



باریک شدن کوچه در اینجا معرف وجود کوچه ای دیگر در سمت چپ است. وجود ساباط در ادامهٔ مسیر باعث تنوع فضا، تغییر حرارت محیط، متغیر نور، آرامش و سکوت می شود.



زیرساباط، سرپناهی خنک و توقفگاهی موقت

برخلاف شبکه راههای دنیای امروز که تحت تاثیر خودرو، احداث کوچه ها ومعابر باطول و عرض خود رهگذر رااز پیمودن یک مسیر مستقیم وبدون تنوع خسته می کند، در شهرهای سنتی ایران ، رهگذر خواستار آن است که ببیند که در پیچ و خم بعدی کوچه، چه اتفاقی جریان دارد. این انتظار و طلب، راه پیما را خسته نمی کند. در شهر نطنز به موازات طول بافت قدیمی، راه جدیدی به صورت مستقیم احداث شده که در مسیر بافت قدیمی (از مسجد جامع گرفته تا حدود محلهٔ افوشته) طول آن دو تا سه کیلومتر است. رهگذری که با پای پیاده این مسیر مستقیم را می پیماید، طول راه برایش خسته کننده

وملال آورست. اگر چه انتهای مسیر را می بیند ولی بعد مسافت، طاقت او را به سر می آورد. درحالیکه درهمین فاصله در بافت قدیمی همجوار با این خیابان، راههای بافت سنتی با انشعابها وپیچ و خم فراوان و وجود عناصر مختلف محله ای و دید و منظرهای متنوع وزیبا، به گونه ای رهگذر را به خود مشغول می کند که از بعد مسافت خود غافل می ماند، اگرچه به دلیل وجود انحنا در کوچه ها، فاصله ای بیشتر ازخیابان را نیز پیموده است.

در راههای شهرهای سنتی ایران، همیشه رهگذر منتظر آن است که بداند در پیچ دیگر کوچه چه خبر بوده و چه فعالیت و آمد وشدی جریان دارد. در حقیقت عناصر شهری و ساختمانهای اطراف با نحوه استقرار متنوع خود، رهگذران را در پیمایش راه خود همراهی می کند. راهها متنوع، پویا وزیبا است. طرح راهها، با نظم و قاعدهٔ ویژه خود، متاثر از همان نظم و ترتیب و نظامی است که در عالم خلقت وجود دارد. در عالم آفرینش خداوندی هرچیز جای خود را داشته وبا نظم و ترتیب در جایگاهی که برای آن تعیین شده قرار دارد. طرح واحدها وعناصر مختلف شهری که عامل پیوند دهندهٔ آنها را راه تشکیل می دهد، بازتابی ازهمان نظم وترتیب درجهان هستی است. راه در شهرهای سنتی، همانند یک فروشنده، متاع خود را یکباره به مشتری عرضه نمی کند. بلکه با تانی و تنوع به معرض دید رهگذران می گذارد.

عوامل کالبدی : دراین ارتباط، راه شرایط محیط پیرامون خود را پذیرا شده است. مصالح ساختمانی بدنه ها وکناره های راه، ازهمان مصالحی است که طبیعت منطقه در اختیار گذارده است. رنگ مصالح دیواره های کناری راه (در مناطق خشک، کویری و نیمه کوهستانی) به رنگ قهوه ای روشن یا رنگهای متنوعی است که درمقابل آفتاب و شرایط گرما و سرمای محیط، مناسبترین نرمش را دارد. جنس مصالح کف معابر نیز از این مورد پیروی می کند. درمناطق کوهستانی کف گذرگاهها ازسنگ و در مناطق کویری از آجر و یا خاك است. آنها نیز مناسب ترین پوششها محسوب می شود. این مورد در ارتباط با ریزشهای جوی، امکان نفوذ مقداری ازآب را درهمان نقطه ای که باران نزول کرده، فراهم آورده است. عرض راهها درارتباط با حجم برف درمناطق سردسیر تعیین شده و مانند راههای آسفالت شدهٔ امروزی جریان آب بر سطح راه (بدون وجود آبروها یا فضاهای کافی) سرگردان نمی شود. ازنظر سیمای شهری، جنس مصالح ساختمانی در مسیر راهها و اسلوب ساختمان، به بیننده شرایط محیطی یک شهر را که در کوچه پس کوچه های آن قدم می زند نمایانیده و برای ساکنان ، مجموعه های متنوعی را به ارمغان می آورد. مجموعه هایی که شرایط کالبدی آنها را اقلیم، شرایط و شیوهٔ ساختمانیشان را فنون به کاررفته در ساختمان وعملکرد آنها را فرهنگ واقلیم ومعیشت رقم زده است. راهها وساختمانها

در شهرهای سنتی، بیانگر شرایط محیطی خود می باشد. کمتر عامل تقلیدی ونامربوط درآنها اثر گذارده است. به گونه ای که با ارائه یک تصویر می توان به این نتیجه رسید که این تصویر مربوط به کدام محیط می باشد. شمال کشورست یا جنوب، منطقه کویری است یا کوهستانی.

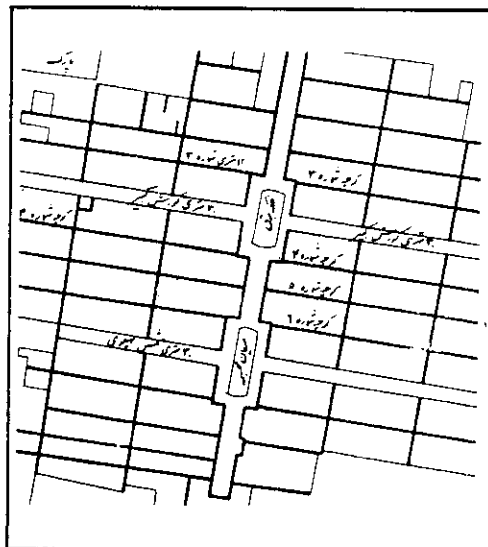
۳- تاسیسات وابسته به محیطهای مسکونی وبازار

تاسیسات وابسته به محیط مسکونی و بازار در ارتباط با اندازهٔ جمعیت ، نوع عملکرد محیط و سطح نیاز به آنها (بسته به شرایط زمان) قرار دارد. در بافت قدیمی شهر اراك که ازطرح وبنای نخستین آن بیش از دو سده نمی گذرد، هر چهار بلوك مسکونی (جمعاً به مساحت ۱۶۰۰۰ متر مربع) درقطعات منظم دارای حمام، مسجد، آب انبار وتکیه است. عامل راه ارتباط بین آنها ونواحی مسکونی را برقرار می سازد. کاروانسراهای مجاور به بازار به گونه ای ایجاد شده که ازیک سوبه بازار (ویژه خریداران) و از سوی دیگر به کوچه های اطراف منتهی شود. ورودی کاروانسرا به کوچه ها علاوه بر محل جداگانه ورود کالا ، درمواقع اضطراری مانند آتش سوزی، پاسخگوی مناسبی برای دور شدن جمعیت از آتش و خارج کردن تا حد امکان کالا می باشد. ازنظر شبکهٔ آب ،به ویژه درنقاطی که منشاء آب مصرفی آنها قنات است، در نقاط معینی از راهها، مظهرهایی ازآنها برای استفاده تعبیه شده است.

از نظر شبکهٔ دفع آب باران، راهها دارای شیب مناسب است تا بتواند ریزشهای مداوم یا متناوب باران را به سهولت دفع سازد. هریک ازتاسیسات به فراخور نقش و درجه‌بندی راه شکل گرفته است. گنجایش و ابعاد واندازهٔ آنها را راه و میزان جمعیت استفاده کننده از راه، که درمحلات مختلف متفاوت است، تعیین می نماید. به عنوان نمونه مسجد جامع درمسیراصلی ترین راهها قرار داده شده است. درحالیکه مساجد کوچکتر در محلات کوچکتر قرار دارد. همین مورد برای سایر تاسیسات مانند حمام، آب انبار، سقاخانه، مکتب خانه، تکیه وحسینیه، حوزه علمیه، قهوه خانه صادق است. قهوه خانه ها بیشتر درمسیر راههای ارتباطی اصلی و در جوار بافت تجاری قرار گرفته و کاروانسراها و تاسیسات مورد نیاز مسافران مانند مسجد، حمام و بارانداز نیز در کنار دروازه ها و راههای منتهی به خارج شهر استقرار یافته است. در درون شهر، هر محله برای خود دارای تاسیساتی است که نیاز اهالی همان محله را برآورده می سازد.

ویژگی و نقش راهها و دوانیده شدن آنها در بافت شهرهای سنتی کشور، بسیار ژرف و گسترده بوده و در این مجال نمی گنجد. همانطور که در ابتدای این بخش آمد، محلات مسکونی سنتی با این ویژگیها، هنوز هم عملکرد دارد. به دلیل فرسوده شدن بافت آنها در طول زمان و تغییر نیاز انسان، درحال حاضر کمبودهایی نیز دارد. مانند شبکه های تلفن، آب، برق و فاضلاب و یا مدرسه ،


شهر قدیم لار


شهر جدید لار


بافت قدیم اراک

کتابخانه، درمانگاه ، فضای سبز تفریحی و بالاخره محل آمد و شد مناسب وسایط نقلیه که با مرمت این بافتها و خدمت رسانی سالم، این محلات می توانند سالیان دراز پابرجا بمانند. با الگوپذیری ازاین نظام سنتی و احیاء بیش از پیش آن، سکون و آرامش، غوغا و تلاش، نیاز و بی نیازی در سطح شهرها به شیوه درستی جایگزین می شود. متاسفانه در ساختار جدید بسیاری از محلات شهری، شبکهٔ راهها به عنوان عاملی فراموش شده (وفقط درخدمت خودرو) احداث می شود. نمونه بسیاری از آنها را درشهرهای مختلف می توان دید. شهر جدید لار(استان فارس) که در دوران بعد از زلزلهٔ سالهای ۱۳۳۹ شکل گرفته ازآن جمله است. در محلات مسکونی این بافت عرض راههای درون محله ای تا حدود ۴۵ متر وبه صورت مستقیم احداث شده ومعابر فرعی نیز به صورت عمود بر آن دارای عرضی درحدود ۱۰ متر است. این مورد باتوجه به آنکه شهر لار دریکی از مناطق بسیار گرم کشور قرار دارد، در ارتباط با شبکهٔ رفت و آمد پیاده و سواره، بیش از حد نیاز جمعیت بوده و پوشش گرم آسفالت در اثر تابش آفتاب، گرما را طاقت فرساتر می نماید. راههای اصلی درون محله ای لار با عرض ۴۵ متر، حتی در ارتباط با پیش بینی ادامه بافت و توسعه های آتی شهر نیز قرار ندارد.

امیدوار است که با بازگشت به نکات مثبت و فنون کارآی شهرسازی گذشته، و به پیروی از تحولات شهرسازی و علوم وابسته به آن، قدمی در استمرار واحیاء نظام کارآی شهرسازی گذشته برداشته شده و برنامه های عمران شهری نیز با ژرف نگری بیشتری به مرحله پیشنهاد و اجراء برسد.

بخش چهارم

چــو آمـد بـه نـزدیک اروند رود
فـرستـاد زی رو بـــه آنـــان درود
که کشتی و زورق هم اندر شتاب
گـذاریـد یکسر بـر این روی آب
(حکیم ابوالقاسم فردوسی ۳۲۹ - ۴۱۶ هجری)

بازسازی و احیاء آبراهه های خوزستان

زمینه های مساعد و مناسبی لازم است تا الگویی از توسعه در جهت رفاه اجتماعی به مرحله اجرا در آید. در هر منطقه به طور نسبی امکانات بالقوه ای وجود دارد که با استعانت از آنها برنامه ریزی تداوم پیدا می کند. مسلماً ازجمله عوامل مساعد درجهت رشد و توسعه منطقه، استفاده از موقعیت مناسب، منابع خاك و آب، نیروی انسانی و شبکه های ارتباطی است. این عوامل زمینه ساز هر برنامه ریزی منطقه ای است. توسعه صنعت و کشاورزی نیزبه این مساعدتها و به نسبت گستردگی برنامه های اقتصادی و اجتماعی بستگی دارد.

سرزمین خوزستان یکی از مساعدترین مناطق کشوراست این استان در ارتباط با آب، خاك و نیروی انسانی دارای امکانات مساعدی بوده و باتوجه به همجواری آن با خلیج فارس ازموقعیت مناسبی نیز برخوردار است. امکانات معدنی، توان اقتصادی ارزشمندی را دراین خطه از مملکت فراهم آورده است.

در اثر جنگ تحمیلی ، شهرها و روستاهای این استان با آسیب و لطمات فراوانی از نظر نظام سکونت انسانی، عمران و آبادی ، کشاورزی و صنعت روبرو شده است. شرایط این پهن دشت زرین، گویای آن است که استان خوزستان باید نقش خود را به عنوان منطقه ای با امکانات گسترده اقتصادی و اجتماعی در سطح کشور بیش از پیش ایفا نماید.

گروه قابل توجهی از جمعیت استان خوزستان در اثر بروز جنگ به نقاط دیگر مهاجرت کرده و گروهی نیز مسکن و ماوای خود را از دست داده اند. از این روی در زمینه های مختلف باید به

بازسازی خوزستان و برنامه ریزی به منظور توسعه اقتصادی و اجتماعی آن پرداخت. ضمن تشویق جمعیت در بازگشت به منطقه، رشد اقتصادی و اجتماعی مناسبی را نیز انتظار داشت. یکی از اهداف توسعه منطقه ای، اسکان جمعیت بر مبنای سلسله مراتب شهری و روستایی و استقرار انواع فعالیتهایی است که یک منطقه برمبنای امکانات، استعدادها و شرایط خود بدان نیازمند است. در این زمینه مهمترین گام، انتخاب روشهای صحیح در بهره برداری از این امکانات و استعدادهاست. این مهم، می تواند برنامه ریزی منطقه ای را با موفقیت بیشتری روبرو ساخته و با استفاده صحیح از منابع موجود، برنامه توسعه را قوام بخشد.

یکی از مهمترین عوامل توسعه اقتصادی درهر منطقه، به وجود منابع آب بستگی دارد. نقش آب در توسعه کشاورزی، موقعیت استقرار جمعیت، رشد صنعت و بازرگانی و نظایر آنها انکار ناپذیر است. منابع آب، به افزایش انواع تولیدات اقتصادی و تمرکز جمعیت کمک شایان توجهی نموده و زمینه را برای استفاده از سایر امکانات طبیعی و انجام اقدامات عمرانی فراهم می آورد.

قسمت اعظم خوزستان در دشت رسوبی وسیعی قرار گرفته که از رسوبات رودخانه های کرخه و کارون و جراحی تشکیل شده است. این دشت با شیب ملایمی از حدود دزفول و شوش و شوشتر به طرف ساحل خلیج فارس گسترده شده است. این دشت، بدون رودخانه های جاری، یک دشت کم آب و خشک است. کمبود منابع آب غیر رودخانه ای، شرایط آب و هوایی و گرمای هوا، گسترش شهرها و روستاهای خوزستان را بیشتر به کنار رودخانه ها کشانیده است. بزرگترین شهرهای این استان مانند اهواز، دزفول، شوش، شوشتر، آبادان، خرمشهر و سوسنگرد برکناره رودخانه های پر آب این دشت استقرار یافته است. مهمترین روستاها که عمده ترین مراکز تولید کشاورزی و دامی این استان محسوب می شود، درمسیر این منابع جای گرفته است. بنابراین، تمرکز جمعیت و منابع تولیدی وکشاورزی درمسیر رودخانه هائی است که دراین دشت جریان دارد. بقیه اراضی خوزستان که درمسیر این رودخانه ها قرار ندارند، باامکانات محدود آب و کیفیت شیمیایی نامناسب روبرو است. زراعت آنها نیز به صورت دیمی می باشد. بنابراین تمرکز و استقرار جمعیت دراین دشت وسیع محدود به مسیر رودخانه هایی است که دارای آب شیرین می باشد. مهمترین رودخانه های جاری در دشت خوزستان به قرار زیر است: [۱]

۱- کارون: به طول ۸۹۰ کیلومتر و دبی متوسط ۱۲۲۰ متر مکعب درثانیه.

۲- دز: به طول ۵۱۵ کیلومتر و دبی متوسط ۴۹۲ متر مکعب در ثانیه.

۳- کرخه: به طول ۷۵۵ کیلومتر و دبی متوسط ۴۲۷ متر مکعب در ثانیه.

۱- وزارت مسکن و شهرسازی - طرح جامع شهر اهواز - مؤسسه مهندس مشاور دکتر علی ادیبی - تهران-۱۳۷۵.

۴- جراحی : به طول ۴۳۸ کیلومتر و دبی متوسط ۱۱۹ متر مکعب در ثانیه.
۵- هندیجان : به طول ۴۸۸ کیلومتر و دبی متوسط ۱۲۷ متر مکعب در ثانیه.
آب این رودخانه ها غالباً به خلیج فارس ریخته و یا در باتلاقهای اطراف فرو می رود.

بر اساس منابع تاریخی، در ادوار پیش از اسلام، باتوجه به محدودیت منابع آب در نواحی دور دست رودخانه ها، توسط گذشتگان و با بهره گیری از شرایط مساعد طبیعی و با استفاده از فنون زمان، از بالا دست این رودخانه ها آبراهه هایی به طرف اراضی اطراف منشعب شده بود که پس از آبیاری اراضی کم آب، آب آنها مجدداً به این رودخانه ها و یا رودخانه های کوچک سرازیر می گشت. اراضی دور دست ضمن آنکه از آب آشامیدنی برخوردارمی شد، اراضی قابل کشت آنها نیز آبیاری می گردید. با احداث سدهایی که به بند معروف است، آبهای جاری شده در آبراهه ها و رودخانه ها برای مواقع کم آبی ذخیره می شد. بعضی ازاین آبراهه ها (Canal) به صورت دالان(Tunnel) زیرزمینی، آب دیگر آبراهه ها و رودخانه ها را با یکدیگر مربوط می ساخت. این ابتکار یک مزیت دیگرهم داشت. این مزیت عبارت از کاهش تهدید ناشی از طغیان آب وسرازیرشدن آن به اماکن جمعیتی بود.

نقشه های طبیعی خوزستان به خوبی نشان دهنده آثار این آبراهه ها است. از نظر تاریخی مهمترین آبراهه های حفر شده در ایران باستان به شرح زیر می باشد.

۱- آبراه « داریون » که به « داریام » یا « داربیان » یا « مینوآب » شهرت دارد و از دوره هخامنشی است. از کارون جهت مشروب نمودن اراضی شوشتر منشعب گردیده و دارای آبراهه هایی به پهنای ۳ تا ۴/۵ متراست. شعبه اصلی این آبراه پس از طی ۳۳ کیلومتر به رودخانه شطیط (از شعبات کارون) می ریزد. شعبه دوم آن نیز به رودخانه گرگر منتهی می شود. هر دو رودخانه شطیط و گرگر در بند قیر به کارون می پیوندد.

۲- آبراهه های قدیمی دزفول که از رودخانه دز منشعب گردیده و توسط آبراهه ها و دالان های زیرزمینی، آب رودخانه را به اراضی دور دست هدایت می نمود. این آبراهه نیز دارای انشعابات متعددی بود تا اراضی بیشتری را مشروب سازد.
پهنای آبراهه های باقیمانده به طور متوسط ۱۵ متر و پهنای دالان های زیرزمینی به ۳ متر می رسد.

۳- آبراهه های قدیمی در پای پل شوش که از رودخانه کرخه منشعب شده و به صورت دالان زیرزمینی به موازات رودخانه کرخه از شوش تا شهر قدیمی « ایوان کرخه» پیش می رود. آبراهه های منشعب از کرخه اغلب یکدیگر را قطع می کرده و کف آنها نیز در دو سطح متفاوت قرار

۱- احمد اقتداری - دیار شهر یاران- انجمن آثار ملی -تهران - ۱۳۵۳.

داشته است. قدمت بعضی ازاین آبراهه ها به ۳۴۰۰ سال می رسد.

۴- آبراهه های واقع در بین رودخانه های کرخه و شاوور و در بین دو رودخانه کارون و کرخه که عمق بعضی از آنها تا ۲۵ متر می رسد. پهنای بعضی ازاین آبراهه ها در محل اتصال به رود کرخه ۵۰ متر و مقطع برشی آن تا ۴۰ متر است.

۵- دو آبراهه بزرگ منشعب از رودخانه کارون در اطراف اهواز. یکی از آنها در سمت غرب رودخانه، برای آبیاری دشت بین خرمشهر و هویزه به کار می رفت و به سوی این اراضی ادامه مسیر می داد. آبراهه سمت شرق رودخانه به عرض ۲۱ متر که کف آن ۵ متر بالاتر از رودخانه کارون است و از بالا دست رودخانه منشعب و در دوران اسلامی «شاهجرد» نامیده می شد.

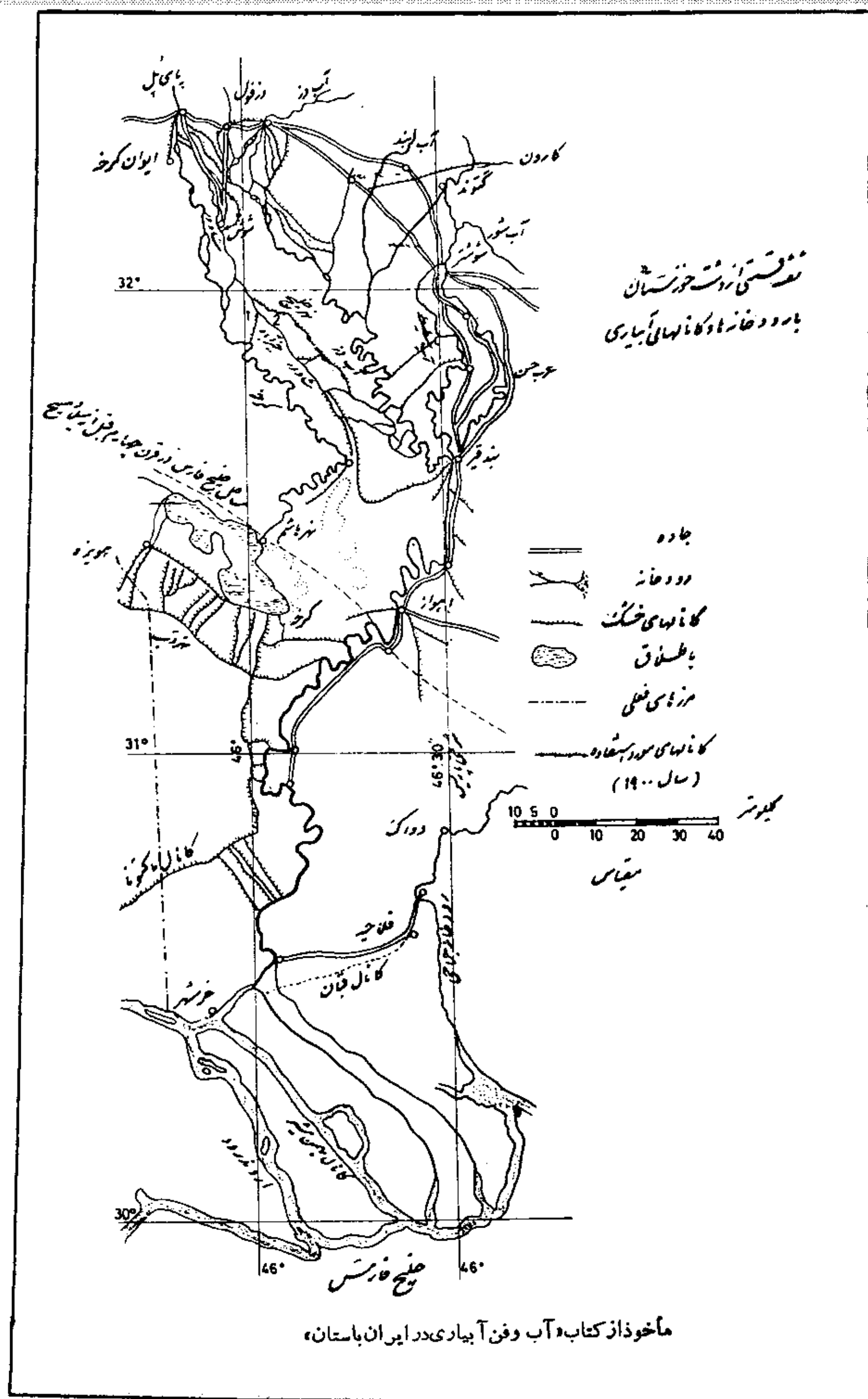
۶- از دیگر آبراهه ها می توان آبراهه نهر هاشم و نهر دَب و آبراه ماکتونا در ناحیه هویزه، آبراهه قبان در حدود شادگان، آبراهه بهمنشیر درناحیه آبادان، آبراهه عرب حسن درناحیه شوشتر، آبراهه های متروك واقع در غرب مسیر راه آهن اهواز به خرمشهر را نام برد. محققان معتقدند که بعضی از آبراهه های دشت خوزستان متعلق به دورهٔ عیلامی است.

از آبراهه های فوق که بر روی رودخانه های اصلی بسیاری از آنها بند یا سدی زده شده بود، بنابر عوامل نامعلومی مانند احتمال شکسته شدن این بندها دراثر طغیان رودخانه یا بروز زلزله و جنگ و یا تغییر مسیر آبراهه ها آثار کمی باقی مانده است. این آبراهه ها غالباً متروك شده و یا به صورت مسیر های بسته ای جمع کننده آبهای سطحی نواحی اطراف شده است.

در دوره های اخیر، طغیان رودخانه ها بسیاری ازنقاط و بویژه شهرهای اهواز و خرمشهر را مورد تهدید قرارداده است. از طرف دیگر، درمواقع پر باران بسیاری از اراضی مسطح به زیر آب می رود. ازاین روی فنونی لازم است که خطرات ناشی از سیل و سیلاب در اثر طغیان رودخانه یا بارندگی های سیل آسا را کاهش دهد.

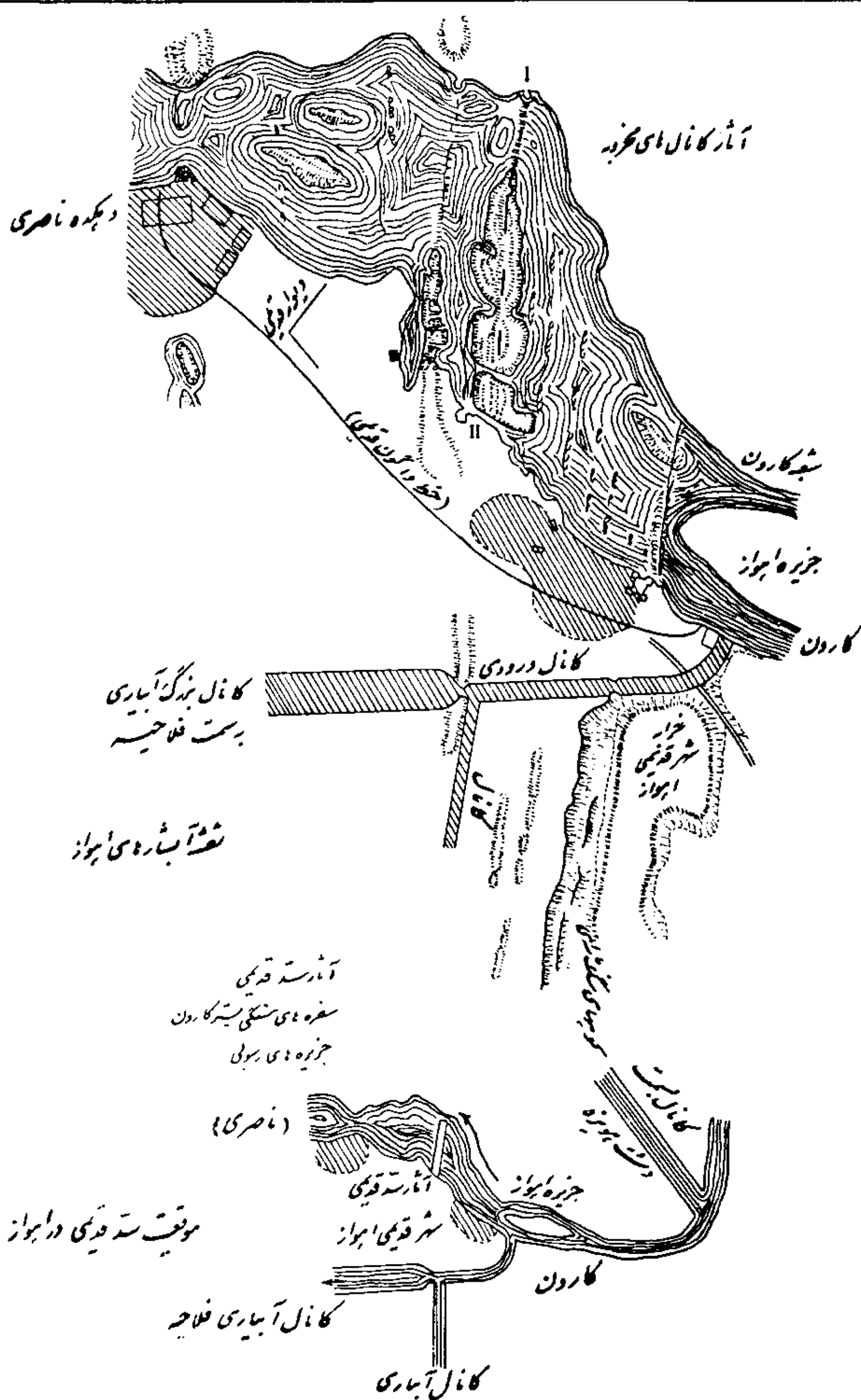
نواحی خرمشهر، دزفول، شوش، سوسنگرد و هویزه که در حال حاضر، مهمترین اولویت ها را در بازسازی و عمران شهری و ناحیه ای دارا می باشد، در اثر جنگ تحمیلی صدمات بسیاری را متحمل شده است. اما همانطور که بیان شد، امکانات اقتصادی و عمرانی در این مناطق از دیدگاه عوامل بالقوه طبیعی، قابلیت فراوانی دارد که از جمله آنها وجود منابع آب است.

پیشنهاد آن است که با احیا و توسعه آبراهه های قدیمی که برمبنای استفاده از فنون آبیاری نوین دنیا استوار باشد، زمینه برای عمران و آبادی دشت خوزستان فراهم آید. طبق آمار سال ۱۳۶۵، ۶۱ درصد از سطوح زیرکشت اراضی دایر شهرستان اهواز، ۷ درصد از سطوح زیرکشت



مأخوذ از کتاب «آب و فن آبیاری در ایران باستان»

مأخذ: احمد اقتداری – همان.



مأخوذ از کتاب «آب وفن آبیاری در ایران باستان»

مأخذ : احمد اقتداری - همان.

جاده بختیاری و اهواز
آبگرگر
امامزاده
بند میزان
کارون
قنات
شوشتر
قلعه سلاسل
بند خاک
جاده دزفول
پل بند لشکر
پل بند شاه علی
پل ساسانی
دشت

بستر کارون در مسیر کانالهای قدیمی و سدهای واقع در اطراف شهر شوشتر

مأخوذ از کتاب «آب وفن آبیاری در ایران باستان»

مأخذ : احمد اقتداری - همان.

شهرستان دزفول، ۹۱درصد از اراضی زیر کشت شهرستان دشت آزادگان توسط آبراهه های سنتی باقیمانده از دوران گذشته آبیاری می شده است. از شهرستانهای آبادان و خرمشهر نیز به دلیل جنگی بودن منطقه اطلاع دقیقی در دسترس نبوده است. ازمجموع ۶۷۱۳۲ کیلومتر مربع از مساحت استان خوزستان در سال ۱۳۶۵، بالغ بر ۱۳۲۱۵ کیلومتر مربع یا حدود ۲۰ درصد از خاك آن زیر کشت محصولات کشاورزی آبی و دیمی قرار داشته و یا قابلیت توسعه در ارتباط با منابع آب موجود در اطراف خود را دارا بوده است. این مورد نیز به استثنای اراضی کشاورزی شهرستانهای آبادان و خرمشهرست. بقیه اراضی خوزستان را تا ۴۰۰۰ کیلومتر مربع جنگل و ۲۰۰۰ کیلومتر مربع مرتع مشجر و مصنوعی تشکیل می دهد[1]. بقیه اراضی، علی رغم مساعد بودن کیفیت خاك آنها بایر است. با توجه به آنکه قسمت اعظم اراضی قابل کشت استان در شهرستانهای اهواز، آبادان، دزفول، شوشتر، خرمشهر و دشت آزادگان قرار دارد، نقش احیاء آبراهه های قدیمی در افزایش سطح تولید و توسعه کشاورزی مشخص می گردد. برای احیاء آبراهه ها، کیفیت شیب دشت خوزستان و نحوه جریان رودخانه ها، زمینه مساعدی را فراهم می آورد. در چنین صورتی سطوح زیرکشت کشاورزی و قابلیت عمران اراضی را می توان تا دو یا سه برابر افزایش داد. این دشت که برای کشت انواع محصولات کشاورزی و علی الخصوص گندم، جو، محصولات جالیزی، حبوبات، نیشکر، دانه های روغنی و گیاهان علوفه ای مساعدت بیشتری دارد، بیش از پیش تحت توسعه قرار خواهد گرفت. این طریق به جذب جمعیت و افزایش نیروی انسانی در بخش کشاورزی و انواع فعالیتهای وابسته به آن کمک خواهد کرد. استان خوزستان با توجه به وجود منابع آب فراوان، استعداد رشد و توسعه و ازجمله کشاورزی و صنعت را داراست. منابع طبیعی منطقه دارای زمینه های مساعدی برای رشد و ترقی است. با توجه به افزایش جمعیت کشور می توان قسمتی قابل توجه از این جمعیت را به سوی این منطقه گسیل داشت.

همانطور که بیان شد قسمت اعظم جمعیت استان خوزستان پیرامون رودخانه ها استقرار یافته است. با توجه به پیشنهاد توسعه و احیاء آبراهه ها، ضمن ارتقاء سطح عمران و آبادی، پراکندگی متعادل جمعیت نیز به نسبت این منابع امکان پذیر می باشد. به صورت سلسله مراتبی و با ایجاد شهرهای جدید و حوزه های عمران روستایی بر پایه فنون علمی وطرحهای آمایشی می توان به ارتقاء سطح تولیدات صنعتی و کشاورزی پرداخت. از این طریق گام مثبتی درجهت خودکفایی برداشته خواهد شد. . احیاء آبراهه ها می تواند با مرتبط ساختن رودخانه های دشت خوزستان، ضمن تنظیم آب، ازنظر توسعه شهری و روستایی نیز نتایج ذیل را به همراه داشته باشد.

۱-آمار نامه سال ۱۳۶۵ استان خوزستان - مرکز آمار ایران - ۱۳۶۶.

– توسعه درخت کاری و جنگل کاری در بیابانهای خشک دشت و کاهش آثار مخرب طوفان شن که گهگاه نقاط شهری و روستایی را مورد تهدید قرارمی دهد.

– دسترسی اراضی و نواحی شهری و روستائی دورازمنابع آب به منظور اسکان جمعیت و عمران و آبادی.

– توسعه مراتع ، افزایش سطوح زیر کشت، تولیدات دامی و زراعی در اراضی مساعد.

–جلوگیری از تمرکز جمعیت درنواحی شهری و روستایی مستقر در کنار رودخانه ها و امکان اسکان آنها درمسیر آبراهه ها.

– استقرار و گسترش صنایع وابسته به آب در نقاط دور دست و غیرمتمرکز جمعیتی، به عنوان قطب جدیدی برای ایجاد بازارکار، تولید و اسکان جمعیت.

– دسترسی به منابع آب شیرین برای نقاطی که با این مشکل روبرو می باشد.

– استفاده حداکثر ازمنابع آب رودخانه هایی که بدون استفاده به دریا می ریزد. این مورد می تواند با احیاء بندهای قدیمی و ایجاد سدهای جدید، منابع آب را برای مواقع کم آب سال ذخیره نماید.

– جمع آوری و هدایت هرز آب های جاری در دشت خوزستان که در مواقع پرباران اراضی وسیعی را فرا می گیرد.

– آماده سازی خاك جهت زراعت از طریق کاهش شوری و افزایش کیفیت آن.

– اعتدال نسبی شرایط آب و هوایی در قسمتهای خشک دشت خوزستان.

– کاهش آثار سیل و طغیان فصلی رودخانه ها . این امر باعث می شود که حجم آب به جای سرازیر شدن دریک رودخانه ،با انشعاب های متعدد، تعدیل یافته واز سرعت آن کاسته شود . درنتیجه نقاط متمرکز جمعیتی مانند اهوازو خرمشهر و سوسنگرد از طغیان رودخانه رهایی خواهد یافت.

– امکان لاروبی راحت تر رودخانه ها. این مورد از نظر اقتصادی هزینه های کمتری را به همراه خواهد داشت.

–حداکثر استفاده ازمنابع آب جاری و جلوگیری از به هدر رفتن آن. در این مورد آب به نواحی مستعد ونیازمند هدایت خواهد شد.

– توسعه فضاهای سبز و تفریحی . با ایجاد فضاهای سبز ناحیه ای و منطقه ای و باتوجه به حفظ محیط زیست و نظام بوم شناسی منطقه.

– فراهم آمدن امکانی برای ایجاد مسیرهای قایقرانی ، و عبور قایق های کوچک به منظور تبادل کالا و مسافر و رفت و آمدهای درون منطقه ای.

- نظارت بر توسعه باتلاقها و اقدام در جهت خشک کردن و تبدیل آنها به اراضی قابل عمران.

درتاریخ چنین آمده است که احداث آبراهه در اطراف شهرها، ضمن آنکه در مواقع صلح مورد استفاده قرارمی گرفت، درمواقع جنگ و هجوم اقوام بیگانه، نقش و اهمیت خود را نشان می داد. هجوم دشمن به نقاط زیستی با مشکل مواجه شده و به آنهاحالت دفاعی می داد. به عنوان مثال در اطراف دزفول، آثار دیواره هایی در کناره رودخانه و آبراهه ها وجود دارد که در مواقع جنگ از شهر حراست کرده و مانع هجوم دشمن به شهر می شده است.

آبراهه ها، می تواند از نقاط مناسبی از رودخانه ها منشعب شده و پس از طی مسافتی مجدداً به همان رودخانه ها یا رودخانه های همجوار متصل شود. این مورد ضمن آنکه با طرح آبراهه های تاریخی منطبق است، نقاط عمده و پرتراکم جمعیتی را از خطر سیل و سیلاب می رهاند.

طبق آمار سال ۱۳۶۵، از مجموع روستاهای شهرستانهای آبادان، اهواز، دزفول، خرمشهر و دشت آزادگان بالغ ۳۲۹ روستا در اثرجنگ تحمیلی و ۲۱۵ روستا به دلایلی غیر از آن خالی ازجمعیت گردیده است. برجمع این روستاها باید شهرهایی را که در اثر جنگ، جمعیت وشرایط زیستی خود را از دست داده اند، افزود. بعضی از شهرها نیز بیش از ظرفیت خود دارای جمعیت شده و اعتدال در استقرار جمعیت در سطح این استان دگرگون گشته است.

استعدادهای طبیعی خوزستان به عنوان عاملی بالقوه، زمینه مساعدی را برای اعتلای اقتصادی و اجتماعی فراهم می آورد. دشت خوزستان و منابع آب رودخانه ای آن، با پیشنهاد احیاء آبراهه های قدیمی و توسعه آبراهه های جدید، پیشاپیش به استقبال اجرای برنامه های عمران منطقه ای خواهد رفت.

فصل ششم

دو بحث در مسائل شهرسازی

در این فصل به بیان دو موضوع که هر دو مورد نیاز به تعمق فراوان دارد، پرداخته می شود. در ارتباط با بخش اول، بافت مرکزی تهران، علی رغم تاریخ دویست ساله اخیر خود، به عنوان یکی از متراکم‌ترین قسمتهای شهر توسته یافتهٔ فعلی با مشکلات ناشی از تراکم انواع فعالیتها که بسیاری از آنها عملکرد منطقه ای و کشوری دارد، روبرو می باشد. در این بخش به پیشنهاد تمرکز زدایی یا حداقل جلوگیری از تمرکز بیشتر در بافت مرکزی تهران پرداخته شده است.

در ارتباط با بخش دوم، یکی از اقدامات مهم در چهارچوب طرحها و برنامه های شهری و منطقه ای، همکاری و ارتباط میان رشته ای بین تخصصهای مختلف با تخصص شهرسازی است. ارتباط بین تخصصها در حاصل اقدامات عمرانی در شهرها و مناطق کشور نقش بسیار تعیین کننده دارد. آگاهی از حوزه ها و برنامه های تخصصی بر میزان موفقیت این برنامه ها خواهد افزود. علی رغم آنکه جای بحث دربارهٔ اهمیت ارتباط میان تخصصی بین شهرسازی و دیگر تخصصها فراوان است، ولی در این بخش به توضیح مختصری در مورد ارتباط میان تخصصی بین شهرسازی و تخصص های ساختمان و راه پرداخته شده است. به عنوان نمونه با ایجاد ارتباط منطقی بین تخصصهایی که با شهرسازی مربوط می شوند به نحو بهتری می توان به حل مشکلات موجود بافت مرکزی تهران و یا دیگر شهرها و مناطق کشور همت گماشت.

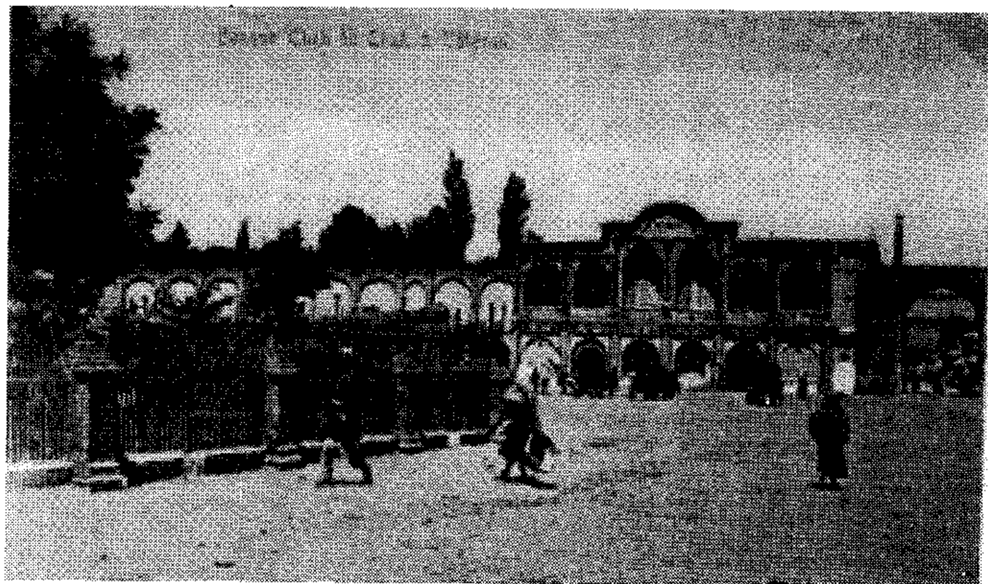
بخش اول

خـراب ازیـاد پائیز خـمـار انگیز تهـرانم
خمار آن بهارشوخ و شهر آشوب شمرانم
(محمد حسین شهریار ۱۲۸۳ - ۱۳۶۷ خورشیدی)

تمرکز زدائی از بافت مرکزی تهران

حدود سال ۱۲۴۸ هجری خورشیدی ، تهران پنج محله به اسامی عودلاجـان، چـاله میدان، سنگلج، بـازار و ارك داشت. ایـن محلات، جمعاً دارای ۱۴۷۲۵۶ نفر جمعیت بود. دراین هنگام تهران دارای ۹۰۰۰ خانه، ۴۷ مسجد، ۳۵ مدرسه، ۳۴ تکیه، ۱۷۵ نانوایی، ۱۹۰ گرمابه عمومی، ۱۳۰ کاروانسرا، ۲۰ یخچال، ۷۰ کوره پزخانه و ۲۷۷ اصطبل بود. در خلال سالهای ۱۲۴۸-۱۲۵۳ محدودهٔ تهران تغییر یافت و دروازه های شهر در داخل قرار گرفت. تهران دارای۱۲ دروازه شد که عبارت از: دروازه هـای شمیران، دولت، یوسف آباد، باغشاه، گمرك، خانی آباد، غار، حضرت عبدالعظیم(ع)، قزوین، خراسان، دولاب و دوشان تپه بود. مساحت این محدوده ها جمعاً به ۲۰ کیلومتر مربع می رسید. در همین زمان ، میدان توپخانه(امام خمینی) به طول ۲۴۷ متر و عرض۱۱۰ متر احداث شد . در شمال غربی آن نیز میدان مشق به طول ۵۰۳ و عرض ۳۲۰ متر ایجاد گردید . در خلال سالهای ۱۲۶۷-۱۲۷۲ هجری خورشیدی میان تهران و ری راه آهن (ماشین دودی) احداث شد. درحالیکه درسال ۱۲۵۴ کارخانه گاز تهران و در سال ۱۲۸۴ نیز کارخانه برق تهران به راه افتاد. در همین سالها مدرسهٔ دارالفنون در سال ۱۲۴۸ و نخستین خط تلگراف میان تهران و سلطانیه در سال ۱۲۳۸ ، ارتباط پستی بین تهران و تبریز در سال ۱۲۵۶ ونخستین بانک درسال ۱۲۶۷ آغاز به کارکرد. در سال ۱۲۲۸ خورشیدی سطح زیربنای تهران، مطابق نقشه دارالخلافه اول حدود پنج کیلومتر مربع بود[1] . ایـن مساحت در سال ۱۲۵۲ بـه ده کیلومتر مربـع رسید. تـهران در سال ۱۳۲۰

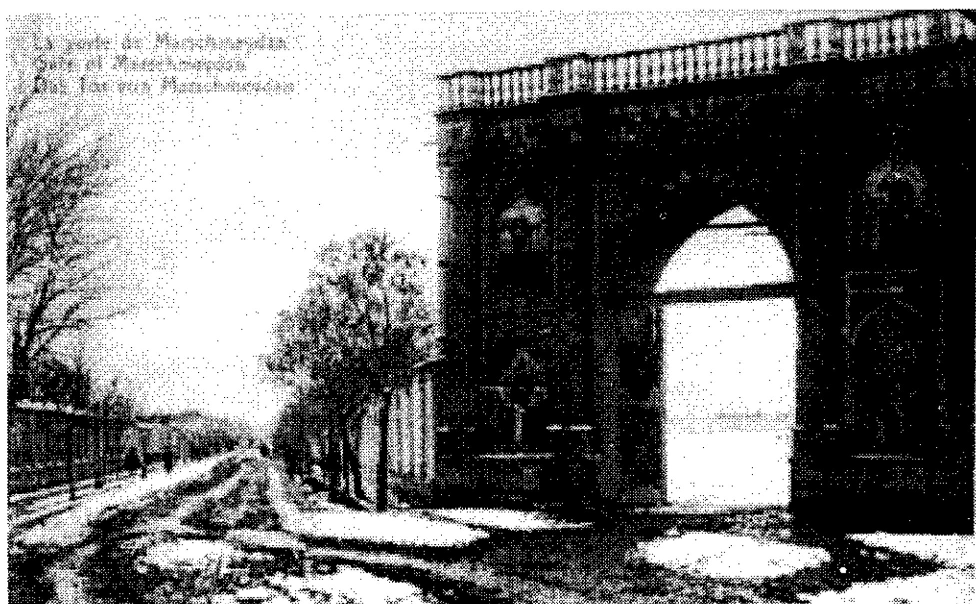
۱- سرشماری عبدالغفار.



میدان توپخانه (امام خمینی) - دوره قاجار



سبزه میدان تهران - دورهٔ قاجار



میدان مشق تهران– دوره قاجار



تهران – خیابان ناصریه (ناصرخسرو) در یک روز برفی – دورهٔ قاجار

برابر ۲۰ کیلومتر مربع و درسال ۱۳۲۷ (در فاصله ۷ سال) در ۴۰ کیلومترمربع گسترش یافت. این مساحت در سال ۱۳۳۵ تقریباً به ۵۰ کیلومتر مربع و در سال ۱۳۴۵ به ۱۰۰ کیلومتر مربع رسید. درسال ۱۳۴۹ و زمان طرح محدودهٔ تهران، فضای داخل محدوده ۲۱۳ کیلومتر بود که با فضای خارج آن (حریم) به ۳۸۰ کیلومتر مربع می رسید. طبق برآوردهای انجام شده در سال ۱۳۶۰-۱۳۶۱ مساحت تهران بالغ بر ۷۵۶ کیلومترمربع بود. در این رابطه فضای شهری تهران از جانب جنوب، شهر ری و از شمال، شمیران را دربر گرفته است. ازجانب غرب نیز توسعه تهران با احتساب تاسیسات صنعتی- مسکونی حاشیه جاده های متصل به کرج خط سیری به سوی اتصال به این شهر را داشته است.

درارتباط با روال توسعه کالبدی تهران در طول بیش از یک قرن، توسعه جمعیتی این شهر، به عنوان مرکز کشور پای به پای رشد آن افزایش تصاعدی داشته است. این شهر در حدود سالهای ۱۲۱۲-۱۲۲۰ خورشیدی دارای ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت بود. در حدود سال ۱۲۸۰ جمعیت به ۱۶۰۰۰۰ نفر ودر سال ۱۳۰۲ به ۱۹۶۰۰۰ نفر رسید. این جمعیت در سال ۱۳۱۹ به ۵۴۰۰۰۰، در سال ۱۳۲۵ به ۸۸۰۰۰۰، درسال ۱۳۴۵ به ۲۷۲۰۰۰۰ و در سال ۱۳۵۵ به ۴۵۰۰۰۰۰ نفر افزایش یافته است. آمار سال ۱۳۷۵ نیز جمعیت تهران را ۶۷۵۰۰۰۰ نفر دانسته است[1].

آمار و ارقام مربوط به رشد کالبدی و افزایش جمعیت تهران بیانگر رشدنامتعادل و غیر طبیعی شهربویژه در اطراف بافت مرکزی است. نکته قابل ذکر آنکه خیابانهای اصلی تهران در دوران گذشته با همان شرایطی ایجاد شده که در زمان حاضر نیز وجود دارد. به عنوان مثال خیابانهای سعدی، فردوسی، ناصرخسرو، پانزده خرداد، مصطفی خمینی، جمهوری اسلامی، ری، شوش، امیریه، امام خمینی و سی متری کارگر که در دوران بعد از ۱۳۰۰ احداث شده و یا تعریض گردیده، در زمان حاضر نیز با همان کیفیت وجود دارد. درحالیکه در طول ۶۰ تا ۷۰ سال گذشته تعداد جمعیت تهران چندین برابر شده و رشد آن اراضی وسیعی را در میان گرفته است.

مطالعه نحوه استفاده از اراضی درتهران مرکزی نشان می دهد که بازارتهران، به عنوان مرکز تجاری اصلی شهر (کشور)، وزارتخانه ها، ادارات، بانکها، مراکز تفریحی، صنایع سبک و حتی فعالیتهای علمی، آموزشی، دانشگاهی و درمانی در بافت مرکزی قرار دارد.

در طول چند دهه گذشته بافتهای شهری، روز به روز بر تراکم ساختمانی و مراکز فعالیتی اطراف خود افزوده است. مرتفع ترین ساختمانهای غیرمسکونی (مانند ساختمان آلومینیوم، پلاسکو،

۱- مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری - جمعیت شهرهای کشور بر اساس سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۷۵ - معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور - تهران - ۱۳۷۶.

وزارت نفت، بانک تجارت، برج سپهر) بزرگترین مراکز تجاری و خرید، سفارتخانه ها، بانکها و ادارات در داخل این بافت استقرار یافته است. حرکت جمعیت در ساعات پر رفت و آمد صبح برای دسترسی به مراکز کار و فعالیت و بعد از ظهر در جهت بازگشت به مراکز مسکونی، باعث عدم تعادل در رفت وآمد و بروز راه بندان در بافت مرکزی شهر می شود. رفت و آمد مشتریان وخریداران و فروشندگان دریک ساعت مشخص، حرکت یکباره جمعیت سواره را در سطح معابر باعث شده و تلاقی آنها تراکم بیش از حد عبور ومرور را در سطح نقاط مرکزی شهر باعث شده است. طرح های مختلف بهبود شبکه رفت و آمد، هرچند می تواند تا حد قابل توجهی مشکل را کاهش دهد، ولی تاحل ریشه ای مسائل مربوط به عوامل بحران زای رفت و آمد، اینگونه اقدامات راه حل موقتی تنظیم جریان رفت و آمد خواهد بود.

شهرتهران، علی رغم توسعهٔ گسترده خود، واجد یک مرکز اصلی تجاری- اداری است. درحالیکه مراکز جنبی و هسته ای دیگری که بتواند این نقش را تا اندازه‌ای بر عهده گرفته و عاملی کمک کننده به بافت تجاری- اداری اصلی شهر باشد، شکل نگرفته است. هرچند که قطب های تجاری کمک کننده در سطح تهران بزرگ، میدان و بازار تجریش و شهر ری را در بر می گیرد، ولی درمناطق مختلف شهر هسته های تجاری نسبتاً فرعی مانند میدان امام حسین(ع)، میدان انقلاب، میدان ولی عصر (ع) و میدان نبوت نیز شکل گرفته که نقشی اساسی رابرعهده نداشته و غالب آنها نیز درنزدیکی بافت مرکزی قرار گرفته است.

رشد شهرتهران، مردم نواحی مختلف را برای رفع نیاز به سوی نواحی دیگر و ازجمله مرکز شهرمی کشاند. این مورد به دلیل فاصله نسبتاً زیاد بین محیطهای مسکونی و مراکز کاری، سفرهای درون شهری زیادی را در طول روز باعث شده و برمشکلات رفت و آمدی سواره می افزاید. مشکلات رفت و آمد سواره در تهران ناشی از عوامل زیر است :

۱ - شروع همزمان فعالیتهای مربوط به کاروتحصیل.

۲- ناقص بودن وسائل حمل و نقل عمومی.

۳-کمبود شبکه راههای بین ناحیه ای شهری درناحیه مرکزی.

۴- استفاده از اتومبیلهای شخصی درسطح گسترده.

۵- تمرکز فعالیتهای تجاری - اداری- تفریحی، خرید وآموزش درمرکز شهر.

۶- ارتباط دور و نزدیک تاسیسات تجاری واداری در طول روز و مراجعات پیاپی به یکدیگر دربافت مرکزی و در ساعات اداری وتجاری.

۷- تخلفات رانندگی ناشی از نحوه حرکت، سرعت و عدم استفاده از علائم رانندگی در

شبکه های مختلف شهری.

۸- کمبود فضاهای توقف خودرو که منجر به توقف آنها در حاشیه خیابانهای اصلی و فرعی می شود.

۹- ضوابط و مقررات ساختمانی شهرداری مبنی براجازه دراحداث ساختمانهای مرتفع با تراکم ساختمانی بالا، درجوار خیابانهایی که حرکت وسائل نقلیه در آنها به حد اشباع رسیده است.

۱۰- حرکت عابرین پیاده در سطح خیابانها وعدم استفاده از محلهای عبور مجاز.

۱۱- عبور وسائل نقلیه ای که بدون قصد سفر به ناحیه مرکزی ازنواحی جنوب به شمال و شرق به غرب شهر و بالعکس، از شبکه های بافت مرکزی استفاده می کنند[۱].

عوامل فوق مهم ترین عوامل بحران زای رفت وآمد در ناحیه مرکزی تهران است. درارتباط با عوامل ذکر شده باید به بررسی راه حلهایی که راهگشای حل نسبی مشکلات است پرداخت.

در ارتباط با شروع همزمان فعالیتها، راه حلی که در بسیاری از شهرهای دارای بحران رفت و آمد دنیا به مرحلهٔ عمل درآمده، تناوب در شروع و پایان ساعات کار اداری، تحصیل، خرید و فروش و تفریح و مانند آنها است. این اقدام تراکم وسائط نقلیه و مسافر را در عبور از خیابانهای مرکزی شهر به حالت متعادلی در می آورد.

مورد دوم گسترش انواع حمل و نقل عمومی است. لازمه این امر تشویق استفاده کنندگان از این وسائل است. در این مورد تا قبل از شروع به کار شبکه راه آهن زیر زمینی تهران، شبکه های اتوبوسرانی و مینی بوسرانی و تاکسیرانی می تواند بر اساس یک چرخهٔ زنجیره ای، پیوند دهنده نقاط مختلف با مرکز شهر مطرح باشد. در نقاط شهری بزرگ دنیا سازمانهای شهری وابسته به شهرداریها در جهت بهبود شبکه حمل و نقل عمومی نه تنها از نظر اقتصادی عایداتی ندارند، بلکه بودجه های کلانی را صرف می نمایند. بدین ترتیب تراکم رفت وآمدی در راهها کاهش یافته و باتجهیز شبکه حمل ونقل ارزان این مشکل به حداقل می رسد. دراین زمینه افزایش استفاده از وسایل حمل ونقل عمومی به کاهش آلودگیهای هوا، صدا ومحیط منجرشده و از نظر اقتصادی اثر قابل توجهی درکاهش مصرف سوخت وسائط نقلیه درراه بندانها و پشت چراغ چهار راهها خواهد داشت.

ازنظر کمبود شبکهٔ راههای بین ناحیه ای درمرکز شهر، طرح یک طرفه کردن خیابانها اثر قابل توجهی داشته است. باتوجه به قیمت زمین و ساختمان و ارزش بافتهای قدیمی شهری، احداث شبکهٔ راههای جدید یا تعریض بعضی از خیابانها هزینه زیادی را در بردارد. هر چند که در ناحیه حاشیه ای و بیرونی بافت مرکزی توسعه و تعریض راهها در سالهای اخیر امکانات بیشتری را فراهم آورده، ولی

۱-سازمان ترافیک تهران - تازه های ترافیک - نشریات مختلف.

پاسخگوی تسهیل درامر رفت و آمد وسائل نقلیه ورودی - خروجی ازناحیهٔ مرکزی نمی باشد.

از جمله راههای مشوق در کاهش استفاده از وسایل حمل ونقل شخصی تجهیز وسایل حمل و نقل عمومی و نظارت بر عبور ومرور این وسایل درقسمتی از روز است. کمبود توقفگاهها، تراکم وسایط نقلیه را به جای استقراردر ناحیه مرکزی در نواحی حاشیه ای طرح محدودیت رفت وآمد کشانیده است. در این ارتباط یکی از بهترین راه حلها، توسعه وافزایش توقفگاههای مجانی و با ظرفیت مناسب در حاشیه طرح و افزایش تعداد خطوط انواع وسایل حمل ونقل عمومی در محدوه های طرح می باشد. در ارتباط با کاربرد اراضی موجود، رفت وآمد درناحیهٔ مرکزی به منزلهٔ بادکنکی می ماند که اگر فشاری از یک جانب آن وارد آید، حجم آن ازجانب دیگر به بیرون می زند. کما آنکه کاهش تردد در محدودهٔ طرح، بحران رفت وآمد را به حاشیه های ورودی آن کشانیده است. از جمله راههای دیگر، کاهش سفر وسایل حمل ونقل شخصی به مرکز شهر، پرداخت ورودیه جهت وارد شدن به ناحیهٔ طرح است. که این مهم در حال انجام است.

از جمله مهمترین مشکلات، ارتباط مؤسسات اداری با یکدیگر و مراودات تجاری در سطح ناحیه مرکزی شهر است. این فعالیتها حجم عظیمی ازوسائل نقلیه را به سوی خود می کشاند. به عنوان مثال پراکندگی چند اداره درارتباط با هم در سطح ناحیه مرکزی به تولید سفرهای روزانه بیشتری می انجامد و هنگام تداخل با خرید مشتریان و تبادلات کالا در نواحی مختلف، بار زیادی را بر جریان عبور ومرور می افزاید. دراین مورد نزدیک شدن محل استقرار سازمانهای مرتبط با یکدیگر در ارتباط با خیل عظیم جمعیتی که به منظور رفع نیاز خود به ناحیه مرکزی مراجعه می نمایند، گامی ارزنده است. این بدان معناست که چنانچه اداره ای بیش از سایر ادارات محل مراجعه باشد، بهتر آن خواهد بود که به جای بافت مرکزی، در حاشیه یا نواحی خارجی بافت مرکزی استقرار یابد. در صورت نیاز غالب اهالی شهر، این اداره ها می تواند در شعبات مشابهی درنواحی اطراف پراکنده شود. به عنوان نمونه آن قسمت از مؤسسات شهرداری مرکزی تهران که محل مراجعه جمعیت شهر است، بهتر است به جای استقرار دریکی از متراکم ترین و فشرده ترین بافتهای رفت وآمدی در شعبات مشابه هم درنواحی بیرونی محدوده مرکزی قرار گیرد.

درارتباط با تخلفات رانندگی کلاسهای آموزشی قبل از صدور گواهینامه و آموزشهای سمعی و بصری و برپایی کلاسهای آموزشی ازطریق وسائل ارتباط جمعی ازجمله راههای بالا بردن سطح دانش حرکت با وسیله نقلیه است.

یکی از مسائلی که ناحیه مرکزی تهران با آن مواجه است، کمی فضاهای توقف خودرو است. به منظور پاسخگویی به کمی عرض معابر اصلی و فرعی درمحدوده مرکزی، احداث توقفگاه عمومی راه حل

مناسبی درجلوگیری ازتوقف خودروها در طرفین خیابانها می باشد. در این صورت عرض خیابانها برای عبور و مرور، گنجایش بیشتری پیدا می کند.

در ارتباط با ضوابط و مقررات ساختمانی شهرداری تهران، همانطور که بیان شد، سطح راهها با سطح زیر بنای ساختمانهای تجاری - اداری - خدماتی متمرکز در مرکز شهر نامرتبط است. در این زمینه مقررات ساختمانی شهرداری می تواند از تراکم و تمرکز این قبیل فعالیتها در مرکز شهرجلوگیری کند. بدینوسیله مرکز شهر با داشتن حد متعادلی ازتراکم فعالیتها، از فشارهای ناشی از حجم رفت وآمد رها می شود.

یکی ازمشکلات عمده ای که به ایجاد مانع در مسیرهای حرکتی و بروز تصادفات و راه بندانها منجر می شود، عبور عابرین پیاده از عرض خیابانها است. هرچند که ایجاد پلهای فلزی عابر پیاده نتوانسته است به اندازه کافی مورد توجه عابرین قرار گیرد، ولی با ایجاد تنوع در احداث این مسیرها (احداث معابر پیاده زیرزمینی که مراکز خرید کوچکی را نیز در داخل خود داشته باشد)می توان عابرین پیاده را به عبور از چنین مسیرهایی تشویق نمود.

عوامل مشکل زا برای تردد وسائل نقلیه در محدوده مرکزی، بحث اصلی این بخش نیست. بلکه، هدف پیشنهاد تجدید نظر درنحوه استفاده از زمین و مقررات و آئین نامه های اجرائی ساختمان در سطح منطقه مرکزی تهران است. موقعیت اماکن مسکونی و پراکندگی آنها در سطح شهر، تمرکز فعالیتها، فقدان مراکز تجاری کمک کننده به مراکز اصلی تجاری و اداری، ناموزون بودن و فقدان خدمات محله ای که نیاز روزمره به آنها؛ جمعیت را تا مرکز شهر و یانقاط دور دست می کشاند، از جمله عوامل تعیین کننده در تولید و افزایش سفرهای روزانه است. چنانچه بر اساس اندازه های جمعیت وخانوار، خدمات شهری از سطح یک محله کوچک با کلیه نیازمندیهای وابسته به آن تا محلات، نواحی و مناطق شهری جایگزین شود، و موقعیت مؤسسات اداری، تجاری و خدماتی بر اساس اولویت درنیاز جمعیت، به طور روزانه، هفتگی و ماهیانه دسته بندی و در سطح این قبیل محلات و نواحی مستقر گردد، ازحجم رفت وآمد وتمرکز آنها در منطقه مرکزی کاسته خواهد شد. تعادل در نحوه استفاده از زمین وایجاد مراکز کمک کننده به مراکز اصلی تجاری و اداری نیز به روان سازی جریان رفت وآمد در شهر خواهد انجامید. این خودگام مؤثری در کاهش آلودگیهای محیط زیست و روند نامتعادل قیمت زمین و ساختمان و اجاره بها بوده و سرقفلی ها را به حالت متعادل در می آورد. چنانچه سعی در نزدیکتر ساختن مراکز کار و سکونت شود، در وقت نیز صرفه جویی خواهد شد. همانطور که درابتدا آمد، بافت مرکزی تهران بنا به مقتضیات زمان برای جمعیتی محدود به وجود آمده و معابر آن کارآیی لازم را نسبت به سطح گسترده فعلی ندارد.

بخش دوم

نخستین بار گفتش کز کجایی
بگفت از دار ملک آشنایی
بگفت آنجا به صنعت در چه کوشند
بگفت انده خرند وجان فروشند
(نظامی گنجوی ۵۳۵-۶۱۹ هجری)

شهرسازی و برنامه های راه و ساختمان

اقدامات عمرانی درزمینهٔ اجرای برنامه های راه و ساختمان سازی ، که اثر خود را برتوسعهٔ شهرها و روستاها و ارتباط نزدیکتر این نواحی با یکدیگر می گذارد، لزوم ارتباط زنجیره ای بین رشته های راه و ساختمان با شهرسازی را یادآور می شود.

درگذشته ، تخصصهای شهرسازی و راه و ساختمان دور از هم و جدای از یکدیگر ، هریک به انجام امور مربوط به خود مشغول بوده اند. غافل ازآنکه ارتباط و بسط این دانشها بر تسهیل انجام امور محوله کمک شایان توجهی می کند.

اطلاع مهندسان راه و ساختمان ازنقشها و وظایف شهرسازی و کاربرد ضوابط آن در برنامه های اجرایی بسی مهم و قابل اهمیت است. حاصل کار آنان است که بر وسیعتر شدن کالبد شهرها و تمرکز یاعدم تمرکز جمعیت در سطح مناطق مختلف شهری می انجامد. بنابراین ، اطلاع از عملکرد شهرسازی و همکاری با شهرسازان و آگاهی از نظر آنان در حل یا کاهش معضلات و مشکلات شهری اثر بسزایی دارد.

تخصص راه و یا ساختمان معمولاً عمده تاکید خود را بر جنبه های فنی برنامه های اجرایی می گذارد. حال آنکه علاوه برمسائل فنی ، جنبه های دیگری مانند عوامل اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی ، طبیعی و اقلیمی نیز بر این امر نقش تعیین کننده دارد. کمک مهندسان ساختمان علاوه بر

موفقیت بیشتر از نتیجه کار خود، درحقیقت اقدامی درجهت کاهش موارد مساله برانگیز شهرنشینی است. توسعه راهها به همان اندازه دربهبود یا ایجاد اشکال درعملکردهای شهرسازی مؤثر است که برنامه های ساختمانی. اگر اجرای چنین برنامه هایی با اطلاع از عملکرد شهرسازی باشد، برنامه ریزی به منظور انجام امور مربوط به شهرسازی را با تسهیلات بیشتری روبرو خواهد ساخت. قبل از توضیح بیشتر ، به توجیه مختصر شهرسازی پرداخته می شود.

شهرسازی ، عبارت از مجموعه ای از آگاهی ها و مهارتهای علمی، فنی، هنری و توسعه ای ااست که به سازماندهی کالبدی و فضایی مجموعه های زیستی می پردازد. به بیان دیگر، شهرسازی ، تخصصی مستقل است که به حل مسائل شهری ، توسعه وعمران و تعیین خط مشی آیندۀ شهرها می پردازد. شهرسازی عبارت از طراحی و برنامه ریزی توسعه شهرها ، با در نظر گرفتن ضوابط اجتماعی و فرهنگی ، محیطی و آب و هوایی وبالاخره اقتصادی ومعیشتی است. در عین حال ، شهرسازی به عنوان یک فن به ارائه طرحهای توسعۀ شهری و اصلاح امور شهرها می پردازد.

در حال حاضر با پیشرفت دانش شهرسازی ، توجه به نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و طبیعی ، در طراحی و برنامه ریزی برای شهرها ازاهمیت زیادی برخوردار شده است. طراحی وبرنامه ریزی مطلوب برای یک شهر که این جنبه ها را مورد توجه قرار دهد، درشهرسازی امروز اهمیت زیادی دارد. برنامه ریزی و طراحی واحدهای مسکونی، تعیین حدود منطقی تراکم، یاری از فنون وخط مشی های اقتصادی، رفع نیازمندیهای شهر، ضابطه های طراحی محیط، روان سازی جریان سالم زندگی در شهر ، ارتباط امکانات شهر ومحیط منطقه ای آن با تعداد جمعیت و ساختار کالبدی واجتماعی واقتصادی شهر، سیاستگذاری توسعه آینده شهرها از جمله وظایف شهرسازی است. در این مورد شهرسازان به ارائه طرحهای توسعۀ شهری در ارتباط بامطلوبیت نظام محیط زیست شهری و منطقه ای می پردازند. بدیهی است که در این زمینه مسائل بوم شناسی و توسعه پایدار از اهمیت بسزایی برخوردار است.

شهرسازی و اقدامات اجرایی ساختمانی

باتوجه به توضیح مختصری که در مورد معرفی شهرسازی آمد، تا اندازه ای نقش تخصص های راه و ساختمان درهمکاری و همیاری با تخصص شهرسازی مشخص می گردد. یک ساختمان اگر چه به خودی خود بنایی مستقل است، ولی به نسبت حجم، اندازه و نقش و عملکرد خود بر بسیاری ازعوامل شهری تاثیر می گذارد. موقعیت یک ساختمان علاوه بر تاثیر بر شبکه تاسیسات زیربنایی شهری و راهها ، اثر خود را برگنجایش تاسیسات عمومی شهر مانند تاسیسات تجاری،

آموزشی ، بهداشتی و درمانی ، تفریحی و مسکونی باقی می گذارد . ازنظر سیمای محیطی نیز بر زیبایی یا زشتی ، گرفتگی محیط یا باز بودن آن عاملی مؤثر است .

طرح یک ساختمان اگر چه با استفاده از آخرین فنون باشد، ممکن است در ارتباط با آب و هوای محیط و امکانات دیگر طبیعی و یا عوامل اجتماعی هماهنگی لازم را نداشته باشد. از اینرو درجهٔ موفقیت یک برنامهٔ ساختمانی راارتباط ساختمان باعوامل فوق تعیین می کند. دراین زمینه نوع عملکرد واحدهای ساختمانی به فرا خور تاثیر متفاوتی که برمحیط اطراف خود می نهد وبا توجه به پاسخگویی محیط اطراف، با شدت و ضعفهای متفاوتی همراه است. در حقیقت جایگزینی یک ساختمان درمیان واحدهای دیگر شهری مانند پیوند عضوی دربدن یک موجود زنده است. همانطور که برای پیوند یک عضو در بدن شرایط مختلفی مانند همگروهی خون و پذیرش عضو پیوندی توسط بدن اهمیت دارد، ایجاد یک ساختمان نیز درمیان مجموعه های دیگر شهری به همان اندازه شرایط مناسبی را می طلبد. بنابراین یک ساختمان در ارتباط با سایر مجموعه های شهری پدیده ای مجرد و مجزا نیست. عوامل و شرایط مساعد فراوانی لازم است تا یک ساختمان بتواند با موفقیت درمحیطی به وجود آید و ثمره ای مناسب نیز داشته باشد.

برای توجیه بیشتر مطالب فوق ، تاثیراتی که یک ساختمان از دیدگاه شهرسازی و مسائل شهری ازمحیط اطراف خود گرفته و برمحیط اطراف خود می گذارد، مورد بررسی قرار می گیرد. برای افزایش درجه مطلوبیت یک ساختمان در یک محیط شهری سنجش موارد زیر، ضروری است :

– درارتباط با عوامل طبیعی :

- ارتباط ساختمان باتوجه به سرد و گرم کردن و نورگیری آن به نسبت امکان استفاده ازمنابع سوخت در سطح شهر و منطقه .
- ارتباط ساختمان با شرایط آب و هوایی .
- ارتباط ساختمان با شیب و ارتفاع زمین و شبکهٔ راهها .
- ارتباط ساختمان با اراضی پست و سیل گیر .
- ارتباط طبقات ساختمان با فشار هوا ونیروی برق (مانند استفاده ازنورمصنوعی و بالابر) .
- ارتباط استقرار ساختمان باتابش خورشید و زوایای آن در فصول مختلف .
- ارتباط ساختمان با خاك و ایستایی خاك .
- ارتباط ساختمان با عوامل دیگر طبیعی مثل باد و زلزله .
- ارتباط ساختمان با نظم در محیط طبیعی ومصنوعی ، چشم اندازها ، فضاهای سبز و سیمای

شهری.

ـ در ارتباط با عوامل اجتماعی و اقتصادی :

ـ رابطهٔ عملکرد ساختمان بانوع فرهنگ و سنت جمعیت استفاده کننده.

ـ عملکرد ساختمان در اشراف و پوشیده بودن ساختمان بدون چشم انداز به فضاهای خصوصی.

ـ بسط روابط همسایگی و ایجاد مودت بین همسایگان.

ـ عملکرد ساختمان درارتباط با چشم انداز به فضاهای باز و سبز و طبیعی به عنوان یک عامل آرامش دهنده.

ـ عملکرد مناسب ساختمان با اندازه تراکمهای خالص و ناخالص شهری.

ـ شکل ساختمان درارتباط با روحیات جمعیت.

ـ بازدهٔ مناسب و سالم اقتصادی زمین.

ـ موقعیت مناسب ازنظر اقتصادی.

ـ الگوی مناسب برای نواحی اطراف.

ـ امکان استقلال اجزاء کوچکتر داخل ساختمان (مثلاً در صورتی که مجموعه مسکونی است از نظر سرو صدا ، رفت و آمد و فضاهای عمومی یا خصوصی).

ـ هماهنگی با سنتها و آداب و رسوم برحسب نوع عملکرد ساختمان.

ـ در ارتباط با عوامل کالبدی و طراحی:

ـ مطابقت بابرنامه های نحوهٔ استفاده از زمین.

ـ مطابقت با ضوابط و مقررات ساختمانی شهر به منظور تنظیم حدود تراکم ساختمانی تعیین شده در محیط.

ـ زیبایی و چشم انداز مناسب به فضاهای باز و سبز و طبیعی.

ـ هماهنگی ازنظر نوع عملکرد با ساختمانهای اطراف.

ـ هماهنگی با شبکهٔ راهها و گنجایش آنها.

ـ هماهنگی با قطعه بندی اراضی باتوجه به حجم ساختمان و طبقات آن.

ـ در ارتباط با شکل و بافت شهری:

ـ حتی الامکان استفاده ازمصالح ساختمانی موجود یاهماهنگ با محیط.

ـ هماهنگی با بافتها و ساختمانهای دیگر اطراف .
ـ هماهنگی شکل ساختمان با ساختمانهای اطراف .
ـ هماهنگی درنمای ساختمان با ساختمانهای اطراف .
ـ هماهنگی فنون به کار گرفته شده در ساختمان و عملکرد آن با یکدیگر .
ـ هماهنگی در ریخت ساختمان در ترکیب با مجموعه های اطراف .

ـ در ارتباط با تاسیسات شهری :

ـ هماهنگی ساختمان با ظرفیت شبکه های آب ، برق ، تلفن ، گاز و فاضلاب و اصول فنی آنها .
ـ هماهنگی حجم و ظرفیت ساختمان با گنجایش و ظرفیت و عرض راهها ونوع فعالیت اطراف آنها .
ـ موقعیت و عملکرد ساختمان با نوع و درجه بندی راهها .
ـ موقعیت و عملکرد ساختمان با انواع ساختمانهای مشابه از نظر همجواریهای شهری .

ـ در ارتباط بامحیط زیست :

ـ جلوگیری از بروز سرو صدای مزاحم برای ساکنان نواحی مسکونی .
ـ جلوگیری از ایجاد ساختمان مسکونی در مسیر شبکه راههای اصلی و پر سرو صدا .
ـ جلوگیری از دفع فضولات و تولیدات زباله ناشی از عملکرد ساختمان به فضاهای باز و نواحی اطراف .
ـ جلوگیری از بروز آلودگیهای صدا ، هوا و محیط ناشی از عملکرد ساختمان .
ـ جلوگیری از زشت شدن طبیعت اطراف دراثر دخل و تصرف بی رویه در محیط (محیط طبیعی کوهها، و مزارع و باغها و فضاهای سبز) .
ـ کاربرد نوع مصالح ساختمانی مناسب با آلودگی هوا .

عوامل فوق تمام مواردی که معمولاًباید از دیدگاه شهرسازی در طرح ساختمانهای شهری رعایت شود، نبوده بلکه مهمترین موارد است .

شهرسازی و اقدامات اجرایی راه سازی

معمولاً احداث راهها به بهبود روابط کالبدی شهر و رفت و آمد جمعیت ، کمک ارزنده ای می کند. راهها معمولاً بر حسب نوع خود به عنوان یک مجموعهٔ مکمل شهری مطرح است . طرح راهها اعم از آبی، هوایی، راه آهن، راههای جاده‌ای و راههای درون شهری، هریک به نوبه خود

چنانچه در ارتباط با فنون شهرسازی قرار گیرد و طراحی آنها با ژرف نگری توام باشد، هم راهها از عملکرد مناسب تری برخوردار خواهد شد و هم پاسخ بهتری را برای استفاده کنندگان به همراه خواهد داشت.

شبکهٔ راههای درون شهری عامل پیوند دهندهٔ عناصر مختلف شهر با یکدیگر است. گذشته از مسائل فنی، راهها باید به شیوه ای طراحی شده و به مرحله اجرا در آید که ضمن صرفه جویی اقتصادی، در ارتباط با محیط اجتماعی قرار داشته باشد. چنانچه این موارد در طرح شبکهٔ راهها مورد توجه قرار نگیرد، حتی اگرراهها از نظر فنی از بالاترین سطح ممکن برخوردار باشد، باعث بروز اختلالات فراوانی می شود. مهمترین مواردی که از دیدگاه شهرسازی برطرح راهها مستولی است و توجه به آنها باعث موفقیت بیشتر برنامه ها می شود، به قرار زیر است:

ـ فرودگاهها:

ـ موقعیت فرودگاه نباید در مسیر وزش باد اصلی به سوی شهر باشد.
ـ فرودگاه باید تا اندازهٔ ممکن از نواحی مسکونی شهری دور باشد.
ـ جهت نشست و برخاست هواپیماها نباید در مسیر عبور از روی واحدهای مسکونی و اماکن پرجمعیت باشد.
ـ فرودگاهها باید با طرح راههای مناسب به نواحی درون شهری و برون شهری و بدون تاثیر برجریان عادی زندگی در شهر مربوط گردند.
ـ احداث فرودگاه باید مطابق با برنامه توسعهٔ کالبدی شهر باشد تا پس از چند سال اراضی اطراف آنرا ساختمانهای شهری محاصره نکند و فرودگاه در میان بافت شهری قرار نگیرد.
ـ جوانب فرودگاه باید به اندازه کافی توسط تاسیسات و وسایل مختلف عایق صدا و با جنگلکاری و درخت کاری پوشیده شود، تا شدت صدای ناشی ازنشست و برخاست هواپیما به محیطهای اطراف تقلیل یابد.
ـ فرودگاه باید دارای گنجایش کافی به منظور توقف خودروها بوده و درجوانب خود نیازمندیهای دیگر مانند مرکز خرید، پست، تلفن، خدمات تجاری، اقامتگاه و مسافرخانه وتالارهای غذاخوری را تعبیه نماید.
ـ موقعیت فرودگاه باید در ارتباط با ارتفاع ومیزان مقاومت ساختمانهای اطراف خود از نظر تاثیر صدا و مسیر حرکت هواپیما تعیین شود.

ـ بندرگاهها :

ـ باراندازکشتی ها درمحیطی مناسب قرار داشته وبا سایر عملکردهای بندر تداخل نیابد.

ـ باراندازها باید توسط راههای مناسبی که با سایر راههای شهری تداخل نداشته باشد، به شبکه راههای خارج شهری مربوط گردد.

ـ لنگرگاهها و باراندازها باید برمبنای برنامه نحوه استفاده از اراضی شهری مکان یابی شود. دراین زمینه باید هماهنگیهای لازم از نظر فنی و نحوه کاربری اراضی به عمل آید.

ـ فعالیتهای هم گروه مانند بازرسی ترخیص کالا، انبارها و باراندازکشتی ها حتی الامکان در یک محیط گرد آید تا تراکم رفت و آمد را برای دسترسی به یکدیگر کاهش دهد.

ـ در ارتباط با ظرفیت و گنجایش با راندازها، انبارها و سایر فعالیتهای همگروه با میزان زمین مورد احتیاج و طول ساحل آینده نگری شود.

ـ موقعیت باراندازها و لنگرگاهها و بر حسب نوع عملکرد، ازنظر حفظ محیط زیست نباید درمسیر وزش باد به سوی مجتمعهای شهری قرار گیرد، تا خطرات ناشی از احتمال تولید بو، آلودگی محیط، آتش سوزی و امثال آنها به سایر نقاط به حداقل کاهش یابد.

ـ راه آهن :

ـ ایستگاهها و خطوط راه آهن نباید در مسیر استقرار واحدهای مسکونی و ازمیان محلات مسکونی عبور نماید.

ـ پیش بینی لازم برای تعیین موقعیت ایستگاه و راه آهن با برنامهٔ نحوهٔ استفاده از اراضی شهر و توسعه شهری به عمل آید تا پس از چندی جوانب ایستگاه توسط دیگر تاسیسات شهری اشغال نشود.

ـ باتوجه به آنکه خطوط راه آهن برای توسعه های بعدی شهر لبه و مانع ایجاد می کند، حتی الامکان خطوط راه آهن به شیوه ای مکان یابی شود که مانع توسعه های مناسب شهری نباشد.

ـ در مسیر راه آهن و برحسب مورد، پلهایی ایجاد شود تا عبور و مرور عابران پیاده و سواره را با عرض و ایمنی مطمئن برخوردار سازد. این مورد پیوند اراضی اطراف را که توسط خطوط راه آهن مجزا شده، امکان پذیر خواهد ساخت.

ـ ایستگاههای راه آهن دارای تاسیساتی مناسب مانند توقفگاه کافی خودرو، فضای غذاخوری، اقامتگاه و مسافرخانه، مرکز خرید و خدمات تجاری و تفریحی باشد.

ـ ایستگاههای راه آهن باید با طرح شبکه های مناسب، به نواحی مختلف درون شهری و برون شهری شهری پیوند یابد.

ـ راههای جاده ای :

ـ در مسیر راههای جاده ای و به فراخور طول مسیر، خدمات موردنیاز مانند خدمات و تعمیر اتومبیل، توقفگاه موقت، غذاخوری، جایگاه توزیع سوخت، خدمات درمانی و تلفن تعبیه گردد.

ـ راههای جاده ای از اراضی زراعی و سبز و باغها (به ویژه درنواحی با آب و هوای خشک) عبور ننماید.

ـ راههای بین شهری بویژه درنواحی ایلی و عشیره ای مسیرحرکت و کوچ ایلات و عشایر را مورد تاثیر خود قرار ندهد.

ـ قبل ازاحداث راهها و عبور آن از نواحی روستایی، ژرف نگری لازم در زمینه تاثیر راه بر نواحی روستایی، مهاجرتها، اقتصاد و معیشت روستایی و فرهنگ آنان به عمل آید، تا عملکرد راه در نواحی روستایی عملکردی ثمربخش و سالم باشد.

ـ راههای جاده ای حتی الامکان از میان بافتهای موجود در روستاها عبور نکرده، نواحی روستایی و کالبد آنها را مورد هجوم قرارندهد.

ـ درمسیر راه درنواحی شهری و روستایی، حتی الامکان ازراههای کنارگذر استفاده شود تا درجریان عادی عبور و مرور داخل شهرها و روستاها اختلال ایجاد نکند.

ـ عرض و حجم راهها درارتباط با عملکردهای اقتصادی و اجتماعی منطقه و شهرهای اطراف بوده و گنجایش آنها با حجم رفت و آمد هماهنگ باشد.

ـ شبکه راههای درون شهری

ـ راههای اصلی درون شهری نباید از میان بافتها و محلات مسکونی سنتی و قابل نگهداری بگذرد. چنین اتفاقی حیات بافت کهن را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

ـ احداث راه در مسیر ساختمانهای تاریخی، مذهبی و با احترام و ارزش قرار نگیرد. قبل از طراحی راه نحوهٔ استفاده از اراضی، موقعیت ساختمانها وشناسنامه ارزش کالبدی آنها بررسی شود.

ـ از تعریض بی دلیل راهها (اعم از کوچه ها، معابر و خیابانها) جلوگیری شود. در این مورد می توان با روشهای دیگری به رفع این نقیصه پرداخت.

ـ عرض پیاده روها و معابر سواره مناسب باشد. محل گذر پیادگان به نحو مناسبی تعیین و ازایجاد مانع درمسیر رهگذران پیاده خودداری شود.

ـ ساختمانهای مسکونی چه از نظر خطر رفت و آمد و چه سر و صدا در مسیر راههای اصلی و تند رو قرار نگیرد.

ـ راهها و پلهای شهری ازنظر سطح ارتفاع باید به گونه ای باشد که رهگذران را برمحیطهای مسکونی و غیر مسکونی اطراف مشرف نسازد.

ـ راههای اصلی نباید از کنار نواحی دیگر شهری که لزوم آرامش و آسایش در آنها حس می شود (مانند بیمارستانها ، کتابخانه ها و مراکز آموزشی) گذر کند. در عین حال راهها باید دسترسی مناسبی را برای آنها فراهم آورند.

ـ ظرفیت راهها در ارتباط باحجم رفت و آمد موجود و آینده و تراکم جمعیت موجود و آینده باشد.

مطالبی که به اختصار بیان گردید، از نظر اجرایی بویژه در امور شهری نتایج رضایتبخشی را به دنبال خواهد داشت. در کاربری اراضی شهری، عدم جایگزینی صحیح فعالیتها، مکان گزینی نامناسب ساختمانها و تعبیه نادرست شبکه های رفت و آمد، باعث رشد بی رویه ای خواهد شد که نتایج آن برای شهرها، آثار نامطلوبی را به وجود می آورد. مسلماً متخصصین راه، ساختمان ، معماری و شهرسازی به همراه دیگر متخصصین و با همکاری و همیاری با یکدیگر و با استعانت از دانش خود، راه را در تفهیم روابط متقابل میان رشته ای هموار ساخته و شرایط مناسبی را برای زندگی در مراکز زیستی به وجود خواهند آورد.

مراجع :

- احیاء ، جهاندار - ۲۰۰۱ شمسی ، **زمین سیاره ای خاموش** - دهخدا - تهران - ۱۳۵۰ .

- ادب ، فیروز - **تعریف وتکامل برنامه ریزی منطقه ای** « جزوه درسی » - دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران - تهران - ۱۳۵۲ .

- ادیبی ، حسین - **مقدمه برجامعه شناسی شهری** - شبگیر - تهران - ۱۳۵۵ .

- اسکیو ، آرتور - **زیستن درکنار سیل** - فصلنامه طبیعت ومنابع - شماره ۲ - کمیسیون ملی یونسکو در ایران - تهران - ۱۳۷۱ .

- اشرف ، احمد - **شهرنشینی در ایران از دیدگاه جامعه شناسی تاریخی** « جزوه درسی » - دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران - تهران - ۱۳۵۲ .

- اعتصام ، ایرج - **خصوصیات ومسایل مسکن در ایران** « جزوه درسی » - دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران- تهران - ۱۳۵۳ .

- اقتداری ، احمد - **دیار شهر یاران** - انجمن آثار ملی - تهران - ۱۳۵۳ .

- اگ برن ، ویلیام و نیم کف ، مه یر - **زمینه جامعه شناسی** - اقتباس امیرحسین آریانپور - چاپ پنجم - دهخدا (باهمکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین) - تهران - ۱۳۵۰ .

- باخ ، اروین گروتس - **جغرافیای شهری در افغانستان** - ترجمه سید محسن محسنیان - آستان قدس رضوی (ع) - مشهد - ۱۳۶۸ .

- بویدن ، استفن ودیگران - **اکولوژی کلانشهر** - مجله پیام یونسکو - شماره ۱۳۴ - تهران - ۱۳۶۰ .

- بهرام سلطانی ، کامبیز - **محیط زیست (مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی)** - مجلد ششم - مرکز مطالعات وتحقیقات شهرسازی ومعماری ایران - تهران - ۱۳۷۱ .

- پورافکاری ، نصراله - **شیوه های سنتی تقسیم آب در ایران** - مجله هنر ومردم - شمارهٔ ۱۹۳ - وزارت فرهنگ و آموزش عالی - تهران - ۱۳۵۸ .

- پیرنیا ، محمد کریم - **ارمغانهای ایران به جهان معماری « پادیاو »** - مجله هنر ومردم - شمارهٔ ۱۳۹ - وزارت فرهنگ و هنر- تهران - ۱۳۵۳ .

- چرمایف ، سرج والکساندر ، کریستفر - **عرصه های زندگی خصوصی و زندگی جمعی** - ترجمه منوچهر مزّینی - دانشگاه تهران - تهران - ۱۳۵۳ .

- حبیبی ، سید محسن - **از شار تا شهر ، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر وسیمای کالبدی آن، تفکر**

وتاثر - دانشگاه تهران - تهران - ۱۳۷۵ .
- خلیلی عراقی ، منصور - **شناخت عوامل مؤثر درگسترش بی رویه تهران**- دانشگاه تهران - تهران - ۱۳۶۰ .
- دفتر برنامه ریزی عمرانی وزارت کشور - **جمعیت شهرهای کشور بر اساس آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰** - شماره ۴۳ - معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور - تهران - ۱۳۷۳ .
- دفتر برنامه ریزی عمرانی وزارت کشور - **سلسله مراتب شهری ، مبانی نظری ، نظام شهری** - شمارهٔ ۳۲- معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور - تهران - ۱۳۷۲ .
- دفتر برنامه ریزی عمرانی وزارت کشور - **گزارش شاخص های توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ .** شمارهٔ ۴۸- معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور - تهران - ۱۳۷۳ .
- دفتر برنامه ریزی مسکن ، سازمان ملی زمین ومسکن - **برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در بخش مسکن (۱۳۷۴-۱۳۷۸)** سازمان ملی زمین ومسکن - تهران- بی تا .
- دفتر برنامه ریزی منطقه ای سازمان برنامه و بودجه - **سابقه برنامه ریزی در ایران** - سازمان برنامه و بودجه - تهران - ۱۳۶۲ .
- دیاکونف ، م . - **تاریخ ماد** - ترجمه کریم کشاورز- بنگاه ترجمه ونشر کتاب - تهران -۱۳۵۴ .
- ربوبی ، مصطفی و رحیمیه فرنگیس - **شناخت شهر و مسکن بومی ایران ، اقلیم گرم ونیمه مرطوب دزفول و شوشتر** - انجمن دانشجویان دانشگاه تهران - تهران - ۱۳۵۳ .
- رضایی ، عبدالعظیم - **تاریخ ده هزار ساله ایران** - اقبال - تهران - ۱۳۷۲ .
- روز نبلوئت ، امیلیو - **سیاست گذاری عمومی و خطر زلزله** - فصلنامه طبیعت ومنابع - شماره ۲- کمیسیون ملی یونسکو در ایران - تهران - ۱۳۷۱ .
- زنجانی ، حبیب اله - **جمعیت و شهرنشینی در ایران** - جلد اول - مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران - تهران - ۱۳۷۰ .
- سازمان برنامه و بودجه - **برنامه عمرانی چهارم کشور** - معاونت برنامه ریزی سازمان برنامه وبودجه - تهران .
- سازمان برنامه و بودجه - **تحول نیروی انسانی و اشتغال تهران** - سازمان برنامه و بودجه - تهران - ۱۳۵۷ .
- سازمان برنامه و بودجه - **سنجش عملکرد برنامه های عمرانی اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم کشور** - سازمان برنامه و بودجه - تهران - ۱۳۵۳ .
- سازمان برنامه و بودجه - **عملکرد کلی اقتصاد کشور در سه ساله اول برنامه پنجم** - سازمان برنامه و

بودجه - تهران - ۱۳۵۳ .

- سازمان برنامه و بودجه - **عملکرد کلی برنامه عمرانی اول** - سازمان برنامه و بودجه تهران - بی تا .

- سازمان و برنامه و بودجه - **عملکرد عمرانی برنامه پنجم ، مسایل اساسی و راهبردها** - سازمان برنامه و بودجه - تهران - ۱۳۵۷ .

- سازمان برنامه و بودجه - **قانون برنامه ۷ ساله اول** - سازمان برنامه و بودجه - تهران - ۱۳۴۷ .

- سازمان برنامه و بودجه - **مجموعه قوانین برنامه های عمرانی کشور ، برنامه های اول تا چهارم - سازمان برنامه و بودجه - تهران - ۱۳۴۷ .**

- سلطان زاده ، حسین - **روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران** - آگاه - تهران -۱۳۷۲ .

-سلیکوف ، ا. **درسهایی برای زندگی دریک دنیای شیمیایی** - ترجمه مظفر شریفی - فصلنامه محیط زیست - جلد دوم ، شماره دوم- سازمان حفاظت محیط زیست - تهران -۱۳۶۷ .

- شکوئی ، حسین - **جغرافیای اجتماعی شهرها « اکولوژی اجتماعی شهر»** جهاد دانشگاهی تبریز - تبریز - ۱۳۶۵ .

- شکویی ، حسین - **جغرافیای شهری** - جلد اول - تهران - ۱۳۴۸ .

- شکویی ، حسین - **محیط زیست شهری** - دانشگاه تبریز - تبریز - ۱۳۵۸ .

- شکویی ، حسین- **جغرافیای شهری** - جلد دوم - دانشگاه تبریز - تبریز - ۱۳۵۰ .

- شکیباپور ، عنایت اله - **دایرة المعارف اجتماعی یا اطلاعات عمومی** - اشراقی - تهران - ۱۳۴۶ .

- شیعه ، اسماعیل - **پژوهش در فعالیتها، کارکردها وخدمات روستایی ایران** - اداره کل بهسازی ومسکن وزارت جهاد سازندگی - تهران - ۱۳۷۲ .

- شیعه ، اسماعیل - **تمرکز وعدم تمرکز جمعیت در رابطه با تسهیلات عمومی در استان مرکزی** - معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران - تهران - ۱۳۶۴ .

- شیعه ، اسماعیل - **مبانی برنامه ریزی شهری** - چاپ هشتم - دانشگاه علم و صنعت ایران - تهران - ۱۳۷۶ .

- شیعه ، اسماعیل - **مفاهیمی از برنامه ریزی مجتمع های زیستی** « جزوه درسی » - دانشگاه علم و صنعت ایران - تهران - ۱۳۷۳ .

- صفا، ذبیح اله - **تاریخ ادبیات در ایران** - جلد دوم - چاپ پنجم - امیر کبیر- تهران - ۱۳۵۶ .

- صفی نژاد ، جواد - **آبیاری سنتی ایران** - مجله رشد آموزش جغرافیا - شماره های ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ - دفتر تحقیقات و برنامه ریزی گروه جغرافیا - وزارت آوزش و پرورش - تهران - ۱۳۶۷ .

- طبیبیان، منوچهر - **بررسی سیر تکاملی شهرهای ایران** « جزوه درسی » - دانشکده هنرهای زیبای

دانشگاه تهران - تهران - ۱۳۵۳ .
- طرح مطالعه حمل ونقل کشور - **اثرات حمل ونقل برمحیط** - شماره ۱۵ /م - سازمان برنامه و بودجه - تهران - ۱۳۶۶ .
- عباس زادگان، مصطفی و شیعه، اسماعیل (سرپرستان سفر) - **برداشت های کالبدی دانشجویان درس طراحی مجتمع های زیستی از بافت سنتی شهر زواره** - دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران - تهران - ۱۳۶۵ .
- عزیزی ، دورته - **بتن** - ترجمه سعید شفیعی - نشریه داخلی وزارت مسکن و شهرسازی- شماره ۴۶- تهران - ۱۳۶۸ .
- فتورچی ، مهدی «مترجم » - **بیانیه ریو درباره حفظ محیط زیست وتوسعه** - فصلنامه محیط زیست - جلد چهارم - شماره دوم - سازمان حفاظت محیط زیست - تهران - ۱۳۷۱ .
- فرشاد، مهدی - **تاریخ علم در ایران** امیرکبیر - تهران - ۱۳۶۵ .
- فرشاد، مهدی- **تاریخ مهندسی در ایران** - بنیاد نیشابور - تهران - ۱۳۶۲ .
- فرید، یداله - **مقدمه بر روش تحقیق شهرهای ایران** - دانشگاه تبریز - تبریز - ۱۳۴۹ .
- فلامکی ، محمد منصور - **سیری در تجارب مرمت شهری « از ونیز تا شیراز »** - وزارت مسکن و شهرسازی - تهران - ۱۳۵۷ .
- فلامکی ،محمد منصور - **شکل گیری شهرهای ایران** - شهرهای ایران - به کوشش محمد یوسف کیانی - جلد اول - جهاد دانشگاهی تهران - تهران - ۱۳۶۶ .
- کرجی، ابوبکر حسن- **استخراج آبهای پنهانی** - ترجمه خدیو جم - بنیاد نشر فرهنگ ایران - تهران - ۱۳۵۶ .
- کریمان ، حسین - **ری باستان** - دانشگاه ملّی ایران (شهید بهشتی) - تهران - ۱۳۵۴ .
- کلودشستلان، ژان - **عصر انسانهای ناهم عصر** - مجله پیام یونسکو - شماره ۲۶۰- سازمان ملی یونسکو درایران - تهران - ۱۳۷۱ .
- کمیته ملی توسعه پایدار - **توسعه پایدار** - نشریات شماره ۲ و۳ - شورای عالی حفاظت محیط زیست- سازمان حفاظت محیط زیست - تهران - بی تا .
- کورمیک، جان ، مک - **باران اسیدی** - ترجمه هادی ارشقی - سپیده - تهران - ۱۳۶۷ .
- کی نیا ، مهدی - **محیط** - نشریه محیط انسانی - جلد دوم - گروه شهرسازی دانشگاه تهران - تهران - ۱۳۴۹ .
- گروه مطالعات برنامه ریزی شهری - **شهر در ایران ازتمدن ماد تا انقلاب اسلامی** - شماره ۲۶ - دفتر

برنامه ریزی عمرانی وزارت کشور - تهران - ۱۳۷۲ .
- گوتن، آندره- **شهرسازی درخدمت انسان** - ترجمه هوشنگ ناقی -دانشگاه ملّی ایران (شهید بهشتی) - تهران- ۱۳۵۸ .
- لیند، گونار - **سیل گیری شهرها** - ترجمه مصطفی بزرگ زاده - مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی ومعماری ایران - تهران - ۱۳۷۲ .
- لیوث ، مارگو - **مقام ایران درتاریخ اسلام** - ترجمه رشید یاسمی - ابن سینا - تهران - ۱۳۲۱ .
- مرکز آمار ایران - **اطلاعات پروانه های ساختمانی صادر توسط شهرداریهای کشور در فاصله سالهای ۱۳۵۹ - ۱۳۷۳** تهران - نشریات سالهای مختلف .
- مرکز آمار ایران - **سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبانماه ۱۳۴۵** - نتایج مربوط به جمعیت ساکن کل کشور - تهران - ۱۳۴۶ .
- مرکز آمار ایران - **سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبانماه ۱۳۵۵ کل کشور** - تهران - ۱۳۵۹ .
- مرکز آمار ایران - **سرشماری عمومی نفوس ومسکن مهرماه ۱۳۶۵** - نتایج تفصیلی کل کشور- تهران - ۱۳۶۷ .
- مرکز آمار ایران - **آمار نامه سال ۱۳۶۵ استان خوزستان** - تهران - ۱۳۶۶ .
- مرکز آمار ایران - **سرشماری عمومی نفوس و مسکن تیرماه ۱۳۷۵** - نتایج تفصیلی کل کشور - تهران - ۱۳۷۶ .
- مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری - **بلند مرتبه سازی و فضاهای شهری** - شماره ۵۹ - معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور - تهران
- مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری - **جمعیت شهرهای کشور بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵** - معاونت هماهنگی امورعمرانی وزارت کشور - تهران - ۱۳۷۶ .
- مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری - **سومین کنفرانس جهانی شهرداران برای برقراری صلح از طریق همبستگی بین شهرها** - معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور- تهران - ۱۳۷۳ .
- مزینی ، منوچهر - **مروری بر عوامل تکوین وتحول الگوهای سکونتی در ایران** «جزوه درسی» دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران- تهران- ۱۳۵۷ .
- مسلینگ ، د. ر- **رفتار اجتماعی ساکنان بلند مرتبه ها** - ترجمه فرزانه طاهری - مجلّه آبادی - شمارهٔ ۱۸ - مرکز مطالعات وتحقیقات شهرسازی ومعماری ایران - تهران- ۱۳۷۴ .
- مشهدیزاده دهاقانی ، ناصر - **تحلیلی از ویژگیهای برنامه ریزی شهری در ایران** - دانشگاه علم و صنعت ایران - تهران - ۱۳۷۳ .

- مطهری ، مرتضی - **خدمات متقابل اسلام و ایران** - صدرا - تهران - ۱۳۵۷ .
- معاونت امور مسکن - **برنامه ریزی شهری در پروژه های آماده سازی زمین** - وزارت مسکن و شهرسازی - تهران - ۱۳۶۷ .
- معاونت برنامه ریزی - **تهیه برنامه عمرانی مسکن در چهارچوب برنامه ریزی ملی** - سازمان برنامه و بودجه - تهران - ۱۳۵۵ .
- معین، محمد - **فرهنگ فارسی** - چاپ پنجم - امیرکبیر - تهران- ۱۳۶۲ .
- مکنون ، رضا - **توسعه پایدار** - شورای عالی حفاظت محیط زیست، کمیته ملی توسعه پایدار- شماره ۱ - سازمان حفاظت محیط زیست - تهران - بی تا .
- منوری ، سید مسعود (مترجم) - **بزرگراهها و الودگیهای زیست محیطی ناشی از آن** - سازمان حفاظت محیط زیست - تهران- بی تا .
- موریس ، جیمز - **تاریخ شکل شهر** - ترجمه راضیه رضازاده - جهاد دانشگاهی علم و صنعت - تهران - ۱۳۶۸ .
- مؤسسه مهندس مشاور دکتر علی ادیبی - **طرح جامع اهواز** - وزارت مسکن وشهرسازی - تهران- ۱۳۵۷ .
- مؤید، احسان اله - **پژوهشی در ویژگیهای شهرهای اسلامی** - نشریه علم و صنعت - جلد اول - شماره ۳ - دانشگاه علم و صنعت ایران - تهران - ۱۳۵۶ .
- مؤید، احسان اله - **تاثیر معماری ایران در آثار معمار باروك اطریشی «فیشر فن ارلاخ»** - مجله هنر ومردم - شماره ۱۸۲ - وزارت فرهنگ وهنر - تهران - ۱۳۵۶ .
- مؤید، احسان اله - **گنجینه های هنر ومعماری ایران در اطریش « مقاله شهر اصفهان » اثر ارنست دیز»** - مجله هنرو مردم - شماره ۱۸۶ - وزارت فرهنگ وهنر- تهران - ۱۳۵۷ .
- مهاجرانی، سید عطاله - **متن سخنرانی** - نشریه توسعه استان مرکزی - سال اول - شماره۱ - استانداری استان مرکزی - اراك - ۱۳۷۲ .
- میراب زاده ، پرستو - **توسعه پایدار** - فصلنامه محیط زیست - جلد ۶ - شماره ۳ - سازمان حفاظت محیط زیست - تهران - ۱۳۷۳ .
- میر احمدی ، مریم- **دین و دولت درعصر صفوی** - امیرکبیر - تهران- ۱۳۶۹ .
- میرزا حسین خان - **قسمتی از جغرافیای اصفهان** - مؤسسه مطالعات وتحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران- تهران- ۱۳۵۱ .
- میش ، آن - **ارزیابی دیسکهای بهداشتی محیط زیست** - وضعیت جهان ۱۹۹۴ - گردآورنده

لستربراون ودیگران - ترجمه عبدالحسین وهاب زاده - جهاد دانشگاهی مشهد - مشهد - ۱۳۷۴ .
- نوری ، جعفر ونشاط ، شیدا (مترجمان) - **راهنمای صنعت ومحیط زیست** - سازمان حفاظت محیط زیست - تهران- ۱۳۷۳ .
- نوربخش ، حمید ودیگران - **ارگ بم** - نویسندگان - تهران- ۱۳۵۵ .
- ودیعی ، کاظم - **مقدمه برجغرافیای انسانی ایران** - دانشگاه تهران- تهران- ۱۳۵۳ .
- ورجاوند، پرویز - **شهرسازی و شهرنشینی در ایران** - شهرهای ایران - به کوشش محمد یوسف کیانی - جلد چهارم - جهاد دانشگاهی تهران- تهران - ۱۳۷۰ .
- وزارت کشور - سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۳۵ - جلد اول ، تعداد و توزیع ساکنین کشور - تهران - ۱۳۳۹ .
- وزارت کشور - **سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۳۵** - جلد دوم ، مشخصات جمعیت وخانوار در کشور- تهران - ۱۳۴۰ .
- وینر، نوربرت - **استفاده انسانی ازانسانها ، سیبرنتیک وجامعه** - ترجمه مهرداد ارجمند - سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی - تهران- ۱۳۶۶ .
- هنرفر، لطف اله - **جغرافیای تاریخی** « جزوه درسی » - دانشگاه اصفهان - اصفهان - ۱۳۴۹ .

برای مطالعه بیشتر :

- آتال ، یوگش - **جاذبه های شهری ، اثرات مهاجرت روستائیان به شهرها** - پیام یونسکو - شماره ۱۷۹ - سازمان ملی یونسکو در ایران - تهران - ۱۳۶۶ .
- اهری، زهرا ، وامینی جدید شهلا - **تجارب کشورهای مختلف در تامین مسکن** - وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان ملی زمین و مسکن) - تهران - ۱۳۷۵ .
- الکساندر، تایلر، آر و فیجتر ، جرج ، اس - **اکولوژی** - ترجمه احمد کریمی - انجمن ملی منابع طبیعی ومحیط انسانی - تهران - ۱۳۵۶ .
- باستانی پاریزی ، محمد ابراهیم - **حماسه کویر** - امیرکبیر - تهران- ۱۳۵۷ .
- بخش آموزش علمی ، فنی و حرفه ای یونسکو - **آموزش بین المللی محیط زیست ، تاریخچه ، دانش پایه و روشهای آموزشی آن** - ترجمه فیروزه برومند - کمیسیون ملی یونسکو در ایران - تهران - ۱۳۷۰ .
- برتالنفی ، لودویگ ، فون - **مبانی ، تکامل وکاربرد نظریه عمومی سیستمها** - ترجمه کیومرث پریانی - تندر - تهران - ۱۳۶۶ .

- بوژ، دونالد. جی - **کاربرد پژوهشهای جامعه شناسی در برنامه ریزی شهری** - ترجمه سید محمود نجاتی حسینی - مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور- تهران - ۱۳۷۴ .

- پتروف، م. پ- **مشخصات جغرافیای طبیعی ایران** - ترجمه حسین گل گلاب - دانشگاه تهران- تهران- ۱۳۳۶ .

- پوستل، ساندرا- **آخرین واحه، آب مایه حیات** - ترجمه عبدالحسین وهاب زاده و امین علیزاده - جهاد دانشگاهی مشهد -مشهد - ۱۳۷۳ .

- پیرنیا ، محمد کریم- **آغوشهای گرم یا خانه های دل** - مجموعه مقالات اولین سمینار مرمت بناها وابنیه تاریخی - به کوشش محمد منصور فلامکی - دانشگاه تهران- تهران - ۱۳۵۰ .

- پیرنیا، محمد کریم و افسر ، کرامت اله - **راه و رباط** - سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران - تهران - ۱۳۵۰ .

- پیگولوسکایا، ن- **شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان** - ترجمه عنایت اله رضا - چاپ دوّم - شرکت انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی - تهران - ۱۳۷۲ .

- توسلی ، محمود - **اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران** - جلد اول - چاپ دوّم - مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی ومعماری ایران - تهران - ۱۳۶۹ .

- توسلی ، محمود - **قواعد ومعیارهای طراحی فضای شهری** -مرکز مطالعات وتحقیقات شهرسازی و معماری ایران - تهران - بی تا .

- جاکومینی ، والریو - **شهرها در بحران** - پیام یونسکو - شماره ۱۳۴ - سازمان ملی یونسکو در ایران- تهران - ۱۳۶۲ .

- جعفری ، محمد تقی - **بقا در قرن بیست و یکم، نقد و بررسی بیانیه ونکوور** - کمیسیون ملی یونسکو درایران - تهران - ۱۳۷۱ .

- دالب، ا. م. فورنیه - **وقتی زمین می لرزد** - پیام یونسکو - شماره ۸۰ - سازمان ملی یونسکو در ایران - تهران - ۱۳۵۵ .

- دفتر گروه مطالعات برنامه ریزی شهری - **نگاهی به عملکرد برنامه های عمرانی و فعالیتهای فصل عمران شهری در ایران** - وزارت کشور - تهران- ۱۳۷۱ .

- دفتر گروه مطالعات برنامه ریزی شهری - **نگرشی برکلیات برنامه ریزی** - وزارت کشور - تهران - ۱۳۶۹ .

- دلاواله، پیترو - **سفرنامه پیترو دلاواله، قسمت مربوط به ایران** - ترجمه شعاع الدّین شفا - چاپ دوم - شرکت انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی - تهران - ۱۳۷۰ .

- دی ، اچ ، ف . مهندسان مشاور از هلند - **رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی** - ترجمه سید جواد میر و دیگران - مرکز تحقیقات وبررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی - تهران - ۱۳۷۱ .

- راد، ناصر - **تاریخ سرزمین ایلام، از روزگار باستان تا انقراض حکومت والیان لرستان وایلام** - ارغنون - تهران - ۱۳۷۴ .

- رضویان ، محمد تقی - **تمرکز زدایی در کشورهای در حال توسعه و ایران** - شروین - تهران- ۱۳۷۴ .

- روح الامینی ، محمد - **سهم فضای معماری در زندگی سنتی ایران** - مجموعه مقالات اولین سمینار مرمت بناها وابنیه تاریخی - به کوشش محمد منصور فلامکی - دانشگاه تهران - تهران- ۱۳۵۰ .

- رهنمایی ، محمد تقی - **توانهای محیطی ایران ، زمینه های جغرافیایی طرح آمایش سرزمین** - مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی ومعماری ایران - تهران - ۱۳۷۰ .

- زاکس ، اینیاسی - **بو م شناسی و فلسفه توسعه** - ترجمه سید حمید نوحی - مؤسسه فرهنگی کیان - تهران - ۱۳۷۳ .

- زریونی ، محمد رضا - **باکنار گذاشتن شهرسازی نمی توان شهر امروزی ساخت** - مجله آبادی - شماره ۱۸ - مرکز مطالعات وتحقیقات شهرسازی ومعماری ایران - تهران - ۱۳۷۴ .

- زنجانی ، حبیب اله - **جمعیت وشهرنشینی در ایران** - مرکز مطالعات وتحقیقات شهرسازی و معماری ایران - تهران - ۱۳۷۰ .

- زنوز، محمد هادی - **تحولات صنعت در استان مرکزی** - فصلنامه راه دانش - شماره های ۵ و ۶ - انجمن علمی ، فرهنگی وهنری استان مرکزی - اراك - ۱۳۷۵ .

- سازمان ملی یونسکو - **شهرها در تنش** (مجموعه مقالات) - پیام یونسکو - شماره ۲۴۸- سازمان ملی یونسکو در ایران - تهران - ۱۳۶۹ .

- سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه) - **مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران** - پنج جلد - تهران - ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ .

- سالاس ، رافائل .م- **شهرهای بی حصار** - پیام یونسکو - شماره ۲۰۸- سازمان ملی یونسکو در ایران - تهران - ۱۳۶۶ .

- سلیمانی ، محمد - **نگاهی به الگوی استقرار شهر صنعتی وتاثیرات متقابل آن با شهر اراك** - فصلنامه راه دانش - شماره های ۵ و ۶ - انجمن علمی ، فرهنگی و هنری استان مرکزی - اراك - ۱۳۷۵ .

- شوای ، فرانسواز - **شهرسازی ، تخیلات و واقعیات** - ترجمه سید محسن حبیبی - دانشگاه تهران -

تهران - ۱۳۷۵ .
- شیعه ، اسماعیل - **اراك ، شهر جدید عصر قاجار** - فصلنامه راه دانش - شماره های ۷ و ۸ - انجمن علمی، فرهنگی وهنری استان مرکزی - اراك - ۱۳۷۵ .
- شیعه ، اسماعیل - **درگذشته ، مردم چگونه با سیل مقابله می کردند** - روزنامه اطلاعات - شماره ۱۰۹۴۹ - تهران - ۱۳۵۸ .
- صدوقیان زاده ، مینوش - **آثار اجتماعی وروانی زندگی در ساختمانهای بلند** - مجموعه مقالات اولین همایش ملی ساختمانهای بلند در ایران - دانشگاه علم و صنعت ایران - تهران - ۱۳۷۶ .
- طالب ، مهدی - **مدیریت روستایی در ایران ، تحقیقی از بنیاد مسکن انقلاب اسلامی** - دانشگاه تهران - تهران - ۱۳۷۱ .
- فرشاد ، مهدی - **نگرش سیستمی** -امیرکبیر - تهران - ۱۳۶۲ .
- فروردین ، پرویز - **الفبای علمی مدینه فاضله** - نویسنده - تهران- ۱۳۶۳ .
- فرید، یداله - **جغرافیا و شهرشناسی** - دانشگاه تبریز - تبریز -۱۳۶۸ .
- فرید، یداله - **سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی** - مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز - تبریز - ۱۳۵۷ .
- فرید، یداله - **کاربرد جغرافیا در روش تحقیق شهر وروستا** - دانشگاه تبریز - تبریز - ۱۳۷۱ .
- فلامکی ، محمد منصور -**باز زنده سازی بناها وشهرهای تاریخی** -دانشگاه تهران - تهران - ۱۳۵۶ .
- کریمان، حسین - **تهران درگذشته وحال** - دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی) - تهران- ۱۳۵۵ .
- کینگ ، ساموئل -**جامعه شناسی** - ترجمه مشفق همدانی - چاپ سوم - امیرکبیر - تهران- ۱۳۴۶ .
- ماکاروف ،ی . م- **سیبرنتیک** - ترجمه فاطمه السادات رفیعی - دانشگاه صنعتی شریف -تهران - ۱۳۷۵ .
- مخدوم ، مجید - **شالوده آمایش سرزمین** - دانشگاه تهران - تهران - ۱۳۷۴ .
- معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۶ تهران- **آلونک نشینی پدیده ای نابهنجار** - شهرداری منطقه ۱۶ تهران - تهران - بی تا .
- مؤسسه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله - **آموزش همگانی برای مقابله با خطرات زلزله** - نشریه شماره ۲-۹۱-۷۰ - تهران - ۱۳۷۰ .
- میریان ،عباس - **جغرافیای تاریخی سرزمین خوزستان** - نویسنده - تهران- ۱۳۵۲ .
- نجمی ، ناصر - **دارالخلافه تهران** - امیرکبیر - تهران - ۱۳۵۶ .
- نقش محیط ، مهندسان مشاور - **آینده اسکان بشر، خلاصه گزارش از اسناد کنفرانس ملل متحد در**

زمینه اسکان بشر (زیستگاه ۲) - ترجمه حمید خادمی - مهندسان مشاور نقش محیط - تهران ۱۳۷۷ .
- نمایندگان MAB و دیگران - **نظامهای شهری** - پیام یونسکو - شماره ۲۰۸- سازمان ملی یونسکو در ایران - تهران - ۱۳۶۷ .
- نیم مه یر ، اسکار - **شهر سال ۲۰۰۰** - پیام یونسکو - شماره ۱۷۹ - سازمان ملی یونسکو در ایران- تهران - ۱۳۶۶ .

ماخذ عکسها :

عکس رنگی روی جلد - مدیریت سازمان میراث فرهنگی استان یزد .

عکس صفحه ۳۲- طراح و عکاسJoseph Mc. Hugh .

عکسهای صفحه ۱۱۶- مدیریت سازمان میراث فرهنگی استان یزد .

عکسهای صفحه ۲۱۸ و ۲۲۸- مهندس مسعود رسولی نژاد .

عکسهای صفحه ۲۵۲و۲۵۳- مجموعه شخصی اسماعیل شیعه .